۹ دی
هفته نامه سیاسی . فرهنگی . اجتماعی
www.۹day.ir
شنبه ۳۱ خرداد ۹۳ ۲۳ شعبان ۱۴۳۵ شماره صد و پنجاه و یکم ■ 21 June 2014 , Vol 4 , No 151 ■ ۱۶ صفحه ■ قیمت ۱۵۰۰ تومان

آیت الله رجبی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه در گفتگو با ۹دی؛

هیچ دولت مردی، حق ندارد سکولاریستی و لیبرالیستی فکر کند

۱۴

روایت متفاوت ۹دی از پشت پرده جلسه رئیس جمهور و رقبای انتخاباتی؛

نقد گفتمانی در مهمانی روحانی

پرونده ویژه

فراموش نکردن دشمن اصلی، استراتژی جبهه مقاومت

راه قدس باز هم از کربلا می گذرد

۸ منفعت راهبردی آمریکا در اقدامات تروریستی داعش

آب گل آلود عراق و ماهی هایی برای آمریکا

تبارشناسی یک قرائت انحرافی از اسلام جهادی؛

قبله اسرائیلی، سلاح آمریکایی

۷-۱۰

جلیلی جایگزین ولایتی شد؛

پیام هایی آشکار از انتصابات جدید شورای راهبردی روابط خارجی

۲

نگرانی حامی دولت از کاهش محبوبیت آن

رفسنجانی: امیدها به دولت کم شده

۲

جواد کریمی قدوسی
زیر لحاف اعتدال چه می گذرد؟
۱۶

دکتر داوری اردکانی
فیلسوف به سیاست فکر می کند
۱۵

دکتر ناصر نعمتی
مدل مفهومی سیاستهای کلان اقتصاد مقاومتی
۱۳

دکتر رضا سراج
شیعه و سنی عراق، علیه دست پرورده جدید آمریکا
۱۰

مهدی خانعلی زاده
این دانشگاه فقط زنگ ورزش دارد!
۵

معصومه سپهری
سالها گوش بزنگ انتشار این کتاب بودم
۴

امیرحسین ثابتی
«مصباح» دوستان خار چشم دشمنان
۳

دکتر علیرضا مرندی
موسوی نخست وزیر با موسوی ۸۸ فرق داشت
۱۱

روایت متفاوت ۹دی از پشت پرده جلسه رئیس جمهور و رقبای انتخاباتی؛

نقد گفتمانی در مهمانی روحانی

گزارش ویژه ۹دی- هفته گذشته حجت الاسلام حسن روحانی رئیس جمهور یازدهم از رقبای سال گذشته خود دعوت کرد تا در یک نشست صمیمی و دوستانه شرکت کنند. در این جلسه همه رقبای انتخاباتی حجت‌الاسلام روحانی شامل آقایان محمدرضا عارف، غلامعلی حداد عادل، محسن رضایی، سیدمحمد غرضی، سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف حاضر بودند و فقط علی‌اکبر ولایتی به دلیل سفر خارجی حضور نداشت.

رییس جمهور بعد از گرفتن عکس یادگاری با شش تن از رقبای انتخاباتی‌اش در کنار «شعار همیشه در کنار هم هستیم» و بدرقه آنان در جمع خبرنگاران، این دیدار را بسیار خوب و سمبلیک برای نشان دادن وحدت و همدلی و سودمند برای منافع ملی عنوان کرد. نکته ای که بسیاری دیگر از رسانه های حامی و حتی منتقد دولت نیز به آن اشاره کردند.

در این که پذیرش چنین دعوتی از سوی رقبای دکتر روحانی فی نفسه و بویژه بعد از حوادث تلخ سال ۸۸ اقدامی قابل درک و نوعی درس دادن به جریانات و شخصیتهای سیاسی شکست خورده است تردیدی نیست اما این که برخی از رسانه های همسو با دولت یک روز بعد از این نشست، چنین القا کردند که رقبای رئیس جمهور برای اجابت به چنین دعوتی سراسیمه شتافتند و آب از آب هم تکان نخورد قابل تأمل بود.

افکار عمومی هم اما سئوال داشت که با توجه به برخی سیاست های قابل نقد دولت، آیا این جلسه به صورت یک طرفه و صرفا تزیینی به پایان رسیده است، آن طور که برخی از سایتها و روزنامه های همسو با دولت القا کردند؟ روایت برخی چهره های حاضر در این جلسه اما حاوی نکاتی است که نشان می دهد ظاهرا غیر از فضای لبخند و صمیمیتی که از این جلسه در رسانه ها بازتاب داشته، صحبتهای جدی تری با رئیس دولت نیز در این جلسه رد و بدل شده است.

در این رابطه دکتر حداد عادل به بیان انتقادهای خود می پردازد. حداد که بخشی از گفته های خود را رسانه ای کرده در روایت خود از این جلسه آورده است:

«بعد از نماز نیم ساعت با آقای رئیس جمهور صحبتهای دوستانه ای داشتیم و من شخصا آرزومندم جناب آقای دکتر روحانی در وظیفه سنگینی که برعهده دارند موفق شود.» وی در ادامه با یادآوری یکی از توطئه های دشمنان اظهار می کند: «یکی از نظریه هایی که از سوی بیگانگان برای مخالفت با انقلاب ترویج می شود، نظریه حاکمیت دوگانه است، در دوره های گذشته برخی در کشور این نظریه را تکرار می کردند و دشمنان نیز برای تضعیف انقلاب خیلی علاقه دارند این نظریه را جا بیندازند که در کشور حاکمیت دوگانه است رهبر معظم انقلاب یک نظر دارند و دولت و رئیس جمهور یک نظر دیگر. امیدوارم ایشان در عمل هم موفق شوند و بتوانند با تحقق عملی رهنمودهای رهبری ،این نظریه ضد انقلابی حاکمیت دوگانه را نفی کرده و بطلان آن را در عمل ثابت کنند.»

ظاهرا این بیان ظریف و لطیف حداد عادل به برخی از مواضع اخیر حسن روحانی بر می گردد که در موارد مختلفی با مواضع صریح رهبری هم خوانی ندارد و موجب سوء استفاده دشمنان انقلاب اسلامی شده است. طبق برخی شنیده ها و اخبار موثق در این دیدار همچنین سعید جلیلی ضمن بیان برخی از نکات از رئیس جمهور در مورد این گفته وی در روز قبل از این ضیافت که

نمونه ای از سوء استفاده رسانه های دولتی از یک جلسه

ایران
راز شیفتگی جهان به فوتبال
همیشه در کنار هم هستیم
۶ رقیب انتخاباتی در ضیافت روحانی

شرق
یاران روحانی در صحنه
گزارش «شرق» از فراز و نشیب همایش سالروز ۲۴خرداد در شهرهای مختلف

مردم در بیست و چهار خرداد ۹۲ به افراطیها رای ندادند سوال می کند که کدام یک از حضار جلسه و رقبای روحانی افراطی بوده اند و در انتخابات مردم به آنها نه گفتند!؟ سپس آقای دکتر حداد عادل و مهندس غرضی نیز همین اعتراض را مطرح می کنند که در پاسخ یکی از مشاورین رئیس جمهور که در جلسه حاضر بوده و کاندیداها با او آشنا بودند، حق را به حضار می دهد و صحبت رئیس جمهور را توجیه می کند.

در این جلسه از برخی مواضع فرهنگی رئیس جمهور نیز مورد انتقاد قرار می گیرد و نسبت به سوء استفاده دشمنان از این مواضع اظهار نگرانی می شود. تردیدی نیست که همه منتقدین دولت حتی برخی از رقبای او اگر انتقادی را بیان می کنند، تنها قصدشان اصلاح امور است و نه تسویه حسابهای سیاسی به همین دلیل اقدام آقای روحانی با هر هدفی صورت گرفته، باید به بهترین شکل توسط دوستان رقیبش استفاده می شد.

به نظر می رسد با توجه به نحوه رسانه ای شدن آن توسط تیم رسانه ای دولت، یکی از مهمترین اهداف برگزاری این جلسه فرار به جلو برای نشان دادن سعه صدر و بهره گیری دولت از نظرات رقبا و پوشاندن گفتارها و عملکرد تند رئیس جمهور علیه رقبا بوده است. نکته ای که نشانه های آن را می توان در تیترهای یک روز بعد در رسانه های همسو با دولت و همچنین یادداشت «پرویز اسماعیلی» معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رییس جمهوری پیدا کرد.

اسماعیلی می نویسد: «همه هفت کاندیدا، حتی آقایان عارف و حداد عادل که انصراف داده بودند، میهمان شخص رییس جمهوری بودند تا بعد از رقابت، خاطره ای برای رفاقت بسازند؛ جمعی بیارایند و مردم را امیدوار کنند که شخصیت های انقلاب زیر یک سقف قابل جمع اند؛ هم برای مناظره و رقابت، و هم برای گفتگو و همفکری صمیمانه. آنقدر یکدیگر را قبول دارند که در نماز به رقیب پیروز اقتدا می کنند و البته در خصوص مهمترین برنامه های جاری کشور نیز دیدگاههای خود را صادقانه و صریح در میان می گذارند. یک روز رقیب هم بودند و امروز در کنار هم. این نشست صمیمانه و پر از شادیِ رقبای دیروز صرفاً گپ و گعده ای صمیمانه و همدلانه بود.»

وی در پایان یادداشتش آورده است: « پایان بخش این «دیدارِ ماندگار» یک عکس یادگاری بود و شادی و صلواتی که به درخواست دکتر آشنا برای سلامتی همه میهمانان قرائت شد. این دیدار اگر چه اولین بود، امیدوارم به سنتی حسنه تبدیل شود و آخرین نباشد. چون دیدن این تصاویر بیش از هر چیز دل مردم را شاد و امیدوار می کند. مردم خوبی که از سالها نزاع و تقابل اشباع و دل آزرده شده اَند و خیری ندیده اند.»

باید به آقای پرویز اسماعیلی و دوستانش یادآوری کرد که این دیدار قبل از آن که برای مردم نسبت به سالهای بعد درس آموز باشد، برای سال های قبل درس آموز خواهد بود خصوصا سالهایی که عده ای بعد از رقابت و رأی نیاوردن به خیابان ها ریختند و با آشوب طلبی و بیانیه صادر کردن، هم صدا با دشمنان انقلاب اسلامی، یکی از ظرفیت های بزرگ انقلاب را به تلخی کشاندند.

کاندیداهای رقیب آقای روحانی و هواداران آنها نشان دادند که به مردم سالاری و قانونمداری با تمام وجود قائلند و برای آن هزینه می دهند چه در سال ۸۸ و چه در سال ۹۲.

سایه روشن سیاست

آیت الله سازی هاشمی این بار برای حسن خمینی

جهان نوشت: با توصیه هاشمی رفسنجانی قرار است رسانه‌های اصلاح‌طلب از این به بعد برای سیدحسن خمینی از لفظ آیت‌الله استفاده کنند! خود آقای هاشمی هم اخیراً در یک سخنرانی با همین عنوان از سید حسن خمینی یاد کرده است.لازم به ذکر است که استفاده از لقب آیت الله اولین بار برای خود رفسنجانی از سوی خانواده و اطرافیان وی شروع شد. این در حالی است که هیچ اجازه اجتهادی برای از سوی مراجع گذشته و حال موجود نیست. گفتنی است در ایام جنگ که خطبای جمعه معمولا خطبه های عربی نیز می خواندند کثرت غلط های لفظی در عبارات عربی خطبه های رفسنجانی باعث به سخره گرفته شدن خطبای جمعه از سوی بیگانگان و برخی عرب زبانان شده بود. معلوم نیست با این سطح سواد کم خود اقای رفسنجانی وی چگونه میخواهد شخص دیگری را هم آیت الله بنامد.

جلسات سیاسی لاریجانی با اطرافیان روحانی

علی لاریجانی، سلسله جلسات سیاسی را که مربوط به انتخابات آینده مجلس است، آغاز کرده است. در این جلسات حسین انتظامی، جمشیدی و معراجی از قم شرکت می کنند. تاکنون ناطق نوری (دو جلسه)، رحمانی فضلی و نهاوندیان در این جلسات حضور یافته‌اند. از آقایان قالیباف و ولایتی هم دعوت‌شده که تاکنون شرکت نکرده‌اند. گفته می شود اعضای این جلسه در حال بررسی زمینه‌های تشکیل یک حزب هستند.

دستور ویژه «فائزه هاشمی» برای قلع و قمع مدیران دولت قبل

ماندن مدیران احمدی‌نژاد در دولت نشان از «اعتدال» نیست!

متهم فتنه ۸۸ گفت: اینکه مدیران قبلی را در این دولت حفظ کنیم، نشان از اعتدال و فراجناحی بودن دولت نیست بلکه نیاز است تا مدیران همفکر و شجاع در کشور به کار گمارده شوند. روزنامه آرمان، سخنان تامل برانگیز فائزه هاشمی رفسنجانی در مراسم سالگرد انتخابات ریاست‌جمهوری دولت تدبیر و امید در جمع حزب اعتدال و توسعه کاشان؛ را بازنشر داد. وی در این جلسه مدعی شد: ۸سال گذشته دوران سختی بود و نباید در این دوران رفتاری خلاف شیوه اعتدال و تدبیر را شاهد باشیم . به گفته وی عدم توجه به بزرگان کشور سبب شده با تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایمان در مسیر توسعه در جا بزنیم! این متهم فتنه ۸۸ عنوان کرد: اینکه مدیران قبلی را در این دولت حفظ کنیم، نشان از اعتدال و فراجناحی بودن دولت نیست بلکه نیاز است تا مدیران همفکر و شجاع در کشور به کار گمارده شوند.

تلاش راس فتنه برای رفع کدورت با عارف

خاتمی تلاش‌هایی برای رفع کدورت عارف آغاز کرده است. وی در جایی گفته است: عارف از ما دلخور است و باید دلخوری او را برطرف کنیم. دلخوری او به‌حق است. حتی به قیمت سرلیست شدن عارف در تهران، نباید بگذاریم او برای انتخابات لیست جداگانه بدهد. هدف او این است که رئیس مجلس شود. باید یک‌جوری آرامش کرد که لیست جدا ندهد، چون اگر این کار انجام شود، رأی‌هایش را از سبد ما برمی‌دارد و نه اصولگرایان.آخرین خبرها هم حاکی است که بعد از طرح این مسأله تا کنون دو جلسه با وساطت برخی افراد میان عارف و خاتمی برگزار شده و تا حدودی رفع کدورت شده است. از جهت مقابل هم تعدادی از عناصر اصلاح‌طلب عارف را تحریک می‌کنند که دوباره سرت کلاه نرود.

تعارض در رفتار امروز و سخنان دیروز؛

بالاخره عوام گرایی خوب است یا نخبه گرایی؟!

علی رستگاری

رفتارهای عوام گرایانه از جمله شدید ترین انتقاداتی بود که در دولت گذشته نسبت به رئیس جمهور و دولتمردان او نسبت داده می شد. به گونه ای که در طول هشت سال حاکمیت دولت محمود احمدی نژاد، هر روزه حجم غالبی از محتوای سخنان و مصاحبه های جبهه معارضان و مخالفان دولت را اتهام پراکنی آنان نسبت به رفتارهای مردمی دولت تشکیل می داد. در راس این جبهه منتقد، هاشمی رفسنجانی، حسن روحانی ، ناطق نوری، و اعوان و انصار آنان بودند که در موضع گیری های خود، دولت و رئیس جمهور را به عوام فریبی و انجام رفتارهای پوپولیست گونه متهم می ساختند. اینان انجام سفرهای استانی ، توزیع یارانه میان مردم، گرم گرفتن رئیس جمهور با مردم، ساده زیستی رئیس جمهور، برخورد بی غل و غش او با مردم که در نظر آنان خارج از پروتکل های تعریف شده بود، حتی کاپشن پوشی احمدی نژاد را رفتاری عوام فریبانه لقب داده و به انتقاد علیه آن می پرداختند. در روزنامه های پر تعداد این جماعت هم همواره مقالات متعددی در همین رابطه و مذمت روحیه مردمی رئیس جمهور وقت منتشر می شد. این گروه خود را حلقه نخبگان حاکمیت می نامیدند و از اینکه دولت وقت آنان را تحویل نمی گیرد و به جای آن، به سراغ جلب رضایت «گدا گشنه» هایی می دود که حتی لباس های پاره ، مندرس، کهنه ، اتو نکرده و پر وصله و پینه ای بر تن داشته و حتی «معلوم نیست پدر ومادرشان کیست!؟» غضبناک می شدند. اینچنین بود که نخ تسبیح ادعای آقایان پر مدعای وازده از مردم را انتقاد آنان از خانه نشین ساختن نخبگان و عوام فریبی و مردم گرایی دولت تشکیل می داد. حقیقت آن بود که روحیه تبختر این سنخ از مدیران به واسطه آنکه از بدو تولد « مدیر» خلق شده و باید در منصبی از مناصب اجرایی مشغول می شدند، عاملی بود تا مردم گرایی و خدمت بی منت برای مردم را بر نتابند. واقعیت دیگر هم آن بود که وقتی خودشان در راس کار نبودند مردم، عوام هایی معرفی می شدند که به دنبال ماشین رئیس جمهور (احمدی نژاد) می دوند تا همچون « دلفین های آوازه خوان» تکه غذاهایی به سمت آنان پرتاب شود. همین مردم وقتی به آنان رای ندهند باید رای‌شان لگد مال شود ولی اگر رای مردم برای دوره بعد به آنها تعلق گیرد، همان مردم هدف اصلی عوام گرایی ها قرار می گیرند؛ البته اینجا دیگر اسمش رفتارهای پوپولیستی و عوام گرایانه نیست. این در حالی است که تائیدات دائمی و مکرر رهبر فرزانه انقلاب نسبت به رفتار دولت های نهم و دهم نشان می داد که اساسا خط انقلاب اسلامی با خط فن سالاران در تعارض قرار دارد. خطی که با هدایت های داهیانه رهبری کاملا تبیین می شد. وقتی این حجم از تخریب ها نسبت به رفتارهای مردمی دولت در فضای افکار عمومی منتشر میشد رهبری نیز وارد صحنه شده و خط انقلاب را تشریح ساخته وپشت صحنه برخی از تهمت پراکنی ها را عیان می ساختند.

◆ رهبر انقلاب: مردم را رعایت کنید

(۱۷ مهر ۸۴): «و اجمعها لرضی الرعیة»؛ دیگر این‌که کاری که انتخاب می‌کنی، رضایت مردم را با خودش داشته باشد. «رعیت» به مردم اطلاق می‌شود؛ یعنی کسی که مراعات او لازم است. رعیت چیز بدی نیست. بعضی‌ها خیال می‌کنند رعیت فحش است! رعیت یعنی کسی که مراعاتش لازم است؛ یعنی توده‌ی مردم و عامه‌ی مردم. اصطلاح «ناس» و «رعیت» غالباً به قشر سواد مردم گفته می‌شود، نه گروههای خاص. تکیه‌ی امیرالمؤمنین و پیغمبر و قرآن هم روی همین مجموعه‌های عمومی مردم است؛ همینی که ما عوام مردم می‌گوییم؛ یعنی رعیت و توده‌ی مردم و سواد مردم؛ همین چیزی که خواص خاص خرج کن امروز با طرح آن در مسائل سیاسی و اجتماعی مخالفند و اسمش توده‌گرایی و پوپولیسم است. این‌که جماعت و حزب و گروه و دسته‌ی خاصی را انتخاب کنید و اینها بشوند محور تصمیم‌گیری و محور کار و طبعاً محور خیرات، خیلی خوش‌خیالی است؛ این‌که آدم خیال کند جماعت خاصی محور تصمیم‌گیری‌اند، کارها را آنها می‌کنند، انتصاب‌ها را آنها می‌کنند؛ اما وقتی نوبت تقسیم غنایم می‌شود، خودشان را زاهدانه کنار می‌کشند و می‌گویند نخیر، بروید بدهید به مردم، دیدیم و تجربه کردیم که این‌طوری نیست؛ منطقاً هم این‌گونه نیست. لذاست که در منطق علوی، نگاه و توجه به عامه‌ی مردم است. گروههای خاص و قشرهای خاص و جماعتهایی که اسم خاص و عنوان خاصی پیدا می‌کنند و برای خودشان تشخص خاصی به‌دست می‌آورند، مورد اعتبار نیستند؛ نه این‌که باید به اینها ظلم شود؛ نه، اینها هم مثل بقیه‌ی مردم تشخصی ندارند؛ از نظر اسلام تعینی ندارند؛ لذا می‌گوید: «و اجمعها لرضی الرعیة»؛ باید رضایت عامه‌ی مردم جلب شود.»

◆ شما مردمی هستید، مردمی بمانید

(۶ شهریور ۸۵): « «ساده‌زیستی و مردم‌گرایی» شاخصه‌ی دیگری است که بحمدالله دارید.»

(۱۱ اردیبهشت ۸۷): «عنصر دوم نگاه کردن به میداندار و صاحب حادثه است. عنصر میاندار و میداندار در این حادثه(انقلاب اسلامی) مردم بودند؛ مردم! حادثه‌ی عظیم بی‌نظیر تاریخیِ انقلاب اسلامی را مردم رقم زدند. انکار نقش مردم و بی‌اعتنائی به حضور مردمی – که متأسفانه امروز در بعضی از نگاههای شبه‌روشنفکرانه، انسان مشاهده می‌کند – خطاست. وقتی مردم به یک سمتی گرایش پیدا می‌کنند، کسانی که از این گرایش خود را منتفع نمی‌بینند، اسمش را می‌گذارند حرکت پوپولیستی و حرکت عوامگرائی! این خطاست. انقلاب را همین اراده‌های مردمی و همین حضور مردمی – که متکی به ایمان آنها بود – توانست بوجود بیاورد و به پیروزی برساند».

◆ انتقاد از دو رویی منتقدین مردم گرایی

(۲۱ خرداد ۸۷): « در نگاه افرادی که از این مبنای اسلامی دورند، وقتی که به مسئله نگاه می‌کنید، می‌بینید تناقض و تهافت زیاد است. یک روز که آراء مردم به نفع یک جماعتی باشد، آراء مردم اهمیت پیدا می‌کند، جمهوریت اهمیت پیدا می‌کند. «و ان یکن لهم الحقّ یأتوا الیه مذعنین»؛ اگر حق به جانب آن‌ها داده بشود، حق را قبول می‌کنند.اگر یک روزی نگاه آن کسانی که صاحب حقند، یعنی آن مردمی که می‌خواهند این ولایت را طبق دستور قانون اساسی به یک شخصی تسلیم کنند – طبق همان‌چه که در قانون اساسی متخذ از کتاب و سنت تدوین شده – بر خلاف نظرشان بود، آن وقت اسم این آراء عمومی، اسم این جمهوریت، می‌شود عوام‌گرایی؛ توده‌گرایی! و شرح مبسوطی درباره‌ی غلط بودن نظر توده داده می‌شود، که گاهی می‌بینید که در نوشته‌ها از فلان نویسنده‌ی قرن سوم چهارم اسلامی گرفته، تا فلان نویسنده‌ی مسلمان، تا زمان ما؛ برتراند راسل و نمی‌دانم گوستاو لوبون درباره‌ی خطرات آراء عامه و تسلط عامه می‌نویسند که فلان کس اینجور گفت که نظر عامه اصلاً غلط است؛ خطاست! یعنی بکلی برمیگردد.»

◆ شما دولتی مردمی هستید

(۲ شهریور ۸۷): «ساده‌زیستی – بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور – خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم – کما بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر – بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده‌روی را – که واقعاً بلای بزرگی است – از جامعه‌مان ریشه‌کن کنیم، با حرف و گفتن نمیشود؛ که از یک طرف بگوئیم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله‌تان را با طبقات ضعیف کم کرده‌اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است آن را کمتر کنید. این سه‌تا خصوصیت و امتیاز است.... همان طور که عرض کردم، شما دولتی هستید مردمی؛ یعنی مردم وقتی حرف شما و صدای شما را میشنوند، کأنّه از جنس خودشان یک حرفی میشنوند؛ چون از موضع بالا و متکبرانه با مردم حرف نمیزنید...»

◆ خودشان را بالاتر از مردم می دانند

(۱۱ بهمن ۸۸): « معارضین جمهوری اسلامی غالباً خود را از مردم بالاتر دانسته‌اند. خطای دوم این است که به دشمنان این مردم امید بستند، دل بستند. این، دو تا اشتباه بزرگ است. وقتی از مردم خودشان را بالاتر دانستند، لازمه‌اش این میشود که اگر مردم در یک حرکت قانونی یک اقدامی کردند، یک چیزی را خواستند، یک چیزی را نخواستند، انتخابی کردند، عملی انجام دادند، اینها بگویند نه؛ مردم، عوام بودند؛ این عوامگرائی است، این پوپولیزم است؛ ما این را قبول نداریم. خود را از مردم بالاتر دانستن، اینجا ظاهر میشود. ادعا ملاک نیست که بگویند ما مردمی هستیم؛ در عمل باید مردمی بود. »

◆ منتقدان پوپولیسم، سردمدار رفتارهای پوپولیستی

نکته اما آن است که عدم ثبات منتقدین در انجام رفتارهای عوام گرایانه یکی از علل اصلی مشکلات امروزی ماست. وقتی همان افرادی که نُقل میان دهان شان، انتقاد از دولت قبل نسبت به رفتارهای مردمی او بوده است، خود برای جلب رای مردم رفتارهای پوپولیستی سطح پائین و لمپن گونه از خود نشان می دهند، این مساله نشان می دهد که ریشه انتقادات قبیله گرایان سیاسی، نه اصل مورد انتقاد بلکه شخص مقابل آنان است. به هر حال باید پرسید که اگر عوام فریبی بد است و به خاطر آن رئیس جمهور حتی نمی بایست به سفر استانی رود یا با مردم گرم بگیرد، پس چرا همین افراد برای جلب رضایت مردم حاضرند همان کارها را تکرار کنند.

جلیلی جایگزین ولایتی شد؛

پیام هایی آشکار از انتصابات جدید شورای راهبردی روابط خارجی

گروه سیاسی ۹ دی– شورای راهبردی روابط خارجی در چهارم تیر ۱۳۸۵ با حکم حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب با حضور علی اکبر ولایتی، کمال خرازی، محمد شریعتمداری، محمد حسین طارمی و علی شمخانی، تشکیل شد. رهبری فرزانه انقلاب اسلامی ریاست این شورا را هم بر عهده دکتر کمال خرازی وزیر اسبق امورخارجه در دولت های هفتم و هشتم گذاشتند.

متن حکم سال ۸۵ امام خامنه ای بدین شرح است:

«جناب آقای دکتر خرازی/ لازم است برای کمک به تصمیم گیریهای کلان و جست و جو از افق های نو در روابط خارجی جمهوری اسلامی و بهره مندی از نظرات نخبگان در این عرصه، شورای راهبردی روابط خارجی تشکیل گردد.

شایسته است آقایان: دکتر علی اکبر ولایتی، علی شمخانی، محمد شریعتمداری و محمد حسین طارمی برای مدت پنج سال اعضای آن باشند و جنابعالی به ریاست آن شورا منصوب می گردید.امید است موفق باشید.»

اما همانگونه که از حکم رهبری و انتصاب افراد این کمیته در آن مشخص است آنکه شورای راهبردی روابط خارجی شورایی غیر دولتی، فراقوه ای و ناظر به عملکرد نظام در راستای روابط خارجی است. این شورا براساس حکم رهبری می بایست افق های نو در سیاست خارجی را شناسایی و از افتادن در راههای بن بست گذشته دوری گزینند. هفته گذشته اما در حالیکه نزدیک به سه سال از اتمام دوره اعضای شورا، گذشته بود رهبری معظم انقلاب در حکمی جدید چینش تازه ای در اعضای شورا بوجود آورده به صورتی که تقریبا ۷۰ درصد اعضا آن را تغییر دادند.

در حکم جدید رهبر عالیقدر انقلاب آمده است:

«جناب آقای دکتر خرازی/ نظر به ضرورت تکمیل اعضای شورای راهبردی روابط خارجی، آقایان: دکتر سعید جلیلی، دکتر ابراهیم شیبانی، حسین طارمی، مهدی مصطفوی اهری، سردار احمد وحیدی بعنوان اعضای جدید آن شورا با ریاست جنابعالی منصوب می شوند.

با توجه به تجربیات دوره گذشته و نقش این شورا در یاری رساندن مسئولان برای تصمیم گیریهای کلان و بهره مندی از نخبگان در این عرصه، امید است در دوره جدید شاهد حضور موثرتر آن شورا در وظائف محوله باشیم.»

اما متن حکم جدید رهبری انقلاب نشان می دهد که ایشان از عدم تحرک و تاثیر شورای راهبردی قبلی گلایه مند بوده و خواهان تاثیر گذاری و فعالیت چشمگیر تر این شورا بوده اند شاید از همین بابت نیز است که رهبری در حکم جدید بر ضرورت تکمیل اعضای شورا تاکید وافر نموده اند. اما شاید بتوان جستجو نکردن افق های جدید در صحنه سیاست خارجی را یکی از مهمترین علل کم کاری و در نتیجه نارضایتی رهبری از شورای راهبردی پیشین برشمرد. انتظار آن بود که این شورا به جای دیدن جهان در دو بلوک سلطه گر و سلطه پذیر و راه روی در راستای تئوری پردازی های بیهوده نسبت به ضرورت فرمانبرداری از سلطه گران بین المللی و باصطلاح پذیرش قواعد بازی در صحنه بین المللی– همان ادبیاتی که مع الاسف در دوره کارگزاران و اصلاحات و نیز در دوره فعلی باب شده است– افق های نو و تازه بین المللی را کشف کرده و براساس آن برنامه های راهبردی ، پیش بینی کند. اما علاوه بر این نکته (کم کاری شورا در دوره اول)، تغییر ترکیب اعضای شورا شاید علل برجسته دیگری نیز داشته باشد. از جمله آنکه رویکرد غیر دولتی بودن این شورا و عدم وابستگی فکری و تشکیلاتی این شورا با دولت های وقت، شاید یکی از علل نحوه چینش اعضای این شورا باشد. خروج علی شمخانی و محمد شریعتمداری که اکنون در دولت هستند، می تواند متضمن این مفهوم باشد که این شورا بایستی مستقل و تنها زیر نظر رهبری فرزانه انقلاب اداره شود و وابستگی به دولت ها– که مجری اصلی سیاست های خارجی هستند– نداشته باشند.

اما برای خروج علی اکبر ولایتی از این شورا نیز دلایلی می توان حدس زد. گرچه رسانه های نزدیک به ولایتی سعی دارند تا از کم کاری شورا در دوره گذشته به راحتی عبور کرده و فعالیت ولایتی در مجمع تشخیص مصلحت را علت خروج وی از شورای راهبردی ذکر کنند اما به نظر نمی رسد که این دلیل ، دلیلی کافی برای این خروج باشد. چراکه در طول سالیان مختلف مشاهده شده که افرادی نظیر ولایتی همزمان مشاغل متعددی داشته و هیچگاه از یکی از آنها هم صرفنظر نکرده اند. ضمن آنکه فعالیت ولایتی در مجمع تشخیص به مراتب کمتر از فعالیت وی در دوران وزارت خارجه است. این در حالی است که وی در آن زمان هم همزمان دارای مناصب متعددی بوده است. پس برای این خروج دلایل مختلف دیگری را باید جستجو کرد. گرچه ولایتی شغل رسمی در دولت روحانی ندارد اما شاید نزدیکی افق فکری وی با دولت روحانی و نیز شخص هاشمی رفسنجانی، از او شخصیتی «غیر دولتی که دولتی است» ساخته است. اگر این حدس درست باشد براساس قاعده غیر دولتی بودن شورای راهبردی، می توان علت کنار نهادن ولایتی از این شورا را در آن جستجو کرد. ضمن آنکه انتخابات ریاست جمهوری دروه یازدهم نشان داد که ولایتی اساسا آن چهره ای که در طی حداقل ۱۶ ساله گذشته از خود ساخته بود نیست و فرسنگ ها با آن تفاوت دارد. قرابت گفتمانی ولایتی با هاشمی رفسنجانی و روحانی و اتهام پراکنی به جبهه مقاومت درونی ملت ایران و تندرو و افراطی خواندن ایستادگان در برابر دشمن، زیر سئوال بردن سیاست های کلان نظام در عرصه سیاست خارجی و هسته ای از سوی کسی که عنوان مشاورت رهبری را هم با خود یدک می کشد در مناظره های تلویزیونی، نشان دهنده آن است که ولایتی نمی تواند افق های جدید در عرصه سیاست خارجی را در جهت سیاست های رهبری رصد و پیگیری کند.

اما حضور عناصر تازه نفس نظیر آقایان جلیلی، مصطفوی، وحیدی و شیبانی در این شورا نشان دهنده افق تازه ای است که رهبری برای این شورا در نظر گرفته اند.

این نشان می دهد که یک چهره نظامی (وحیدی)، یک چهره اقتصادی (شیبانی) و یک چهره سیاسی(جلیلی) یک چهره فرهنگی(مصطفوی) که همگی در کنار «طارمی» و «خرازی» سابقه ای در سیاست خارجی دارند می تواند شورای راهبردی روابط خارجی را شورایی پویا تر از گذشته گرداند.

نقشه راه امام

باکی از انگ پراکنی نوکران داخلی آمریکا نداریم

ما نخواهیم گذاشت...

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم .حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم، و نظام اسلام رسول الله– صلی اللّه علیه و آله و سلم –را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی ، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. انشاءاللّه ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند، و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و نا امیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملتها رخ نموده است و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم، و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم. مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید، و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید، که عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه اراده است و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصا امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است.

بخش هایی از نامه مهم امام درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸

سایه روشن سیاست

علت بازداشت خبرنگار روزنامه اعتماد

علت بازداشت صبا آ. که اخیراً بازداشت شده، برخلاف آنچه مطرح می شود که دلیل آن فعالیت‌هایش در فیس‌بوک بوده است، آن است که وی از طریق رابطه با صدای امریکا و مسعود بهنود، اطلاعاتی به آنان منتقل کرده است. وی که دارای مذهب زرتشتی است، شبکه‌ای مجازی تشکیل داده و حدود ۱۴۰ نفر از خبرنگاران اصلاح‌طلب را جذب کرده و آنان را پوشش خبری و سوژه‌ای و اطلاعاتی می‌داده است. او با مسیح علی نژاد روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب پناهنده به غرب هم مرتبط بوده و در یک مورد ۳۰۰ شماره تلفن مهم از مسؤولان کشور را به خارج از ایران فرستاده که در برخی موارد منجر به کسب اطلاعات و مصاحبه‌هایی از مسؤولان هم شده است.

دیگر اعتباری با عنوان سبد کالا نداریم

درحالیکه با روی کار آمدن روحانی تبلیغات فراوانی برای توزیع سبد کالا میان مردم صورت گرفت و رئیس جمهور و معاونان و وزرای وی اعلام میکردند که قرار است هر ماه به ایرانی ها به جای ارائه مستقیم یارانه سبد کالا اختصاص یابد معاون رئیس جمهور اعلام کرد که دیگر اعتباری برای سبد کالا نداریم! بر این اساس دولت تدبیر که بی تدبیری تمام خود را در نحوه حقارت آور توزیع سبد کالا نشان داد اعلام کرد: اعتباری با عنوان سبد کالا نداریم، بلکه ۲۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار حمایت غذایی به مشمولان کمیته امداد و بهزیستی اختصاص می یابد.

عقده گشایی علیه دولت ۲۴ میلیونی قبل؛

کشور نباید به دست کسانی بیفتد که پدر و مادرشان معلوم نیست!

عضو حزب کارگزاران سازندگی گفت: کشور نباید به دست کسانی بیفتد که به اصطلاح معلوم نیست پدر و مادرشان کیست! به گزارش جهان، حسین مرعشی مجرم امنیتی فتنه ۸۸ در گفتگو با ایسنا با انتقاد از عملکرد دولت گذشته و ادعای اینکه کسی مسئولیت اشتباهات آن را نمی پذیرد، گفت: کشور نباید به دست کسانی بیفتد که به اصطلاح معلوم نیست پدر و مادرشان کیست، چطوری فکر می‌کنند و ریشه آنها کجاست. حسین مرعشی در ابتدای سخنانش هم گرچه از محرومیت ۱۰ ماهه اش از فعالیت حزبی بنا بر حکم دادگاه خبر داد اما در عین حال گفت: دوستان در کارگزاران من را از شورای مرکزی کنار نگذاشتند ولی مسئولیتی در حزب نمی‌توانم بپذیرم تا این دوران محرومیت تمام شود!

رفسنجانی: امیدها دارد کم می شود

هاشمی رفسنجانی در بخشی از سخنانش در دیدار با جوانان عضو تشکل‌های دانشجویی دانشگاه آزاد در پاسخ به اعتراضات دانشجویان به رویه دولت، اشاره‌ای هم به وضعیت دولت داشته است. وی گفته است: رأی روحانی، رأی عاریه‌ای است و من هم قبول دارم که این رأی در حال از دست رفتن است. او خیلی محتاط وارد شد. یک سال از عمر دولتش گذشت، الآن مردم کارنامه‌اش را دارند نگاه می‌کنند، آن امیدی که وجود داشت دارد کم می‌شود.

سفر دوباره عضو جنجالی پارلمان اروپا به ایران

یکی از اعضای هیأت پارلمان اروپا برای حضور در گفت‌وگوهای بهبود رابطه ایران و اروپا در یک سفری ۶ روزه وارد ایران شد. به گزارش فارس، «ماریچه اسخاکه» در خصوص برنامه‌هایی که در سفر به ایران برایش برنامه‌ریزی شده است، گفت که احتمالاً با افرادی از مجلس ایران نیز دیدار خواهد داشت و ابراز امیدواری کرد که افرادی از کمیته امور اروپایی و کمیته امور خارجی را ملاقات کند و همچنین اعلام کرد که ممکن است با دانشگاهیان و اساتید دانشگاههای ایران نیز دیدار کند. این عضو هیأت پارلمان اروپا حدود ۶ ماه پیش نیز به همراه هیأتی از پارلمان اروپا به ایران سفر کرد و با مقامات ایران دیدار و گفت‌وگو داشت. یکی از موضوعات بحث‌برانگیزی که در سفر گذشته پارلمان اروپا مطرح شد، دیدار هیأت پارلمان اروپا با «نسرین ستوده» بود.

تأیید سلامت دارایی وزرای احمدی‌نژاد

قوه قضائیه طبق اصل ۱۴۲ قانون اساسی، با بررسی اموال دکتر غلامحسین الهام و سه نفر دیگر از وزرای احمدی نژاد، صحت و سلامت اموال را تأیید کرد. به گزارش میدان ۷۲ ، بنا بر اعلام دفتر اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی وضعیت دارایی غلامحسین الهام معاون سابق توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، حیدر مصلحی وزیر سابق اطلاعات، محمدحسن نامی وزیر سابق ارتباطات و فناوری اطلاعات و علی نیکزاد ثمرین وزیر سابق راه و شهرسازی مورد رسیدگی قرار گرفت و با توجه به اظهارنامه‌های ابرازی مشمولان هنگام شروع و پایان خدمت مشخص شد افزایشی در دارایی نامبردگان و همسر و فرزندان آنان به وجود نیامده است.



پاسخ مستند به چند شبهه و دروغ تاریخی درباره علامه مصباح یزدی؛

«مصباح» دوستان، خار چشم دشمنان



امیرحسین ثابتی



اهانت، افترا، فحاشی و در یک کلمه تخریب همه جانبه علامه مصباح یزدی طی هفته گذشته توسط برخی رسانه های داخلی و خارجی به بهانه نقد ایشان بر محورهایی از سخنان رییس جمهور محترم، نه تنهـا جای تعجب ندارد بلکه کاملا طبیعی و قابل پیش بینی نیز بوده اســت. این نوع برخوردهای «تکفیرمآبانه» و «غیر منطقی» در قبال چند جمله نقد ساده ایشان به اظهارات رییس جمهور، به خوبی نشان می دهد در برابر منطق آیت الله مصباح، هیچ منطق و قول لیّنی در میان مخالفان ایشــان وجود ندارد و همان طور که در دوره اصلاحات نیز تلاش می شــد با هجمه همه جانبه به آیت الله، ســخنان ایشان در جامعه شنیده نشود، بار دیگر این کار در دستور کار قرار گرفته تا با تقطیع جملات ایشــان و افتراهــا و دروغ های متعدد، با منطق محکم و دقیق ایشان مقابله شود.

از این رو، شاید تلاش برای پاسخ به این اهانت ها و تهمت ها کاری عبث و بی نتیجه باشد، اما از آنجایی که «تکرار دروغ» برای بخشهایی از افکار عمومی می تواند در دراز مدت به گزاره هایی «باور پذیر» تبدیل شود، در این نوشتار تلاش بر آن است تا چند محور از مهم ترین شبهات علیه ایشان که طی هفته گذشته بیش از همیشه شنیده شدد، پاسخ داده شود:

◆ آقای مصباح اطاعت از احمدی نژاد را همان اطاعت از خدا می دانست!

این یکی از اصلی ترین شبهاتی است که این روزها درباره آیت الله مصباح مطرح است و ریشه اصلی طرح این شبهه نیز به تیتر روزنامه توقیف شده اعتماد ملی در مرداد ۸۸ باز می گردد که در صفحه اول خود نوشت: «مصباح یزدی: اطاعت از احمدی نژاد، اطاعت از خداست.»

اما مراجعه به اصل سخنان آیت الله مصباح در تاریخ ۲۱ مــرداد ۸۸ در جمع تعدادی از هنرمندان نشــان می دهد محتوای صحبت ایشان نه تنها معطوف به شخص خاصی از جمله رییس جمهور وقت نیست و ایشان به هیچ عنوان نیز اسمی از احمدی نژاد به میان نمی آورند، بلکه درست در برهه ای که فتنه گران بعد از تنفیذ رییس جمهور توسط رهبر انقلاب همچنان بر «نامشــروع بودن دولت دهم» اصرار داشتند و می گفتند انتخابات باید دوباره برگزار شود! ایشان در یک بحث کاملا تئوریک و نظری درباره جایگاه ولایت فقیه در نظام اســلامی، موضوع مشروعیت الهی جمهوری اسلامی توسط ولی فقیه را به بحث گذاشته و با تکرار فحوای کلام امام (ره) در سال ۵۷ می فرمایند:

«ولی فقیه یک رهبری دینی جانشین امام زمان(عج) است؛ این رییس جمهور نماینده‌ای است که مردم او را انتخاب کرده‌انــد. این دو با هم خیلی تفاوت دارند. رییس جمهور وقتی از طرف ولی فقیه نصب شــد، می‌شود عامل او؛ او نصبش می کند. آن پرتو قداســتی که او دارد بر این هم می‌تابد. وقتی رییس جمهور اســلامی شد، حکمش را از رهبر ـیعنی جانشین امام(ع)ـ دریافت کرد، یک پرتوی از آن قداســت بر این هم می‌تابد؛ آن وقت اطاعت از رییس جمهور و اطاعت از مجلس و سایر امور هم می‌شود اطاعت از خدا. اما تا این جور نشده، حساب رهبر از دیگران جداست. او ارزشش از طرف امام زمان(عج)و از طرف خداست.»

محتوای صحبتهای آیت الله مصباح در این باره، نه تنها هیچ حرف جدیدی در فقه سیاسی شیعه محسوب نمی شود بلکه عینا همان سخنان امام خمینی (ره) در طول حیات پر برکت شــان است. به عنوان مثال در ماجرای انتصاب مهندس بازرگان به ســمت نخست وزیری از سوی امام (ره)، ایشان بر انتصاب بازرگان از سوی خود به عنوان کسی که از طرف شارع مقدس ولایت الهی دارد، تاکید کرده و از همین رو نیز اطاعت کردن از دولت بازرگان را واجب و اطاعت نکردن از او را به معنای مخالفت با شــرع مقدس عنوان کردند: «من باید یک تنبه دیگری هم بدهم و آن اینکه من که ایشان را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم ایشان را قرار دادم. ایشان را که من قرار دادم واجب الاتباع است ملت باید از او اتباع کند. یک حکومت عادی نیست یک حکومت شرعی است. باید از او اتّباع کنند. مخالفت با این حکومت مخالفت با شرع است، قیام بر علیه شرع است.» (جلد پنج صحیفه امام، ص ۳۱)

ممکن است کسی بپرسد اگر چنین است، چرا آقای مصباح به انتقاد از دولت آقای روحانی روی آورده است؟

پاســخ به این شبهه نیز بسیار ساده است، چرا که رییس جمهور پس از تنفیذ توسط ولی فقیه مختار نیست تا هر عملکرد و گفتاری داشته باشد بلکه باید در چارچوب شرع مقدس موضع گیری کرده و عمل کند و اساســا تمامی روســای جمهور بعد از انقلاب اعم از دوران امام و دوران رهبر معظم انقلاب نیز به صورت «مشروط» تنفیذ شده و در احکام تنفیذ تمامی آن ذکر شــده که تا زمانی که در مسیر انقلاب اسلامی و چارچوب های دینی حرکت کنند، مورد تایید می باشند. لذا توجه در این مساله به خوبی نشان می دهد تنفیذ تمام روسای جمهور بعد از انقلاب نه تنها به معنای مصونیت آنها از نقد نبوده است بلکه در صورت مشاهده کوچکترین حرکت اشتباه و موضع گیری غلط از سوی آنها، این وظیفه اصلی علمای دینی است که به نقد اشتباهات آنها برای اصلاح امور بپردازند. چرا که رییس قوه مجریه در جمهوری اسلامی باید بر اساس قانون اساسی مجری و حافظ ارزش های دینی یک ملت باشد و تخلف از این وظیفه چه در گفتار و چه در رفتار، طبیعتا به معنای قصور وی محسوب می شود که باید با انتقاد و تذکر، رفع شود. از این رو، توجه در سابقه و عملکرد آیت الله مصباح نشان می دهد ایشان نه تنها در دولت جدید، بلکه در دولت آقای احمدی نژاد نیز بارها و بارها به طور مستقیم و صریح، بــه نقد دولت و مواضع و اقدامات اشــتباه رییس جمهور گذشته پرداخته اند و همین مساله به خوبی نشان می هد رفتارهای ایشان با دولت جدید نه از موضع سیاست ورزی، بلکه ناشــی از صداقت کامل است. یکی از معروف ترین نقدهای ایشان به دولت احمدی نژاد به مرداد ۱۳۸۹ باز می گردد، برهه ای که آیت الله با صراحت به نقد افکار انحرافی برخی مسئولان دولت وقت پرداخت و گفت: «کسانی که بی‌شــرمانه مکتب ایران را به جای مکتب اسلام معرفی می کنند، خودی نبوده بلکه غیرخودی‌اند و باید حواسمان جمع باشــد ... ما اسلام را می‌خواهیم و هر کس اسلام را بخواهد خدمت‌گذار او هستیم و در این مسیر با کسی عقد اخوت نبستیم، هر کس از اسلام کج برود، ردش می کنیم.»

◆ آقای مصباح سال ۸۴ انتخاب احمدی نژاد را به واسطه یک خواب به امام زمان نسبت داد!

این شــبهه نیز مانند شبهه قبل، به خاطر ناقص مطرح شدن اصل ماجرا باعث شده تا بسیاری با باور کردن آن، در قامت طلبکار ظاهر شده و با استناد به این مسایل پیش و پا افتاده و سطحی، درصدد توهین و تخریب ایشان بر آیند. در حالی که مطابق صفحه ۸۸۳ کتاب «گفتمان مصباح» آیــت الله مصباح در مقام بیان غیر قابل پیش بینی بودن انتخاب احمدی نژاد در سال ۸۴ ضمن ستایش مواضع و شعارهای دینی وی در ســال ۸۴ می گوید که «یکی از دوستان» در جلسه ای نقل کرده که انتخاب آقای احمدی نژاد را قبل از انتخابات در خواب متوجه شده است اما ایشان بلافاصله تاکید میکند که بیان این دست مطالب به طور عمومی درست نیست و باید از گفتن آنها خودداری شود: «چیزهای عجیبی است که حالا من مایل نیستم آنها را چون جنبه منفی دارد نقل کنم.» به عبارت دیگر، ماجرای تایید احمدی نژاد توسط امام زمان در خواب نه تنها ارتباطی با شخص علامه مصباح ندارد و ایشان از یک نفر دیگر این ماجــرا را نقل قول می کنند، بلکه در ادامه هم تاکید می کنند که طرح این مسایل به علت ایجاد برخی جنبه های منفی آن اساسا درست نیست.



تیتر دروغ اعتماد ملی علیه آیت الله مصباح

◆ آقای مصباح یزدی ســابقه انقلابــی و مبارزه با شاه ندارد

طبیعی اســت با توجه به بررســی شــبهات اول و دوم، زمانی که جریان های مخالف آیــت الله مصباح درباره وقایع ســالهای نه چنــدان دور چنین دروغ های عجیب و غریبی طرح کرده اند، به مراتب این کار را نسبت به سالهای دورتر و دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ راحت تر می توانند انجام دهند و هر ادعایی را به خاطر حب و بغض های شخصی و سیاسی، علیه ایشان مطرح می کنند.

درباره ســوابق انقلابی آیت الله مصباح، نسبت ایشان با حضرت امام (ره) تا کنون به کرات افراد و رسانه ها به طور مستند و تفصیلی پاسخ لازم را منتشر کرده اند اما تنها از باب یادآوری، اشاره ای کوتاه می شود به ماجرای تدوین اساسنامه جامعه مدرسین توسط آیت الله مصباح و لو رفتن ماجرا و فرار ایشان از دست ساواک.

پــس از تبعید امام خمینی در ســال ۱۳۴۳ و رو به افول نهادن مبارزات روحانیت، جمعی از فضلای حوزه علمیه قم که غالبا از شــاگردان امام خمینی(ره) به حساب می آمدند تصمیم گرفتند تا تشــکیلاتی برای نظم دهی به امور مبارزات شکل دهند. جلسات مداوم این افراد منجر به نوشتن اساسنامه تشکیلاتی شد که بعدها به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مشهور شد اما یک بی احتیاطی سبب شد تا گردانندگان جلسه مجبور به فرار از شهر قم شوند.

اساسنامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که در جمعی یازده نفره مورد بحث قرار گرفته بود، در منزل آقای آذری قمی کشــف شد تا نصیری رئیس ساواک در گزارشی به محمدرضا شاه این گونه بنویسد: چون ضمن تحقیقات از متهمین معلوم گردیده که هشت نفر از مدرسین و فضلای حوزه علمیه قم به اسامی: علی مشکینی، حائری تهرانی، علی قدوسی، مصباح یزدی، هاشمی رفسنجانی، محمد خامنه‌ای، علی خامنه‌ای و امینی در جلســات اولیه که در ۲۰ ماه قبل تشکیل گردیده، شرکت داشتند. لذا ایجاب می نماید که به منظور پی بردن به ماهیت حقیقی عناصری که احتمالا در نظر داشته اند چنین سازمانی را ایجاد نمایند، از نامبردگان فوق نیز تحقیقات لازم به عمل آید.

هاشمی رفسنجانی نیز ضمن اشــاره به این موضوع در بخشی از خاطرات خویش، به اداره نشریه بعثت توسط خود و نشــریه انتقام توسط آیت الله مصباح در سالهای قبل از انقلاب اشاره می کند که هر دو نشریه محتوایی ضد نظام شاهنشاهی و در حمایت از تاسیس یک نظام دینی داشته اســت: «از اساسی‌ترین کارهای ما در آن چند ماه، ایجاد تشکیلاتی بود که مرکزیت آن از یازده نفر تشکیل می‌شد آقایان خامنه‌ای، منتظری، ربانی شیرازی، قدوسی، مصباح یــزدی، امینــی، محمد خامنه‌ای، آذری، مشکینی، حائــری تهرانــی و من. نشریه‌ی مخفی "بعثت" و "انتقــام" در حقیقــت ارگان همین جمعیت بود کــه در کارهــای اجرایی آن آقایان ســید محمود دعایــی، مصبــاح، علی حجتی کرمانی و سیدهادی خسروشــاهی و مــن همکاری داشتیم. نشریه‌ی بعثت بیشتر جنبه‌ی سیاسی و پرخاش و افشاگری داشت و نشریه‌ی انتقام جنبه‌ی ایدئولوژیکی آن قوی بود، که شاید بر اســاس احساس چنین نیازی پس از بعثت منتشر شد. بعثــت را من اداره می‌کردم و انتقام را آقای مصباح‌یزدی. در حل مسائل مالی هم نقش اساسی را هیئت‌های موتلفه داشتند». (هاشمی رفســنجانی ، دوران مبارزه ، ج ۱،ص ۱۹۵) درباره نسبت ایشان با امام راحل در دوران حیات آن پیر فرزانه نیز همین نکته بس که بنیانگذار کبیر انقلاب در دوران حیات خویش شــخصا بر کمک مالی به دو نهاد را تاکید ویژه داشتند یکی حزب الله لبنان و دیگری موسسه زیر نظر آیت الله مصباح یزدی. (حجه الاسلام رحیمیان در گفتگو با روزنامه ایران ۸۷/۳/۱۹)

در پایان لازم به ذکر است که بیان این موارد برای افرادی که حاضر به دیدن و شنیدن واقعیات نیستند، سودی ندارد بلکه تنها نشــان دهنده اوج دنائت و ناجوانمردی افراد و جریانهایی اســت که در تلاشند تا با قلب ۱۸۰ درجه ای واقعیات مسلم تاریخی، با اتکا به تحریف واقعیات، تهمت و افترا، اهداف سیاسی خود را به پیش ببرند.

این روش البته در طول تاریخ از ســوی جریان های شبه روشنفکری همواره برای تقابل با روحانیت اصیل و انقلابی در پیش گرفته شده است، چنانچه اگر توان حذف فیزیکی بزرگان دینی بــرای این طیف ممکن نبوده، طریق ترور شــخصیت آنها در پیش گرفته شده است؛ چنانچه رهبر انقلاب پیش از این در شهریور ۱۳۷۹ در اوج تخریب های علامه مصباح توسط جریان های شبه روشنفکری، علت این مساله را چنین توصیف کردند:

«شــما می‌بینیــد ایــن هجومهــای تبلیغاتــی را کــه بــه شــخصیتهای برجســته، به انسانهای والا و با اخلاقهای برجســته می‌کنند؟ اینها همه‌اش نشــان دهنده‌ی اهداف و نیــات دشــمن اســت. وقتــی یــک نفــر مثــل جنــاب آقــای مصبــاح کــه حقیقتــاً ایــن شــخصیت عزیــز، جزو شخصیتهایی است که همه‌ی دلسوزان اسلام و معارف اســلامی بایســتی از اعماق دل قدردان و سپاسگزار این مــرد عزیز باشــند، مــورد هجــوم تبلیغاتی قــرار می‌گیرد، می‌بینیــد کــه همین «و هــم ینهون عنه و ینــاون عنه». حــرف رســا و نافــذ، منطق قــوی و مســتحکم، هر جایی که باشــد، دشــمن آن‌جا را زود تشــخیص می‌دهد؛ چون حســابگر اســت. دشــمن – همان‌طور که گفتــم – آن‌جا را می‌شناســد و بــه مقابلــه‌اش می‌آیــد. با مرحوم شــهید مطهری نیــز همین‌گونــه برخــورد کردند.»

گــزارش ۹دی: آلزایمری های عرصه مطبوعات!

تلاش برای ایجاد بدنه اجتماعی هوادار با کمک چند فتنه گر؛

نمایش بازی کسب محبوبیت به بهانه بازی والیبال!

ایــن روزهــا روزنامه های اصلاح طلب گویا به بدشــکلی دچــار آلزایمــر سیاســی شــده انــد. رفتارهای دوگانــه آنها در قبــال عملکردهــای مشــابه دولت فعلــی و دولت قبل تمام شــدنی نیست؛ هر چند در برخی موارد (که مشــابه رقیــق ترش در دولــت احمدی نژاد مــورد هجمه اصلاح طلبــان قــرار مــی گرفــت) انصافا دولت یازدهــم گوی ســبقت را از همــه دولتهای ســابق ربــوده اســت! ظاهرا در مــرام سیاســی و مطبوعاتــی اصــلاح طلبان، «انظر الــی من قــال و لا تنظر الــی ما قال» (به گوینده ســخن توجــه کــن، نه به کلامی کــه می گویــد) قرائت صحیح تــر و مــدرن تــری! از روایــت معــروف «انظر الــی ما قال و لاتنظــر الــی مــن قال» (بــه کلامی که بیان می شــود توجــه کــن، نه به شــخص گوینده) اســت.

همین رسانه هایی که توزیع سهام عدالت و یارانه نقدی توسط احمدی نژاد را گداپروری می خواندند و با تندترین تیترها و اخبار به رئیس جمهور سابق حمله می کردند، توزیع پر اشتباه سبد کالا در دولت روحانی را توجیه و از آن دفاع کردند. همانها که رویه مردمی بودن احمدی نژاد را پوپولیسم و عوام فریبی می خواندند و حتی در توهینی بی سابقه مردم استقبال کننده از احمدی نژاد در سفرهای استانی را مانند دلفین هایی دانستند که برای گرفتن غذا بالا و پایین می پرند، در برابر تحقیر ملت در صفهای طولانی سبد کالا و صحنه های دلخراشی که از این وضعیت اسف بار در رسانه ها منتشر شد و نشانه بی تدبیری دولت تدبیر بود، سکوت کرده اند. سفرهای استانی احمدی نژاد را به غلط پوپولیستی می خواندند و وعده های رئیس جمهور در این سفرها را عوام فریبی می دانستند اما سفرهای استانی روحانی را پایش استانها نامیدند و وعده آبرسانی و حل مشکل آب طی یک هفته و احداث پتروشیمی و ورزشگاه در شهرستانها توسط روحانی را تدبیر می نامند.

همانها که ۲۴ میلیون رای دهنــده و رای ۶۴ درصدی به رئیــس دولــت قبــل را نمی دیدنــد و به دفــاع از جماعت محــدود فتنــه گــر پرداختــه و دم از خواســت ملــت مــی زدنــد امروز رای ۵۰/۳ درصــدی روحانی که تنها با حدود ۳۰۰ هــزار رای بیشــتر رئیــس جمهــور شــد را همچون چماقــی بــر ســر ۴۹/۷ درصــد به قــول خودشــان اقلیت مــی کوبنــد و آنهــا را افراطی، معــدود، کم ســواد و... می خواننــد. نامه عزتمندانه احمدی نــژاد در اوایل دولت نهم بــه اوبامــا را محکــوم مــی کننــد امــا از تمــاس تلفنی نا بجــای روحانــی و اوبامــا دفــاع کــرده و با افتخــار از نامه نگاریهــای متعــدد اوباما و روحانی ســخن مــی گویند.

ســخنان غلط و انحرافی مشــایی را با آب و تاب پوشــش مــی دادنــد امــا از کنــار مواضــع غلــط فرهنگــی مدیران فرهنگــی دولــت و ســخنان منحرفانــه یونســی دســتیار ارشــد رئیس جمهور بــه راحتی مــی گذرنــد. دولت قبل را بــه دلیــل صراحــت در بیــان ارادت بــه امام عصــر خرافه گــرا مــی نامیدنــد و خوانــدن دعــا بــرای فــرج در ابتدای ســخنان احمدی نژاد را نشــانه اش می دانستند، اما وقتی روحانــی رای مــردم در ۲۴ خــرداد را عذرخواهــی از امــام عصــر مــی خواند بــه روی خودشــان هم نمــی آورند.

انتقــادات بــه جــای مراجــع تقلیــد از دولــت دوم احمدی نــژاد را بــه طــور گســترده پوشــش مــی دادنــد امــا حالا که دولت یازدهم هنوز یکســاله نشــده، نــه تنها نگرانیها و انتقــادات مراجع و علما از دولت را پوشــش خبری نمی دهنــد بلکــه این ســوال را هم بی پاسخ گذاشــته اند که چــرا چند ماه اســت دولت یازدهــم آماج انتقــادات مراجع عظــام تقلــی اســت؟ حــالا هم کــه دوبــاره بحــث ورود زنــان بــه ورزشــگاه ها مطرح شــده دوبــاره همــان رفتار دوگانــه و البتــه سیاســی کارانــه و قبیله ای از ســوی این مدعیان آزادی و منطق و دموکراســی تکرار شــده است.

◆ جنجال قدیمی با بهانه تازه!

هفتــه گذشــته در حاشــیه بــازی والیبــال تیــم ملــی کشــورمان و برزیــل بــه دلیــل عــدم حضــور بانــوان در ورزشــگاه و حضــور چند تــن از فعالان حوزه زنان پشــت در ورزشــگاه آزادی بهانــه ای شــد بــرای طــرح دوبــاره مســاله حضــور زنــان در ورزشــگاهها.

در اینجــا قصــد پرداختــن به اصــل موضوع حضــور زنان در ورزشــگاه هــا نداریــم و ســخن بــر ســر درســتی و نادرســتی، شــرعی و غیر شــرعی بودن و تبعات فرهنگی و اجتماعی این مســاله نیســت. ســخن این است که اگر حضور زنان در ورزشــگاهها کار درســتی است، همانگونه کــه روزنامــه های اصلاح طلــب در دفــاع از این موضوع تیتــر زدنــد و روحانی در ایــن خصوص نامه نوشــت، چرا در ســال هشــتاد و پنج بر ســر نامه احمدی نژاد به رئیس ســازمان تربیت بدنی جنجــال راه انداختند و مواضع علما علیــه تصمیــم دولت وقــت را به طور گســترده پوشــش دادنــد؟ و اگر کار غلطی اســت چــرا الان دفاع می کنند؟

اصــولاً مســاله حضــور زنــان در ورزشــگاهها همیشــه به صــورت کامــلا سیاســی و جنجالــی مطرح شــده و هیچ گاه یک سیاســت منســجم، نظام منــد و هدفمند مبتنی بــر اصــول اســلامی در قبال ایــن پدیده اجتماعــی اتخاذ نشــده اســت. هــر گاه ایــن مسأله در رســانه هــا بزرگ نمایی شــده است یا مبدأی سیاســی کارانه داشته (مانند آنچــه هفتــه گذشــته اتفــاق افتــاد کــه در ادامــه بــه آن خواهیــم پرداخــت) و یا پیگیری رســانه ای آن بیشــتر با اهداف قبیله گرایانه سیاســی همخوانی داشــته تا از ســر دغدغه دین و ارزشــها باشــد. (مانند آنچه در ســال هشــتاد و پنج اتفــاق افتاد)

آنچــه روشــن و مســلم اســت اینکــه از یک ســو حضور بانوان در ورزشــگاهها به دلیل مخالفت فقهــی و شــرعی مراجــع عظــام تقلیــد نادرســت بــوده و از ســوی دیگــر، برخــورد سیاســی و مقطعــی دولتهــا بــا ایــن مســاله نیز نادرســت است.

◆ وقتــی چنــد فتنه‌گــر را بــه جــای بانــوان ایــران معرفــی مــی کننــد!

۲۳ خــرداد ۹۳ چنــد زن قبــل از بــازی تیــم ملــی والیبال ایــران و برزیــل پشــت در اســتادیوم آزادی تجمع کردند؛ لیــدر ایــن جمع هفت هشــت نفــره «ژیلا بنــی یعقوب» بــود. بنی یعقوب از فعالان فتنه ۸۸ اســت کــه خرداد ۸۹ در جریــان اغتشاشــات پــس از انتخابــات بــه یک ســال حبــس محکوم شــد. وی چنــدی بعــد از زندان آزاد شــد.

افراد دیگر این جمع چند نفره بدین قرارند:

مریــم قربانی‌فــر (میــرا)؛ او یکــی از اعضای جبهه منحله مشــارکت اســت که پس از فتنه ســال ۸۸ به جــرم اقدام علیــه امنیت ملــی و تبانی علیه نظام جمهوری اســلامی محکــوم شــد. وی نیــز بــا پشــت ســر گذاشــتن دوران محکومیتش آزاد شــد.

عاطفــه نبــوی؛ وی از فعــالان فتنــه ۱۳۸۸ اســت که در ســال ۸۸ بــا یــک تیــم ۷ نفره دیگــر در تهران دســتگیر شــدند و پــس از چنــدی بــه اتهــام «اخــلال در نظــم عمومــی» و «تبانــی و اجتماع به قصــد برهم زدن امنیت کشــور» محاکمه شــد.

سولماز ایگدر؛ او در سال ۱۳۸۷ به دلیل اقدام علیه امنیت ملی به شش ماه حبس محکوم شــد. وی در یادداشتی که در اختیار رســانه‌های ضدانقلاب قرار گرفت در مورد تجمع نوشــت: امروز ما هم زن بودیم و هم ایرانی و این برای جلوگیری از ورودمان به ورزشگاه کافی بود. حتی اگر فدراسیون والیبال به دلیل ممانعت از ورود زنان زیر فشار از دست دادن میزبانی یا حتی حذف تیم ملی باشد. امروز هم سهم زنان از تیم ملی، درهای بسته بود و «زن» بودن.

صبا شعردوســت؛ این خانم یکــی از حامیان جریان اغتشــاش طلب فتنه و همســر میلاد فدایی است که در سال ۸۸ به دلیل همکاری با جریان‌های فمنیستی موسوم به جنبش زنان، ایجاد اختلاف میان اقوام ایرانی، ســیاه نمایی، یاس آفرینی، القای بی‌اعتمادی، حمایت از بازداشــتی‌های جریان فتنه و همکاری با رسانه‌های خارجی ضدانقلاب چون BBC و رادیو زمانه دستگیر شده بود.

شــیوا نظر آهاری هم یکی از تجمــع کنندگان مقابل ورزشگاه آزادی بود که در جریان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ طی دو مرحله ۲۴ خرداد و ۲۹ آذر ۸۸ بازداشــت شد. نظرآهاری به اتهام محاربه و تبلیغ علیه نظام و تجمع غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت ملی محکوم شده بود و پس از چندی با قرار وثیقه آزاد شد.

نکتــه جالــب توجــه اینکــه تصاویــر این حضــور فــوراً در ســایت بی‌بی‌ســی فارســی با این تیتر منتشر شــد: «زنان ایرانی، پشــت درهای بسته اســتادیوم آزادی». در حالیکه فقــط همیــن چنــد نفــر بودنــد کــه پشــت در ورزشــگاه آزادی حضــور یافتــه بودند.

بی‌بی‌ســی در ایــن بــاره نوشــت: «عکس‌هایــی کــه در ایــن مجموعــه می‌بینیــد در «شــبکه‌های اجتماعــی» منتشــر شــد و زنــان ایرانــی را پشــت درهــای بســته اســتادیوم آزادی نشــان می‌دهــد».

دو شــب بعــد شــهیندخت مــولاوردی، معاون امــور زنان و خانــواده رئیــس جمهــور در صفحه شــخصی خــود در یکــی از «شــبکه هــای اجتماعــی» نوشــت: «امــروز در هیئت دولت به ممنوعیت ورود زنان به ســالن مســابقات والیبــال اشــاره کــردم و مراتب اعتراض و ناامیدی نســل جــوان را از ایــن موضــوع اعــلام کــردم، به ویــژه آن که تماشــای ایــن مســابقات ظاهــراً در دوره‌هــای قبلــی بــرای دختــران و زنان محدودیتی نداشــته اســت و ایجاد محدودیــت در دوره دولــت تدبیــر و امیــد مایــه تعجــب شــده اســت. بــه نظــر می‌رســد بــا اتخــاذ تدبیــر و ســاز و کار لازم در ایــن خصــوص می‌تــوان بــه جوانــه زدن بذر امیــد دل بســت»

مــولاوردی ســپس در گفت‌وگــو بــا خبرگــزاری مهــر در خصــوص احتمــال حضــور زنــان در مســابقات والیبــال ایــران– لهســتان و ایــران– ایتالیــا، تصریــح کــرد: «مــا تمــام تلاشــمان را مــی کنیــم و بــه رایزنــی هایمــان ادامه مــی دهیــم». ایــن در حالیســت کــه همانطــور کــه در عکســهای منتشــر شــده از ایــن اتفــاق در شــبکه هــای اجتماعــی مشــخص اســت معــاون رئیس جمهــور تنها بــرای تعداد محــدودی خانم که اکثر آنهــا از فعالین فتنه ۸۸ بــوده و ســابقه اقــدام علیــه نظــام و زندان نیــز دارند، اینگونــه دلســوزی مــی کند .

◆ تــلاش بــرای دســت و پــا کــردن بدنــه اجتماعــی هــوادار دولــت

مــولاوردی بعــد از آن از اعــلام اعتــراض خــود به رئیس جمهــور در ایــن خصــوص خبــر داد. بعــد از آن بــود کــه روحانی ســه شــنبه گذشــته دست به قلــم شــد و طی نامه ای بــه معاون امور زنان ریاســت جمهــوری و وزیر ورزش در خصــوص حــل مشــکل ورود بانــوان به ورزشــگاهها دســتور داد. امــا توضیحــات مــولاوردی در ایــن بــاره نشــان مــی دهــد دولت یازدهــم و رئیس محتــرم آن که چنــد وقتــی اســت بــا اتخــاذ مواضــع لیبرالــی در عرصه فرهنــگ بــه دنبــال کســب مقبولیــت در میــان طیــف خاصــی از جوانــان حامی اصلاحــات و دســت و پا کردن بدنــه اجتماعی بــرای خود اســت، از این ماجــرا هم برای رســیدن بــه همین مقصــود بهــره بــرداری کرده است.

حضــور چنــد نفر محدود از فعالان اجتماعی حــوزه زنان پشــت ورزشــگاه، انعــکاس ســریع خبــر در بــی بــی ســی و صفحــات اجتماعی، یادداشــت مــولاوردی در اعتراض بــه عــدم حضــور زنــان در ورزشــگاه در فیســبوک، نامه روحانــی و بالاخــره ایجــاد فضــای رســانه ای توســط روزنامــه هــای اصلاح طلــب؛ همــه مویــد ادعــای ذکر شــده هستند.

مــولاوردی در خصــوص اعتراضــش بــه رئیــس جمهور به رســانه هــا گفت: «آقــای رییس جمهــور در ایــن باره توضیــح خواســتند و مــن به آقــای روحانی توضیــح دادم کــه قبلااین ممنوعیــت برای حضــور زنان در ورزشــگاه و تماشــای مســابقه والیبــال وجود نداشــته و ایــن زیبنده دولت تدبیــر و امیــد نیســت کــه ایــن ممنوعیــت هــا و محدودیــت هــا به نام ایــن دولت گره بخــورد و برخلاف برنامــه هــا و هــدف دولــت اســت کــه بــه دنبــال افزایش ســرمایه اجتماعــی و جلــب رضایــت عمومــی جوانــان است.»

◆ نامه چهارم اردیبهشت احمدی نژاد

اکنــون برمــی گردیــم به هشــت ســال قبــل، زمانی که رئیــس جمهور ســابق نامه ای در خصــوص اجازه حضور زنــان در اســتادیوم هــای فوتبــال بــه رئیــس ســازمان تربیــت بدنــی وقــت نوشــت. در آن دوران ایــن روزنامــه هــای اصــلاح طلــب منتقــد دولــت وقــت بودنــد کــه این مســاله را تبدیل به مســاله اصلی کشــور کردند و به گونه ای انتقــادات علمــا و مراجــع را از ایــن تصمیــم پوشــش دادنــد کــه گویــا لیبرالــی ترین تصمیــم تاریــخ دولتهای جمهــوری اســلامی گرفتــه شــده اســت؛ هرچنــد بایــد دوباره اشــاره شــود که درســتی و نادرستی تصمیم دولت احمدی نژاد در اینجا مورد بحث نیســت؛ ســخن بر ســر نحــوه پوشــش و طــرز برخورد بــا این تصمیم اســت.

در ادامــه توجــه مخاطبــان را بــه دقــت در تیترهــای انتخــاب شــده از روزنامــه هــای اصلاح طلب در ســال ۸۵ و همینطــور تیترهــای هفته گذشــته این رســانه ها جلــب مــی کنیم:







واکنش اصلاح طلبان علیه تصمیم احمدی نژاد در سال ۸۵







حمایت اصلاح طلبان از تصمیم روحانی در سال ۹۳



شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ / ۲۳ شعبان ۱۴۳۵ / شماره صدوپنجاه ویکم
21 June 2014 , Vol 4 , No 151




مقایسه سه انقلاب بزرگ تاریخ

کتاب «در میدان انقلاب» منتشـــر شـــد. این کتاب روایتی مختصر از سه انقلاب بزرگ تاریخ را با نثری داســـتان‌گونه ارایه می‌دهد. این کتاب با استناد به منابع معتبر تاریخی و علوم سیاسی ـ با نثر داستان گونه ـ نگارش یافته و در ۴ فصل، سه انقلاب فرانسه، روسیه و انقلاب اسلامی ایران مقایسه می‌شـــوند. از ویژگی‌های این کتاب، صفحه‌آرایی جالب، نثر لطیف و روان و داســـتان‌گونه است در معرفی سه انقلاب بزرگ تاریخ معاصر و مقایسه و تطبیق شکل‌گیری، دوران حاکمیت و پیامدها و دســـتاوردهایش. این کتاب در ۲۲۴ صفحه و قیمت ۷هزار تومان و تیراژ ۲هزار نسخه از سوی دفتر نشـــر معارف منتشر شد. گفتنی است دفتر نشـــر معارف پیش از این، در این زمینه، کتاب «تحلیل انقلاب اســـلامی ایران در مقایسه با انقلاب روسیه و فرانسه» نوشته منوچهر محمدی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران را منتشر کرده بود.

ضرغامی حداقل تا آبان رئیس صداوسیماست

قائم مقام رییس صداوسیما درباره شایعاتی که هر از چندگاهی درباره رفتن عزت‌الله ضرغامی از رسانه ملی به گوش می‌رسد، تاکید کرد که ضرغامی حداقل تا آبان به ماموریت خود ادامه می‌دهد. حجت الاسلام سید رمضان موسوی مقدم قائم مقام رییس صداوسیما در حاشیه حضور در پشت‌صحنه فیلم تلویزیونی «ستاره شرق» در جمع خبرنگاران در واکنش به اخباری که هر از گاهی به رفتن ضرغامی از صداوسیما اشاره دارند به خبرنگار مهر گفت: اینها شایعه است و همانطور که خود ضرغامی اعلام کرده است تا آبان ماه می‌ماند و بعد از آن هم هیچ چیز مشخص نیست. همه چیز طبق روال عادی پیش می‌رود و تا پایان ماموریت ضرغامی وضعیت توسط مقام معظم رهبری مشخص خواهد شد. گفتنی است هر از گاهی برخی اخبار درباره پایان قریب الوقوع فعالیت ضرغامی منتشر شده و در همین راستا گزینه‌های برای جایگزینی وی معرفی می‌شوند.

گزارشی از رونمایی تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «من زنده ام»

کتابی که آقا آن را با اشک خواند

گروه فرهنگی ۹دی– بی‌تعارف تقریظ‌های رهبر معظم انقلاب بر کتاب‌ها را باید موثرترین عامل در حفظ، رشـــد و ترویج ادبیات پایداری، انقلاب و دفاع مقدس دانســـت، و البته بر نقش این تقریظ‌ها بر ترویج کتاب‌خوانی در کشـــور معترف بود. سه شنبه هفته گذشته چهارمین نشست پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت برگزاری شـــد تا از یکی دیگر از تقریظ‌های رهبر انقلاب بر یک کتاب خوب دیگر رونمایی شـــود. یکی دیگـــر از برنامه‌های این مراســـم تجلیل از ۵۰ نویســـنده‌ای بود که در نـــگارش ۴۴ کتابی که رهبر انقلاب تا کنون بر آنها تقریظ نوشته‌اند نقش داشتند.

◆ دختری هفده ســـاله که چهار سال اسیر بعثی‌ها بود

اما مهمترین برنامه مراســـم رونمایـــی از تقریظ رهبر انقلاب بر یک کتاب خواندنی و متاثر کننده بود. «من زنده‌ام» کتابی است نوشته معصوم آباد. خانم آباد در این کتاب چهار ســـال از زندگی خود را روایت کرده است؛ چهار سال پر از اتفاقاتی که حتما در زندگی کمتر دختر ایرانی روی می‌دهد اما شـــنیدن آن ماجراها بی‌شـــک برای او مفید و عبرت آموز خواهد بود. «معصومه آباد» وقتی در میان بهت و ناباوری توســـط نیروهای عراقی که از کارون رد شـــده بودند، اســـیر می‌شود تنها هفده سال داشته است. آن دختر نوجوان در روزهای ابتدایی حمله عراق تعدادی از ایتام جنگ زده را برده بود شیراز تا از صحنه جنگ دور کند و هنگام برگشـــتن ناگهان اسیر می‌شود؛ اسارتی که اگرچه فکر می‌کرده به زودی تمام خواهد شـــد اما چهار سال طول می‌کشد و چه‌ها که او در این چهار ســـال به چشم خود نمی‌بیند! با آغاز جنگ بخش اصلی آغاز می‌شود و چون راوی در همان روزهای ابتدایی اسیر شده است، خواننده هم خیلی زود هم‌پـــای راوی از بیابان‌های گرم خوزســـتان به زندان الرشید و بعد موصل و... سفر می‌کند. «وقتی ما را داخل گودال انداختند، برادرها جا باز کردند. روی دست و پای همدیگر نشســـتند تا ما دو تا راحت بنشینیم و معذب نباشیم. ســـربازهای عراقی که این صحنه را دیدند، به آنها تشـــر زدند که چرا جا باز می‌کنید و روی دست و پای هم نشسته‌اید و با اسلحه‌هایشان برادرها را از هم دور می‌کردند. نگاه‌های چندش آور و کش‌دارشـــان از روی ما برداشـــته نمی‌شـــد. یکباره یکی از برادرها که لباس شـــخصی و هیکل بلند و درشـــتی داشت با سر تراشیده و سبیل‌های پرپشت، بلند شد و با لهجه غلیظ آبادانی جواد را صدا کرد و گفت: هرچی گفتم راست و حسینی براشون ترجمه کن تا شیرفهم بشن!
رو به سربازهای بعثی کرد و گفت: به من می‌گن اسمال یخی، بچه آخر خطم، نگاه به سرم کن ببین چقدر خط خطیه، هر خطش برای دفاع از ناموســـمونه. ما به سر ناموسمون قسم می‌خوریم، فهمیدی؟ جوانمرد مردن و باغیرت و شرف مردن برای ما افتخاره.
دست به سبیلش برد و یک نخ آن را کند و گفت: ما به سبیلمون قسم می‌خوریم. چشمی که ندونه به ناموس مردم چطور نگاه کنه مســـتحق کور شدنه.» معصومه آباد در ابتدای اســـارت این صحنه‌هـــا را می‌بیند و بعد در طول چهار سال چیزهایی می‌بیند که طینت پلشت بعثی‌هـــا را به خوبی برایش نمایان می‌کند. روایت او از صحنه‌ای که در زندان الرشید از نوع برخورد بعثی‌ها با مجاهدین عراقی می‌بیند یکی از این چیزهاست. بعثی‌ها مردهای مجاهد را پیش زن و بچه‌شـــان برهنه کرده بودنـــد و بی‌اعتنا به التماس‌ها و امتناع‌های آنها تحقیر می‌کردند. البته راوی جایی در کتاب متذکر می‌شـــود که نتوانســـته تمام جملات تحقیرآمیز و شرم‌آوری که در طول اســـارت از زبان بعثی‌ها شـــنیده است را نقل کند اما هرآنچه در کتـــاب آمده به اندازه کافی گویای شرایط آن روزهای سخت هست. روزهاییکه خاطراتش به این راحتی‌ها از ذهن راوی پاک نمی‌شود، تا آنجا که او در روز رونمایی از کتاب می‌گوید: «اگر چه ۳۰ سال از آن روزها می‌گذرد، اما همیشـــه فکر می‌کنم خواب هستم؛ ازدواج، بچه‌ها، نماینده مردم بودن، دکتر شدن و همه اتفاق‌های زندگی ۳۰ ســـاله من خواب است و شـــاید روزی از خواب بلند شوم و دوباره در زندان‌های الرشـــید و اســـتخبارات باشم.» این حســـی است که باخواندن کتاب احتمالا شما هم در آن با راوی شریک خواهید شد.

◆ این خاطرات امانت مردم بود

آنچـــه خواندید نگاهی خیلی کوتاه به کتاب بود و البته همین نـــگاه اجمالی برای اینکه مشـــتاق خواندن آن بشـــوید احتمالا کیافت می‌کند. اما خواندن ســـخنان راوی کتاب در مراســـم رونمایی از تقریظ رهبر انقلاب هم خالی از لطف نخواهد بـــود. در ادامه معصومه آباد نویسنده کتاب «من زنده‌ام»، پشت تریبون قرار گرفت و گفت: قبلاً هم گفته‌ام که من نویســـنده نیســـتیم و تنها امانت مردم انقلابی ایران، که در اختیار من بود را باز پس دادم. وقتی حضرت آقا را در ســـال ۹۱ زیارت کردم سراپا گوش بودم تا به فرمایش ایشان عمل کنم و ایشان فرمودند که خاطرات دوران اسارتی که منتشر شده است کافی نیست و من آنجا متوجه شدم که ۳۰ سال در رســـاندن پیام اســـارت خود کوتاهی کرده‌ام. ایشان فرمودند مادامی که تاریخ دفاع مقدس ملبس به لباس ادبیات و هنر نشود به ثمر نخواهد نشست و بعد از آن جلسه در خود فرو رفتم و تصمیم گرفتم که این ودیعه را به مردم برگردانم.

◆ وقتـــی تقریظ آقـــا را دیدم ســـر از پا نمی‌شناختم

وی اضافه کرد: من دو ســـوم این کتاب را در ایام حج و زیارت خانه حق نوشـــتم و از خداوند متعال خواستم آنچه که خود می‌خواهد، برقلم من جاری کند. از همه اینها شـــیرین‌تر زمانی بود که محضر رهبری رفتم و خواســـتم از ایشـــان اذن رونمایی این کتاب را بگیرم. در آنجا ایشـــان فرمودند نویسنده کتاب «من زنده‌ام» شمائید؟ من در حال مطالعه این کتاب هستم و از این به بعد از روی این کتاب که شـــما اهدا کرده‌اید مطالعه خواهم کرد. در جلســـه بعد که ایشـــان را زیارت کردم ایشان فرمودند تقریظ من را بر کتاب‌تان دیدید؟ گفتم: آقا تقریظ شـــما را به من ندادند و زمانی که تقریظ را به مـــن دادند من دیگر در این دنیا نبودم و ســـر از پا نمی‌شناختم.

◆ کتابی که آقا از پشت پرده اشک خواندند

اما متنی که آقا بعنوان تقریظ بر این کتاب نوشتند هم در شیرین و دلچســـب بودن دست کمی از خود کتاب ندارد. در متن این تقریظ آمده است:
بسم‌الله الرحمن الرحیم
کتـاب را بـا احساس دوگانه‌ی اندوه و افتخـار و گاه از پشـت پـرده‌ی اشـک، خواندم و بر آن صبـر و همت و پاکـی و صفـا، و بـر این هنرمنـدی در مجسّـم کردن زیبائی‌هـا و زشـتی‌ها و رنج‌هـا و شـادی‌ها آفریـن گفتـم. گنجینـه یادهـا و خاطره‌هـای مجاهـدان و آزادگان، ذخیـره‌ی عظیـم و ارزشـمندی اسـت کـه تاریخ را پربـار و درس‌هـا و آموختنی‌هـا را پرشـمار می‌کنـد. خدمـت بزرگـی اسـت آنهـا را از ذهنهـا و حافظه‌هـا بیـرون کشـیدن و بـه قلم و هنـر و نمایش سـپردن. این نیز از نوشـته‌هائی اسـت کـه ترجمه‌اش لازم اسـت. بـه چهار بانـوی قهرمان این کتـاب بویژه نویسـنده و راوی هنرمنـد آن سـلام میفرسـتم.
۹۲/۷/۵

هنوز کفگیرمان به ته دیگ نخورده

گلعلی بابایی آنقدر کتاب خوب و خواندنی درباره دفاع مقدس نوشته که دیگر نامی آشنا در این عرصه است. او هم درباره کتاب «من زنده‌ام» به تسنیم گفته است:
کتاب‌هایی که با موضوع ادبیات بازداشتگاهی در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند، هر کدام دارای ویژگی‌ها و مشخصاتی هستند که می‌توانند برای مخاطب جالب باشد. موضوع هر یک از این آثار می‌تواند سوژه خوبی برای تولید آثار هنری دیگر مانند فیلم باشد. آثاری مانند «پایی که جاماند»، «من زنده‌ام» و ... نگاه جدیدی به حوزه ادبیات بازداشتگاهی دارند که تنوع این دسته از آثار می‌تواند بسیاری از هنرمندان ما که از کمبود سوژه در این زمینه می‌نالند را از نگرانی در بیاورند. در سال‌های اخیر آثاری که در حوزه ادبیات بازداشتگاهی منتشر شده‌اند، متعدد بوده اما تنها تعدادی از این آثار موفق شده‌اند تا به خوبی معرفی شوند. از سال‌های پس از جنگ کتاب‌های مختلفی با این مضمون منتشر شده‌اند که عموماً یک موضوع را بیان می‌کردند؛ فضای پر از تحقیر و توهین اسارتگاه‌ها را، اما در این میان تعدادی از آثار که توانستند از منظر جدید به این قضیه بپردازند، مانند کتاب «پایی که جاماند» و یا اینکه راوی ویژگی‌های منحصر به فردی داشت مانند «من زنده‌ام»، توانستند توسط رسانه‌ها به خوبی معرفی شوند. بسیاری از کتاب‌هایی که سال‌ها پیش چاپ شده‌اند، ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند، اما رسانه‌ها به آنها نپرداختند. اگر رسانه‌ای داشتیم که زمینه تبلیغ را داشت و به هر کتابی که در این حوزه منتشر می‌شد، می‌پرداخت، الآن بسیاری از این آثار در سبد فرهنگی خانواده‌های ما جای می‌گرفت. در حال حاضر نگاه‌های جدید وارد حوزه ادبیات دفاع مقدس شده است و ناشران نیز حرفه‌ای‌تر به این مقوله نگاه می‌کنند. با وجود این نمی‌توانیم ادعا کنیم که حق مطلب را در حوزه دفاع مقدس ادا کرده‌ایم. هنوز خیلی از آثار را ندیده‌ایم و بسیاری از صحبت‌ها را نشنیده‌ایم. ما به عدد رزمندگان جنگ می‌توانیم سوژه داشته باشیم. کارهای جدیدی که اخیراً چاپ می‌شود، هر کدام نگاه جدیدی را دنبال می‌کنند. با وجود این دسته از آثار دیگر بسیاری از هنرمندان نمی‌توانند ادعا کنند که کفگیر هنر دفاع مقدس به ته دیگ خورده است.

سالها گوش بزنگ انتشار این کتاب بودم

معصومه سپهری یکی از بانوانی است که در حوزه تاریخ شفاهی دفاع مقدس فعالیت می‌کند. دو کتاب «نورالدین پسر ایران» و «لشکر خوبان» از وی علاوه بر اینکه به تقریظ‌های رهبر انقلاب متبرک شده، توانسته در میان خوانندگان هم با اقبال روبرو شود. حالا این بانوی نویسنده درباره کتاب «من زنده‌ام» یادداشتی نوشته که در ادامه می‌خوانید:
سال ۷۶ زمانی که دانشجوی دانشگاه تبریز بودم در یکی از برنامه‌های فرهنگی دانشگاه، برای نخستین‌بار بانویی را ملاقات کردم که طعم اسارت در زمان جنگ را چشیده بود. او خانم دکتر فاطمه ناهیدی بود. سخنان آن روز ایشان خصوصاً بخشی از خاطرات‌شان که بعد از برنامه رسمی برای چند تن از ما دختران تعریف می‌کرد برای من که تازه جذب خاطرات جنگ شده بودم، فضایی غریب و در عین حال قابل ستایش ترسیم می‌کرد.
سؤالات زیادی از آن دوران در ذهن داشتم و چند کتاب کم‌حجمی را که همان سال‌ها در مورد زنان آزاده منتشر شده بود خواندم؛ اما آن‌چه نوشته شده بود تصویری کم‌رمق از آن رخداد خاص بود. در همه این سال‌ها گوش به زنگ انتشار کتابی در مورد آن چهار زن بودم. آن چهار زنی که گرچه ظاهراً تعدادشان کم بود، اما شرایطشان برای نشان‌دادن چهره‌ای از غلبه ایمان بر هراس و امید بر یأس و مقاومتی رو در رو با دشمن بی‌نظیر بود.
بعد از سال‌ها انتشار کتاب «من زنده‌ام» روایتگر آن ایام است که با نثر روان و تصویرسازی مناسب بخش زیادی از انتظارات و سؤالات را پاسخ داد و ما را سهیم رنج و صبر و امیدواری آن چهار زن نمود. خانم «معصومه آباد» با خاطراتش ما را به سلول‌های سرد و تنگ و تاریک اسارت برد و یادمان آورد چقدر زندگی، امید، آزادی و استقامت، دوست‌داشتنی و ارجمندند و انسان چه خلاق است که می‌تواند به اسارت معانی متفاوت بدهد. به همت بلند ایشان در زنده‌کردن ایام «من زنده‌ام» درود می‌فرستم و امیدوارم این کتاب با روایت دقیق دیگر بانوان آزاده تصویری کامل‌تر از آن روزگار فراهم آورد. تصویری که در میان اوراق پر رنج اسارت دیگرگونه خواهد درخشید.

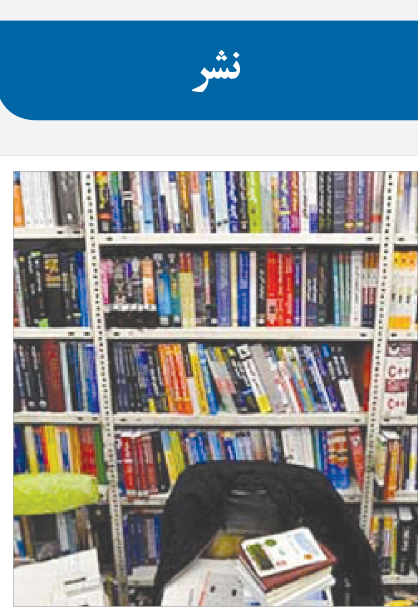
وقتی زندانبان‌ها به زانو در می آیند

سـعید علامیـان، از نویسـندگان خاطـرات دفـاع مقـدس و مؤلف کتابهایی چون «خداحافـظ رفیق» و «برای جنگ میگویـم» هم در گفتگو با تسـنیم، درباره کتاب «من زنده‌ام» گفته است: ادبیات اردوگاهـی که معمولاً بـا نام‌های مختلفی مانند ادبیات اسارتگاهی و ... خوانده می‌شود، شـامل خاطرات اسرا از روزهایی است که در بند اسـارتگاه‌های مختلف بوده‌اند. این نوع ادبیـات عموماً بعد از جنگ جهانـی دوم مـورد توجـه عموم علاقه‌منـدان قـرار گرفـت. ادبیـات اسـارتگاهی از وجوه مختلف حائز اهمیت اسـت کـه از ایـن نظر قابلیـت دارد تا مخاطبـان خود را در بیـرون از مرزهای ایران نیـز بیابد. این نوع از ادبیـات تا پیش از دفاع مقـدس در ایران سابقه نداشت. در حقیقت گونه جدیدی است کـه در این دوره مجال بـروز یافت و دارای ویژگی‌های خاص خود است. آثار این حوزه به طور معمول به بیان حالات درونی یک زندانی و نگاهش به زندانبـان می‌پردازد. خاطرات «من زنده‌ام» از زبان کسـی نقل می‌شود که نه جزء نظامیان اعم از ارتش و سـپاه است و نه عضـو ارگان دیگری بود. خاطرات از زبان زنی نقل می‌شود که به عنوان نیروی مردمی در جنگ حضـور دارد و این وجه خاطرات او را نسـبت به دیگران پررنگ‌تر و علاقه‌ها را بیشتر به خود جذب می‌کند. اولین تأثیری که با ترجمه این آثار به دسـت می‌آید، این است که جامعـه زن ایرانی را به مخاطب بیرون از مرزهای ایران معرفی می‌کند. نشان می‌دهد که زنان ایرانـی همپای مردان ایرانی در این دفاع شرکت کردند و به دور از صحنه جنگ نبودنـد. دوم اینکـه آثاری مانند خاطرات خانم آباد غرور، ابهت و بلندنظـری بانوان اسـیر در جنگ را به نمایش می‌گذارد. در اسارت دو حالت وجود دارد، یا اسیر شکسته می‌شـود و به زانو در می‌آید، یا اگر قوی باشد می‌تواند زندانبان را بـه زانو درآورد. خاطرات امثال خانم آباد نشـان داد و اثبات می‌کند که در طول جنگ تحمیلی این زنان ما بودند که توانسـتند در اردوگاه‌های عراق، با آن شرایط نامناسب اردوگاه‌ها و با دشمنی که هر لحظه حاضر به ضربه زدن اسـت، توانستند کاری کنند که زندانبان سر تعظیم برای بلندنظری آنها فرود آورد.



نگاهی به یکی از دغدغه‌های مهم و همیشگی ناشران و کتابفروشان

ناشران معاف هستند اما باید مالیات بدهند!



در روزهایی که مدیران فرهنگی و حتی غیر فرهنگی دولت، هفته‌ای چندبار علیه ممیزی موضع می‌گرفتند و این موضوع را به اصلی‌ترین دغدغه حوزه نشر تبدیل کرده بودند، عده‌ای بر اولویت‌های واقعی بازار نشر تاکید می‌کردند اما صدایشان شنیده نمی‌شد. معافیت مالیاتی ناشران یکی از این الویت‌ها بود که هرچقدر مورد تاکید قرار گرفت، جدی گرفته نشد تا اینکه فصل بهار رسید و مثل هر سال، موعد مالیات گرفتن و مالیات دادن شد. حالا دوباره صدای ناله ناشران و کتابفروشان بلند شده است که علی رغم قانون چند ساله معافیت مالیاتی آنها، اداره مالیات هیچ رقمه حاضر نیست بی‌خیال مالیات آنها شود. آموزگار، دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران اعلام کرد: در حال حاضر که مودیان مالیاتی پرونده‌های مربوط به ســـال ۹۱ همکاران ناشـــر ما را بررسی می‌کند، گزارش‌های متعددی به ما رسیده که آنها را به دلیل نداشتن دفاتر، اظهارنامه، ترازنامه و سایر مواردی که در مواد ۱۵ و ۱۶ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مســـتقیم آمده است، محروم از معافیت تشخیص داده‌اند. او توضیح داده است: مواد ۱۵ و ۱۶ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم در آبان ۱۳۹۱ و در دولت قبل اصلاح و مقرر شـــد که از جمله عبارت «محرومیت از معافیت» از مواد مزبور حذف شود. از سوی دیگر از ابتدای ســـال ۱۳۸۸ ناشران به بند «ب» ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم منتقل شده‌اند و بنابر مفاد بند مزبور، آنها ملکف شده‌اند درآمدها و هزینه‌های خود را در دفاتری که سازمان امور مالیاتی، نمونه آن را بله آنها ارائه خواهد کرد، ثبت و ضبط کنند و با عنایت به اینکه ناشران با این استنباط که از پرداخت مالیات معاف هستند و لذا نیازی به ثبت و ضبط درآمدها و هزینه‌های خود ندارند.
اما گویا هنوز برداشت‌های متفاوتی درباره متن قانون معافیت مالیاتی ناشـــران وجود دارد و سازمان امور مالیاتی از طرق مختلف ناشـــران را تحت فشار قرار می‌دهد. این در حالی است که به نظر می‌رسد وزارت ارشـــاد آنچنان که باید برای دفاع از حقوق ناشران تلاش نمی‌کند. چند روز پیش وزیر ارشاد در واکنش به این وضعیت تنها به گفتن همین جمله اکتفا کرده بود که «این بحث در هیأت دولت مطرح می‌شـــود اما متاسفانه وزرای اقتصاد و بازرگانی با این معافیت به شدت مخالف هستند... با این حال ما موضوع را چند باره مطرح و پیگیری می‌کنیم تا به راهکارهای خوبی برسیم.»
حـال بایـد منتظـر ماند و دیـد حاشـیه‌هایی مثل تاختـن بـه ممیـزی فرصتی بـرای وزارت ارشـاد باقـی می‌گـذارد تا بـه این دغدغه حیاتی ناشـران پرداختـه و بـه راهکارهـای خوبـی برسـد یا نه!

کشف استعداد ادبی گاهی ضرر دارد!

علی‌محمد مودب، مدیر موسسه شهرستان ادب در نهمین نشست صبح ناشر گفت: تولید متن و پرورش استعدادهای عرصه ادب، دو هدف اساسی راه اندازی این مؤسسه است و تلاش کردیم که این ۲ هدف را به صورت الاکلنگی دنبال کنیم تا از این طریق هم تولید متن و هم پرورش استعدادها با هم به سمت جلو حرکت کند.



وی با توصیف چرخه کشف و شناسایی استعداد، پرورش مستعدان و نهایتا زمینه‌سازی برای بروز استعداد در یک محصول فرهنگی، تأکید بیش از اندازه در مرحله اول این چرخه را یکی از عیوب مدیریت فرهنگی کشـــور عنوان کرد و گفت: با توجه به آسیب‌شناســـی که از ابتدا انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که جشنواره‌های مختلفی برای کشف اســـتعداد وجود دارد ولی زمینه‌ای برای تولید آثار دیده نمی‌شـــود. متاسفانه گاهی انحرافاتی در حوزه تولید متن و پرورش استعداد به وجود مـــی آید به گونه‌ای که تنها کشـــف استعداد اصل می‌شود و موسسات برنامه‌ای برای استعدادهای کشف شده ندارند؛ به عبارت دیگر بین انجمن‌های ادبی، محافل ادبی، جشنواره‌ها و انتشـــارات ارتباط پویایی وجود ندارد و به این منظور باید برنامه‌ای در سطح ملی تنظیم شود تا برای نمونه ۱۰۰ نفر اول کشور در حوزه ادبیات را حمایت کنند.
مودب افـــزود: امروز در حوزه ادبیات کشـــف اســـتعداد صورت می‌گیرد که این اتفاق گاهی برای ادبیات کشور مضر است. وقتی ما به یک جوان گفتیم که تو نفر اول شـــعر کشور هستی ذهنـــش به هـــم می‌ریزد و توقعـــات وی بالا می‌رود. در حالی که در ســـطح ملی، برنامه‌ای برای استعدادهای کشف شده نداریم.
مدیر انتشـــارات شهرســـتان ادب، ضمن اشاره بـه تاریخچـه ادبیـات و حمایت‌هـای حاکمان از نخبـگان افـزود: ما در گذشـته شـاهد بودیم کـه حکومت‌هـا، نخبگان را حمایـت می‌کردند و آثـاری فاخـر با حمایـت آنها تولید می‌شـد و وقتـی کـه یک شـاعر در یک سـطح بـه مدح شـاه می‌پرداخـت، نشـان از حمایت گسـترده پادشـاهان آن زمانهـا از اسـتعدادهای ادبـی اسـت هـر چنـد شـاید تحلیل‌هـای سیاسـی در مـورد نحـوه حکومـت‌داری آنها ارائه شـود کـه ایـن موضـوع ارتباطـی بـه حمایت‌هـای آنهـا از اهالـی فرهنـگ و هنـر نـدارد. ایـن در حالـی اسـت کـه متاسـفانه مـا فقط در کشـور اسـتعدادها را کشـف مـی کنیم و دیگـر برنامه هـای بـرای آنهـا نداریـم. وی بـر توجـه ویژه بـر قشـر مسـتضعف در ادبیـات تأکیـد کـرد و گفـت: انقـلاب مـا برای مسـتضعفین اسـت و اگـر صـدای مسـتضعفین در ادبیات ما شـنیده نشـود بـه انقـلاب ضربه خواهـد خـورد و این اتفـاق باعـث تضعیف سـوال‌های مطرح شـده در انقـلاب می‌شـود.
مـؤدب بـا اشـاره بـه اینکه اقشـار متوسـط به پاییـن جامعه در ارائه استعدادهایشـان مشـکل دارنـد، افـزود: عـدم ارائـه آثـار مسـتضعفین جامعـه باعـث ضعـف ادبیـات ایـن قشـر خواهـد شـد. در طـول زمـان وقتـی اینگونـه افـراد تلاش‌هـای خـود را بی‌نتیجـه می‌بیننـد درگیری‌هـای معیشـتی باعـث می‌شـود کـه کارهـای آنـان تضعیف شـود و ایـن خطا برای مسـئولین رخ می‌هـد کـه فکر می‌کننـد تولید فقـط مختـص یـک قشـر خـاص متمکـن از جامعـه اسـت. بچه‌هـای طبقـات مسـتضعف بـا اسـتعدادهایی کـه دارنـد مشـکلات خـود را پشت‌سـر می‌گذارنـد و یـا حتـی شـبها سـاعتها بـرای تولیـد یـک اثـر جدید بیـدار می‌ماننـد. شهرسـتان ادب تـلاش دارد تـا بتوانـد تولیـد متـن را بـرای بخـش مهمـی از اسـتعدادهای جامعه تسـهیل کنـد و امیدواریم بـه راهکارهایی برسـیم کـه در کوتـاه مدت و بلندمـدت پاسـخگوی ایـن مسـئله باشـد.
یک‌شـــنبه‌های هر دوهفته یک‌بـــار، در محل «مرکز رسانه‌ای شیرازه» ادامه خواهد یافت.

ویترین فرهنگ و هنر

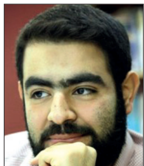


کتابی که چاله‌میدانی‌ها هم از آن خوششان می‌آید

راوی کتاب «فقط غلام حسین باش» در آئین معرفی و نقد کتاب «فقط غلام حسین باش» نوشته حمید حسام گفت: حقیقتا دست‌وپنجه حمید حسام درد نکند و اگر ایشان اجازه بدهد دستش را می‌بوسم. در آینده همه تیپ شخصیتی این کتاب را می‌پسندند، حوزوی، دانشگاهی، چاله‌میدانی و غیره از این کتاب استقبال خواهد کرد. گلعلی بابایی هم در این مراسم گفت: از رسانه‌ها و صدا و سیما می‌خواهیم که کتاب‌های خوب و درخور توجه را معرفی کنند و نباید منتظر بمانیم تا رهبر انقلاب بر کتابی تقریظ بنویسند و سپس آن را بزرگ کنیم باید تمام مسئولان فرهنگی و رسانه‌ها دست به دست هم بدهیم تا کتاب را در جامعه گسترش دهیم، باید جریان کتابخوانی که رهبر انقلاب در پیشانی آن قرار دارد را بیش از پیش تقویت کرد. فقط غلام حسین باش» کتاب ۲۹۵ صفحه ای است که توسط انتشارات صریر منتشر شده است.

هیچ‌کس توان تعطیلی جشنواره‌های انقلابی را ندارد

محمد خزاعی به عنوان دبیر جشنواره مقاومت گفت: جشنواره فیلم مقاومت بزرگترین جشنواره سینمایی انقلاب اسلامی است که در سال‌های گذشته و در طول ادوار برگزاری‌اش توانسته تأثیرات زیادی بگذارد. ۳۰ سال پیش عده‌ای از بچه‌های جنگ دور هم جمع شدند و احساس کردند که باید جشنواره‌ای تشکیل دهند برآمده از روح و جوهره انقلاب و دفاع مقدس. او با انتقاد از تعطیلی کنفرانس هالیوودیسم و جشنواره افق نو و در پاسخ به این سؤال که آیا ممکن است جشنواره بین‌المللی مقاومت نیز به سرنوشت مشابهی مبتلا شود، می‌گوید: برگزاری کنفرانس‌هایی چون هالیوودیسم تن آنها را لرزاند زیرا امریکا مستعمره فرهنگی اسرائیل است و شبکه‌های سیاسی زیادی در امریکا در دست صهیونیسم است. اما درباره جشنواره مقاومت و وجود شائبه برخورد یا تعطیلی آن، به سبک هجمه به جشنواره افق نو باید این نکته را بگوییم که هیچ‌کس توان تعطیلی جشنواره‌های انقلابی را ندارد.



مهدی خانعلی زاده

چرا رسانه ملی، «جام جهانی فوتبال» را به اولویت افکار عمومی تبدیل می‌کند؟

این دانشگاه فقط زنگ ورزش دارد!

حدود یک هفته است که جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ در کشور برزیل آغاز شده و در همین مدت، رسانه ملی به فستیوالی از برنامه‌های مختلف در زمینه پخش مسابقات و حواشی و تحلیل این رقابت‌ها تبدیل شده است؛ رویکردی که عملکرد متداول صداوسیما را تحت‌الشعاع خود قرار داده و اولویت اصلی همه شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی را به خود اختصاص داده است. در این زمینه باید به دو نکته توجه کرد. اول اینکه هر چند ممکن است پرداختن به مسابقات جام جهانی فوتبال و ارائه برنامه‌های تحلیلی درباره آن یکی از خواسته‌های بخش قابل توجهی مردم باشد و رسانه ملی هم باید به این خواست عمومی احترام بگذارد و بهترین برنامه‌ها را برای آن تدارک ببیند اما باید توجه کرد که ضریب اولویت دادن به یک نیاز عمومی باید تا چه اندازه‌ای باشد. شبکه سوم سیما (و اخیرا شبکه ورزش) به عنوان شبکه‌های تخصصی ورزش در تلویزیون مشغول فعالیت هستند و رادیو ورزش هم در بخش صدا این وظیفه را برعهده دارد. اینکه برای تامین نیازهای مخاطبین، اولویت این شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی را در مدت یک ماه برگزاری جام جهانی فوتبال به این رقابت‌ها اختصاص دهیم، نه تنها مذموم نیست بلکه یک اقدام صحیح در جهت جلب رضایت مخاطبان است اما مدیران صداوسیما اکنون باید به یک پرسش مهم در این زمینه پاسخ بدهند و آن این است که چرا باید همه شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی که اساسا ارتباطی با این موضوع ندارند هم به قدری به این مساله ضریب و اولویت بدهند که حتی فلسفه این شبکه‌ها نیز زیر سوال برود؟

به عنوان مثال، شبکه دوم سیما که در سال‌های اخیر به عنوان شبکه کودک و نوجوان معرفی شده و در این حوزه به برنامه‌سازی تخصصی مشغول است، برای جام جهانی فوتبال یک برنامه ویژه تدارک دیده و حتی با صرف هزینه‌های فراوان و گزاف (در این اوضاعی که صداوسیما رسما آنتن خود را به شرکت‌های تولیدی برای تبلیغات محصولاتشان می‌فروشد)، استودیوی اختصاصی هم در کشور برزیل مستقر کرده تا به طور اختصاصی به روایت حواشی جام جهانی فوتبال بپردازد. شبکه مستند، شبکه آموزش، شبکه شما، شبکه نمایش و شبکه تماشا در تلویزیون و رادیو جوان، رادیو ایران، رادیو گفتگو و رادیو تهران در رادیو از جمله شبکه‌هایی هستند که اولویت اصلی خود در این روزها را به مساله جام جهانی فوتبال در برزیل اختصاص داده‌اند و همین مساله سبب شده تا مخاطبین رسانه ملی در هر ساعت از شبانه روز به هر کدام از شبکه‌های صداوسیما مراجعه کنند، با یک ویژه برنامه فوتبالی روبرو شوند.

این رویکرد اشتباه نشان از این دارد که مدیران مجموعه صداوسیما اساسا تعریف مشخص و صحیحی از اولویت بخشی به برنامه‌ها و خط مشی شبکه‌های تلویزیونی ندارند و صرفا به دنبال تامین نظر مخاطبان به هر شکل ممکن هستند؛ رویکردی که سبب می‌شود تا یک مساله عامه‌پسند که دغدغه بخشی از مردم ایران است، با این نوع رفتار رسانه ملی به یک خواست و نیاز همگانی تبدیل شود و حتی اولویت آن تا جایی بالا برود که زندگی عادی مردم را نیز تحت تاثیر خود قرار بدهد.



نکته دوم در این موضوع، نوع نگاه مدیران سازمان صداوسیما به مساله مهم «خواست عمومی» است. رویکرد رسانه ملی در زمینه پرداختن به جام جهانی فوتبال در سال‌های اخیر نشان داده که اگر تلویزیون و رادیو بخواهند یک مساله را به اولویت اصلی زندگی مردم تبدیل کنند — تا جایی که حتی برنامه خواب آنان را نیز تغییر دهد — می‌توانند این اقدام را به بهترین شکل ممکن انجام دهند.

با این حال، نگاهی به عملکرد چند ساله‌ی اخیر رسانه ملی در زمینه موضوعات مهمی چون فرهنگ عمومی، حجاب و عفاف، رعایت احکام شرعی، امر به معروف و نهی از منکر، سبک زندگی اسلامی و حتی موضوعات سیاسی نظیر فتنه ۸۸، اثبات می‌کند که این موضوعات برای شبکه‌های رسانه ملی اساسا در اولویت قرار نداشته است؛ چرا که اگر همانند جام جهانی فوتبال، این مسائل را نیز از درخواست‌های عمومی مردم و در جایگاهی با ضریب بالای اولویت قرار می‌دادند و برای آن اقدام به برنامه‌سازی می‌کردند، قطعا در این زمینه‌ها نیز به موفقیت‌های فراوانی دست پیدا می‌کردند.

زمانی که تلویزیون و رادیو می‌توانند با برنامه‌های گسترده خود، لیگ جهانی والیبال و جام جهانی فوتبال را به صدر اولویت‌ها و دغدغه‌های مردم ایران تبدیل کنند، طبیعی است که می‌توانند با برنامه‌سازی صحیح و برنامه‌ریزی دقیق، همین عملیات را در حوزه‌های مهمی که در بالا ذکر شد نیز پیاده‌سازی کنند و بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی را حل و فصل کنند. تصور کنید که رسانه ملی، یک ماه به طور مداوم و ۲۴ ساعته تمامی برنامه‌های تصویری و صوتی خود را به مساله حجاب و عفاف اختصاص دهد و برنامه‌های جذاب، نو و متفاوتی در زمینه ترویج آن و پاسخ به شبهات احتمالی تولید کند. بدیهی است که این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز تغییر جهت افکار عمومی به سمت ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه شود؛ چیزی که عینا در زمینه فوتبال و جام جهانی شاهد آن هستیم که حتی فردی که تمایل چندانی به تماشای فوتبال نیز ندارد، بر اثر پمپاژ گسترده برنامه‌های فوتبالی از صداوسیما، علاقه‌مند به پیگیری مسابقات می‌شود. هنوز جای پاسخ به این سوال وجود دارد که کدام برنامه تلویزیونی و رادیویی تاکنون اقدام به برگزاری مسابقه با موضوع حجاب و عفاف کرده که نهایتا جایزه ارزشمندی نظیر یک دستگاه خودروی گرانقیمت برای آن درنظر گرفته شده باشد؟ آیا این درخواست زیادی است که برای یکی از موضوعات مهم دینی نظیر مساله حجاب نیز به اندازه تعداد گل‌های زده کلمبیا به یونان ارزش قائل باشیم و برای آن برنامه بسازیم و مسابقه برگزار کنیم و جایزه نفیس بدهیم؟

مخلص کلام اینکه باید اذعان کرد که رسانه ملی اگر بخواهد، می‌تواند به همان دانشگاهی که مدنظر امام خمینی(ره) بود تبدیل شود؛ دانشگاهی که البته مدیران ارشد آن در سال‌های اخیر ترجیح داده‌اند تا فقط واحد تربیت بدنی را برای دانشجویان ارائه دهند و خبری از واحدهای اندیشه اسلامی و انقلاب اسلامی نیست یا اگر هست، در بدترین ساعات و بدترین روزها با سخت‌گیرترین اساتید!

کمی درباره کارنامه سیاه فردی که وزارت ارشاد به او مجوز انتشار مجله داده است

آقای وزیر! واقعا نمی‌دانید یا خود را به ندانستن می‌زنید؟

گروه فرهنگی ۹دی– اوایل خردادماه بود که خبر اعطای مجوز انتشار مجله‌ای به نام «زنان امروز» به مدیرمسئولی شهلا شرکت رسانه‌ای شد. همان موقع اعتراضات شروع شد اما احتمالاً هیچکدام از کسانی که به این اتفاق معترض بودند، فکر نمی‌کردند که علی جنتی، وزیر ارشاد در واکنش به این اعتراض‌ها بگوید: «اصلا من نمی‌دانم تعریف ایشان از فمینیستی چیست. اجمالا می‌توانم بگویم تنها موردی که مجوز گرفته، مجله «زنان امروز» خانم شهلا شرکت است که بر اساس قانون این مجوز صادر شده است. در این خصوص استعلام در مورد عدم سوءپیشینه گرفته شده و در چارچوب قانون مجوز برای آن صادر شده است.»

جنتی این سخنان را در واکنش به سوال خبرنگاری گفت که از او درباره اعتراض رییس بسیج هنرمندان به اعطای مجوز به یک نشریه فمینیستی پرسیده بود، اما در واقع به نوعی می‌شد آن را همه آن چیزی دانست که وزیر ارشاد در قبال اعتراضات در چنته داشت. وی در پاسخ به سوال پرسش‌گری که مدعی بود با توجه به تندروی‌های افراطی مدیرمسوول این نشریه در موارد قبلی، آیا این نشریه توقیفی داشته است یا خیر؟ گفت: اگر هم توقیفی بوده است برای این نشریه نبوده و مربوط به موارد دیگر بوده است. اینکه کسی در جایگاه وزیر ارشاد چنین جوابی بدهد کمی عجیب است اما اگر واقعاً وزیر ارشاد سابقه و کارنامه شهلا شرکت را نمی‌داند، و از وضعیت نشریه سابق او یعنی زنان خبر ندارد، بد نیست بخش از گزارش سایت مشرق درباره این فرد را در ادامه بخواند.

علت عمده اعتراضاتی که به اعطای مجوز به این نشریه وارد گشت به دلیل سابقه مدیر مسئول این نشریه است. شهلا شرکت قبل از این مدیریت ماهنامه «زنان» را بر عهده داشت که از سالهای ۱۳۷۰ تا ۸۶ در ۱۵۲ شماره منتشر شد. بیشتر کارشناسان معتقدند که ماهنامه «زنان» در طی این ۱۶ سال فعالیت، با تمرکز بر مباحث فمینیستی و قرار دادن فضای لازم برای نگارش یادداشت و گزارش‌های متعدد در این زمینه، به دنبال رفع موانع موجود از مسیر آرمان‌های گروهی اندک از فعالان به اصطلاح جنبش زنان بود؛ این موانع در نگاه گردانندگان نشریه، از قانون و سنت‌های ایرانی تا قوانین و احکام شرعی را در بر می گیرد که باید به طرق مختلف از میان برداشته شود. شهلا شرکت در سال ۲۰۰۵ جایزه «شهامت در خبرنگاری» را از «بنیاد بین‌المللی رسانه‌های زنان» دریافت کرد و در سال ۸۵ نیز به عنوان یکی از پنج روزنامه‌نگار باتجربه و برتر سال از جانب انجمن صنفی خبرنگاران انتخاب شد. شهلا شرکت مدیر مسئول ماهنامه زنان در مصاحبه‌ای در جواب سئوال خبرنگار در مورد ماهیت نشریه، ماهنامه زنان را یک ماهنامه فمینیستی معرفی می کند و سپس در مورد تضاد مباحث فمینیسم با اسلام می گوید: «می شود هم دیندار بود هم با اقتضائات دنیای مدرن کنار آمد. اینها تعارضاتی با هم ندارند. البته بستگی به نوع قرائت افراد از دین هم دارد... دین نهادی است که باید از آن انتظارات مربوط به خودش را داشت، حالا هر جا که برای مسائل زنان در دنیای امروز پاسخی داشته باشد می توان به آن رجوع کرد.»




شهلا شرکت در کنار شیرین عبادی

سایت ضد انقلاب جرس در مطلب که به جریان شناسی فمینیسم در ایران پرداخته است با تقسیم فمینیست‌های ایرانی به دو گروه اسلامی و سکولار و با قرار دادن ماهنامه زنان و شهلا شرکت در دسته فمینیست‌های اسلامی می نویسد: «فمینیست‌های اسلامی به طور ویژه سعی دارند جنبه‌های مردسالارانه‌ی قوانین خانواده را که مخصوصاً در حیطه‌های ارث، ازدواج، طلاق و حضانت برضد منافع زنان است از میان بردارند... بازخوانی متون اسلامی پروژه‌ی اصلی فمینیست‌های اسلامی است. شهلا شرکت، مریم بهروزی، منیره گرجی و محسن سعیدزاده (روحانی سابق خلع لباس شده) به‌رغم اعتقادات دینی راسخ‌شان تفسیرهای جدیدی از متون اسلامی به دست می‌دهند تا قوانین و سیاست‌هایی را که بر پایه‌ی تعابیر سنتی، تحت‌اللفظی و ضدزن وضع شده‌اند به چالش بکشند.»

محمد علی همایون کاتوزیان پژوهشگر در کالج سنت آنتونی، و عضو هیات علمی مؤسسه شرقشناسیدانشگاه آکسفورد نیز در مقاله ایران پس از آیت الله خمینی به نقش شهلا شرکت و ماهنامه زنان در ترویج فمینیسم اشاره دارد: « زنان دیگری نیز، بیرون چهارچوب رسمی سیاسی، هم در جنبش فمینیستی و هم در جنبش اصلاح طلبی نقش مهمی ایفا کردند. برخی از سرشناس ترین این چهره ها عبارت بودند از شهلا شرکت، ناشر و سردبیر ماهنامه‌زنان»

در نهایت در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۸۶ و با حکم هیات نظارت بر مطبوعات، ماهنامه زنان توقیف شد. درج مطالب و اخبار به گونه ای که موجب سلب امنیت روانی جامعه می شد، به مخاطره انداختن سلامت روحی، فکری و روانی مخاطب و القای این که در جامعه امنیت وجود ندارد، و سیاه نمایی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی از دلایل توقیف این ماهنامه بود. شبکه سلطنتی انگلستان بی‌بی‌سی فارسی بعد از توقیف این ماهانامه، با تعریف و تمجید از عملکرد ۱۶ ساله‌اش می‌نویسد: « مجله زنان در کنار نشریاتی چون کیان، آدینه، پیام امروز، ایران فردا، دنیای سخن و جامعه سالم از نشریات جریان روشنفکری ایران به شمار می رفت. در شرایطی که «فمینیسم» در ایران بار منفی دارد و حتی در بعضی از آیین نامه های دولتی نیز رواج آن نهی شده است، مسئولان ماهنامه زنان این مجله را تنها ماهنامه فمینیستی ایران می خواندند. مجله زنان با اینکه مجله ای سیاسی نبود، اما در آرایش نیروهای سیاسی ایران به نیروهای اصلاح طلب گرایش داشت.»

با وجود اینکه شهلا شرکت دغدغه‌های اصلی خود و ماهنامه زنان را غیر سیاسی و بیشتر دغدغه‌هایی از جنس اجتماعی عنوان می‌کند، اما برخی اقدامات و مواضع وی نشان از جهت گیری‌های سیاسی وی دارد. یکی از جنجالی ترین این موارد، حضور شهلا شرکت در کنفرانس برلین است؛ حضوری که موجب بازداشت و محکومیتش شد. از دیگر نقاط سیاه در کارنامه سیاسی شهلا شرکت می توان به حمایت وی از نمایندگان متحصن مجلس ششم اشاره کرد؛ وی یکی از امضاکنندگان بیانیه حمایت طیفی از روزنامه‌نگاران از نمایندگان متحصن بود که در این بیانیه آمده بود: «وظیفه‌ی خود می‌دانیم با تمام توان خویش، وظیفه‌ی ایجاد پل ارتباطی بین شهروندان و نمایندگان دلیرشان را بر عهده گیریم و علاوه بر این، از ارایه‌ی هرگونه حمایت عملی دیگر در هنگام ضرورت، ابایی نداریم»

همکاری شیرین عبادی، مهرانگیز کار و رزا افتخاری (مدیر مسئول نشریه آنلاین زن نگار که زیر نظر برنامه ایران در موسسه گزارش گری جنگ و صلح در لندن اداره می‌شود) و پرستو دوکوهکی (روزنامه نگار اصلاح‌طلب که در سال ۸۶ به اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور ، اخلال در نظم عمومی و تمرد در مقابل پلیس بازداشت و بار دیگر در سال ۹۰ بازداشت شده بود) با شهلا شرکت در نشریه زنان از دیگر معیارهای نشان دهنده خط فکری این فرد است. حال باید از وزیر ارشاد پرسید که آیا مجوز فعالیت مطبوعاتی دادن به چنین شخصیتی با این سابقه و کارنامه سیاه قابل دفاع است؟ و آیا این در شان دولتی که ادعای اعتدال دارد هست؟

سینما

گزارشی از حواشی ایجاد شده پیرامون حضور چند هنرمند درجه ۲ در برزیل

شلوارک یا بیت المال؟ مسئله این است!



فوتبال و سینما به خودی خود پر از حاشیه هستند، چه برسد که در کنار یکدیگر هم قرار بگیرند! به همین دلیل از همان روزی که خبر اعزام تعدادی از هنرمندان به برزیل برای حمایت از تیم ملی فوتبال رسانه‌ای شد، می‌شد حدس زد که کلی حاشیه در کنار این هم نشینی بوجود خواهد آمد.

این حاشیه‌ها با اعلام اسامی هنرمندان و بعد انصراف خیلی از آنها آغاز شد و بعد با پیش آمدن موضوع هزینه این سفر ادامه پیدا کرد. اگرچه اعلام شد که هزینه این سفر توسط اسپانسر انجام میشود اما بعدا مشخص شد که این اسپانس همان آژانسی است که طرف قرار داد با فدراسیون است و... .

حالا هم با انتشار تصاویری از هنرمندان حاضر در برزیل که با سر و وضعی عجیب و شلوارک و پیراهن آستین حلقه‌ای مشغول برزیل گردی و عکس انداختن از اینور و آنور هستند، دوباره بحثهایی درباره دلایل این سفر در گرفته است. اعتراضات به پوشش و رفتار نا مناسب این هنرمندان در کنار پرسش از چرایی مبنایی چنین خرجهایی چنان بالا گرفت که مهراب قاسمخانی، یکی از شلوارک پوشان حاضر در این سفر جوابیه‌ای نوشت و با لودگی مدعی شد که در این سفر نماینده خودش است و نماینده مردم و فرهنگ مردم ایران نیست. او همچنین نوشت که «اعتراف میکنم به عنوان یک شلوارک‌پوش آمده ام تا یک عده شورت‌پوش را تشویق کنم!»

رفتار زننده این هنرمندان در کنار توجیهات همراه با لودگی این نویسنده سریالهای طنز تلویزیونی باعث شد تا خبرگزاری ایسنا —که رابطه خوبی با این دست هنرمندان دارد– هم مطلبی اعتراضی منتشر کند و بنویسد: «کسی معترض سفر هنرمندان به جشنواره‌ها، فستیوال‌ها، مجامع و... در خارج از کشور نیست. اساسا کسی کاری هم ندارد که بازیگران بخواهند در سفرهای خارجی غیررسمی خود، شلوارک، رکابی یا هرچیز دیگری بپوشند یا مثل همان وضعیت حمام رفتنشان که توصیف کرده‌اند، اصلا چیزی نپوشند. مشکل از جایی شروع می‌شود که بازیگران محترم که جامعه برای آن‌ها احترام و جایگاه خاصی قائل است، برای وظیفه مشخصی و تحت پروژه‌ای که به هر ترتیب قابل قبول یا غیرقابل قبول عنوان ملی به خود گرفته است، به سفری رفته باشند و به عبارتی نماینده فرهنگی جامعه شناخته شوند؛ آن موقع است که پوشیدن شلوارک‌های ۱۰ هزار تومانی مانند افراد معمولی که برای اولین‌بار به سواحل تایلند یا ترکیه سفر می‌کنند، کمی بد به نظر می‌رسد... با این حساب و وقتی هنرمندان قرار است به عنوان «حامی فرهنگی تیم ملی فوتبال»، «افزایش دهنده وفاق ملی»، «یار دوازدهم تیم ملی» و... به برزیل سفر کنند، این پرسش ایجاد می‌شود که آیا آن‌ها نباید شأنیت یک هنرمند ایرانی را رعایت کنند؟ این پرسشی است که شاید آقای (سیدجواد) هاشمی در مقام تهیه‌کننده یا مدیر تولید پروژه! باید به آن پاسخگو باشد.»

با این حال باید گفت که این حاشیه‌ها نباید باعث شود که سوال و مسئله اصلی که حیف و میل بیت المال است توسط موضوعاتی مثل شلوارک پوشیدن به حاشیه رود و طبیعتا مسئولان از زیر بار پاسخ دادن به سوال اصلی فرار کنند.

هشدار

هدیه سازمان سینمایی در سالگرد فتنه چه بود؟!

این روزها، پنجمین سالگرد فتنه۸۸ است و قاعدتا فرصت مناسبی‌ست برای بازخوانی و ارزیابی تولیدات هنری–علی‌الخصوص– سینمایی– مرتبط با فتنه و همچنین ارزیابی عملکرد مدیران فرهنگی نظام در جهت بازخوانی و تحلیل فتنه.



عملکردی که در چند سال گذشته نتیجه‌ی آن تولید چندین برابری آثار حامی فتنه در مقابل چند اثر حامی نظام بوده است و تنها لیست کردن آثار تولید شده، خود به خوبی نشان دهنده‌ی میزان اعتقاد مدیران دستگاه‌های فرهنگ‌ساز نظام به لزوم پرداخت به این موضوع از دریچه نگاه جمهوری اسلامی و برخورد با فتنه‌گران هست.

به گزارش "رجانیوز"، اما در همین روزها و درست در سالگرد فتنه خبرهایی از سازمان سینمایی دولت یازدهم منتشر شده است که بر مبنای آن ظاهرا به جای مطالبه ساخت آثار روشنگر علیه فتنه و فتنه‌گران باید نگران بر صدر نشستن و قدر دیدن کسانی باشیم که با ساخت آثار حامی فتنه به نظام دروغ بسته‌اند و با روایت مجعول و وارونه‌ی تاریخ سعی در تحریف فتنه دارند. در همین زمینه در روزهای گذشته حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی در مصاحبه‌ای که با یکی از نشریات سینمایی انجام داد از فیلم‌های حامی فتنه از اکران سه فیلم «عصبانی نیستم»، «قصه‌ها» و «خانه پدری» حمایت کرده و وعده اکران آنها را داده. این فیلم‌ها اثاری هستند که پیش از آغاز و همچنین در روزهای برگزاری آخرین جشنواره فیلم فجر، نمایندگان مجلس نیز در مورد نمایش عمومی آن‌ها هشدارهای صریحی به مدیران سینمایی وزارت ارشاد داه بودند. هشدارهایی که در اختتامیه جشنواره موجب کنار گذشته شدن یکی از این فیلم‌ها از داوری شد و این عمل سازمان سینمایی مورد تقدیر مجلس نیز قرار گرفت. اما حالا رئیس سازمان سینمایی در سالگرد فتنه خبر داده است که کنار گذاشتن آن فیلم از داوری تنها حربه‌ای بوده برای دور زدن نمایندگان مجلس و همچنین رسانه‌ها و منتقدان جبهه انقلاب و اکران عمومی این فیلم‌ها در شرایط خوب و ایده‌آل!

اما پیش از این و در خلال جشنواره و بحث‌های پس از آن هم به این موضوع اشاره کرده بودیم که «عصبانی نیستم»– فیلمی که رئیس سازمان سینمایی از سعه‌صدر سازنده‌ی آن تشکر کرده است– فحشنامه‌ای است رکیک و البته مستقیم‌گو علیه هر آنچه که کارگردان در این سال ها نپسندیده است. کارگردان از مذهبی ها متنفر است، پس در یک سکانس بی ربط و ضعیف، یک ریشوی مذهبی تسبیح به دست را ناگهان طالبان می خواند. از سال ۷۸ با تیتر گل درشت دانشگاه به خاک و خون کشیده شد فکت می آورد و پوستر خاتمی را مدام توی چشم مخاطب فرو می کند. از بسیجی ها کینه به دل دارد، پس بعد از کتک زدن مفصل یک بسیجی توسط یکی از کاراکترها می گوید ما اهل زدن نیستیم، اینها هستند که مردم را کتک میزنند! از نظام دل پری دارد، مدام از دستاویز دانشجوی ستاره دار استفاده می کند و به کشته های ۸۸ نقبی می زند و به نامگذاری سال توسط مقام معظم رهبری هم متلک می‌اندازد و ...

البته این هم جالب است که این حمایت از فیلم‌های فتنه در روزهایی اتفاق می‌افتد که رئیس جمهور در نشست خبری رسانه‌ها را از بزرگ کردن و پرداختن به اتفاقات گذشته نهی کرده است: «بعضی‌ها آنقدر به پشت نگاه می‌کنند که من می‌ترسم آنها زمین بخورند، حالا زمانی اتفاقی افتاده است که باید از آن بگذریم نباید آنقدر گذشته را به یاد آوریم و باید به جلو نگاه کنیم بعضی‌ها فقط به پشت نگاه می‌کنند، هر کس جرمی مرتکب شده قوه قضاییه باید او را محاکمه کند، اگر قوه قضاییه وی را محاکمه نکرد، یعنی وی پاک است. آنقدر سایرین متهم نکنیم کسی که اکنون در خیابان راه می رود یعنی گناهی ندارد.» حرف‌هایی که احتمالا فقط در مورد روشنگری جبهه انقلاب در مورد فتنه و فتنه‌گران مصداق دارد و حمایت از فتنه همچنان ایرادی ندارد.

۹ دی
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

خنده و زندگی

شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ / ۲۳ شعبان ۱۴۳۵ / شماره صدوپنجاه ویکم
21 June 2014 , Vol 4 , No 151

سر به سر خبرها

◆ جراید: فرار تروریست های داعش با لباس زنانه
همچنان شواهدی بر شباهت داعش و جنبش سبز رونمایی می‌شود

◆ جراید: آرژانتین با مسی از ایران می‌ترسد
این که چیزی نیست، ما هم بی مسی از آرژانتین می‌ترسیم

◆ جراید: عدم تمدید قرارداد رحمتی با استقلال
حالا چی بپوشم؟!

◆ جراید: یکی از سران فتنه گفت نمی‌خواهم به‌قدرت برگردم!
آقا یه جاروی فروشی معرفی میکنم که جون میده واسه بستن به دم!

◆ جراید: رفسنجانی گفت فعلاً حضورم در نماز جمعه مناسب نیست
به شما هم آدرس بدم؟!

◆ جراید: عرضه کنندگان میوه در تهران بی انصافی می کنند
بی‌انصافی‌نکنید!

◆ جراید: پروین گفت خودباوری داشتیم نیجریه را می‌بردیم
سلطون جون از سیستم شما فقط زیر توپ زدن رو بلد بودن، نه خودباوری!

◆ جراید: دستگیری ۵۰۰ عضو بوکوحرام در جنوب نیجریه
وقتی ۵۰تا ۵۰تا میـدزدن، ۵۰۰تا ۵۰۰تا هم گیر میفتن دیگه!

◆ جراید: نادران گفت خواستار روشن شدن وضعیت سوال خود از وزیر نفت درباره کرسنت هستم
باش!

از شلوارک تا مایو

لطفا هنرمندان از تیم ملی شنا حمایت نکنند!

م.ر.سیخونکچی

تعـدادی از هنرمندان غالبا زیبـارو کـه در فیلمهـا و سـریالهای زیباروپانـه‌ای نقش آفرینـی کـرده بودنـد بـه همـراه چنـد نفـر خواننـده و فیلمنامـه نویـس و... بـه کشـور دوسـت و بـرادر برزیل سـفر کرده‌انـد تـا در کنـار حـال و هـول و مخلفـات، تیـم ملـی را هـم حمایـت فرماینـد. از آنجـا کـه یکی از نیازهـای اولیـه حمایـت ار تیـم ملـی شـلوارک گل منگولی اسـت، این افراد هم سـریعاً یک عدد شـلوارک از سـاک درآورده و همینکه پایشـان به فـرودگاه برزیل رسـیده، به سـرویس بهداشـتی رفته و شـلوارک مزبور را جـای شـلوار بـر تـن فرموده‌انـد. اما اینـور دنیـا و در مـرز پـر گهر هـم تعـدادی افـراد پیدا شـده‌اند کـه این نـوع رفتـار بهشـان برخـورده و احسـاس کرده‌انـد کـه وقتـی یک هنرمند بـرای حمایت از تیم ملـی به برزیل مـی‌رود بایـد حداقـل دو زار(!) رفتارش شـبیه هنرمند و سـفیر فرهنگی و.. باشـد.

از آنطـرف هـم یکـی از آن افـراد سـفر کـرده کـه صد قافلـه شـلوارک همـره اوسـت، غیرتـی شـده و در فیسـبوکش مطلبی نوشـته بدین مضمون که «اعتراف میکنـم به عنـوان یـک شـلوارک‌پوش آمـده ام تا یک عـده شـورت‌پوش را تشـویق کنـم!»

راسـتش مـا تـا این را خواندیم، مو به تنمان سـیخ شـد! یعنـی اولش سـیخ نشـد ها، امـا همین کـه یک لحظه چشـمانمان را بسـتیم و بـه کنـه قضیـه فکـر کردیم تنمـان بـه لـرزه افتـاد. حـالا شـما هـم اگـر میخواهید تنتان بلرزد چشـمانتان را ببندید و کمی دورتر را ببینید، ولـی اگر حوصله چشـم بسـتن و فکر کـردن را ندارید، بگذاریـد مـن برایتان عـرض میکنم:

ببینیـد اینکـه این بنده خـدا میگوید رفته تا با شـلوارک از یـک عده شـورت پـوش حمایـت کند نشـان دهنده یـک منطقـی اسـت کـه خـدا بـدور! یعنـی بـا ایـن منطـق اگـر مثـلا یکوقت هنرمنـدان برونـد تـا از تیم ملـی کشـتی حمایـت کننـد، ایـن بنـده خـدا میخواهد بـا دوبنـده بـرود در خیابـان! از آنطـرف خـدا نکنـد که قضیـه حمایـت از تیم ملی شـنا پیش بیـاد! فقط تصور کنیـد کـه این بنـده خدا با مایـو و دماغ گیر شـروع کند در خیابـان قـدم زدن! امـا از این بدتر هم میشـود، مثلا تصـور کنیـد مثلا مسـابقات پـرورش اندام باشـد! اینجا دیگـر فقـط بحث فرهنگ ملی و شـان هنرمنـد ایرانی مطـرح نیسـت... کافیسـت این بنـده خدا بـا آن هیکل زیبا و ورزشـکاری، از آن لباسـهای فوق کوچک بپوشـد و مثـلا وسـط یـک میـدان مهـم در یک شـهر کشـور خارجی فیگـور بگیرد...

نـه... نـه... حتـی تصـور نگاهی کـه مردم آن کشـور به مـا ایرانی‌هـا پیـدا می‌کننـد هم ترسـناک اسـت. بیایید از ایـن هنرمنـد –کـه طبیعتـا ارزشـی و غیـر ارزشـی هـم نـدارد– بخواهیـم که به همیـن حمایـت از ورزش فوتبـال اکتفـا کند!



با هم بچسبیم... به هم نچسبیم!

مدیونید اگر فکر کنید گفتگوهایی که در ادامه آمده ربطی به سخنان چند روز پیش رییس جمهور در جشن سالروز انتخابات ۲۴ خرداد دارد! یعنی آدم عاقل مگر همچین فکرهای بیخودی می کند برای خودش؟!

◆ روز– داخلی– واگن یکی مانده به آخر مترو!

خانم محترم: هوی... مردتیکه... بکش اونور خودتو دیگه!
آقای محترم: وا! این چه طرز صحبت کردنه خانم؟
خانم محترم: کوفـت... چه لفظ قلم هم صحبت میکنه ایکبیری! یه بار دیگه بخوری به من جیغ میزنم ها!
آقای محترم: ای بابا! مثل اینکه شـما پیام ۲۴ خرداد رو درک نکردید ها... الان دوران چسبندگی بیشتره!

◆ روز –داخلی –سالن همایش‌های هر کدام از وزارتخانه‌ها که شد، خیلی فرق نمی کند!

مجری: امروز اینجا جمع شدیم تا اولین روز از دوره جدید بازگشت ژنرال‌ها به عرصه مدیریت اجرایی کشور را جشن بگیریم. من از ژنرال [...] دعوت می‌کنم که پشت تریبون قرار بگیرند و ما را به فیض برسانند.
ژنرال: من ممنونم...
حاضران در همایش: ژنرال مچکریم... ژنرال مچکریم...
ژنرال: راستش من گوشـم کمی ضعیف شده... درست متوجه نمی‌شم چی می‌گید اما نقداً برای اینکه یک وقت مغبون نشم عرض میکنم که خودتونید!
حاضران در همایش: ژنرال خرتیم...ژنرال خرتیم...
ژنرال: خب دیگه... بس کنید... من نمیتونم تو این سـن و سال سـرپا وایسم که شما از این جلف بازیا در بیارید... بذارید دو کلوم حرف بزنم تا دهنم خشک نشده.. برم پی کارم بابا...
حاضران در همایش: ژنرال حرف بزن... ژنرال حرف بزن...
ژنرال: راستش من فقط خواستم بگم که دیگه از ما گذشته بود بخوایم بیایم مسئولیت قبول کنیم...
حاضران در همایش: ژنرال نوکرتیم... ژنرال نوکرتیم...
ژنرال: ای بابا... شما چرا خفه نمیشید؟.. آقا اینا رو از کجا آوردید... واسه همایشهای بعدی نیاریدشون ها!
حاضران در همایش: ژنرال بدبختمون نکن خفه میشیم... ژنرال بدبختمون نکن خفه میشیم...
ژنرال: خب حالا.... میگفتم که اگر حاضر شدیم بیایم اینجا بخاطر این بود که دوره، دوره چسبندگی و ما هم بد ندیدیم که تا جایی که امکان داره به میز بچسبیم...
حاضران در همایش: ژنرال چسبتیم... ژنرال چسبتیم....
ژنرال: ای مرگ... آخرین توصیه‌م هم به همه فعالان همه بخشها اینه که بیاید بجای اینکه هی به هم گیر بدیم و به هم بچسبیم، با هم بچسبیم به این همه فرصت و ظرفیت و میزی که در کشور وجود دارد!

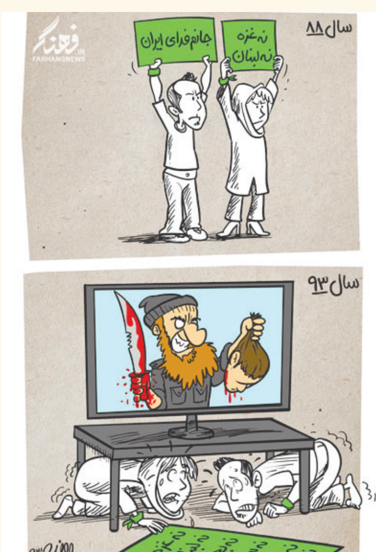
◆ اول صبح – داخلی– ستاد تکریم همه حتی منتقدان و مخالفان

کارمند: جناب رییس امروز چی کاره‌ایم؟
رییس: یه چند تا منتقد و مخالف رو قراره تکریم کنیم.
کارمند: اون که بله.. در این مدت دقیقا متوجه شدم کجا هستم. منظورم این بود که قراره کی رو، چگونه و تا کجا تکریم کنیم؟!
رییس: دیروز یک نفر بیسوادِ بی‌شناسنامه‌ی لبوفروش یه مزخرفاتی درباره مذاکرات هسته‌ای گفته، لطفا نامه‌ش رو بزن تکریمش کنن!
کارمند: چشم

کارتون



راه بهشت از کدوم وره ؟



بدون شرح ...



داعش و اسکناسهای عربی

...یک هفته با خانواده...

این مسابقه و این مستند را از دست ندهید

بالاخره فصل تابستان هم از راه رسید؛ تابستانی که امسال طعم خاصی دارد و انشاالله از هفته آینده به پیشواز ماه مبارک رمضان خواهیم رفت. این هفته هم برای شما برنامه پر و پیمانی تدارک دیده‌ایم اما از شماره آینده، برنامه سبک زندگی ۹دی ویژه ماه رمضان خواهد بود و به معرفی کتاب‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های مرتبط با این ماه دوست داشتنی در سراسر کشور خواهد پرداخت. پس این هفته هم با ما همراه باشید تا انشاالله از شماره آینده به همراهی معنوی با رمضان بپردازیم.

مسابقه

مسابقه کتابخوانی «من زنده‌ام»

مسـابقه کتابخوانی با محوریت «من زنده‌ام» در سراسر کشور برگزار می‌شود. قرار است به ۱۰۰ نفر از برگزیدگان این مسابقه جوایز ارزشمندی از جمله کمک‌هزینه سـفر به کربلا و مشهد اهدا شود. «من زنده‌ام»، مجموعه خاطرات معصومه آباد از روزهای کودکی تا زمان اسـارتش در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق است که سال گذشته برای اولین‌بار روانه بازار کتاب شد. ۱۱۶ صفحه نخسـت این اثر به روایت روزهای کودکی، شرح خانواده و وقایع این دوران بر راوی می‌گذرد و پس از آن رخدادهای جنگ از نگاه آباد و سـپس اسـارتش در دست نیروهای بعثی روایت می‌شود. این کتاب در ۵۵۵ صفحه منتشر شده که طی یک‌سال به چاپ چهل و یکم رسیده است. از این نظر «من زنده‌ام» یکی از آثار پرمخاطب و جذاب در حوزه دفاع مقدس در سال گذشته بوده است. این کتاب در هشت فصل با عناوین کودکی، نوجوانی، انقلاب، جنگ و اسارت، زندان الرشید بغداد ، انتظار، اردوگاه موصل و عنبر و عکس و اسناد به چاپ رسیده است. رهبر معظم انقلاب به تازگی تقریظی بر این اثر نوشته‌اند که قرار است در هفته آینده رونمایی شـود. انتشارات بروج که چاپ این اثر را برعهده دارد، در نظر دارد تا در چاپ جدید، کتاب را به همراه تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روانه بازار نشر کند. برای کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه www.safirfilm.ir مراجعه کنید

دیدنی

مستند «نگهبان آراء»

مسـتند «نگهبان آراء» از جمله سندهایی اسـت که برای رد تقلب در انتخابات سـال ۸۸ ساخته شد. این مستند با بیان تاریخ‌نگاری روزهای بعد از انتخابات و جلسات ویژه‌ی شورای نگهبان با نماینده‌ی کاندیداهای ریاست جمهوری سـال ۱۳۸۸ به نحوی بسیار ساده با اسـتناد به اوراق کتبی موجود و نامه‌های اداری بین شورای نگهبان و کاندیداها به نوع دغدغه‌ها و فعالیت‌ها شورای نگهبان در آن دوران سخت و نفس‌گیر پرداخته است. تنها نقطه قوت و متمایز کننده‌ی «نگهبان آراء» را می‌توان تصاویر پخش نشده از این جلسات دانست؛ دوران حساس و سختی که شـورای نگهبان به روایت‌گری آن پرداخته است. مستند صاف و سـاده‌ای که انگار می‌توانست خود را بر روی صفحات کتاب یا روزنامـه‌ای به نمایش گذارد، اما این‌بار با کمک تصویر و فیلم به ایجاد جذابیت بیشتر و مخاطبی عمده‌تر در زمانی کوتاه‌تر پرداخته است. این فیلم هم‌چون سندی در دست شورای نگهبان است تا در طول تاریخ بیان کند که ادعای تقلب از جانب سران فتنه و نمایندگان آنان جز ادعایی بی‌پایه و اساس چیز دیگری نبود. شاید عاملی گردد در رسوای آنان و این نوع نگرش در طول تاریخ. این فیلم در اولین سالگرد فتنه به کارگردانی «مهدی نقویان» در دومین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار، فانوس گرفت و برگزیده شد. برای دریافت این مستند به صورت رایگان می‌توانید به پایگاه www.Teribon.ir مراجعه کنید.



نرم افزار

بازی رایانه‌ای «جاده جنگ»

استودیو نشانه از ساخت بازی رایانه‌ای «جاده جنگ» با محوریت مبارزه چریکان ایرانی با تروریسـت‌های «داعش» در خاک سوریه خبر داد. در خلاصه داستان این بازی آمده است: یک گروه تروریستی به نام «داعش» از سمت سوریه وارد کشور عراق می‌شود. هدف اصلی آنها ناامن کردن و اشغال مرز ایران است. گروهی چریکی از ایران برای تحقیق و مقابله به سوریه اعزام می‌شود. اما در این میان اتفاقاتی می‌افتد که آنها را مجبور به عملیاتی ناخواسته می کند.

کاراکترهای اصلی این بازی عبارتند از صالح عسگری (شخصیت اصلی. دستیار فرمانده.۳۲ ساله)، حسـین عباسی (فرمانده ارشـد تیم. ۴۷ ساله)، امیر حسین جهانگیری (نیروی تحت امر. ۳۵ ساله)، سامان کشوری (نیروی تحت امر.۳۲ ساله)، حیدر شرف الدین (۳۸ ساله، همسر و فرزندانش توسط تروریست ها کشته شده اسـت.وی از مدت ها قبل با صالح عسگری همکاری نظامی داشته است. اسامه الکلبانی (فردی مرموز که اطلاعاتی از این شخص در دست نیست)

بازی «جاده جنگ» آخرین اثر اسـتودیو نشانه است. این بازی یک اثر متفاوت نظامی– سیاسـی است که برای رایانه ساخته می‌شود. تولید این اثر از اواخر سال ۱۳۹۲ شروع شده بود. این بازی تابستان ۱۳۹۳ وارد بازار گیم ایران می‌شود. هزینه ساخت این بازی توسط تیم بازی سازی استودیو نشانه پرداخت شده و برای تولید آن از هیچ نهادی کمک مالی دریافت نشده است.

سـبک بازی FPS است و در اکثر انیمیشن‌های این بازی از تکنولوژی موشن کپچر استفاده شده اسـت. این بازی با موتور قدرتمند UDK ساخته شده و از حداکثر توان این موتور برای بالا بردن کیفیت پروژه استفاده شده است.



خواندنی

کتاب «پنجره‌های تشنه»

«پنجره‌های تشـنه» عنوان تازه‌ترین اثر منتشر شده توسط مهدی قزلی است که شرحی است بر آنچه در جریان سفر ۱۸ روزه انتقال ضریح مطهر حرم امام حسین (ع) از قم به کربلا گذشته است.

ایـن کتـاب، روزنوشـت‌های مهـدی قزلی از چگونگـی همراه شـدن با این کاروان و آنچـه در طـول ایـن ۱۸ روز دیـده اسـت را شـامل می‌شـود کـه در نـوع خـود تجربـه‌ای بکر و تکـرار ناپذیر به نظر می‌رسـد. نویسـنده این کتـاب بـا وجـود تـلاش فراوانی کـه برای خلـق نثـر و ادبیاتی شـبیه نثر و ادبیـات آل‌احمـد در تک‌نگاری‌هایـش داشـته اسـت در ایـن اثـر بیـش از هـر چیـز به نثـر و ادبیات منحصر به خود نزدیک شـده اسـت که می‌شـود بـه سـادگی رد پـای خـود او را در آن دیـد. بـه عبـارت دیگـر پنجره‌هـای تشـنه بیـش از هر چیـز نمایش‌دهنده سـبک یادداشت‌نویسـی قزلی اسـت کـه بـه دلیل محتـوای معنوی خود بـرای عمـوم مخاطبان می‌تواند بسـیار قابـل اعتنـا و توجـه باشـد. ایـن کتـاب در کنـار متـن خـود از کتابسـازی ویـژه‌ای نیـز بهـره می‌بـرد. جلـد ایـن کتـاب نمـادی اسـت از پنجره‌هـای ضریـح اماکـن متبـرک که بـه دلیـل الصاق یـک صفحه پلاسـتیکی ویژه روی جلـد جذابیـت خـاص دارد. همچنیـن انتخـاب نـوع کاغذ ویـژه برای انتشـار ایـن اثـر در کنـار حساسـیت بـه خـرج داده شـده برای چـاپ کتاب نیـز از دیگـر مـواردی اسـت کـه بـر جذابیت ایـن اثر افـزوده اسـت. جدای از ایـن، پیوسـت مجموعه‌ای از تصاویـر تمام رنگـی از کاروان حمل ضریح حـرم امـام حسـین (ع) بـه انتهای ایـن کتاب بـه آن جلوه و نمـای ویژه‌ای بخشـیده است.

◆◆◆

مجله «حورا»



شـماره جدیـد دوماهنامـه حـورا (نشـریه تخصصـی زنـان و خانـواده وابسـته به مرکـز مدیریت حوزه علمیه خواهـران) با موضوع تحولات سـبک زندگی زنان منتشر شد. فرهنگ و سـبک زندگی جامعه ایرانی از شکل سـنتی و کـم و بیـش دینـی خود به سـمت مدرن شـدن در حال تحول اسـت کـه مقـداری از ایـن تحول را می‌تـوان با همین منطق جهانـی توضیح و فهم نمـود امـا ایـن رونـد جهانی تحـولات سـبک زندگی همـه آن چیزی نیسـت کـه در ارتبـاط بـا جامعـه ایرانـی اتفـاق افتـاده اسـت و زمینه‌هـای دیگـری را نیـز می‌تـوان در مسـیر این تحولات شناسـایی و تبییـن نمود. ایـن زمینه‌ها و عواملـی کـه در مسـیر تحـول زندگی جامعه ایرانی از شـکل سـنتی و دینی به مـدرن و مصـرف گرایـی نقش ایفـا می‌کنند را می‌تـوان تحت عنـوان «وجوه ایرانـی تحـولات سـبک زندگـی در ایـران» مـورد مطالعه و بررسـی قـرار داد. شـماره جدیـد نشـریه حورا به بررسـی تحولات سـبک زندگی زنـان در جامعه ایرانـی بـا تاکیـد بـر وجـوه ایرانـی و زنانـه آن پرداخته اسـت. بـرای تهیه این نشـریه و یا اشـتراک آن با ایمیل hora@wrc.ir و یا تلفن ۰۹۱۲۲۶۳۲۲۴۵ تماس حاصـل فرمایید.

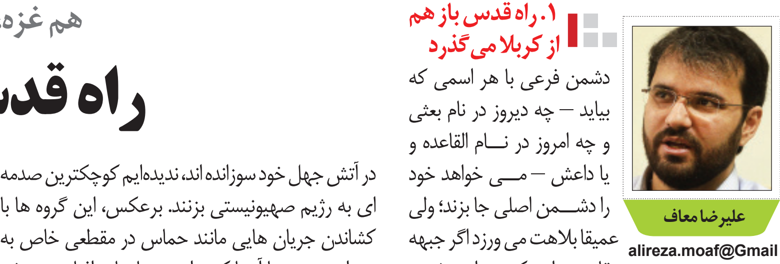


شنبه ۳۱خرداد ۱۳۹۳/ ۲۳ شعبان ۱۴۳۵/ شماره صدوپنجاه ویکم
21 June 2014 , Vol 4 , No 151



هم غزه، هم لبنان، هم کربلا، هم سامرا؛ جانم فدای اسلام

راه قدس باز هم از کربلا می گذرد



علیرضا معاف
alireza.moaf@Gmail

۱. راه قدس باز هم از کربلا می گذرد

دشمن فرعی با هر اسمی که بیاید – چه دیروز در نام بعثی و چه امروز در نـــام القاعده و یا داعش – مـــی خواهد خود را دشـــمن اصلی جا بزند؛ ولی عمیقا بلاهت می ورزد اگر جبهه مقاومت را زیرک نپندارد. دشمن فرعی امروز می خواهد القا کند که از نظر او، راه فتح شام از فتح عراق و کربلا و نجف می گذرد ولی راهبرد ما با آدرس غلط او تعریف نمی شود. دشمنِ فرعی تبلیغات می کند که سوریه و عراق را یک هدف همزمان نظامی – سیاسی می بیند ولی ما هرچند اینِ نقشه شوم را می شناسیم و با آن مقابله خواهیم کرد اما اَبَر استراتژی نظام جمهوری اسلامی را فرامتن و راهنمای راهبردِ جنگیِ امروز خود حفظ خواهیم کرد که «اسرائیل باید از صحنه روزگار محو شود؛» ما از عراق و کربلا و نجف معبری به اسرائیل باز خواهیم کرد. امروز هم بی شک با قاعده اصلی – فرعی کردن در مقام دشمن شناسی، راهبرد دشمن ستیزی خود را بازخواهیم شناخت. برای ما راه قدس باز هم از کربلا می گذرد. برای اهل مقاومت ۱ متر و ۱ کیلومتر فرقی ندارد. توضیح فتنه داعش در عراق بر اساس شکافهای فرقه ای و اختلاف های مذهبی شیعه و سنی و ریشه های ایدئولوژیک نهفته در فقه اهل ســـنت درباره ضرورت اصطکاک با شیعیان، دروغ بزرگ رسانه های غربی و بویژه صهیونیستی است. خط خبری تحلیلی مشترک رسانه های غربی آن است که آنچه در منطقـــه رخ داده یک جنگ فرقه ای – مذهبی و از تبعات مداخله ایران و حزب الله در ســـوریه اســـت. آدرس غلط رسانه ها و سیاسیون غربی به غایت خطرناک اســـت و فریبنده. ریشه های فتنه عراق را باید در آنجایی جستجو کرد که منافع صهیونیستها پیدا می شود. رژیم صهیونیستی اکنون یکی از مهم ترین نفع برندگان و تغذیه کنندگان گروه های تکفیری در سوریه است. طی ۳ سال گذشته اســـراییل به خوبی این گروه ها را شناخته، با آنها ارتباط عملیاتی گرفته و کار با آنها را تمرین کرده است. از آن طرف گروه های تکفیری تا کنون کمترین خطر را برای اسراییل داشته اند. در این ۳ سال که این گروه ها سوریه را در آتش جهل خود سوزانده اند، ندیده‌ایم کوچکترین صدمه ای به رژیم صهیونیستی بزنند. برعکس، این گروه ها با کشاندن جریان هایی مانند حماس در مقطعی خاص به بحران سوریه، تا آنجا که توانستند بارهای افتاده بر دوش اسراییل را سبک هم کردند. ضمن آنکه کاملا روشن است که شعله ور شدن و شعله ور ماندن آتش درگیری مذهبی در منطقه، ظرفیتهای جهان اسلام را به شکل اساسی هدر می دهد وبرای اســـراییل امنیت ساز است. بی شک، در ستادهای جنگی داعش، مستشاران آمریکایی–اسراییلی طراح میدانی صحنه های نبرد هستند.

۲. چهار دروغ بزرگ داعش

داعش (که به قول خودشـــان مخفف دولت اســـلامی عراق و شـــام اســـت) حتی در همین اسم خود هم چهار دروغ بزرگ گفته است. این گروهک وحشی مسلک، نه دولت است و نه هیچ نشانه ای از دولت مردمی و ضوابط و قواعد حاکمیت دارد؛ نه اســـلامی اســـت و نه نشانی از ظواهر و بواطن و شـــریعت و طریقت اســـلامی دارد؛ نه متعلق به عراق و مردم شـــیعه و ســـنی و کردآن است و نه نسبتی با شـــام و مردم ســـوریه دارد که مردم سوریه در یک انتخابـــات ۷۴ درصدی حرف خود را به صراحت و شـــفافیت گفته اند. داعش یک دروغ بزرگ آمریکایی صهیونیستی است؛ همانطور که القاعده نسبتی با ادعای «القاعده الجهاد» و مفهوم جهاد در مکتب اسلام نداشته و ندارد. القاعده وداعش نتیجه خوف غرب تمدنی و فلسفی از کارآمدی اسلام سیاسی، اسلام ناب محمدی و اسلام انقلابی با قرائت حکیمانه نظام جمهوری اسلامی است که داعیه تمدن سازی اسلامیِ جهانی و مدیریت عادلانه بین المللی دارد و به دنبال ارائه مدل سعادت، پیشرفت و رفاه آحاد بشـــر است. داعش حتی یک جریان معارض با مشی مسلحانه نیست بلکه یک گروهک تروریستی ابزاری دست ساز غرب در جهت اهداف طراحی شده اندیشکده های آمریکایی و صهیونیستی است. هدف البته لو رفته و ناشیانه غرب ترسیم چهره ای خشن، وحشی، بی منطق و دور از زیرســـاختهای اخلاقی، کریه و زشت از اسلام در افکار عمومی جهان است. داعش با برچسب اسلام دست به جنایتهای وحشیانه مثل سربریدن، مثله کردن و اعدام انسانها می زند در حالی که آنها مسلمان نیستند و به هیچ یک از موازین شرع اسلام عمل نمی کنند. داعش یکی از دروغ های بزرگ آمریکاست.

۳. دشمن اصلی کیست؟

فتنه ۱۰ روز اخیر عراق بار دیگر نشان داد که دشمن اصلی آمریکاست. نبرد سنگینی که در عراق جریان دارد همانند جنـــگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب الله لبنان و مبارزان فلسطینی با رژیم صهیونیستی و جنگ سه ساله سوریه یک جنگ نیابتی شناخته و خوانده می شود و بی شک از جنس Proxy War (جنگ نیابتی) است. رژیم صهیونیستی جـــدای از آنکه در فتنه عراق صحنه نبـــرد را از مرزهای خود دور می کند و به ســـمت مرزهای سرزمینی دشمن استراتژیک خود - یعنی جمهوری اسلامی – می کشاند به مرزهای عقیدتی و عمق راهبردی نظام تمدنی اسلامی که قلب تپنده آن عتبات مقدسه عالیات است نیز حمله ور می شود. برخی تحلیلگران معتقدند که فتنه فعلی در عراق محصول توافق نهایی ماه مه شاهزاده سلمان و وزیر دفاع آمریکا است. مجموعه اطلاعات موجود که عمدتا از سوی منابع غربی و منطقه ای منتشـــر شده حکایت از آن دارد که عربستان سعودی هدایت عملیات فتنه در عراق را به عهده گرفته و هماهنگ کننده فعالیت همه گروه ها از جمله داعش و گروه عزت الدوری (بقایای حزب بعث) به شمار می آید. در واقع از دیدگاه آمریکا و عربســـتان، این جنگ، جنگی نیابتی بین این کشورها و ایران در خاک عراق است. چراغ سبز آمریکا به حمایت سعودی ها از گروه های مسلح در عراق و سوریه شواهد میدانی، رسانه ای و سیاسی فراوان دارد. نمونه آخر آن، اطلاعاتی اســـت که منابع منطقه ای منتشر کرده اند و نشان می دهد شاهزاده سلمان سعودی از چاک هیگل درخواست کرده و موافقت وی را به دست آورده است که دست عربســـتان در عراق و سوریه برای اجرای عملیات باز باشد. این مسئله به ماه مه و دیدار آنان در جده باز می گردد. تحولات اخیر نیز بازتابی از این توافق به شمار می آید و به همین دلیل است که می بینیم دولت آمریکا نیز اقدام چندانی برای حمایت از دولت عراق برای پـــس زدن القاعده و دیگر گروه ها انجام نمی دهد. نمونه دیگر آن اظهارات آویگدور لیبرمن وزیر خارجه دست راستی دولت نتانیاهو است که گفته است از دیدارهای پنهانی با اعراب خسته شده و از آنها خواسته که روابط خود با اسراییل غاصب را علنی کنند. هم زمان عمیق ترین روابط بر سر برنامه هسته ای ایران میان اسراییل و امریکا شکل گرفته و تقریبا هیچ اختلاف تاکتیکی یا راهبردی میان آنها در این موضوع وجود ندارد. فلذا امریکایی ها می خواهند ابتدا مسئله به رسمیت شناختن اسراییل در یک چارچوب منطقه ای و از زبان دولتهای عربی علنی شود و سپس مذاکرات سازش به گونه ای آغاز شود که برای گروه های فلسطینی چاره‌ای جز تبعیت از دولت های عربی در این موضوع باقی نماند. طبعاً اصلی ترین مشاوره دهنده در این کار به امریکا هم عربستان بوده است و آنطور که منابع صهیونیستی فاش کرده اند ملک عبدالله سعودی از سال ۲۰۱۰ طی یک طرح محرمانه این ایده را دنبال می کرده اســـت. اکنون دیگر روشن اســـت که مدت هاست سعودی به مجری اوامر و نواهی اســـراییل در منطقه تبدیل شده و بنابراین منطقی نیست که تصور کنیم در این مورد خاص یعنی حمایت از القاعده و تکفیری ها خارج از بازی اسراییل عمل می کند.

۴. صدور انقلاب یعنی همین!

کشور عراق که یک روز کانون بحران آفرینی علیه نظام جمهوری اسلامی بود الان به نظام اسلامی ایران به مثابه اصلی ترین یاور و معدّ بحـــران زدایی خود می نگرد؛ آیا صدور انقلاب معنایش جز این است؟ امروز ایران، اصلی ترین کنشگر تحولات سیاسی و بزرگترین کانون آرامش دولت و ملت عراق اســـت. عراق دیگر نه تنها در جایگاه مهاجم نظامی به ما نیست بلکه متحدِ استراتژیک ماست و فراتر از آن تحلیلگران فرامنطقه ای، مشاوره های سیاسی و راهبردی سرلشکر قاسم سلیمانی و یاران او در سپاه قدس ایران را، علت العلل پیروزی های سیاســـی احزاب شیعی عراق در جلب نظر اکثریت مردم عراق در انتخابات های پیاپی می دانند. حتی مراسم عظیم پیاده روی اربعین و نیمه شعبان در سالهای اخیر، اصلی ترین تجلی مانور فرهنگی مشترک جوانان ایران و عراق شناخته می شود. آمریکایی ها عمیقا از تسلط نوری مالکی بر اوضاع عراق ناراحت اند و چند دلیل بسیار خوب برای آشفتگی عراق و به تبع آن ناکارآمدی دولت متحد جمهوری اسلامی در منطقه دارند. دشمن اصلی کماکان آمریکاست.

۵. از کربلا تا شـــام با حسین و زینب علیهما السلام

داعش از تبار یزید است؛ یزید هم مسلمان نبود، یزید هم از شام قصد عراق کرد و محور حسینی – زینبی از کربلا تا شام او را رسوا و مفتضح کرد. این بار هم پیوند فداییان حســـین و زینب از کربلا تا شام، یزیدیان حیوان صفت را رسوا خواهد کرد، خون غیرت در رگ های عاشقان عباس بـــه جوش آمده و دریای طوفان قلوب آنان جز با ریشـــه کنی هتاکان به حریم حســـین و زینب آرام نمی گیرد. از کربلا و نجف با استراتژی روشنگری و افشاگری یزیدیان، شـــام و ســـوریه را نیز آزاد خواهیم کرد. در ماه های آتی، دشمن اصلی یعنی صهیونیزم و آمریکا، نقطه کانونی سیبل حملات امت اســـلامی خواهد بود چرا که داعش از تبار آمریکاست و لاغیر.

۶. هم غزه، هم لبنان، هم کربلا، هم نجف، هم سامرا؛ جانم فدای اسلام

جالب آن که فتنه گران مزدوری که در روز قدس ســـال ۸۸، شعار اسراییلی «نه غزه، نه لبنان» را در داخل کشور بسامد می دادند اکنون در برابر عقلانیت دوراندیش، منطق برنده و اســـتدلال کوبنده نظام که همواره دفاع از لبنان و فلســـطین را – علاوه بر دلایل ایدئولوژیک – جزئی از امنیت ملی کشور و لازمه بازدارندگی نظامی همه جانبه می دانست زبان به کام گرفته اند. حالا که عوامل اسراییل، مرزهای غربی کشور را رسما تهدید به حمله نظامی می کنند عمق خیانت فتنه گران۸۸ بیش از پیش آشکار شده است. طنز این روزها آن است که آنان که به دروغ، شعار جانم فدای ایران را ســـجعِ نه غزه نه لبنان کرده بودند به ارتش و ســـپاه غیور التماس می کنند که نگذارید وحشی های داعشـــی به مرزهای کشور نزدیک شوند! ذلت این روزهای فتنه گـــران داخلی دیدنی اســـت. حالا پس از انتخابات ۹۲ که شعار تقلب رسوا شد ظاهرا خدای متعال اراده کرده که همه شعارهای اهل فتنه را به عیان و علن رسوا کند. اگر کسی امروز شعار ضد امنیت ملی "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" را تکرار کند. حتما قاطبه ملت بر دهان او می کوبد. اکنون رفتار حکمت آلود نظام اسلامی در حضور منطقه ای فعال، عامه و خاصه را به تحســـین واداشته است.

۷. "ما البته از خود دفاع خواهیم کرد"

هرچند این جمله اســـتراتژیک رهبـــری در روز ۱۴ خرداد امســـال در بحث نحوه مواجهه نظام اســـلامی با جریان تکفیری خیلی برجسته نشد ولی اکنون حکمت و معنی این جمله نیز روشن شده است؛ گویا رهبر انقلاب می دانستند که فتنه عظیمی در منطقه در راه است و از جهاد دفاعی نیز سخن گفته است. آیت الله سیستانی نیز پیام این جمله را دریافتند و با صدور فراخوان جهاد، جلوه ای از پیوند زعامت ولی فقیه و مرجعیت را به نمایش گذاشتند. جوانان عراقی نیز این پیام را به خوبی استدراک کردند و حالا دولت عراق مانده که چگونه به تقاضای انبوه داوطلبان شیعی و سنی برای مقابله با داعش پاسخ دهد.

سایه سنگین ژنرال سلیمانی روی سر آمریکایی ها



The Back-Room Deal That Explains The Chaos In Iraq

ARMIN ROSEN

JUN. 13, 2014, 5:22 PM 13,726 45

FACEBOOK LINKEDIN TWITTER GOOGLE+ PRINT EMAIL

In late 2010, Iraq was mired in a political stalemate after ambiguous parliamentary elections left the country without a government for ten months. At the same time, the U.S. was negotiating with the country's leadership to figure out the levels and legal status of U.S. troops that would remain in Iraq after combat operations ended the next year.

گزارش ۹دی–یک افســـر ســـابق سازمان جاسوســـی آمریکا ســـیا، سردار ســـلیمانی را قدرتمندترین نیروی فعـــال در منطقه خاورمیانه معرفی کرده است. دکســـتور فیلکینز نویسنده نشریه نیویورکر با بیان این مطلب، می‌گوید: ســـردار سلیمانی با مذاکرات پشـــت پرده، دو چالش اصلی عراق در سال ۲۰۱۰ را حل کـــرد: اختلاف ده ماهه احزاب و گروه‌ها بر ســـر انتخاب دولت و تصمیم‌گیری درباره خروج نظامیان آمریکایی از عراق. در نتیجه این تصمیمات، نوری المالکی نخســـت وزیر عراق باقی ماند، جلال طالبانی رئیس‌جمهور شد و دولـــت عراق به خروج نظامیان عراق رای داد؛ که تمامی این تحولات موجب افزایش نفوذ ایران در عراق شد. وی معتقد است آمریکایی‌ها قبول دارند که سردار سلیمانی آنها را از عراق بیرون کرد، اما شرم دارند که این حقیقت را به طور عمومی بیان کنند. فیلکینز می‌گوید: یک مقام سابق عراق به من گفت: ما به آمریکایی‌ها می‌خندیم. ســـردار سلیمانی کاملا آنها را غافلگیر کرد. در اثر برنامه‌ریزی‌های سردار ســـلیمانی، ایاد علاوی از سیاسیون حامی آمریکا که بیشـــتر کرســـی‌های پارلمان عراق را به دست آورده بود، مجبور شد نخســـت‌وزیری را به مالکی واگذار کند. فیلکینز می‌گوید: آمریکایی‌ها علاوی را مجبور کردند به نفـــع مالکی کنار برود. علاوی به من گفت که جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا به او زنگ زد و از او خواست که از نامزدی نخست‌وزیری کنار بکشد.

بسیجیان شیعه عراقی علیه تکفیری ها

۹دی– مؤسســـه مطالعـــات جنـــگ آمریـــکا در مطلبـــی بـــه تحلیـــل رونـــد متشـــکل شـــدن گـــروه هـــای شـــیعه در عراق بـــه منظور مقابلـــه با گروه های تروریســـت تکفیـــری پرداخته و می نویســـد، به جز نگرانـــی های موجـــود درباره احتمال هجوم تروریســـت هـــا به بغـــداد، از عزم شـــیعیان برای جلوگیـــری از اقدام احتمالـــی تکفیـــری هـــا بـــرای هتـــک حرمـــت اماکـــن مقدســـه در عـــراق ناشـــی مـــی شـــود. در ایـــن گـــزارش اشـــاره شـــده که پیش از این نیز در ســـال ۲۰۰۶، حمله تروریســـت هـــا بـــه حرمیـــن عســـکریین (ع) در ســـامرا، ســـبب شـــد که شـــیعیان ســـلاح به دســـت گرفتـــه و به مقابلـــه با عناصـــر افراطـــی بپردازند. در این راســـتا، باید گفـــت کـــه محافظـــت از حرمین بـــرای شـــیعیان عراق و همچنیـــن ایـــران، اهمیتـــی حیاتـــی دارد. وجـــود ایـــن عنصـــر، در محافظـــت شـــیعیان از حرم حضـــرت زینب (س) در ســـوریه نیـــز قابـــل مشـــاهده بود. با ایـــن حال، تحلیلگـــر مؤسســـه مطالعـــات جنگ بـــر این باور اســـت کـــه ایـــن بار، بســـیج شـــیعیان با آنچـــه در ســـال ۲۰۰۶ اتفـــاق افتـــاد، متفاوت اســـت. از همه مهمتـــر اینکه این بســـیج، زودتـــر از بـــار گذشـــته رخ داد. در ســـال ۲۰۰۶، بســـیج شـــیعیان در قالـــب «جیـــش المهـــدی» حـــدود شـــش هفتـــه زمان بـــرد؛ اما ایـــن بـــار، گروه های شـــیعه در یـــک هفته پس از ســـقوط موصل، متشـــکل شـــدند. در ایـــن گـــزارش، در بیـــان دلیـــل ایـــن ســـرعت عمـــل بســـیج شـــیعیان، بـــه چند عامل اشـــاره شـــده اســـت:

۱ـ گروه های مســـلح شـــیعه از قبیل بـــدر، گردان هـــای یـــوم الموعـــود و عصائـــب اهـــل الحق از قبـــل به منظـــور آمادگـــی بـــرای برگـــزاری انتخابـــات پارلمانـــی اخیـــر، متشـــکل شـــده بودند.

۲ـ از اوت ۲۰۱۳ بـــه بعـــد، نوری مالکـــی، نخســـت وزیر عـــراق، نیروهـــای شـــیعه را وارد ســـاختار نیروهـــای امنیتـــی عـــراق کـــرده اســـت.

۳ـ از ســـال گذشـــته تاکنـــون، مالکـــی اقـــدام بـــه عضوگیـــری و متشـــکل کـــردن اعضـــای قبایـــل عـــراق در قالـــب نیروهـــای حفاظـــت از امنیـــت در ایـــن کشـــور کـــرده و یـــک ســـاز و کار اداری مشـــخص و همچنیـــن مراکـــز ویـــژه ای بـــرای ایـــن کار ایجـــاد نمـــوده اســـت.



۴ـ گـــروه هـــای مســـلح شـــیعی، پیـــش از ایـــن در تـــلاش بـــرای مقابلـــه بـــا تروریســـت هـــا در ســـوریه متشـــکل شـــده بودنـــد. فرماندهـــان ایـــن واحدهـــا، اکنـــون در حال بازگشـــت بـــه عراق هســـتند.

۵ـ از مـــاه ژانویـــه تاکنـــون، دولـــت عراق توانایـــی خود را بـــرای جابجایی و تحرک دادن بـــه واحدهـــا در عرصـــه نبـــرد نشـــان داده اســـت.

۶ـ آیت الله سیســـتانی، مرجع شـــیعیان عراق، از عراقی ها خواســـته تا بـــرای مبارزه با تکفیـــری ها و محافظت از حرمین، متشـــکل شـــده و ســـلاح به دست بگیرند.

۷ـ در پـــی خـــروج نیروهـــای آمریکایـــی در عـــراق، نیروهـــای قـــدس ســـپاه پاســـداران ایـــران از امـــکان فعالیـــت بیشـــتری در ایـــن کشـــور برخـــوردار شـــده و توانســـته انـــد بخشـــی از نیروهـــای محـــور مقاومـــت را در این کشـــور متشـــکل کنند. بســـیج شـــدن ایـــن گروه هـــای شـــیعه در کنـــار یکدیگـــر، امکان یـــک ضدحمله ســـریع و پرشـــمار را فراهـــم کرده که ســـبب غافلگیری تروریســـت هـــای تکفیری شـــده اســـت، زیرا ایـــن گروه هـــا پیـــش از این احتمـــال چنین تشـــکلی را پیش بینی نمـــی کردند.

مؤسســـه مطالعـــات جنـــگ در ادامـــه گـــزارش خـــود بـــا بیـــان جزئیـــات، بـــه ایـــن موضـــوع اشـــاره کـــرده کـــه هـــم اکنـــون مراکـــز پذیـــرش مبـــارزان داوطلـــب در سراســـر عـــراق راه انـــدازی شـــده و آغـــاز بـــه فعالیـــت کـــرده اســـت. گســـتره ایـــن رونـــد بـــه حـــدی رســـیده کـــه حتـــی چهـــره هـــای سرشـــناس عراقـــی، همچـــون عمـــار حکیـــم نیـــز لبـــاس نظامـــی پوشـــیده و آمادگـــی خـــود را بـــرای نبـــرد بـــا تکفیـــری هـــا اعـــلام کـــرده انـــد. بنابرایـــن، در پایـــان بایـــد گفـــت، شـــیعیان عـــراق منتظـــر پیشـــروی هـــای بیشـــتر تکفیـــری هـــا و یـــا ســـازماندهی واحدهـــای نظامـــی رســـمی از ســـوی دولـــت نخواهنـــد مانـــد. آن هـــا از هـــم اکنـــون همـــه تـــوان خـــود را بـــرای محافظـــت از شـــیعیان، اماکـــن مقدســـه و مناطـــق شـــیعه نشـــین بـــه کار بســـته انـــد. بـــی گمـــان، در صورتـــی کـــه هرگونـــه اقدامـــی از ســـوی تروریســـت هـــای علیـــه حرمیـــن صـــورت گیـــرد، اقدامـــات متقابـــل شـــیعیان وارد فـــاز جدیـــدی خواهـــد شـــد.

لشکر کشی رسانه ای غرب دوشادوش داعش

طـی هشـت روز اخیر کـه از تحـولات امنیتی در عـراق مـی گـذرد همزمـان بـا جـولان عناصـر گروهـک داعـش در مناطقـی از شـمال ایـن کشـور، برخـی رسـانه هـای منطقـه ای چـون العربیه و غربـی خـط خبـری خاصـی را نسـبت بـه تحـولات امنیتـی عـراق دنبـال مـی کننـد کـه بـه رغـم بـی طرفـی و گاهـا اعلام همـدردی مقامات سیاسـی این کشـورها نشـان از سیاسـت واحدی از ورای این تحول امنیتـی دارد. ایـن خـط خبـری «سیاسـی» نسـبت به «تحـولات امنیتـی» عـراق بـه گونـه ای اسـت کـه ایـن تحلیـل را در ذهـن ناظـران تداعـی مـی کند که گویـی اقدامـات امنیتـی داعـش بخشـی از طراحـی سیاسـی برنامـه ریزی شـده اسـت .

این مشی خبری بیشـتر در چهار محور زیر دنبال می شود:

◆ انتشار حجم وسیعی از تصاویر مربوط به کشتار مردم توسط داعش

هدف:

۱- ایجـاد رعب در بین مردم کـه به تحقق اهداف داعش کمک می کند

۲- پروژه اسلام هراسـی در نزد افکار عمومی غرب تحقق می یابد

◆ ارائه تصویری مذهبی از تحرکات امنیتی داعش در عراق

هدف :

۱- ایجاد جنگ طایفه ای و نزاع مذهبی در عراق

۲- ممانعت از تلاش نخبگان عراقی در تفکیک میان تکفیری های داعش و اهل تسنن

۳- رو در رو قرار دادن برادران اهل تشـیع و تسـنن در برابر هم

۴- تضعیف فرایند وحدت میان طوایف و مذاهب عراقی

۵- جلوگیـری از نفوذ علما و مراجع در یکپارچه کردن ملت عراق

◆ ممانعت از افشای اختلافات میان داعش و گروه های ۱۲ گانه همکار

هدف:

۱- ممانعت از تکرار سـناریوی اختـلاف گروههای تروریستی سوریه در عراق

۲- ممانعـت از فروپاشـی گروههای تروریسـتی در صورت حملات احتمالی دولت

۳- ممانعت از برملا شدن عقبه های منطقه ای و بین المللی گروهها

حزب بعث عراق به عنوان یک حزب لائیک به احکام قضایی جدید داعش در حوزه مسـائل اجتماعی شدیدا اعتراض کرد. امری که نشان می دهد. داعش قوانین گروه طالبان را در حوزه مسـایل اجتماعی و زنان پیاده می کند.

◆ معرفی مالکی به عنوان مسـبب ناآرامی های اخیر

هدف:

۱- پیوند پروسه امنیتی عراق به یک پروسه سیاسی با هدف تحقق یک سری اهداف سیاسی

۲- افزایـش چانه زنی ها برای تشـکیل دولت آینده عراق در برابر مالکی

۳- اعمـال اراده بیرونی بر اراده مـردم عراق که در انتخابات اخیر تبلور یافته بود

۴- تضعیف شخص مالکی با هدف جلوگیری از تصدی پست نخست وزیری

۵- ناتوان نشان دادن وی در کنترل اوضاع امنیتی به دلیل خروج نیروهای آمریکایی از این کشور.

این راهبرد دولت آینده افغانسـتان را نیز هدف گرفته اسـت. دولتی که در آستانه امضای توافق نامه امنیتی کابل – واشنگتن قرار دارد.

تروریسم رسانه ای و مارها پرسر و صدای ترسو

مدتی اسـت که در رسـانه‌ها و شـبکه‌های اجتماعی تصاویـر و فیلم‌هایی از خباثت و اوج و سبعیت گروهک تروریستی داعش منتشر می‌شود که حاوی صحنه‌هایی زننده از بریدن سرهاست. تصاویری که به لطف اینترنت به سرعت فراگیر شده و خاطره تلخ آن بعـد از یک یـا دو روز از ذهن مخاطب آن کم‌رنگ می‌شود اما آنچه که برای برخی به جای می‌گذارد ترس است.

روشـی که داعش از آن اسـتفاده می‌کند همان روش "نصر بالرعب" شوک و بهتی است که پیشینیان و پدران و فرماندهان آنان نیز به کرات از آن اسـتفاده کرده‌اند. ایالات متحده با تبلیغات عظیمی که برای سلاح‌هایش به راه می‌اندازد، پیش از آنکه خود برای غارت پا به منطقه‌ای بگذارد، ترس از قدرت تسلیحاتی‌اش را می‌فرستد. چنگیـز مغول نیز با همین روش خونریزی و سـفاکی بود که می‌توانسـت پیش از رسـیدن به شهری، خبر وحشـی‌گری‌های خود را زودتر بفرستد و مردمان شهر هدف را فراری دهد. نمونه همین واقعه را در فرار کردن ۵۰۰ هزار نفر از مردم موصل به هنگام هجوم گروهک داعش به این شهر می‌بینیم.

◆ خروج مردم موصل از شهر

حساب‌های کاربری گروهک تروریستی داعش در توئیتر فعال است و تصاویر و فیلم‌های مرتبط با جنایات خود را بارگذاری می‌کند؛ ذکر چند نکته در رابطه منش جنگی این گروهک که از منابع آگاه رسیده است الزامی است:

۱. داعشـی‌ها به رغم آنچه نشان می‌دهند بسیار ترسو هسـتند و در نبردها به هیچ وجـه نزدیک میدان نبرد نمی‌شوند و افراد را از فاصله دور می‌زنند.

۲. سرهای بریده‌ای که در تصاویر نشان داده می‌شود در ۹۵ درصد موارد بعد از کشته‌شدن فرد از بدن او جدا شده است چون تقریبا هیچ‌گاه نیروی زنده به دست آنها اسیر نمی‌شود؛ مگر در موارد استثنا آن هم بیشتر شامل افراد سرخود یا غیرنظامی است.

۳. بیشـتر این نیروهای تروریسـت برای پول مبارزه می‌کنند و ماهیانه مبالغ زیادی دریافت می‌کنند. در یک مورد که پول آنها دیر شـده بود کل گردان جنگ را رها کردند.

۴. آنچه در فیلم‌ها از جنایت تروریسـت‌ها نشـان داده می‌شـود بیشتر جنگ روانی اسـت و اتفاقا کشته‌های مدافعان حرم و مجاهدان بسیار کم است؛ به طوری که هر هفته ۴ یا ۵ رزمنده شـهید می‌شوند در حالی که از طرف مقابل حداقل هفته‌ای ۵۰ نفر کشته می‌شوند. اما منش الهی رزمندگان اسلام مانع از تبلیغات روی اجساد این افراد می‌شود.

۵. شـهرهایی که داعش تصرف می‌کند هیچ مقاومتی نکرده‌اند وگرنه در یک مورد با مجاهدت ۲۸ نفر از مردم، آنها حتی نتوانستند یک روستا را تصرف کنند.

داعش به سان ماری اسـت که صدای حرکت زبانش از فاصله چند متری، فرد مورد نظر را می‌ترسـاند اما به هنگام نزدیک شدن تنها اتفاقی که می‌افتد، له شدن سر این مار است.

◆ ایجاد ترس تنها ابزار تروریسم رسانه‌ای داعش

آنچـه مـردم موصـل را از شهرشـان فـراری داد، نـه شـجاعت داعـش و نـه سـبعیت آنـان و نه تسـلیحات و قـوای نظامی‌شـان بـود. تنهـا چیـزی که باعـث فرار مـردم شـهر شـد ترسـی بـود کـه از صـدای مارهـای بی‌ریشـه داعـش بـه دل راه داده بودنـد و خنده‌دار این اسـت کـه داعشـیان خیـال می‌کردند مـردم ایران را نیـز می‌تواننـد بـا پیامک‌هـای پـوچ و کودکانـه بـه هـراس بیفکننـد. پیامک‌هایـی کـه عده‌ای منتشر کردنـد و نیروهـای آگاه بـه سـرعت همه‌شـان را زمین‌گیـر کردنـد. چـه اینکـه مسـلمان ایرانـی پیش از ایـن با پدرشـان صدام نزاعی از سـر شـهامت داشـته و بـا فتح بازگشـته اسـت.

۸ منفعت راهبردی آمریکا در اقدامات تروریستی داعش

آب گل آلود عراق و ماهی هایی برای آمریکا

برخی از کشورها از تروریسم به عنوان ابزاری در راستای تحقق منافع و سیاست خارجی خود هستند و آن را از عوامل حیاتی راهبردهای خود می‌دانند، به همین علت است که ید طولایی در ایجاد شاخه‌های مختلف تروریستی در مناطق تحت نفوذ خود در منطقه دارند. آمریکا و رژیم صهیونیستی در رأس این کشورها قرار دارند و برخی رژیم‌های دیگر مداخله‌جو در سوریه نیز در این زمینه با این کشورها هم داستان هستند. حسن شقیر تحلیلگر مسایل راهبردی منطقه در مقاله‌ای در پایگاه خبری پانوراما الشرق الاوسط تاکید کرد که شکی نیست که تحولات عراق و گسترده شدن تروریست‌ها در بخش‌های مختلف این کشور که بعد از شکست ...

الف: قطع خط ارتباطی محور مقاومت

شکی نیست که موقعیت جغرافیایی داعش در مرزهای سوریه با عراق از دیر الزور گرفته تا حسکه سوریه و استان های الانبار و نینوا و صلاح الدین در عراق منطقه راهبردی و حیاتی را برای شیعه و سنی تشکیل می دهد. شیعیان تسلط داعش بر این منطقه را باعث قطع شدن ارتباط محور مقاومت با سوریه می دانند که بر اساس طرح‌های آمریکایی صهیونیستی در منطقه با ابزار داعش انجام می‌شود. ...

کنگره آمریکا نیز انجام می شود و تحلیلگران از پیامدهای این انتخابات بر سیاست خارجی این کشور سخن می‌گویند. به این ترتیب اجمالا می توان گفت سال جاری سال خروج آمریکا از منطقه و ورود رسمی در دوره انحطاط و فروپاشی است.

به همین علت آمریکا از سویی می خواهد شکسته ای خود را از محور مقاومت جبران کند و از سوی دیگر آبروی باقیمانده امپراتوری فرتوت خود را برای خود حفظ کند. ...

ب: سرپوش گذاشتن بر افول قدرت آمریکا

شکی نیست که سال ۲۰۱۴ سال افول قدرت آمریکاست، چرا که اتفاقات مهمی در این سال رقم خواهد خورد. این اتفاقات از خروج این کشور از افغانستان آغاز شده و توافق احتمالی هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ نیز تحولی دیگر در این راستاست، از سوی دیگر انتخابات میان دوره‌ای ...

◆ این اقدام جدید بر اساس اهداف و راهبردهای این مثلث شکل گرفته است که عبارتست از:

انقلاب اسلامی ایران صادر شد

لبیک یا خمینی!

پس از شکست گروه‌های تکفیری برای پیشروی در سوریه، شاهد هجوم این دسته تروریستی به خاک عراق بودیم؛ رویدادی که به سرعت گسترش یافت و این عده به رغم اندک بودنشان، با ایجاد فضای ترس و وحشت در عراق و به کمک خیانت برخی افسران ارشد، توانستند پیشروی کنند و در این راه از هیچ رفتار وحشیانه‌ای همچون قتل عام وسیع اسرا ـ حتی کودکان ـ دریغ نورزیدند و با انتشار این تصاویر، کوشیدند چنان فضایی را پدید آورند که مسیر پیش رویشان خالی از هر گونه مقاومت شود. با این حال، پس از این پیشروی که شکل گسترده نداشت و این گروه تروریستی به واسطه ...

... زیرا تا پیش از صدور فتوا و ورود مستقیم در این ... پی می گیرد و در این غائله نیز چنین رخ داد.

داعش، نمایش وحشت و خشونت

فرشاد مهدی پور

دوربین، از پُشت سر، دو نفر را نشان می‌دهد که اسلحه کلاشینکف‌شان را به سمت بیرونِ ماشین گرفته‌اند و هنگام حرکت در جاده، به یک خودروی عبور شلیک می‌کنند و دور می‌زنند تا مطمئن شوند همه سرنشینانش کشته شده‌اند ...

که تا پیش از این عمدتا به رنگ خاکی بودند، به تازگی ترکیب سیاه و خاکستری پیدا کرده‌اند و معمولا همگی‌شان دارای پرچم‌هایی کوچک و سه‌گوشِ سیاه‌رنگ هستند.

دومین نکته آن است که در بسیاری از عملیات‌های انتحاری یا ارهابی این گروه، یک عکاس یا فیلم‌بردار هم حضور دارد؛ کیفیت تصاویر گرفته‌شده معمولا خوب و در برخی موارد حرفه‌ای است و عکس لحظه‌های زدنِ تیرخلاص به سربازان عراقی، ...

در برخی نقاط تصرف‌شده توسط گروه داعش، جُنگ‌های شادی نیز برای کودکان برگزار می‌شود؛ واداشتن کودکان به گفتن کلمه تکبیر، عباراتی در ابراز علاقه به سرکرده اصلی گروه و نهایتا قرائت دسته‌جمعی سرودهایی در وصف و بیعتِ با او، از جمله اجزای این برنامه‌هاست. در پاره‌ای موارد نیز کمک‌رسانی به آوارگان در دستور کار قرار دارد و نکته جالب توجه، گرفتن عکس و تصویر از پیرمردها و پیرزن‌هایی است که بعضا با تردید ...

... و اخیرا مجموعه‌ای از آواهای تداعی‌کننده عنوان گروه مذکور نیز تولید و روی محتوای عرضه‌شده قرار می‌گیرند. ... شادی به‌دست آوردن یک تانک، هلهله می‌کنند.

سنی و شیعه علیه داعش

همه مسلمانان علیه همه تکفیری ها

سعید ساسانیان

در شرایط کنونی، زمینه سازی یک مبارزه جمعی با داعش با مشارکت دولت های سنی منطقه توسط ایران، هر چند به اقدام عملی هم منجر نشود، می تواند دستاوردهای مثبتی داشته باشد.

این روزها، اصلی‌ترین خبری که از خاورمیانه به جهان منعکس می‌شود، اقدامات تروریستی «دولت اسلامی در عراق و شام» یا همان «داعش» است. این گروه چندین سال تحت عنوان «دولت اسلامی عراق» در این کشور به فعالیت می‌پرداخت اما حدود یک سال پس از بحران سوریه، به این کشور نیز ورود کرد تا کلمه «شام» در انتهای عنوان سابقش بیاید و به «داعش» تبدیل شود.

شهرهای این کشور تحت اشغال داعش بود. اما دور جدید حملات این گروه تروریستی از سامرا آغاز شد. آن‌ها با حمله به این شهر سعی در تخریب حرمین شریفین عسکریین داشتند که البته با مقاومت مدافعان حرم و بخشی از ارتش عراق، به هدف خود نرسیده و ارتش عراق توانست آن‌ها را از شهر عقب براند.

اما آن‌چه همه را غافل‌گیر کرد، حمله داعش به استان نینوا به مرکزیت موصل بود. این شهر تنها در طی چند ساعت و بدون مقاومت مردمی و حتی ارتش عراق اشغال شد.

اگرچه تا کنون تحلیل‌های فراوانی در خصوص چرایی اشغال چند ساعته موصل منتشر شده است اما آن‌چه حالا برای بسیاری آشکار شده، این است که خطر داعش نه عراق ...

همین امر زمینه برای ورود قدرت مداخله‌گر خارجی را فراهم می‌کند کما این‌که طی روزهای گذشته، بحث ورود آمریکا در عراق و مقابله با نیروهای داعش مساله‌ای بوده است که به صورت پررنگی در رسانه‌ها مطرح شده است.

به نظر می‌رسد ایران امکان زمینه‌سازی برای ایجاد یک هم‌گرایی علیه داعش را داشته باشد. ...

صرفا در شهرهایی که خالی از مقاومت مردمی و نظامی بوده است، امکان مانور یافته و قطعا در کربلا، نجف و حتی بغداد، ماجرا کاملا متفاوت خواهد بود.

ورود ایران به تنهایی به مبارزه با داعش، اگرچه در زمانی که نیاز باشد امری ضروری است اما در شرایط کنونی، پیامدهایی دارد که می‌تواند هزینه را برای ایران بالا ببرد. ...

و باید به صورت مشترک مبارزه با تروریسم و مبارزه با خطر نفوذ داعشی‌ها صورت گیرد.

از سوی دیگر، ترکیه اگرچه همچنان متهم به حمایت از داعش است اما در شرایط کنونی ۸۰ تن از افراد این کشور در یکی از کنسولگری‌هایش توسط داعش ربوده شده‌اند و این امر باعث شده تا ترکیه از شورای امنیت درخواست ورود به این مساله را بکند. اردن دیگر کشور منطقه است که اگرچه نقش ریاکارانه‌ای را در قبال بحران سوریه بازی کرده و می کند اما جریان تکفیری یکی از خطراتی است که همیشه او را تهدید کرده است.

نخستین رهبر گروهی که حالا به داعش تبدیل شده، زرقاوی بود که در سال ۲۰۰۳ این گروه را تشکیل داد. ...

کویت در شرایط کنونی مرزهای ... شیخ صباح خالد الصباح معاون ... کویت گفته است که اگر کسی ... پیامدهای بسیار ناگواری برای ...

... اما در شرایط کنونی، زمینه این برخورد جمعی فراهم نیست و ... سقوط عراق بالا باشد که اکنون این‌گونه نیست و داعش را دارد.

تبارشناسی یک قرائت انحرافی از اسلام جهادی؛

قبله اسرائیلی، سلاح آمریکایی

لطف الله پرندین

حمله‌ی گروه تروریستی داعش به غرب و شمال غرب عراق در روزهای اخیر، موجی از ناآرامی و نگرانی را نه تنها در داخل عراق، بلکه در کل منطقه به وجود آورده است. این گروه که دارای تفکری سلفی جهادی است تاکنون به شهرهای استان الانبار، نینوا و صلاح‌الدین حمله کرده و توانسته است این استان‌ها را به الرقه و حسکه در سوریه متصل کند و بر ادعای خود، یعنی برپایی حکومت اسلامی، همچنان تأکید کند. اما این گروه تروریستی از چه زمانی شروع به رشد کرد و اساساً ریشه‌های شکل‌گیری آن چه بود و چه کشورهایی و با چه هدفی این گروه را تقویت کردند؟ در این مطلب سعی خواهد شد هرچند به اختصار به برخی از علامت سؤال‌هایی که در مورد گروه تروریستی داعش وجود دارد پرداخته شود.

◀ شکل‌گیری داعش

هسته‌ی اولیه‌ی داعش به سال ۲۰۰۴ و زمان زرقاوی برمی‌گردد. ابومصعب الزرقاوی اردنی‌الاصل که سابقه‌ی حضور در افغانستان و نبرد با نیروهای شوروی را هم داشت، پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۴ یک گروه نظامی به نام «جماعت توحید و جهاد» در این کشور تشکیل داد. دیری نگذشت که اقدامات سخت‌گیرانه‌ی زرقاوی در مناطق سنی‌نشین و کشتار غیرنظامیان موجب اختلاف میان گروه‌های ...

«دولت اسلامی عراق» به رهبری ابو عمر البغدادی تشکیل شد. در سال ۲۰۱۰ نیروهای آمریکایی به منطقه‌ی الثرثار حمله کردند و ابوعمر بغدادی و ابوحمزه المهاجر را کشتند. بعد از این ماجرا، ابوبکر بغدادی به ریاست دولت اسلامی عراق رسید. افراد تحت تسلط بغدادی وظیفه داشتند تا با عضوگیری گسترده از میان جمعیت سُنی ناراضی در عراق، که از برخی سیاست‌های دولت مالکی به تنگ آمده بودند، خود را برای روز موعود آماده کنند. با شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ جبهه‌ی النصره برای جنگ علیه نظام سوریه به ریاست ابومحمد الجولانی تشکیل شد. با توجه به نزدیکی دیدگاه‌های دو گروه، ابوبکر بغدادی با انتشار فایلی صوتی، جبهه‌ی النصره را امتداد دولت اسلامی در عراق معرفی کرد و نام سازمان خود را به «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) تغییر داد. به این ترتیب، «دولت اسلامی عراق» در سال ۲۰۱۳ نام خود را به «دولت اسلامی عراق و سوریه» (داعش) تغییر داد تا بتواند عملیات در دو کشور را پوشش بدهد. البغدادی مدعی بود که جبهه‌ی النصره باید زیر لوای داعش فعالیت کند که البته نیروهای النصره که بیشتر از داعشی‌ها سوری‌الاصل‌اند، این درخواست را نپذیرفتند. این در حالی بود که الجولانی سرکرده‌ی جبهه النصره تا قبل از بحران سوریه، در عراق و زیر نظر البغدادی فعالیت می‌کرده است. بدین ترتیب، اختلاف و درگیری بین داعش و النصره همزمان با جنگ علیه بشار اسد شروع شد.

... گشایش سفارت خانه‌اش در بغداد ... «پالیسی» هفته‌نامه‌ی آمریکایی ...

وقتی فرقه شیرازی در عمل، بادشمنان شیعه دشمن نیست؛

جای بوسه انگلیسی ها روی پیشانی برائتی ها

حجت‌الاسلام حسین ابراهیم

بعضی در تاریخ اسلام مانند خلیفه دوم معروف به خشونت هستند اما با این وجود هیچ گاه در جنگ ها و جهاد ها در تاریخ نام و نشان و چهره بارز و چشمگیری از آنها دیده نمی شود؛ ...

۹دی
هفته نامه سیاسی . فرهنگی . اجتماعی
جبهه مقاومت
شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳/ ۲۳ شعبان ۱۴۳۵/ شماره صدوپنجاه ویکم
21 June 2014 , Vol 4 , No 151

جمع انحراف عقیدتی و منفعت طلبی سیاسی

داعش میراث دار القاعده، القاعده دست آموز آمریکا

Wanted

Abu Du'a is the senior leader of the terrorist organization, al-Qa'ida in Iraq (AQI). Abu Du'a is in charge of overseeing all AQI operations and is currently based in Iraq. AQI was listed by the UN 1267 Committee in 2004 under permanent reference number QE.J.115.04. Abu Du'a is responsible for managing and directing AQI large-scale operations, such as AQI's 28 August 2011 attack on the Umm al-Qura mosque in Baghdad which killed prominent Sunni lawmaker ...

ALIASES/NAME VARIANTS:
Dr. Ibrahim 'Awwad Ibrahim 'Ali al-Badri al-Samarrai', ...

Reward

Up to $10 Million Reward

If you have any information concerning this person, please contact your local FBI office if you are in the United States, or the nearest US Embassy or Consulate.

If you prefer to use e-mail, send your information to rfj@state.gov.

If you prefer to use the telephone, please call 1-800-US REWARDS.

۹دی – یکی از سوالات متداول این روزهای مردم این است که ریشه ها و عقبه سازمانی و تشکیلاتی داعش کجاست؟ سازمان القاعده در عراق در سال ۲۰۱۰ میلادی با کشته شدن ابو ایوب مصری و ابو عمر البغدادی از رهبران جماعت موسوم به "دولت اسلامی در عراق" از این کشور خارج شد و تنها گروه‌های داخلی عراقی که رویکردهای وابسته به القاعده داشتند، در عراق باقی ماندند. اما با این حال در سال ۲۰۱۳ این گروه با تغییر ...

داشتند و ماهیت مردم شناختی این منطقه در تداخل فرهنگی و اجتماعی با سوریه بویژه در مناطق مرزی باعث شد تا وی به سمت جبهه سوریه کشیده شود، به همین علت جبهه النصره را به رهبری ابو محمد الجولانی تشکیل داد تا استراتژی جدید را برای خود ترسیم کند، استراتژی که اقدامات داعش را از درگیری با دولت عراق به توسعه توان این کشورها در داخل سوریه می‌کشاند تا نقشه و سازمانی جدید تشکیل شود که وی نام آن را دولت اسلامی عراق ...

بعد از حمله موفق ارتش عراق به صحرای الانبار که از شمال تا شهر موصل و دیاله نیز کشیده می شد، البغدادی در داخل استان الانبار مخفی شد. وی این شهر را به عنوان پناهگاه خود انتخاب کرد، چرا که اهالی این شهر با دولت مرکزی عراق اختلاف داشتند و شورای جنگی برای مبارزه با دولت ترتیب داده بودند. این موضوع دولت مرکزی عراق را به درد سر انداخت و اقدامات ارتش در داخل شهر فلوجه را متوقف کرد.

◆ استراتژی جدید داعش بر ضد ارتش عراق

با وجود اینکه داعش در تمام مراحل گذشته راهبرد تسلط ...

◆ ابوبکر البغدادی مزدور آمریکا

◆ تمرد البغدادی از القاعده

◆ چالش بزرگ عراق در تقابل با تروریست‌ها

... در پی اعتراضات الحویجه در سال ۲۰۱۳ ترتیب داده اند، گسترده ترین این نیروهاست. عراق برای مقابله با این روند نیازمند حمایت های بین المللی و منطقه ای است. ارزیابی ها نشان می دهد عراق به تنهایی نمی‌تواند با این موج تروریستی مقابله کند. اگر پیامدهای ناامنی‌ها در عراق ادامه پیدا کند، چه بسا این روند به دور از عرصه سوریه نباشد.

... را به قتل مردم عراق امر می کرد! این نامه در واقع عزل البغدادی و سازمان آن از سوریه بود و وی را قادر می کرد تا بتواند امارت خود را در فلوجه ایجاد کند الظواهری در پایان نامه خود به جبهه النصره نیز دستور داد تا فورا هر نوع کشتار و تجاوز علیه برادران مجاهد! و سایر مسلمانان را متوقف کرده و به مبارزه با دشمنان اسلام! بپردازند.

... به داخل عراق بکشاند. راهبرد دولت اسلامی عراق هدف قرار دادن مراکز امنیتی و دولتی و بمب گذاری وانفجار در بخش های مختلف بود، اما این موضوع تا جایی پیش نرفت که این سازمان بتواند یک امارت را برای خود به دست آورد.

جغرافیای منطقه‌ای که البغدادی و گروهش در آن حضور ...

فتنه سبز چرا از جبهه النصره و داعش حمایت می کرد؟!

سید امیر سیاح

سه چهارسال پیش که کودتای سبز به میرایی میرفت و همزمان جنگ داخلی سوریه شروع می شد، بعضی از باقیمانده های سبز که هنوز رمقی داشتند، روی دیوارها با اسپری سبز، هفت! می کشیدند و می نوشتند اسد جنایت می کند... حمایت می کند. این بیچاره ها در رسانه هایشان با حمایت ...

همقطاری با مجاهدین خلق هم تن داده بودند. با جدی شدن خطر حمله داعش به مرزهای ایران، نوضدانقلاب در وضعیتی رقت انگیزتری قرار گرفته است. اگر بازهم خود را دشمن دشمنان داعش بداند، باید مثل دیگر متحدانش (مجاهدین خلق–منافقین)، با حمله به خاک میهن، همنوایی کند و اگر به این ننگ تن ندهد، باید به این سوال جواب دهد که چرا در ۳سال گذشته از جبهه ...



شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳/ ۲۳ شعبان ۱۴۳۵/ شماره صدوپنجاه‌ویکم
21 June 2014 , Vol 4 , No 151



پیروزی مالکی در عراق و تقویت مجدد عمق استراتژیک ایران

شیعه و سنی عراق، علیه دست پرورده جدید آمریکا



رضا سراج

منطقه حساس غرب آسیا و شمال آفریقا چند سالی است که با پدیده‌ی مبارک و سرکوب ناشدنی بیداری اسلامی مواجه گردیده است. بیداری اسلامی در کنار پیروزی‌های محور مقاومت اسلامی که آخرین آن در جنگ ۸ روزه اتفاق افتاد و برای اولین بار رژیم صهیونیستی درخواست آتش‌بس به گروه‌های مقاومت فلسطینی داد، موازنه استراتژیک را در منطقه به نفع محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران به نحو قابل توجهی تغییر داد.

از این مقطع تاریخی، الگوی مدیریت بحران آمریکایی‌ها دارای دو فاز بود:

فاز اول؛ ایجاد محور غربی- عربی در راستای بی‌ثبات‌سازی محور مقاومت.

فاز دوم؛ استراتژی معکوس‌سازی بیداری اسلامی.

گزینه اول در پروژه بی‌ثبات‌سازی محور مقاومت، کشور سوریه بود. دلیل این انتخاب نیز این بود که غربی‌ها اعتقاد داشتند سوریه سست‌ترین حلقه محور مقاومت است که می‌توان آن را انتخاب کرد و این حلقه را به بهانه مسئله بیداری اسلامی و خیزش‌های جهان عرب بحرانی کرد. در کنار به انحراف کشاندن بیداری اسلامی، پروژه بی‌ثبات سازی محور مقاومت را نیز به پیش برند. ضمن اینکه سوریه عقبه نزدیک محور مقاومت در مقایسه با ایران به عنوان عقبه دور محور مقاومت می‌باشد. محور غربی- عربی به دنبال آن بود که پس از بی‌ثبات‌سازی سوریه، دامنه این بی‌ثباتی و ناآرامی را به لبنان بکشاند.

در فاز معکوس‌سازی بیداری اسلامی نیز به دنبال آن بودند تا با مشغول سازی داخلی کشورهای پسا انقلابی و دو قطبی‌سازی اجتماعی در داخل این کشورها، به نوعی بتوانند رژیم‌های وابسته و دیکتاتوری سابق را بازتولید نمایند. این ترفند را تا حدودی توانستند در مصر دنبال کنند و تلاش دارند که در لیبی نیز همین مدل را پیاده‌سازی کنند. در اینجا تا حدودی موفقیت به دست آوردند و البته موفقیتشان نسبی خواهد بود و دائمی نیست.

اتفاقی که بعد از بی‌ثبات شدن سوریه و لبنان و بازتولید رژیم مبارک در مصر می‌افتاد این بود که محور غربی می‌توانست جناح سازش را با جریان مقاومت فلسطین جمع بزند، چون هم سوریه به‌عنوان عقبه مقاومت بی‌ثبات شده‌است و هم به طور طبیعی مقاومت فلسطین از ایران فاصله گرفته و هم لبنان بی‌ثبات شده است. مقاومت فلسطینی چاره دیگری نخواهند داشت و خود به خود به سمت جناح سازش کانالیزه می‌شدند و ضمن شکل‌گیری گفتگوهای سازش، دستاورد ارزنده‌ای برای صهیونیست‌ها به بار می‌آورد.

یک طرح‌ریزی استراتژیک وجود دارد که هم بیداری اسلامی را معکوس می‌کند و هم محور مقاومت را بی‌ثبات می‌کند و هم جناح سازش را با مقاومت فلسطین می‌تواند جمع کند. نکته چهارم در اینجا این است که اگر این سه اتفاق بیفتد با توجه به فشار تحریم‌ها و جوسازی جریان تکنوکرات‌های لیبرال داخلی نتیجه این سه‌مسئله بالا به نوعی عمق استراتژیک ایران را محدود می‌کند و این محدودسازی عمق استراتژیک ایران به اضافه فشار تحریم‌ها و تلاش‌های جریان تکنوکرات‌های لیبرال داخلی که گفتمان تغییر را دنبال می‌کنند، ایران را به سمت حل مناقشه با غرب سوق می‌دهد.

◇ شکست فاز اول

در بی‌ثبات‌سازی محور مقاومت آن‌ها در لبنان شکست خوردند و نتوانستند دامنه بی‌ثبات‌سازی را به لبنان بکشانند. در سوریه نیز اولاً دچار چنددستگی شدند، ضمن اینکه هم ارتش و هم نیروهای وطنی خودشان را پیدا کردند و هم چنین حامیان سوریه نیز کمک‌های شایسته‌ای به سوریه برای تثبیت اوضاع سوریه کردند و جلوی پروژه عبور از اسد نیز گرفته شد. اینکه گفته می‌شود جلوی عبور از اسد گرفته شد به این معناست که تلقی آمریکایی‌ها این بود که با این نگاهی که در ایران حاکم شده‌است، ایران و ترکیه می‌آیند و عبور از اسد را به همراه قطر دنبال می‌کنند و مدل وحدت ملی در اینجا شکل می‌گیرد.

در پی شکست پروژه بی‌ثبات‌سازی محور مقاومت، انتخابات ریاست جمهوری سوریه مطابق با قانون اساسی اصلاح شده سوریه برگزار شد. در این انتخابات هم مشارکت مردم حداکثری بود و هم انتخاباتی فراگیر بود؛ یعنی اغلب استان‌ها خیلی زود آزاد شدند و خیلی سریع و با شیب تند به حالت عادی برگشتند که مهم‌ترین آن هم آزادسازی شهر مهم و استراتژیک حمص بود، شهری که در معارضه سوریه از آن با عنوان «عاصمة الثوره» یعنی پایتخت انقلاب یاد می‌کردند.

انتخابات به‌صورت فراگیر برگزار شد و نتیجه این انتخابات نیز پیروزی قاطع اسد بود. این جا بود که می‌توان ادعا کرد آن برنامه‌ای که محور غربی- عربی برای بی‌ثبات‌سازی سوریه ریخته‌بودند کاملاً نقش بر آب شد و وضعیت لبنان نیز کاملاً در شرایط تثبیت قرار گرفت.

محور غربی- عربی برنامه‌ریزی کرده‌بودند که انتخابات عراق دچار چنددستگی و تنش شود و عراق در یک حالت بلاتکلیفی بماند، مانند آنچه که در دوره قبل اتفاق افتاد. برنامه‌ریزی آن‌ها این بود که عراق بلاتکلیف و بی‌ثبات باقی بماند و دولت جدید در کوتاه مدت مستقر نشود. اما انتخابات عراق و پیروزی مجدد مالکی و در قدرت ماندن وی نتیجه بسیار خوبی برای محور مقاومت و شکست بزرگی برای مخالفان نوری مالکی بود. حال با مقدماتی که توضیح داده شد، از مجموع دو انتخابات سوریه و عراق در اینجا سه نتیجه حادث می‌شود:



◆ تثبیت محور مقاومت

هر چند سوریه دچار خسارت‌های زیادی شد اما حاکمیت آن باقی ماند، ارتش این کشور آزموده شد و نیروی دفاع وطنی شکل گرفت و عملاً سوریه در محور مقاومت فعال‌تر شد و از یک بازیگر پشتیبان به یک بازیگر فعال تبدیل شد. هم چنین نقش ژئوپولتیک سوریه به دو دلیل پررنگ‌تر شد: یکی ایستادگی و مقاومت این کشور که منجر به تثبیت حاکمیت سوریه شد و اکنون وزن این کشور در مقاومت افزایش پیدا کرده‌است و دیگر این که روسیه چون اکنون در اوکراین درگیر است، اهمیت ژئوپولتیکی سوریه برای این کشور بسیار بیشتر شده‌است. این نیز می‌تواند در واقع یک برگ ژئوپولتیکی در دست دولت سوریه باشد که برای رفع برخی از تنگناهایش به‌طور محتمل استفاده کند. شکست سمیر جعجع کاندیدای مورد حمایت جریان ۱۴ مارس لبنان در انتخابات ریاست جمهوری لبنان و احتمال به قدرت رسیدن میشل عون کاندیدای مورد حمایت جریان مقاومت لبنان دیگر شاخص و دستاورد محور مقاومت و در نتیجه تثبیت آن است. شکست گفتگوهای سازش تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی که منجر به شکل‌گیری آشتی ملی بین گروه‌های فلسطینی فتح و حماس شد نیز دیگر دستاورد محور مقاومت در این برهه زمانی بود.

◆ پیروزی مالکی در عراق و تقویت مجدد عمق استراتژیک ایران

پیروزی مقتدرانه مالکی در انتخابات اخیر عراق که نتیجه آن نشان داد علیرغم جوسازی‌هایی که در زمینه کاهش محبوبیت مالکی در برخی رسانه‌ها صورت می‌گرفت، محبوبیت و مقبولیت او حتی نسبت به دوره قبل نیز افزایش یافته است. این پیروزی به نوعی تقویت عمق استراتژیک ایران بود. این پیام کاملاً روشن است. این نتیجه راهبردی را خیلی زود محور غربی- عربی به‌ویژه اسرائیلی‌ها درک کردند؛ یعنی در دل این محور رژیم صهیونیستی به اضافه عربستان خیلی زود این موازنه استراتژیک مثبت را درک کردند.

◆ موازنه مثبت استراتژیک و تقویت جایگاه ایران در مذاکره با ۱+۵

بازیگران غربی نظاره‌گر بودند که این برنامه‌ریزی استراتژیک و کلان آن‌ها تبدیل به حل مسئله ایران و مناقشه این کشور با غرب شود و از آن طرف در این حل مسئله با ایران به‌طور خودبه‌خود مسئله صلح خاورمیانه نیز به یک روال پیشرفت منجر شود. ناگهان ورق برگشت و روند فعلی تبدیل به یک موازنه مثبت استراتژیک برای ایران شده‌است. در این موازنه استراتژیک مثبت قطعاً ایران در مذاکرات دست بالا را پیدا می‌کند که در حال حاضر همین وضعیت بوجود آمده است. اگر به دقت بررسی شود از اینجا به بعد موضع ما کاملاً تبدیل به یک موضع دست بالا شده‌است و مباحث بیرونی نیز در این دست بالا شدن ما نقش زیادی داشته است. ضمن اینکه از راهپیمایی ۲۲ بهمن سال گذشته نیز انسجام داخلی ما به این موازنه مثبت کمک زیادی کرده‌است.

◇ بازی جدید محور غربی- عربی در راستای برهم زدن موازنه

موازنه استراتژیک مثبتی که صحبت آن در بالا رفت، محور غربی- عربی را به این نتیجه رساند که باید این بازی را هرگونه هست تغییر دهد. اما این تغییر بازی به نظر باید از کجا شکل می‌گرفت؟ آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی و عربستان به نیابت از محور غربی چند زمین بازی داشتند. اگر زمین‌های بازی برای تغییر راهبردی شرایط حاصل‌شده را فهرست کنیم به این صورت است: یک زمین بازی آن‌ها سوریه بود، اما در حال حاضر امکان بازی مجدد در سوریه وجود ندارد. یک زمین دیگر لبنان است که قبلاً در این زمین امکان بازی وجود نداشت و در حال حاضر نیز امکان بازی در این زمین وجود ندارد. از این‌ها که صرف‌نظر کنیم به عراق می‌رسیم. عراق زمین بازی بود که می‌توانست این معادلات راهبردی به وجود آمده را تغییر دهد. آن‌ها در عراق آمدند این سناریوی راهبردی را طراحی کردند که این سناریو هم شرایط را تغییر می‌دهد و هم به اهداف جدیدی می‌رسد.

◇ بی ثبات سازی عراق

هر چند از مدت‌ها پیش، اغلب ناظران سیاسی بحرانی شدن وضعیت عراق را پیش‌بینی کرده بودند و حتی بخشی از این پیش‌بینی نیز محقق شده بود و دامنه بحران سوریه به عراق کشیده شد و با توجه به فقدان ثبات امنیتی در عراق و نفوذ ریشه‌دار القاعده و دیگر گروه‌های تکفیری و بعثی در این کشور، شاهد ناآرامی‌هایی در عراق بودیم، اما شاهد یک طرح منسجم و هدفمند و دارای نقشه راه که معارضه عراق در این دو سه هفته اخیر در عراق پیاده کردند، نبودیم. حال پس از اینکه تلاش محور غربی- عربی در راستای بی‌ثبات‌سازی و فروپاشی محور مقاومت در دو کشور سوریه و لبنان ناکام ماند، گزینه سوم که مد نظر آن‌ها قرار گرفت کشور عراق بود.

◇ مختصات معارضه عراق

آنچه که در زمینه معارضه عراق این روزها در رسانه‌ها مطرح می‌شود، گروه دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش به رهبری «ابوبکر بغدادی» است. البته داعش را به مفهوم ماهوی نباید داعش دید. زیرا که در پشت جریان داعش، سازمان بعث قرار دارد و به عبارتی برخی بازماندگان حزب بعث از جمله برخی فرماندهان بعثی سابق و برخی نیروهای امنیتی بعثی که سابقه خدمت در استخبارات رژیم بعثی صدام را داشته‌اند، به نوعی توانسته‌اند خود را در قامت داعش بازتولید نمایند که مهم‌ترین چهره بعثی در این زمینه «عزت الدوری» معاون سابق صدام حسین می‌باشد. البته پیوند القاعده عراق و بازماندگان حزب بعث به سال ۲۰۰۶ و شکل‌گیری مجلس شورای مجاهدین بر می‌گردد که سه سال پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین شکل گرفت. ناگفته نماند دولت اسلامی عراق که از آن با عنوان شاخه القاعده عراق یاد می‌شود امروزه دارای اختلافاتی بسیار جدی با سازمان مرکزی القاعده به رهبری ایمن الظواهری است.





هر چند سوریه دچار خسارت‌های زیادی شد اما حاکمیت آن باقی ماند، ارتش این کشور آزموده شد و نیروی دفاع وطنی شکل گرفت و عملا سوریه در محور مقاومت فعال‌تر شد و از یک بازیگر پشتیبان به یک بازیگر فعال تبدیل شد. هم چنین نقش ژئوپولتیک سوریه به دو دلیل پررنگ‌تر شد: یکی ایستادگی و مقاومت این کشور که منجر به تثبیت حاکمیت سوریه شد و اکنون وزن این کشور در مقاومت افزایش پیدا کرده‌است

نمی‌توان پذیرفت که داعش که شامل یک مجموعه جنگجوی چندملیتی است تا این حد انسجام و وحدت فرماندهی و ابتکار عمل داشته‌باشند. بنابراین باید ژنرال‌های بعث را در پشت جریان داعش ببینیم. به علاوه شناختی نیز که جریان تکفیری- بعثی داعش از منطقه عراق دارند نقش قابل توجهی در سرعت عمل آنها داشته است. به عنوان مثال در سوریه به این سرعت پیشرفت حاصل نمی‌شد. بازیگران اصلی معارضه عراق جریان بعث و داعش هستند که البته برخی از عشایر غرب عراق بعلاوه نفوذی‌های حاضر در حاکمیت را نیز باید به آن افزود. این پیوند تا حدودی در سقوط شهر استراتژیک موصل در فاصله زمانی بسیار کوتاه مشهود بود. بعثی‌زدایی نکردن ارتش و سازمان امنیتی عراق پاشنه آشیلی برای حاکمیت جدید عراق به حساب می‌آمد که خیانت برخی فرماندهان عالی‌رتبه ارتش و پلیس مرکزی موصل در قضیه سقوط این شهر، از تأثیرات این نقطه ضعف جدی در عراق به شمار می‌آید.

این بی‌ثبات‌سازی عراق به نفع چه کسانی می‌تواند باشد و چه منظورهایی می‌تواند پشت این بی‌ثبات‌سازی نهفته باشد؟! اینجا با تحلیل و گمانه‌زنی سناریو را به نوعی خودمان بازخوانی می‌کنیم. بازخوانی این سناریوی راهبردی به فهم تحولات عراق خیلی کمک می‌کند. ما معتقدیم که پشت این بی‌ثبات‌سازی در عراق سه علت مشهود می‌باشد:

۱- تغییر توازن استراتژیک به سود محور غربی- عربی.

۲- انهدام بقایای تکفیری‌ها و القاعده در عراق.

۳- معکوس‌سازی روند قدرت در عراق.

این‌ها در عراق، این کشور را بی‌ثبات می‌کنند و یک تغییر و تحول استراتژیک را قصد دارند در این بی‌ثبات‌سازی شکل بدهند. بقایای تکفیری‌ها را هم در حلقه محاصره ترکیه، سوریه، ایران و عراق در لبه‌های گیره قرار دهند و آن‌ها را فشار می‌دهند تا از بین روند. معکوس‌سازی قدرت در عراق به معنی این است که این اوضاع بی‌ثبات در عراق منجر به وضعیتی بشود که امکان تشکیل دولت وحدت ملی در عراق فراهم شود و تغییر مناسبات قدرت در عراق را در پی داشته باشد. دولت وحدت ملی معکوس‌سازی روند قدرت در عراق است و معنای آن این است که در معکوس‌سازی بیداری اسلامی در مصر ارتش این کار را بر عهده داشت، اما در عراق جریان تکفیری- بعثی داعش در تسریع این نقشه، نقش فراوانی دارد. در این روند هم جریان تکفیری- بعثی داعش تا حدودی منهدم می‌شود و هم در معکوس‌سازی روند قدرت در عراق، مدل وحدت ملی را جا می‌اندازند. در این مدل وحدت ملی، نوری مالکی باید از قدرت کنار رود.

از اینجا به بعد بخش مهم سناریو شکل می‌گیرد. سناریوی غربی‌ها دارای سه ره‌آورد راهبردی غرب برای آن‌ها می‌باشد:

۱- بازگشت مجدد آمریکا به عراق در قالب‌های نوین.

۲- منسی شدن بیداری اسلامی و ضدیت با نظام سلطه و رژیم صهیونیستی.

۳- اجبار ایران به همکاری امنیتی با غرب.

بخش مهم سناریو این است که اگر قرار باشد که معکوس‌سازی قدرت در عراق شکل بگیرد باید در عراق یک جنگ اعتقادی به‌وجود بیاید که این جنگ اعتقادی یعنی آن‌ها به اماکن متبرکه و مقدسات توهین کنند و شیعیان برای پاسخ به این اقدامات بسیج شوند. این بسیج شیعیان منجر به حساسیت اهل تسنن می‌شود. هر کس دیگری که قرار باشد که به اینجا بیاید و قربانی شود و منهدم شود، بسیج شوند. تا حدودی نیز همگرایی و قرابت بین بخشی از بدنه اهل سنت با جریان تکفیری- بعثی داعش صورت گیرد.

جنگ اعتقادی هم‌افزایی ایجاد می‌کند و هر مقدار شیعه‌ها بیشتر جلو بیایند آن‌ها نیز بیشتر جلو خواهند آمد. در این جنگ اعتقادی امکان حضور مجدد آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در عراق به بهانه جلوگیری از یک جنگ اعتقادی فراهم می‌شود. با این حضور نظامی مجدد خود در عراق زمینه برای آن دولت وحدت ملی و انتخابات مجدد و استقرار در برخی از مناطق به وجود می‌آید و اوضاع آن‌ها در عراق تثبیت می‌شود. الان به‌نظر می‌رسد آمریکایی‌ها قصد دارند به نحوی خروج مفتضحانه خود در عراق را جبران کنند و فضایی را برای بازگشت خود به عراق در قالب‌های نوین فراهم کنند. اتفاقی که در اینجا با داستان جنگ اعتقادی رخ می‌دهد، به عنوان یک محور دیگر این است که منسی شدن بیداری اسلامی، منسی شدن سلطه‌ستیزی و استکبارستیزی و منسی شدن ضدیت با صهیونیست‌ها است. این‌ها محورهای بعدی است که در این سناریو اتفاق می‌افتد و همه درگیر این جنگ اعتقادی می‌شوند. جهان اسلام از یک یکپارچگی به یک تقابل و دوقطبی می‌رسد و در این میان آمریکا و اسرائیل کاملا منسی می‌شوند. نکته بعدی که در این سناریو به‌دست می‌آید این است که ایران وادار به یک همکاری با غرب در حوزه‌های امنیتی می‌شود؛ یعنی این یک جریانی است که ما را وارد فاز همکاری امنیتی- نظامی با آمریکایی‌ها و غربی‌ها کند به بهانه کمک به عراق و مقابله با جریان تکفیری- بعثی داعش. این همکاری می‌تواند یک ذهنیت مثبت و یک قدرت نرمی برای آمریکایی‌ها در داخل ایران به وجود آورد که آمریکایی‌ها بالاخره وارد عراق شدند و از اهانت به مقدسات با این مداخله خود جلوگیری کردند. این وضعیت به وجود آمده در نهایت به روند حل مناقشه استراتژیک ایران و نظام سلطه کمک فراوانی می‌کند و موانع را برای تعاملات راهبردی ایران و غرب تا حدودی کنار می‌زند. ملاحظات امنیتی بحران عراق برای جمهوری اسلامی ایران به مراتب بیشتر از بحران سوریه است و عراق به دلیل داشتن مرز گسترده با ایران و قرار گرفتن در محیط امنیتی فوری ایران، جایگاه قابل توجهی در الگوی امنیت ملی ایران داراست. طرف غربی با امنیتی سازی گسترده در عراق و بحرانی کردن این کشور قصد دارد حلقه‌ی امنیتی ایران را تا جای ممکن تنگ‌تر نماید. از طرفی برنامه‌ریزی گسترده‌ای نیز برای ناامن کردن محیط امنیتی ایران وجود دارد. در این راستا غربی‌ها تلاش دارند با اجبارسازی همکاری امنیتی بین ایران و آمریکا در منطقه، ایران به این ادراک برسد که در لبه‌ی پرتگاه بی‌ثباتی قرار دارد و مجبور شود از برخی خطوط قرمز خود در زمینه هسته‌ای کوتاه آید و با شکل دادن به یک توافق جامع نامتوازن، ۱+۵ به حداکثر مطالبات خود در زمینه مناقشه اتمی ایران و غرب برسد.

در نهایت می‌توان ادعا کرد ایالات متحده آمریکا با همکاری رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای منطقه، به دنبال آن هستند که با تغییر موازنه استراتژیک در منطقه به ضرر ایران، ضمن تضعیف عمق استراتژیک ایران، این کشور را به سوی حل مناقشه با غرب و تن دادن به تعاملات راهبردی گسترده با نظام سلطه هدایت نمایند.

این یادداشت را با فرازی از سخنان رهبر عظیم‌الشأن انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال رهبر کبیر انقلاب به پایان می بریم:

«امروز یک عده‌ای در بخش‌های مختلف دنیای اسلام به‌نام گروه‌های تکفیری و وهابی و سَلَفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش می‌کنند،



کارهای بدی می‌کنند، کارهای زشتی می‌کنند؛ اما این‌ها دشمن‌های اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی می‌کنند، حماقت می‌کنند اما دشمن اصلی، آن کسی است که این‌ها را تحریک می‌کند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه‌ی آن‌ها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آن‌ها را انگیزه‌دار می‌کند؛ دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل و ملت مظلوم ایران می‌افشاند؛ این‌ها آن دست پنهانِ سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است.

لذا ما مکرر گفته‌ایم این گروه‌های بی‌عقلی را که به نام سَلَفی‌گری، به نام تکفیر، به نام اسلام با نظام جمهوری اسلامی مقابله می‌کنند، دشمن اصلی نمی‌دانیم؛ ما شما را فریب‌خورده می‌دانیم؛ به این‌ها گفته‌ایم: لَئِن بَسَطتَ اِلَیَّ یَدَکَ لِتَقتُلَنی ما اَنَا بِباسِطٍ یَدِیَ اِلَیکَ لاَقتُلَکَ اِنّی اَخافُ اللهَ رَبَّ العٰلَمین؛ (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲۸) تو اگر خطا می‌کنی، اشتباه می‌کنی، کمر به قتل برادر مسلمان خودت می‌بندی، ما تو [آدم] نادان و جاهل را کسی نمی‌دانیم که بایستی کمر به قتل او ببندیم؛ البته از خودمان دفاع می‌کنیم، هر کسی به ما حمله بکند، با مشت محکم ما مواجه خواهد شد، این طبیعی است؛ اما معتقدیم این‌ها دشمنان اصلی نیستند، فریب‌خورده هستند. دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است، آن دست نه‌چندان پنهانی است که از آستین سرویس‌های امنیتی بیرون می‌آید و گریبان مسلمانان را می‌گیرد و آن‌ها را به جان هم می‌اندازد.»

باز هم حمایت از صدام زمان در لباس داعش

صدام خالد نبود، داعش لشکر سفیانی نیست!

جنگ اول خلیج فارس و لشکرکشی آمریکا به منطقه، شاید یکی از مهمترین تحولات چند دهه اخیر منطقه باشد. برخی آن روزها می گفتند، دعای «اللهم اشغل الظالمین بالظالمین» مردم در مورد صدام مستجاب شده است.

درگیری آمریکا و صدام در منطقه هموجب اتفاقات و موضع گیری های جالبی شد که البته با گذشت زمان ممکن است برخی آنها را ازیاد برده باشند.

جریان چپ آن روز(که درقالب جریان اصلاح طلب امروزی شناخته می شوند)، در رابطه با حمله آمریکا به عراق مواضع عجیبی گرفت. علی اکبر محتشمی پور (رییس ستاد صیانت از آراء در انتخابات سال ۸۸) در یکی از نطق هایش در دی ماه ۶۹ در مجلس می گوید:«حوادث و بحران اخیر یادآور رویارویی و صف آرایی خالد بن ولید در برابر ابر قدرت های صدر اسلام است. او که عمری در صف کفر شمشیر به روی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان کشید ولی در نهایت فاتح بزرگی برای مسلمانان گشت.»

محتشمی پور و اطرافیان او از مجمع روحانیون و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با طرح مسئله شروع جنگ صلیبی پس از حمله آمریکا اعلام کردند، باید به نفع صدام حسین وارد جنگ شد. این مطلب علاوه بر آنکه کمک به یک ظالم متجاوز بود، به اذعان کارشناسان می توانست پیامدهای سنگین سیاسی و اقتصادی برای ایران به دنبال داشته باشد.

در بخشی از بیانیه مجمع روحانیون برای کمک به صدام آمده است:«از مسلمانان و از هسته های انقلابی جهان اسلام و خصوصاً منطقه خلیج فارس می خواهیم که صفوف خود را هرچه فشرده تر سازند و خود را برای ضربه زدن به منافع آمریکا در منطقه و سراسر جهان آماده کنند. ... در این لحظات حساس از شورای عالی امنیت ملی درخواست می کنیم که ... با الهام از تعالیم و سیره مبارک امام راحلمان ... در مقابله با آمریکا با تدبیری همه جانبه و با استظهار به نیروی انقلابی ملت بزرگوار ایران و اعتماد به خواست و اراده ملت های مسلمان برای مقابله با خطرات و نقشه شوم آمریکا و تأمین منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران ... با قاطعیت به بهره گیری از فرصت ها و اتخاذ تصمیم های مناسب بپردازد.»

بهزاد نبوی از شخصیت های تاثیر گذار جریان اصلاحات در جمع دانشجویان حمله آمریکا به منطقه را فرصتی بی نظیر برای حمله به اسراییل برمی شمرد و می گوید:«این جنگ فرصتی تاریخی برای حمله به اسرائیل به وجود آورده بود که از دست رفت ... وظیفه ما این بود که به هر طریق ممکن است سمت و سوی جنگ را عوض می کردیم. ما می بایست در سیاست خارجی و مواضعمان در قبال عراق، این نکته محوری را نصب العین قرار می دادیم.» (سلام، ۶۹/۱۲/۹)



صادق خلخالی از چهره های برجسته جناح چپ، عدم ورود به مسئله عراق و مقابله با آمریکا را تساهل قلمداد می کند و در حالیکه خون صدها هزار شهید و جراحات جانبازان و اسرا در جنگ با صدام تازه است می گوید:« گذشته ها مسئله دیگر است.. اینجا سرنوشت اسلام مطرح است ... این برای ما ننگ است، برای ما عار است، اسلحه داریم، قدرت داریم، جوان داریم، بسیجی داریم، بخواهیم تسامح و تساهل بکنیم. هیچوقت تساهل در این مسائل جایز نیست.» (جمهوری اسلامی، ۶۹/۱۰/۲۹)

اگرچه نظام و رهبری بسیار عاقلانه با این مسئله برخورد می کنند و با موضعی مقتدرانه و البته سیاسی ، کشور را از این مرحله سخت، عبور می دهند اما اصرار اصلاح طلبان برای حمایت از صدام در دفتر تاریخ سیاسی این کشور باقی می ماند تا کسانی که یکروز دستور به حمله به اسراییل می دهند و روز دیگر از ترس آمریکا حاضرند استقلال کشور را فدا کنند، نتوانند مدعی عقلانیت در عرصه اداره کشور باشند. ایران لشکر کشی آمریکا به منطقه را محکوم کرد اما در مقام دفاع از صدام وارد جنگ نشد.

این روزها نیز حملات داعش (گروه تکفیری) به برخی از شهرهای عراق موجب بروز برخی اظهار نظرها و تحلیل ها در این رابطه شده است.

از سویی با تطبیق های تاریخی و معرفی مصداق برای شخصیت هایی که در روایات آخرالزمان از آنها نام برده شده است، این مسئله (حمله داعش) را یک امر طبیعی قلمداد می کنند و منتظرند تا وقایع خط به خط عین آنچه در کتب تاریخی آمده است اتفاق بیافتد و لذا از هر گونه کنش خودداری می کنند. ویا در صورت مواجهه با این مسئله رفتارهای خود را بر اساس علائم ظهور تنظیم کنند و نه وظایف منتظران و آنچه بر اساس تحلیل های واقعی به دست می آید که صدالبته آسیب این گروه دوم بیشتر است.چه بسا با تحلیلی غلط سفیانی و تطبیق آن با گروه داعش به مسئله اصلی تبدیل شود و به تعبیری این وحشی های بی عقل دشمن اصلی قلمداد شوند و دست آمریکا در این حوادث دیده نشود. مسئله و تحلیل غلط دوم که البته بیشتر در صحنه سیاسی مهم است، همکاری با امریکا برای برخورد با گروهک تروریستی است. این ادعا که دوباره از سوی اصلاح طلبان و بر اساس تحلیل هایی دشمن ناشناسانه (همان تحلیل های فضایی از جنس محتشمی پور و بهزاد نبوی برای کمک به صدام در جنگ دوم خلیج فارس) مطرح شده است، دست دشمن اصلی را در این واقعه نمی بیند.

کدام رسانه دنیا فی الحال، به این مسئله که گروهک های تروریستی از آمریکا تغذیه می شوند شک دارد؟

اگرچه علی شمخانی دبیرشورای عالی امنیت ملی، روز گذشته با تکذیب خبر همکاری ایران و آمریکا و غیر واقعی خواندن این خبر، آن را جنگ روانی خواند ، اما تحرکات جریان اصلاح طلب ادامه دارد. شمخانی در این رابطه گفته است: به طور قطع نباید از عوامل پشت صحنه ایجاد کننده تهدیدات و ناامنی در کشور عراق انتظار مساعدت و کمک داشت. این موضوعات کارکرد جنگ روانی داشته و کاملا غیر واقعی است.

مواضع راهبردی سید حسن نصرالله در تبیین مواضع جبهه مقاومت؛

اگر در سوریه دخالت نمی کردیم، امروز داعش در بیروت بود

روزنامه السفیر چاپ لبنان در شماره امروز سه شنبه خود نوشت: سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله بار دیگر بر لزوم انتخاب رئیس جمهور لبنان در سریعترین زمان ممکن و پایان خلأ در نهاد ریاست جمهوری این کشور تاکید کرد. وی در جریان دیدار با فرماندهان گروه پیشاهنگی المهدی به صوررت ویدئو کنفرانس به مناسبت نیمه شعبان در جنوب و منطقه بقاع و بیروت گفت: حزب الله خواهان رئیس جمهور در سریعترین زمان ممکن است و همانطور که در مراسم جشن آزادسازی خاک لبنان گفتم ما رئیس جمهوری نمی خواهیم که به مقاومت خیانت کند. وی از وضعیت امنیتی داخل لبنان ابراز خرسندی کرد اما در عین حال گفت: این بدان معنا نیست که وضعیت صد درصد به حالت طبیعی بازگشت است و از این منظر باید همواره محتاط بود.

سید حسن نصرالله به کنترل گروه مسلح موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) بر شهر موصل و برخی مناطق دیگر عراق پرداخت و از موضع مرجعیت دینی در شهر نجف اشرف ستایش کرد و گفت: هدف از دعوت صورت گرفته برای به دست گرفتن سلاح در مقابل تروریست ها محافظت از یک طائفه مشخص نیست بلکه محافظت از تمام عراق است. به نوشته السفیر، سید حسن نصرالله سوالاتی را درباره نقش برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و کشورهای منطقه ای درباره تحولات و رویدادهای عراق مطرح کرد و گفت: چه کسی از این رویدادها سود می برد؟

برپایه این گزارش، دبیرکل حزب الله لبنان همچنین واقعیت موضع آمریکا را زیر سوال برد و گفت: وعسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم (چه بسا که از چیزی کراهت دارید در حالیکه آن امر برای شما خیر است). مطمئن باشید که سحر ساحر به خودش باز خواهد گشت (شر انسان بد به خودشان باز می گردد) و زمان آن گذشته است که به کسی اجازه داده شود که مقدسات دینی را تخریب یا به آن اهانت کند. وی به صدای اعتراض برخی به دخالت حزب الله در سوریه اشاره کرد و گفت: چرا این صداها را نمی شنویم که داعش را محکوم کند؟ اگر در سوریه در زمان و به شیوه و کیفیت مناسب دخالت نمی کردیم داعش الان در بیروت بود.

با صدور حکمی از سوی رهبر معظم انقلاب؛

جلیلی جایگزین ولایتی شد

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور حکمی اعضای جدید شورای راهبردی روابط خارجی را منصوب کردند.

درحکم رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به خرازی رییس این شورا آمده است: «نظر به ضرورت تکمیل اعضای شورای راهبردی روابط خارجی، آقایان: دکتر سعید جلیلی، دکتر ابراهیم شیبانی، حسین طارمی، مهدی مصطفوی اهری، سردار احمد وحیدی بعنوان اعضای جدید آن شورا با ریاست جنابعالی منصوب می شوند.

با توجه به تجربیات دوره ی گذشته و نقش این شورا در یاری رساندن مسئولان برای تصمیم گیریهای کلان و بهره مندی از نخبگان در این عرصه، امید است در دوره ی جدید شاهد حضور موثرتر آن شورا در وظائف محوله باشیم.» نکته قابل تامل در این حکم کنار گذاشته شدن دکتر علی اکبر ولایتی از عضویت این شورا و جایگزینی دکتر سعید جلیلی است.

با نمایندگان مردم

بذرپاش در جمع دانشجویان:

کاش به جای موضع گیری علیه منتقدان موضعی هم علیه رژیم صهیونیستی و آمریکا گرفته می‌شد

مهرداد بذرپاش نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو هیأت رئیسه خانه ملت در نشستی در جمع دانشجویان اظهار داشت: برخی از مسئولان آن قدر علیه منتقدان داخلی خود سخن می‌گویند که گویی دشمن شماره یک دولت، منتقدان هستند، اما از آن طرف شاهدیم که علیه گروه تروریستی داعش و رژیم صهیونیستی و جنایات آمریکا یا سخنی نمی‌گویند یا بسیار ناچیز مطالبی را بیان می‌کنند. وی افزود: دلیل این همه نگرانی از دغدغه دلسوزان انقلاب و نظام مشخص نیست، دلیل این همه یکسونگری و برخورد قهرآمیز با رسانه‌های منتقد مشخص نیست.

بذرپاش خواستار بررسی و مقایسه میزان پرداخت یارانه‌های نقدی رسانه‌های منتقد و حامی دولت شد و تصریح کرد: بهتر است امروز میزان آگهی‌های منتشر شده در رسانه‌های دولتی و همراه با دولت با رسانه‌های منتقد مقایسه شود، همین مقایسه مباحث فراوانی را نمایان خواهد کرد. وی همچنین تصریح کرد: کافی است افراد به دادسرای رسانه رفته و حجم شکایات علیه رسانه‌های منتقد را مشاهده کنند، کافی است نگاهی به عملیات روانی علیه رسانه‌های منتقد در دولت را نظاره کنیم تا بسیاری از مباحث برایمان مشخص شود، البته بررسی نحوه دعوت‌ها در مراسم دولتی نیز این موضوع را نمایان خواهد کرد که میزان تحمل و مدارا و گوش فرادادن به سخنان منتقدان چقدر با واقعیت انطباق دارد.

سردار اسماعیل کوثری با اشاره به اینکه هیچ خطری مرزهای ایران را تهدید نمی کند:

داعش ماندنی نیست

اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه ریشه اصلی داعش را باید در القاعده و طالبان جست‌وجو کرد گفت: عامل اصلی ایجاد چنین گروهکی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها هستند. وی در مورد انگیزه داعش از هجمه اخیر خود به شهرهای عراق اذعان کرد: شکست آنها در صحنه نظامی و سیاسی سوریه باعث شد آنها نیروهای خود را در عراق فعال کرده تا شکست در سوریه را در عراق جبران کنند. کوثری پیروزی انتخاباتی گروه‌های حامی مقاومت را عامل دیگر تشدید فعالیت داعش در عراق عنوان کرد و گفت: آنها با خیانت بعضی مسئولین عراقی به ظاهر به موفقیت‌هایی در عراق دست یافتند و البته جنایت‌های بسیاری نیز مرتکب شدند، لیکن داعش به هیچ عنوان ماندنی نیست. وی در توضیح این موضوع گفت: کردستان عراق به‌دنبال یکپارچگی است و شیعیان نیز با حکم آیت‌الله سیستانی در مقابل داعش به پا خواستند و در پی سازمان یافتن در برابر حملات این گروه هستند و می‌خواهند حرکتی قوی علیه داعش را شروع کنند. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس به همراهی بخش بزرگی از اهل سنت عراق در مسیر مقابله با داعش اشاره کرد و با تأکید بر از بین رفتن این گروهک تروریستی در بلندمدت افزود: ضربات سنگینی به آنان وارد شده و مردم عراق، دیگر تحمل حضور داعش را در خاک خود ندارند. وی با دعوت مسئولان عراقی به تأنی در موضوع مقابله با داعش بیان کرد: باید به مردم آموزش نظامی لازم داده شده و در کوتاه‌مدت به‌صورت سازمان‌یافته به این گروهک هجوم آورد تا آنان را از بین برده یا از خاک عراق بیرون ببرند. کوثری از بین رفتن کامل گروهک‌های تکفیری را در گرو یکسره شدن کار عربستان برشمرد و گفت: جمهوری اسلامی ایران تحولات عراق را به دقت رصد می‌کند و اجازه نخواهد داد کوچکترین تهدیدی به خطوط مرزی ما وارد شود.

دکترسیدعلیرضامرندی

بین موسوی نخست‌وزیر و موسوی سال ۸۸ تفاوت است

سیدعلیرضا مرندی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و وزیر بهداشت در کابینه‌های میرحسین موسوی و هاشمی رفسنجانی طی گفت‌وگویی با فارس، به بیان نظرات خود پیرامون موسوی نخست وزیر و موسوی سال ۸۸ پرداخت.

وی در بخشی از این گفتگو با بیان اینکه بین آقای موسوی دوران نخست‌وزیری و موسوی سال ۸۸ تفاوت وجود دارد، تصریح کرد: کار عجیب و غریب و نابخشودنی ای در ۸۸ صورت گرفت.

مرندی ادامه داد: فکر می‌کنم اگر وی (موسوی) در محکمه‌ای محاکمه شود محکومیت بسیار بالایی داشته باشد. من تصور می‌کردم حتی حکم اعدام درنظر گرفته شود اما نظام این لطف را کرده و آنها را دور از میکروفن‌ها قرار داده تا خودشان را خراب‌تر نکنند. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به مصاحبه میرحسین موسوی با مجله تایم اشاره کرده و با انتقاد از برخی مطالب مطرح شده در این مصاحبه، یادآور شد: روز بعد از انتخابات همسرم با من تماس گرفت که آیا مصاحبه مهندس موسوی در مجله تایم را دیده‌ای؟ گفتم نه که همسرم گفت بسیار چیز عجیبی است. وی ادامه داد: مهندس موسوی در مصاحبه گفته بود که تظاهرات عظیم خیابانی قدرت رهبری را کاهش داده و ما در آن مشارکت خواهیم کرد. این برای من تردید باقی نمی‌گذاشت زیرا این سخنان تعریض به قانون اساسی است.

مرندی همچنین به نگارش نامه خطاب به میرحسین موسوی در رابطه با مصاحبه با مجله تایم اشاره کرد و گفت: نامه‌ای در همان صحن علنی مجلس نوشتم، نامه‌ام را به آقای بادامچیان که صندلی‌اش در کنار من بود نشان دادم و نظرش را جویا شدم که آقای بادامچیان گفت چرا متواضعانه نوشتی؟ و تاکید کرد «تندتر بنویس». به آقای بادامچیان گفتم اینگونه نوشتم بلکه اثر کند.

جوابیه خواهرزاده خاتمی به یادداشت ۹ دی

شش سئوالی که در جوابیه تابش بی پاسخ ماند!

۹دی- چند هفته قبل سایت «انتخاب» که تمام قد از دولت حمایت می کند بعد از خبرسازی و انتشار دروغی با عنوان سفر ۵۰ روزه و با تصمیم شخصی رسایی به برزیل، به سراغ تابش نماینده اردکان رفت و در مصاحبه ای که ادبیات آن بر خلاف یک شهروند عادی اردکان یزد بود، ضمن ادعاهای کذب، به نماینده تهران حمله‌ور شد. در همان ایام نیز حمید رسایی، نماینده تهران با توجه به محتوای این مصاحبه، طی یادداشتی از تابش و سایت هایی که با ظاهری دلسوزانه، دلواپس هزینه بیت المال درباره سفر ادعایی وی شده بودند، چند سئوال پرسید:

۱ . آقای تابش در مصاحبه با این سایت بدنام با تمسخر می گوید که "حتما رسایی می خواهد به عنوان خبرنگار هفته نامه ۹دی به این سفر برود ولی اگر از طرف مجلس برود، حتما حق مأموریت هم خواهد گرفت." باید از آقای تابش پرسید آیا ایشان نیز سفرهای پنهانی مکرر خود با دولت مردان که بدون نظر کمیته سفرهای خارجی نمایندگان و تنها با نظر مساعد دولت صورت می گیرد را با همین انگیزه انجام می دهد؟

۲ . بد نیست آقای تابش درباره سفر حدود ۱۰ روزه خود که دو ماه قبل به همراه یکی از وزرای دولت یازدهم به آمریکا صورت گرفته، توضیح دهد؟ چرا هیچ اثری از این سفر در اداره تشریفات مجلس به ثبت نرسیده و برای مسئولان تشریفات مجلس علامت سئوال شده؟

۳ . در زمان برگشت از آمریکا ، توقف چند روزه آقای تابش و وزیر محترم، در آلمان آن هم فقط با نیت گشت و گذار، به منظور اضافه شدن حق مأموریت های دولتی بوده است؟

همانطور که در مصاحبه انتخاب با تابش آمده وی به عنوان نایب رئیس فراکسیون ورزش(!) از لابی این فراکسیون با وزارت ورزش و فدارسیون فوتبال سخن می گوید و خبر می دهد که قرار است چند تن از نمایندگان با بودجه وزارت ورزش و فدارسیون فوتبال به این سفر بروند. وی تأکید می کند که نام رسایی از جمله این نمایندگان نیست! در یادداشت رسایی از تابش پرسیده شد:

۴ . سفر نماینده تهران با نظر کمیسیون اصل ۹۰ و تصویب کمیته سفرهای خارجی نمایندگان بوده است اما تابش توضیح دهد که بر چه اساسی قصد داشت به این سفر (برزیل) برود؟

۵ . تعداد سفرهایی که در قالب همراهی با وزرا یا به اسم فراکسیون ورزش یا در قالب رئیس فدارسیون سوارکاری رفته اید چه تعداد بوده است؟

۶ . سئوال این است که آیا سفر رسمی یک نماینده که با تصویب و نظر مجلس صورت می گیرد، شایسته فحاشی های سیاسی این جماعت است یا سفری که آقای تابش در قالب لابی با وزارت ورزش و فدارسیون فوتبال به دنبال آن است و به آن اشاره می کند؟

۷. آیا کمیسیون های تخصصی مجلس که در آیین نامه داخلی برای آنها ساز و کار خاصی پیش بینی شده و باید پاسخگوی رفتارها و تصمیمات خود باشند، اصالت دارند یا فراکسیون هایی که غالبا در روزهای اول شروع به کار مجلس تشکیل می شوند و بعد از انتخاب هیأت رئیسه آن معمولا افول می کنند؟

۸ . راستی چرا هیچ یک از رسانه های دلواپس از آقای تابش و چند نماینده دیگر همراه وی نمی پرسند که با بودجه چه نهادی و بر اساس چه ضرورتی و با موافقت کدام نهاد تصمیم گیر درون هیأت رئیسه قرار است در بازی های جام جهانی حضور یابند؟

۹ . در یادداشت رسایی به نقل از یکی از مسئولان وزارت ورزش تصریح شد که برخی از اعضای فراکسیون ورزش برای حضور در جام جهانی به وزارت ورزش فشار می آورند وحتی تهدید کرده اند که اگر برای سفر اعزام نشوند، از طریق سئوال و حتی استیضاح وزیر ورزش و جوانان را در فشار خواهند گذاشت! سئوال این بود که چه عضوی از فراکسیون ورزش مسئولیت انتقال این پیغام به وزارت ورزش را بعهده داشته است؟

اینها مجموعه سئوالاتی بود که رسایی در بخشی از یادداشتش از تابش و رسانه های همسو با وی پرسیده بود و ۹ دی در دو شماره قبل آن را منتشر کرد. رسانه هایی که اخبار دروغ را جعل و منتشر می کردند حاضر به پاسخگویی نشدند اما آقای تابش به برخی از سئوالات پاسخ داد و برخی را هم مسکوت گذاشت. اکنون به درخواست آقای تابش متن کامل جوابیه وی منتشر می شود. قضاوت با خوانندگان محترم که آیا آقای تابش پاسخ سئوالات طرح شده را داده است یا نه؟

همانطور که در مصاحبه انتخاب با تابش آمده وی به عنوان نایب رئیس فراکسیون ورزش(!) از لابی این فراکسیون با وزارت ورزش و فدارسیون فوتبال سخن می گوید و خبر می دهد که قرار است چند تن از نمایندگان با بودجه وزارت ورزش و فدارسیون فوتبال به این سفر بروند.سفر نماینده تهران با نظر کمیسیون اصل ۹۰ و تصویب کمیته سفرهای خارجی نمایندگان بوده است اما تابش توضیح دهد که بر چه اساسی قصد داشت به این سفر (برزیل) برود؟

پاسخ تابش به رسایی درباره سفر به آمریکا

حجت‌الاسلام واالمسلمین جناب آقای رسایی، نماینده محترم مردم تهران در مجلس شورای اسلامی/ با سلام و احترام

در مطلبی تحت عنوان «سفری بزرگ نمایی شد تا سفرهای دیگری دیده نشود» که تحت شماره ۱۶۶۸، به تاریخ ۹۳/۳/۱۱ بر روی خروجی سایت شخصی تان منتشر شد و در برخی رسانه‌ها بازتاب یافته است، در واکنش به مصاحبه اینجانب با خبرگزاری «انتخاب» مواردی عاری از واقعیت را منتشر کرده‌اید که ضمن حفظ حق پیگیری حقوقی آن، تکذیبیه ذیل را جهت تنویر افکار عمومی و انتشار در آن سایت ارسال می‌نمایم. خواهشمند است طبق قانون اقدام فرمائید.

در گفتگو با سایت‌تان مدعی شده‌اید که «بنده به سفرهای پنهانی مکرر با دولت مردان می‌روم که بدون نظر کیمته سفرهای خارجی نمایندگان بوده و تنها با نظر مساعد دولت صورت می‌گیرد.»

همچنین مدعی شده‌اید که «در سفر حدود ۱۰ روزه به همراه یکی از وزرای دولت یازدهم به آمریکا رفته‌ام و از این سفر هیچ اثری در اداره تشریفات مجلس به ثبت نرسیده و برای مسئولان تشریفات مجلس علامت سوال شده» و در ادامه باز مدعی شده‌اید که «در بازگشت از آمریکا چند روزی هم در آلمان با نیت گشت و گذار و افزایش حق ماموریت توقف داشته‌ام.»

در پاسخ به ادعاهای کذب و شبهه افکنی‌های شما معروض می‌دارم:

۱- اینجانب از ابتدای دوره نهم مجلس شورای اسلامی و در طول ۲ سال گذشته تنها دو سفر به خارج از کشور داشته‌ام.

سفر اول با نظر ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و تصویب کمیته سفرها جهت حضور در شانزدهمین اجلاس نمایندگان مجلس حوزه آسیا- اقیانوسیه پیرامون محیط زیست و توسعه در کشور نپال بود که علیرغم عدم وجود سفارت و یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور، بدون کارشناس همراه و به تنهایی عزیمت نموده و موفق به گنجاندن موارد مورد نظر کشورمان در قطعنامه پایانی و کسب میزبانی اجلاس هفدهم در جمهوری اسلامی شدم که به لطف خدای سبحان اول تا سوم شهریور ماه سالجاری این اجلاس بین المللی در تهران برگزار می‌شود.

سفر دوم شرکت در اجلاس بهاره بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در کشور آمریکا بود که طبق روال همه ساله هیاتی متشکل از وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل محترم بانک مرکزی و ۲ نماینده ناظر از کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در آن شرکت دارند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی در تاریخ ۹۲/۱۲/۵ در نامه‌ای رسمی خطاب به رئیس محترم کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی درخواست معرفی یک نفر از اعضا را ارائه نمود.

کمیسیون برنامه و بودجه بر اساس لیست ونوبت سفر اعضای کمیسیون و با هماهنگی هیات رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی اینجانب را به نمایندگی از مجلس شورای اسلامی مامور و جهت سفر معرفی نمود. بر همین اساس رئیس محترم کمیسیون در نامه‌ای خطاب به وزارت امور اقتصادی و دارایی اینجانب را معرفی نمودند. اداره کل تشریفات مجلس شورای اسلامی که شما در مصاحبه‌تان مدعی شده‌اید هیچ اثری از سفر مذکور را ثبت نکرده است و برای این سفر علامت سوال دارد، در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۶ طی نامه‌ای به هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی زمان ماموریت ناظران طراحی شده بود، به محو شایان توجهی دست یابد. این هیات به حدی درگیر کار بود که مطابق روال مرسوم هیات‌ها، حتی فرصت بازدید از کنگره و بناهای تاریخی آمریکا را نیافت.

علاوه بر حضور در جلسات رسمی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول جلسه در خصوص اثرات هدفمندی یارانه‌ها، مسکن مهر، وضعیت محیط زیست ایران و اثرات گاز فلر در تخریب آلودگی هوا، ایمنی جاده‌های ایران و ضرورت اجرای طرح‌های منطقه‌ای از نشست‌های حاشیه‌ای هیات مذکور بود که گزارش آن به صورت مبسوط طی نامه شماره ۳۳۱۳۴۹ مورخ ۹۳/۲/۱۷ تقدیم هیات رئیسه مجلس شده است.

۳- همانگونه که اطلاع دارید بین ایران و آمریکا پرواز مستقیم وجود ندارد و ضرورتا می‌بایست در کشور ثالثی توقف شود و پرواز از آنجا به مقصد انجام گردد که تعیین مسیر با وزارت اقتصاد بوده است. توقف هیات ایران در مسیر رفت و برگشت به مدت چند ساعت در شهر فرانکفورت آلمان بود، نه چند روز و به قصد دریافت ماموریت و گشت و گذار.

۴-اینجانب به رغم دو دوره تصدی مسئولیت فراکسیون محیط زیست و توسعه پایدار و نایب رئیس فراکسیون ورزش مجلس شورای اسلامی، تا کنون هیچ سفر خارج از کشور مرتبط با این مسئولیت‌ها نداشته‌ام. در شرایطی که دستاوردهای این دو فراکسیون در ایجاد تعامل بین دولت و مجلس و اصلاح و تدوین قوانین موثر و افزایش بودجه این دو حوزه بسیار قابل توجه است و همین جا از همراهی نمایندگان عضو هر دو فراکسیون صمیمانه سپاسگذاری می‌نمایم.

۵- اشاره به سفرهای متعدد من در فدراسیون سوارکاری داشته‌اید، این هم مسئله خلافی است. در بین روسای فدراسیون‌ها، طی مدت ۸ سال مسئولیتم کمترین سفر را داشته‌ام و هیچ مبلغی به عنوان حق ماموریت در سفرها و یا ریالی به عنوان حقوق و مزایا و پاداش دریافت نکرده‌ام.

۶- در مصاحبه تان اشاره‌ای به انتصاب اینجانب به جناب آقای سید محمد خاتمی رئیس جمهور محبوب دوران اصلاحات داشته‌اید تا به زغم خود اخبار کذب و شبهه افکنی‌هایتان را به ایشان نیز مرتبط کنید. این کار را به دور از شئونات اخلاقی و انسانی می‌دانم، بر این باورم اگر این رویه تاثیر داشت، بسیاری بیش و پیش از شما به این روال اقدام نموده‌اند و نتیجه‌ای عایدشان نشده است بلکه بر عزت و اعتبار ایشان نزد مردم افزوده است.

از خدای منان می‌خواهم عاقبت همه ما را که گمان می‌کنیم قلم و بیان بدون بازخواست داریم، ختم به خیر گرداند و ما را از اخلاق اسلامی بهره‌مند و عقلانیت و ادب و جوانمردی و انصاف را سرلوحه اقداماتمان قرار دهد. انشاءا...

با خوانندگان

- واکنشهادرفضای مجازی به عکسهای روحانی درحال تماشای بازی ایران نیجریه: توت‌فرنگی۱۲۰۰۰تومانی/زردآلوی ۱۵۰۰۰تومانی/ آجیل۵۰۰۰۰تومانی دربشقاب روحانی/ چیزهائیکه خیلی ازمردم فقط میتوانندتماشا کنند نه مصرف/۹۱۹۱۳۵۹
- افراطی ها! سیب زمینی خورها!ساندیس خورها! رأی های بی کیفیت! شهروندان درجه دوم! دلواپس ها! بی سوادها! از جای خاص تغذیه شونده ها! اگر "داعش" حمله کرد مثل همیشه ی تاریخ، فقط چشم امیدمان به شماست .../ ۹۱۲۵۶۷۹
- اگر از دیدآقای روحانی نبایدگذشته رابیادبیاوریم وهمواره به پشت نگاه نکنیم چرامدام خودشان وهمهء اطرافیانشان "فقط " ازهشت سال پیش حرف میزنند آنهم"دروغ"وسیاه نمایی میکنند مگرمردم کوربودند وآنهمه خدمات وعزت دربرابردشمنان راندیدند!!سلولهای بنیادین ،راه اندازی انرژی هسته ای/۹۱۲۴۸۵۶
- سلام،بنده انیمیشن ماداگاسکار۲رااز تلویزیون باپسرم مشاهده کرده بودم،وچون صحنه خاصی نداشت به اصرارپسرم برایش خریدم!اما در سی دی که از جای معتبرهم خریدم صحنه های جنسی زیادی مشاهده کردم!خیلی ناراحت شدم،که چرا هیچ نظارتی روی این سی دی ها وجود ندارد!این موارد به بلوغ زودرس فرزندان ما کمک شایانی!!!میکند!ودر واقع نوعی خیانت محسوب میشود!!/ ۹۱۲۵۶۷۹
- سیدمحمدخاتمی:داعش دمکراسی درعراق راموردهدف قرارداده است..همینطورکه شمادمکراسی رادرسال۸۸درایران موردهدف قراردادید،این به آن در.!دیگ به دیگ میگه روت سیاه.!!!/۹۱۸۲۱۶۲
- درپی تهدید داعش برای حمله به مرزهای ایران درخواست میشود کسانیکه شعار "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" میدادندآماده بشن خودشونو به مرزهای غربی ایران برسونن که وقت فدا شدنه/ هرچند اون افراد پست تر و بی شرف تر و بی غیرت تراز اربابانشون هستند/ کسانیکه مردم رابا دروغ وفریب قبل ازشروع انتخابات ۸۸به خیابانهاو شورش دعوت کردند مطمئن باشیدآن خاندان فاسدبه سزای اعمالشان خواهند رسید/مرگ برسران اصلی فتنه/۹۱۹۱۳۵۹
- کجایندآنها که میگفتن نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران! داعش اگه ایران بیاد کدومشون حاضرن بجنگن؟/۰۹۱۹۵۸۹۷
- ۲۵ خرداد سالگرد شهادت مظلومانه حسین غلام کبیری است...برای شادی روح شهدای مظلوم انقلاب اسلامی که مردانه پای ولایت در فتنه ۸۸ ایستادند صلوات/۰۹۱۲۱۲۴۷
- باسلام .دیروز ریس جمهوری محترم گفت سرعت تورم از صد به بیست رساندم وترمز ان را کشیدم من ۳۵ساله در شغل کارگرساختمانی راست گفته به دلایل زیر،۱-۸۶روزازاول سال می گذرد بنده باخانواده ۵نفر ۳۱روز سرکار رفتم،۲-کل دریافتی بنده ازاول سال ۵۲۵هزارتومان بوده.۳- سال گذشته بیمه ساختمانی درهر ماه۳۵۲۳۵۴ریال واریز می کردم وامسال ۵۲۸۵۳۴ریال.۴-اکثریت همکارها بیکارند یا کار می کنند پول را وعده سرخرمن می دهند. ۵- بماند/۹۱۵۰۹۱۳
- فتوای جامع آیت الله العظمی سیستانی تداوم راه امام خمینی و ناسخ سکولاریزم و سفسطه جدایی دین از سیاست است./۹۱۰۸۴۴۷
- آقای روحانی! آقای احمدی نژاد منحرف بود و از امام زمان حرف می زد ولی شما چرا انتخاب خودت را تکریم امام زمان از سوی مردم میخوانی؟!/۹۳۵۴۰۱۳
- ازاینکه وزیر بهداشت دولت حسن روحانی,آب مروارید چشم هنرمند معروف سینما,جمشید مشایخی را هنرمندانه عمل نمود و اخبار صدا وسیمای سراسری هم هنرمندانه آنرا پخش نمود تا از این رانت تبلیغاتی, توشه ای برای اینده انتخابات اصلاح طلبان اندوخته کنند,هنرمندانه متاسفم./۰۹۱۳۹۰۰۵
- اگه الان دولت احمدی نژاد بود.هم همین تیتر رومیزدین... چراهی سعی دارین سیاه نمایی کنین؟؟ الان هرچی باشه ازقبل خیلی بهتره حداقل میدونیم آرامش داریم مثه دولت قبل هی هرروز ی جنجال وحاشیه ای نیس ازخدابترسین/۰۹۱۹۶۵۹۹

فرامین رهبری

وظیفه‌دستگاه‌ها برای افزایش جمعیت

با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاســت‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری اســت با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دســتگاه‌های ذی‌ربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقّت، سرعت و قوّت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود..

ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت
۱۳۹۳/۲/۳۰

اخبار

روزنی در تحریم روسیه آمریکا

علی بختیاری زاده

دولت آمریکا مدعی است ایران در توافق ژنو متعهد شده است صادرات نفت خود در طول اجرای توافق ژنو را تغییر ندهد و در سطح متوسط سال ۲۰۱۳ یعنی یک میلیون بشکه در روز حفظ کند. این در حالی است که بر اساس آمار منابع غربی ایران در سه ماه نخست اجرای توافق ژنو به طور متوسط روزانه ۳۳.۱ میلیون بشکه نفت صادر کرده است. با توجه به افزایش واردات نفت کشورها از ایران در ماه‌های بعد آن چه مسلم است هدف غرب برای حفظ صادرات نفت ایران در سطح یک میلیون بشکه در روز قابل تحقق نیست. دولت آمریکا که تحت فشار کنگره قرار گرفته است برای دفاع از خود، این بار به جانبداری از افزایش صادرات نفت ایران پرداخته و تأکید کرده است آن چه افزایش صادرات نفت ایران عنوان می‌شود در واقع مربوط به افزایش صادرات میعانات گازی ایران است و میعانات گازی جزو تحریم‌ها قرار ندارد. بر این اساس مشتریان خارجی می‌توانند بدون نگرانی از تحریم‌های آمریکا اقدام به واردات میعانات گازی از ایران کنند. تحلیلگران، معتقدند ایران با استفاده از شکافی که در قوانین آمریکا وجود دارد تأثیر تحریم نفتی بر خود را کاهش داده و در واقع با افزایش بیش از پیش صادرات میعانات گازی افت درآمدهای نفتی خود را جبران کرده است. از نظر دولت آمریکا که کارشناسان حقوقی آن را تأیید می کنند میعانات گازی به عنوان نفت خام محسوب نمی‌شود و مشمول قانون تحریم نفتی ایران نیست. در این قانون به طور کلی از تحریم نفت خام ایران سخن گفته و اشاره مستقیمی به میعانات گازی نشده است. بر این اساس چنانچه مذاکرات هسته‌ای به نتیجه نرسد و سیاست تحریم آمریکا علیه ایران از سر گرفته شود به نظر می‌رسد تحریم میعانات گازی ایران نخستین گامی است که کنگره با هدف فشار به ایران برخواهد داشت. میعانات گازی نوعی نفت سبک است که از میادین گازی استحصال می‌شود و نه برای تولید انرژی بلکه در صنعت پلاستیک مورد استفاده قرار می گیرد. صادرات میعانات گازی ایران رقم قابل توجهی است و در حال حاضر این کشور روزانه بیش از ۴۰۰ هزار بشکه میعانات گازی صادر می کند. این رقم تقریباً معادل یک سوم کل صادرات نفت ایران است.

◆ اروپا

با وجود توافق هسته‌ای ژنو مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا نه تنها افزایش نداشته بلکه روندی نزولی را طی کرده است. در پی امضای این توافق و اجرایی شدن آن از ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴ بسیاری، انتظار داشتند گشایش مهمی در روابط تجاری دو طرف ایجاد شود و به ویژه روند صدور کالاهای اروپایی به ایران که در پی تحریم‌ها به شدت کند شده بود و موجب ورود سیل کالاهای چینی به ایران شده بود جان دوباره بگیرد؛ اما داده‌های پایگاه خبری کمیسیون اروپا (یوروواستات) نشان می‌دهد مبادلات تجاری ایران و ۲۸ عضو اتحادیه اروپا در ۴ ماه نخست سال جاری میلادی با افت ۵.۱ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن مواجه شده است. مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا در چهار ماه نخست سال ۲۰۱۴ به ۲.۲ میلیارد یورو کاهش یافته است. جالب این که صادرات اروپا به ایران در این دوره کاهش یافته اما واردات از ایران با افزایش روبرو شده است. صادرات اتحادیه اروپا به ایران در ژانویه تا آوریل امسال با کاهش ۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده و به ۸۷.۱ میلیارد یورو رسیده‌است.

آیاتی برای زندگی اقتصادی

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ * وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

آنها که لقای پروردگار را انکار کردند مسلما زیان دیدند، (و این انکار ادامه می یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت فرا می‌رسد می گویند: ای افسوس که درباره آن کوتاهی کردیم، و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می کشند، چه بد باری بر دوش خواهند داشت. * و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست، و سرای آخرت برای آنها که پرهیزگارند بهتر است آیا نمی اندیشید..

آیات ۳۱ تا ۳۲ سوره انعام

پیشنهادی برای محک اظهارات دولتی‌ها درباره دریافت تمامی اقساط پول‌های توافق ژنو

پول‌های آزادشده را به وام ازدواج اختصاص دهید

گروه اقتصادی– به‌رغم تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب بر لزوم برنامه‌ریزی برای افزایش جمعیت، دولت یازدهم نه تنها در این باره برنامه خاصی ارائه نکرده، بلکه وام ازدواج که تنها مشوق موجود در این مسیر به حساب می‌آید، ماه‌ها است به بایگانی رفته است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بند دوم سیاست‌های کلی جمعیت، بر رفع موانع ازدواج، تســهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش ســن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد تأکید کرده‌اند.

بدون شــک یکی از ابزارهای تســهیل تشکیل خانواده در کشورمان و توانمندســازی زوج‌های جوان در تأمین هزینه‌های زندگی، وام ازدواج است که هرچند رقم آن به علت گرانی‌ها نمی‌تواند بار زیادی از دوش زوج‌های جوان بردارد، اما به هر حال اندک کمکی اســت که می‌تواند در تهیه جهیزیه به کمک زوج‌ها بیاید.

با این حال، متأسفانه از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم، روند تخصیص وام ازدواج به شــدت کند شده است و بیم آن می‌رود که با تداوم این رویه، تنها ابزار تسهیل ازدواج نیز کلاً فراموش شود و عملاً به علت بی‌تدبیری‌های اجرایی، روالی خلاف سیاست‌های کلی جمعیت، اتخاذ شود.

دولت و بانک مرکزی، مشــکل را کمبود منابع بانک‌ها عنوان می‌کنند. این در حالی اســت که این مشــکل، به راحتی قابل حل اســت زیرا با اعتماد به سایر اظهارات و وعده‌های دولتی‌ها، وضع درآمــدی دولت یازدهم بر اثر گشایش‌های ایجادشده پس از توافق ژنو به حدی خوب هست که بتواند کسری منابع بانک‌ها برای پرداخت وام ازدواج را تأمین کند.

◆ پول‌های ژنو

مســئولان دولت یازدهم مدعی‌اند که ۱+۵ به تعهدات خود در توافق ژنو پایبند بوده و تمامی اقســاط پول‌های بلوکه‌شده ایران را آزاد کرده‌اند، بدین ترتیب، انتظار بیش از یک میلیون زوج جوان کشور این است که از این پول برای پرداخت وام ازدواج به آنان استفاده شود.

طبق گفته مسئولان ارشد دولت یازدهم، به سبب توفیق زنگنه در افزایش چشمگیر صادرات نفت و توفیق ظریف در مذاکرات با ۱+۵ برای بازگرداندن پول‌های بلوکه‌شده کشــور در بانک‌های خارجی، وضعیت درآمدهای ارزی دولت در سال جاری به شدت بهبود یافته است.



بــه عنوان مثال، هفته گذشــته حسن روحانی در نشست خبری خود، درباره تعهدات ۱+۵ گفت: «۱+۵ در ژنو، قول‌هایی را که به ما داده به آن‌ها عمل کرده است، یعنی این شایعات که بنا بود به ما پول بدهند و ندادند دروغ اســت. همه پول‌هایی کــه قرار بوده به حساب واریز شــود، واریز شده و دریافت کردیم.»

> **اینک دولت یازدهم به زمین سفت رسیده است، چرا که اگر واقعاً ادعای دولتی‌ها درباره دریافت پول‌های آزاد شده، درست است، پس بهتر است آن را صرف کمک به زوج‌های جوان در قالب پرداخت وام ازدواج کند**

گفتنی اســت طبق توافق ژنو، آمریکایی‌ها موافقت کردند طی ۸ قســط، مجموعاً ۴/۲ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه‌شده ایران را آزاد کنند. طبق اطلاعیه‌های بانک مرکزی، تاکنون ۵ قسط از این پول‌ها به مجموع ۲/۵ میلیارد دلار به دست ایران رسیده است که حدوداً معادل ۷۵۰۰ میلیارد تومان می‌شود.

از سوی دیگر، به گفته مقامات بانک مرکزی، بیش از یک میلیون زوج جوان در صف دریافت وام ازدواج هستند، اما بانک‌ها به علت کمبود منابع، قادر به پرداخت وام ازدواج نیستند. مسئولان بانک مرکزی، فوری‌ترین راه برای تأمین اعتبار برای پرداخت وام ازدواج را اســتفاده از بودجه دولت عنوان کرده‌اند.

علی‌اصغــر میرمحمدصادقــی، مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی اعلام کرده است که یک میلیون و ۱۴۳ هزار و ۶۰ نفر نیز در صف دریافت تســهیلات می‌باشند. از آنجا که سقف وام ازدواج ۵ میلیون تومان است، وام ازدواج این یک میلیون نفر جمعاً ۵ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهد.

وی پیشنهاد بانک مرکزی برای حل مشــکل وام ازدواج را کمک بودجه‌ای دولت عنوان کرده بدین ترتیب که دولت وجوه اداره شده‌ای را تخصیص دهد و معادل آن، بانک‌ها منابع بگذارند و این منابع صرفاً بابت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج تخصیص یابد. دیگر پیشــنهاد بانک مرکزی نیز این اســت که دولت لایحه‌ای به مجلس ارائه نماید که بخشی از منابع صندوق توسعه ملی به صورت ریالی بابت وام قرض‌الحسنه ازدواج به بانک‌ها تخصیص داده شود.

در هر صورت از آنجا که مسئولان دولتی مدعی هستند که طرف غربی به تعهــدات خود عمل کرده و پول‌های بلوکه‌شده ایران را آزاد کرده است که طبق اطلاعیه‌های بانک مرکزی جمعاً حدود ۷۵۰۰ میلیارد تومان بوده است؛ بنابراین در صورت صحت این ادعا، انتظار زوج‌های جوان از دولت این است که این پول‌ها را به ریال تبدیل کرده و صرف وام ازدواج کند.

شــاید دولتی‌ها به این تقاضا این‌گونه پاسخ دهند که تبدیل ۲/۵ میلیارد دلار فوق به ریال، ســبب افزایش پایه پولی و رشــد تورم خواهد شد. ضمناً روحانی بارها بر پرهیز دولت از اســتقرار از منابع بانک مرکزی تأکید کرده و آن را میوه ممنوعه دولت یازدهم خوانده است؛ اما این اســتدلال با توجه به گزارش دیوان محاسبات درباره برداشــت ۲/۶ میلیارد دلاری دولت از صندوق توســعه ملی در اواخر سال گذشــته و مصرف آن در هزینه‌هــای جاری دولت، رنگ باخته اســت. مطمئناً پرداخت وام ازدواج به زوج‌های جوان، اهمیت کمتری از هزینه‌های جاری دولت ندارد.

به گفته علی‌محمد احمدی عضو کمیســیون برنامه، بودجــه و محاســبات مجلس، بر اســاس نظر دیوان محاسبات برداشــت دولت از صندوق توسعه ملی ۲/۶ میلیــارد دلار معادل ۶ هزار و ۵۰۰ میلیون تومان بوده و صرف پرداخت حقوق و دســتمزد و عیدانه و برخی طرح‌های تملک دارایی شــده است. وی افزود: دولت می‌گوید این برداشــت با اخذ مجوز از ستاد تدابیر ویژه بوده و تخلفی صورت نگرفته اســت و این اختلاف‌نظر هنوز برطرف نشــده و قرار اســت این موضوع بیشتر بررسی شود.

اینک دولت یازدهم به زمین ســفت رسیده است، چرا که اگر واقعاً ادعای دولتی‌ها درباره دریافت پول‌های آزادشده، درســت اســت، پس بهتر اســت آن را صرف کمک به زوج‌های جوان کند. اگر هــم واقعاً دولت یازدهم مدعی است استقراض از منابع بانک مرکزی، ممنوع است، پس چرا بدون مجوز مجلس و به طور پنهانی از منابع صندوق توسعه ملی که همان ماهیت منابع بانک مرکزی را دارد، برداشت کرده است؟

۱۰۰ روز شد ۳۰۰ روز؛ وعده‌های اقتصادی عملی نشد

معیار عمر دولت یازدهم	تاریخ شروع	پایان ۱۰۰ روز	پایان ۳۰۰ روز
زمان تحلیف و ورود به نهاد ریاست جمهوری	۱۳ مرداد ۱۳۹۲	۲۱ آبان ۱۳۹۲	۳ خرداد ۱۳۹۳
رأی اعتماد کابینه	۲۴ مرداد ۱۳۹۲	۲ آذر ۱۳۹۲	۱۴ خرداد ۱۳۹۳
اولین جلسه هیئت دولت	۲۷ مرداد ۱۳۹۲	۵ آذر ۱۳۹۲	۱۷ خرداد ۱۳۹۳



بیش از یک ســال از وعده‌های حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری مبنی بر این‌که او برنامه ۱۰۰ روزه برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم دارد، می‌گذرد؛ آن ۱۰۰ روز به ۳۰۰ روز رسیده است امــا خبری از برنامه دولت یازدهم برای حل مشــکلات اقتصادی و معیشتی مردم نشده است و بیکاری و گرانی و فساد اقتصادی همچنان مردم را می‌آزارد.

۷ خرداد ۱۳۹۲ حسن روحانی در برنامه تبلیغاتی شبکه اول تلویزیــون خطاب به مردم گفــت: «راه‌حل‌های کوتاه‌مدت یک ماه و ۱۰۰ روزه برای حل مشــکلات و معضــلات اقتصادی، اجتماعی و سیاســت داخلی و خارجی در دولت تدبیر و امید پیش‌بینی‌شــده است که با این برنامه ما می‌توانیم در یک فرصت کوتاه شــاهد تحول اقتصادی باشیم.»

در آن روزهــا اما همه این ســؤال را مطرح می‌کردند که روحانــی در صورت پیروزی در انتخابات، چگونه می‌تواند ۱۰۰ روزه مشــکلات اقتصادی کشــور را حل کند؟ اما بعد از پیروزی روحانــی در انتخابات وعده ۱۰۰ روزه حل مشکلات کشور به گزارش ۱۰۰ روزه تبدیل شد و دیگر خبری از پایبندی به قول و قرارهای انتخاباتی نشد.

هرچند بر اســاس آنچه روحانی به مردم وعده داده بود، او یک برنامه کوتاه‌مدت یک‌ماهه و ۱۰۰ روزه برای حل مشکلات اقتصادی کشور داشت اما رئیس دولت یازدهم در نخستین نشســت خبری‌اش به عنوان رئیس‌جمهور منتخب که در ۱۵ مرداد ۹۲ برگزار شــد، در برابر رسانه‌ها تفســیر جدیدی از حل مشــکلات ۱۰۰ روزه ارائه داد و به جای «برنامــه ۱۰۰ روزه» از «گــزارش ۱۰۰ روزه» ســخن گفت و اعلام کرد «همکاران بنــده در ۱۰۰ روز نخست درباره وضعیت اقتصادی کشور به مردم گزارش خواهند داد.» این اظهارنظــر روحانی با اعتراض مردم و رســانه‌ها روبرو شد که چرا به همین زودی، وعده خود را فراموش کرده اســت. به همین دلیل بود که ۲ شهریور ۱۳۹۲ روحانی در اولین روز هفتــه دولت دوباره از وعده ۱۰۰ روزه گفت: «با توجه به مشــکلات، در اولین جلسه هیئت دولت در هفته دولت کارگروهی را تعیین می‌کنیم تــا ظرف ۱۵ روز تمام موانعی که امروز بر ســر راه رونق اقتصادی، اشــتغال، راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک و بزرگ وجــود دارد و همین‌طور راهکارهای تحرک اقتصادی در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات و همچنین توجه به بخش خصوصی و فعال شدن آن‌ها را بررسی و لیست کنند تا بتوانیم این مشکلات را هر چه زودتر حل کنیم. طبق وعده‌های قبلی، حتماً طی ۱۰۰ روز اول یا کوتاه‌تر، اقدامات ضروری و فوری در این زمینه انجام می‌دهیم و نتیجه کار را بــه مردم می‌گوییم.» با این حال بعد از این وعده، ۱۰۰ روز گذشت و تنها چیزی که نصیب مردم شد، گزارشی از اتفاقاتی بود که در دولت دهم گذشت و دولت یازدهمی‌ها تنها به بیان بدهی‌های میلیاردی دولت سابق به بانک‌ها، خالــی بودن خزانه، آماری از افزایش بیکاری، وضعیت بد فرهنگ و هنر و... از دیدگاه خود بسنده کردند و تنها دولت محمود احمدی‌نژاد را نقد کردند اما از تدبیر دولت یازدهم برای حل مشکلات خبری نبود. به این ترتیب، وعده ۱۰۰ روزه حل مشکلات هرگز محقق نشد تا اولین وعده مهم دولت حسن روحانی، اگرچه برای قضاوت نهایی در تاریخ ثبت شد، اما فعلاً به ورطه فراموشی سپرده شود. اینک یک حساب تقویمی نشــان می‌دهد از وعده ۱۰۰ روز روحانی برای حل مشکلات اقتصادی زمان زیادی گذشته است.

به عبارتی، عمر دولت روحانی از ۳۰۰ روز هم فراتر رفته است، اما خبری از راهکارهایی که ادعا می‌شد مشکلات اقتصادی کشــور را فوراً حل می کند، نشــده است. هنوز هم مردم با گرانی و بیکاری و تبعیض و فســاد اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و بهبودی در سفره مردم ایجاد نشده است؛ خصوصاً آن که با اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها، قیمت‌ها بالا رفته اما یارانه‌ها زیاد نشده است. در بخش‌های اشتغال و مسکن هم اتفاق مثبتی نیفتاده و فقط طرح مسکن مهر، متوقف شــده است تا قیمت‌ها دوباره صعودی شوند. اینک دولت روحانی در حال نزدیک شدن به سال اول کاری خود است؛ آیا قرار است ۳ سال دیگر هم همین‌طور بدون برنامه اقتصادی پیش رود؟

از آمار دولتی ها تا جیب مردم

خودرو گران شد، چون تورم ۲۷ درصد کم شده است

ایلنا خبرگزاری کار ایران
سرخط خبرها
بهروز
حسن روحانی:/7/
معیار تورم، جیب مردم است نه بانک مرکزی و مرکز آمار

در حالی که رئیس دولت یازدهم می‌گوید نرخ تورم از زمان شــروع بــه کار وی، ۲۷ درصد کاهش یافته اســت، اما تصمیم‌گیری نهادهای دولتی برای افزایــش قیمت کالاهایی چون خودرو، همچنان ادامه دارد. هفته گذشته شورای رقابت قیمت‌های جدید خودروهــای تولید داخل را اعلام کــرد که از افزایش قیمــت تمامی انــواع خودرو حکایت داشــت. هرچند خودروسازان رقم افزایش خودرو را هنوز نپذیرفته‌اند و خواستار افزایش بیشتر قیمت‌ها هستند، اما یک سؤال که از دولت یازدهم مطرح می‌شــود این است که اگر واقعاً روند رشــد تورم به این شدت کاهش یافته، پس رأی دادن به افزایش قیمت خودرو بر چه معیار است؟

حسن روحانی هفته گذشته اظهار داشت: دولت یازدهم عنان اســب سرکش تورم را کشیده و این اسب اکنون آرام آرام راه مــی‌رود به طوری که تورم نقطه به نقطه از ۴۳ درصــد، به ۱۶ درصد رســیده، یعنی ۲۷ درصد کاهش پیدا کرده که در تاریخ کشــور ما سابقه نداشته باشــد که ظرف ۱۰ ماه تورم ۲۷ درصد کاهش یافته باشد. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که این کاهــش ۲۷ درصدی تورم، میانگینِ تغییر قیمت بیش از ۳۵۰ قیمت کالا اســت و طبیعتاً باید اکثر کالاها با کاهش قیمت مواجه شــده باشند. در این صورت، پس چرا شورای رقابت بر افزایش قیمت خودرو رأی داده و دولت بر خلاف اظهارات رسانه‌ای، با آن مخالفت ندارد؟

از این گذشــته، حســن روحانی ســال گذشته پس از پیــروزی در انتخابات وعــده داد که ملاک تورم برای وی، جیب مردم اســت، نه آمار بانک مرکزی و مرکز آمار؛ اما اینک او با استناد به آمار بانک مرکزی و مرکز آمار از کاهش ۲۷ درصدی تورم ســخن می‌گوید، در حالی که جیب مردم از این کاهش قیمت بی‌خبر است.

عــدم باورپذیــری کاهش تــورم، فقــط به بــازار خودرو مربــوط نمی‌شــود بلکــه در ســایر بازارهــا نیــز حــرف دولــت، خریــداری نــدارد. مســئولان دولتــی وقتــی می‌خواهنــد خبــر از افزایش قیمت‌ها بدهند از «شــیب ملایــم» ســخن می‌گوینــد البته کمتر مســئولی اســت کــه دربــاره افزایــش قیمت‌هــا و گرانی‌هــا اظهارنظــر کنــد امــا عملکــرد ۱۰ ماهــه دولــت نشــان می‌دهــد مســئولان بــرای جلوگیــری از شــوک‌های قیمتــی در بــازار، از روش‌هــای متعــدد ماننــد تثبیت دســتوری قیمت‌هــا، تأخیــر در موافقت بــا افزایــش قیمت برخی کالاهــا تــا آخریــن زمــان ممکــن، گفت‌وگوهــای تبلیغاتــی دربــاره اینکــه دولــت مخالــف گــران شــدن کالا و خدمــات اســت و... اســتفاده می‌کننــد.

شــیب ملایمی که دولتمردان از آن ســخن می‌گویند همان افزایــش بی‌ســروصدا و آرام قیمت‌هاســت. همچنین بارها شاهد بودیم مسئولان در گفت‌وگوهای خود مخالفتشان با گرانی‌ها را اعلام کرده‌اند اما همان کالا به راحتی گران شده است؛ مثلاً سخنگوی دولت بارها و بارها از عدم موافقت دولت با گران شدن خودرو ســخن می‌گوید اما خودروســازان تحت نظر وزارت صنعــت قیمت‌ها را گران می‌کننــد و در طرف مقابل شورای رقابت هم نرخ پایه خودروها را افزایش می‌دهد و خودروسازان و شورای رقابت هم با هم دعوا می‌کنند! یــا وزیر ارتباطات در مصاحبه‌هــای متعدد خود درباره گران بودن تعرفه‌ها سخن می‌گوید اما تعرفه موبایل به راحتی گران می‌شود و مشترکان را غافلگیر می‌کند. به عبارت بهتر، دولت مخالف گرانی‌ها و افزایش قیمت‌ها است اما کالاها و خدمات گران هم می‌شود!

فرامین امام(ره)

قابلیت جمعیت ۱۵۰ میلیونی ایران

مملکت وســیعی که برای ۱۵۰ میلیــون جمعیت کافی است ـ به حســب آن‌طوری که گفته می‌شود ـ الآن ۳۵ میلیون در آن زندگــی می کند و مملکت بیشــتر از این گنجایش دارد. زمین‌های وسیع دارید. آب دارید. برکات آســمانی دارید. قدرت دارید. قوه دارید. جوان هســتید. جوان دارید. عیب است از یک مملکت اسلامی که محتاج باشد در ارزاقش، آن‌هم به دشمن‌های خودش. امریکا که دشمن ماست، ما اگر محتاج به او باشــیم برای ما سرشکستگی است. کاری بکنید که خودکفا بشوید و خودتان از این زمین خدا و از این آب خدا ارزاق خودتان را بیرون بیاورید؛ و امید است ان شاءالله که صادرات داشته باشید شما..

۱۳۵۸/۱۰/۱۷

رصد

داستان‌سرایی رسانه حامی دولت

روزنامه دنیای اقتصــاد نزدیک به طیــف کارگزاران در روزهای اخیر با اختصــاص مطالب متعدد به دفاع از عملکرد اقتصادی دولت یازدهم پرداخته است. در برخی از این مطالب، به طرز بچه‌گانه‌ای از عملکرد دولت در حوزه‌های اقتصادی دفاع شده است. این در حالی است که این روزنامه در دولت سابق، از کاه، کوه می‌ساخت.

◆◆◆

بیرون زدن دم خروس بانکداری ربوی

بانک مرکزی خواستار دریافت مابه‌التفاوت نرخ سود برای وام‌های قرض‌الحسنه ازدواج شده است.

در حالی که رئیس بانک مرکــزی در دیدار با مراجع تقلید بر غیر ربــوی بودن بانکــداری در ایران تأکید کرده بود، صحبت‌های اخیر وی این ادعا را زیر سؤال برد. ولی‌الله سیف که در بیســت‌وچهار مین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی با خبرنگاران گفتگو می‌کرد، خواســتار دریافت مابه‌التفاوت ســود برای وام قرض‌الحسنه ازدواج شــد و پیشنهاد کرد که این مابه‌التفاوت سود از محل منابع بودجه تأمین شود.

وی اظهــار داشــت: «مشــکل اصلــی در اعطــای وام ازدواج کمبــود منابــع قرض‌الحســنه اســت کــه از دوســو می‌تــوان آن را جبــران کــرد. اگــر بتــوان از طریــق منابــع بودجــه‌ای هزینــه‌ای را بــرای تأمیــن منابــع وام ازدواج تأمیــن کــرد می‌توانــد بــه مابه‌التفــاوت ســود کمــک کنــد. بــرای رفــع نیازهــا طبیعتــاً قرض‌الحســنه نخواهــد بــود امــا می‌تــوان تســهیلات ارزان‌قیمتی را در ایــن زمینه ارائــه کرد.» استفاده از مفاهیمی مانند ارزان‌قیمت یا مابه‌التفاوت ســود برای پرداخت وام مصرفی یا قرض‌الحسنه به جوانان در شرف ازدواج نشــان می‌دهد که مسئولین بانکی و پولی کشــور تا چه حد از مبانی بانکداری غیر ربوی فاصله گرفته‌اند. فراهم کردن مقدمات ازدواج طبق قانون اساسی جزو وظایف حاکمیتی محسوب می‌شــود و برخورد یک نهاد حاکمیتی با این مسئله از منظر ادبیاتــی مانند مابه‌التفاوت ســود با ابهامات فراوانی روبروست. طبق گزارش‌های رسمی منتشر شــده، بانک‌ها بخش عمده منابع قرض‌الحسنه را به کارمندان خود تخصیص می‌دهند.

◆◆◆

کسری ۴۲۰۰ میلیارد تومانی دولت در پرداخت یارانه سه ماه اخیر

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور از کســری ۴۲۰۰ میلیارد تومانی دولــت در پرداخت یارانه خانوار در سه ماه اخیر خبر داد. محمدباقر نوبخت اظهار داشت: «در سه‌ماهه گذشته در مجموع ۶۲۰۰ میلیارد تومــان درآمد از اصلاح قیمت‌ها به حســاب ســازمان هدفمندی یارانه‌ها واریز شــد، در حالی که دولت در این مدت ۱۰ هــزار و ۴۰۰ میلیارد تومان به صورت نقدی یارانه پرداخت کرده که کسری ۴۲۰۰ میلیارد تومانی را نشــان می‌دهد. وی ادامه داد: این در حالی اســت که دولت باید ۵۲۰۰ میلیارد تومان به صنعت اختصاص می‌داد و همچنیــن برای کاهش هزینه درمان ۴۸۰۰ میلیارد تومان پرداخت می‌کرد.» اعتراف نوبخت به کســری ۴۲۰۰ میلیــارد تومانی یارانه نقدی خانوارها در حالی اســت که او نگفت که دولت این کســری را از چه محلی تأمین کرده است. دولت برای جبران این کســری چند راه بیشتر ندارد، دســت‌اندازی به بودجه عمرانی یا استقراض از بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی.

◆◆◆

روزنامه‌اصلاح‌طلب: رانت بودن امتیاز ۶۵۰ میلیون یورویی، قطعی است

روزنامــه اصلاح‌طلب اعتماد که چنــدی پیش در گزارشــی، موضوع رانت بودن امتیــاز ۶۵۰ میلیون یورویــی به یــک تاجر خــاص را رد کرده بــود، در توضیحاتــی از موضع خود عقب‌نشــینی کــرد و از قطعی بودن این رانت خبر داد. اعتماد نوشــته است: در روزنامه مورخ یکشــنبه یازدهم خرداد، گزارشی با تیتر «دیوان محاســبات رانت ۶۵۰ میلیون یورویی را تأیید نکرد» به چاپ رســید. پس از چاپ آن گزارش، گزارش‌های دیگری واصل شــد که توضیحات زیر را ضــروری می‌نمایــد: گزارش کارشناســی دیوان محاسبات کشور که توســط آقای دکتر توکلی اعلام گردید، از رانت بودن قطعی آن پرونده خبر می‌دهد. مصاحبه دادســتان محترم دیوان کشور، این گزارش کارشناسی را رد نمی کند، بلکه صرفاً اظهارنظر قطعی درباره آن را به بررسی‌های بیشتر و اعلام نظر رسمی دادستانی دیوان محاسبات موکول می‌نماید. لذا این امکان وجود دارد که گزارش مذکور توســط دادستان محترم تأیید شــود؛ بنابراین تیتر استفاده شده بدین ترتیب اصلاح می‌شود.

راهبردهای اجرائی در دکترین اقتصاد مقاومتی (بخش اول):

مدل مفهومیِ سیاستهای کلان اقتصاد مقاومتی



دکتر ناصر نعمتی

۱- مقدمه

پس از حماسه بزرگ سیاسی انتخابات خرداد ماه ۱۳۹۲ و پس از راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن ماه همان سال که مردم و رهبری منتظر اقدامات دولت در تحقق تحولات اقتصادی چشمگیری بودند، نسخه اولیه دکترین اقتصاد مقاومتی بعنوان نقشه راه تحقق حماسه اقتصادی از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ گردید.
در مقدمه این سند بسیار مهم آمده است:
"لازم است قوای کشور بی درنگ و با زمانبندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند".
بکارگیری مفهوم "جهاد مقدس" برای اجرای سیاستهای اقتصاد مقاومتی توسط مردم و همه فعالان اقتصادی (از جمله دولت) ادامه همان روشنگری ای است که در فروردین سال ۸۹ در عسلویه توسط رهبر معظم انقلاب اعلام شد. در آن سخنرانی تاریخی، ایشان تفاوت "کار و همّت مضاعف" را با "جهاد" تشریح نمودند. کار و همّت مضاعف را در همه جا میتوان انجام داد اما جهاد وقتی است که دشمنی وجود داشته باشد. جهاد اقتصادی یعنی مبارزه با دشمن. جهاد اقتصادی در مقابل جنگ اقتصادی است، جنگی که دشمن ناجوانمردانه به ما تحمیل کرده است.
اقتصاد مقاومتی با معنا و مفهوم "جهاد مقدس"، در مقابل دشمنانی انجام میشود که آرزوئی جز نابودی اسلام، تمدن اسلامی و ایران اسلامی بعنوان شاخص تمدن اسلامی ندارند.
سلسله مقالات پیشرو، بنا دارد تا با نگاهی جدید به اقتصاد مقاومتی و سیاستهای کلان آن، گام های اولیه و ضروری برای تحقق این دکترین را ارائه نماید. اولین بخش از این مقالات به محوربندی و ارائه یک مدل مفهومی برای این سیاستها پرداخته و مقدمات لازم برای تبیین مدل اولویت بندی را ارائه می نماید.
در مقاله دوم، با معرفی یک الگوی بومی برای اولویت بندی محورهای پیشنهادی، محورهای علم، فناوری و تولید بعنوان متدولوژی اولویت بندی مسائل کلان کشور مطرح و در انتهای این مقاله، مدل اولویت بندی به کل مسائل و موضوعات کشور تعمیم می یابد. مقاله سوم به بررسی تئوری زنجیره یا پیوستگی در اقتصاد مقاومتی پرداخته و با ارائه مثالهای متعدد موضوع پیوستگی را تشریح مینماید. سپس موضوع ماتریس پیوستگی، تعیین روند زمانی موضوعات و سامانه اقتصاد مقاومتی پیشنهاد شده و در انتها نیز گامهای راهبردی اجرائی برای تحقق اقتصاد مقاومتی را بر اساس الگو و مدل پیشنهادی ارائه مینماید.

۲- محور بندی سیاستهای کلان

سیاستهای کلان ابلاغی که در ۲۴ بند ارائه شده است عناوین بسیار مهمی هستند که برای درک آن لازم است دسته بندی جدیدی از آن ارائه شود. بدون این دسته بندی و محور یابی، امکان دستیابی به عمق و رابطه مطالب و بندها کمی مشکل بنظر میرسد. اخیراً دیده شده است که تحلیلگران و برنامه ریزان دستگاهها تلاش دارند تا موضوعات جاری یا فعالیتهای دستگاههای خود را با محورهای ۲۴ گانه تطبیق داده و اعلام میکنند که مثلاً فعالیتهای ما با ۱۲ مورد از این بندها منطبق است. پس پروژه یا فعالیت ما در راستای اقتصاد مقاومتی است. یا هر یک از برنامه های چشم انداز ۱۴۰۴ وزارتخانه متبوع با چند مورد هم پوشانی دارد، پس ما در جهت اقتصاد مقاومتی حرکت مینماییم! این در حالی است که روح سیاستهای اعلامی متفاوت از این برداشت است.
توضیحات این بخش و مدل ارائه شده در مقالات بعدی، متدولوژی فوق را تصحیح می نماید.
بررسی سند سیاستهای کلی ابلاغی نشان میدهد که اقدامات مورد نیاز برای تحقق یک اقتصاد مقاوم، در چند محور و بصورت یکپارچه و هماهنگ بایستی انجام شود. این محورها را میتوان بصورت زیر پیشنهاد نمود:

۱- محور علم و فناوری
۲- محور تولید
۳- محور بازرگانی
۴- محور مالی و ابزارهای مالی
۵- محور سیاست خارجی
۶- محور سیستم ها و روش ها
۷- محور فرهنگ و گفتمان ملی

لذا کلیه بندهای سیاستهای اقتصاد مقاومتی در یک یا چند محور فوق دسته بندی میشوند. بعنوان مثال:
رشد بهره وری (بند ۳)، سهم بری عادلانه در زنجیره تولید تا مصرف (بند ۵)، مدیریت مصرف (بند۸)، صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور (بند ۱۶)، شفاف سازی اقتصاد و مبارزه با فساد (بند ۱۹)، بسیج پویای همه امکانات (بند ۲۲)، شفاف سازی و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری (بند ۲۳)، روز آمد سازی شیوه های نظارت بر بازار (بند ۲۴) و... میتوانند در محور سیستمها و روشها قرار گیرند.
محور تولید، همه موضوعات تولید محصول در صنعت، تولید مواد معدنی، تولید برق، تولید نفت، تولید دارو و... و زیر پروژه های آنها را نشان میدهد. هر یک از این موضوعات، جلوه هائی از تولید هستند.
محور بازرگانی، کلیه موضوعات مربوط به بازرگانی داخلی، صادرات، واردات و خدمات جانبی آنرا مورد نظر دارد. بهر حال شاید بتوان عناوین مشابهی برای محورهای فوق پیشنهاد نمود، اما عناوین فوق به جهت فراگیر بودن و شمول و قابلیت تبیین برای یک مدل مفهومی انتخاب شده اند.

۳- مدل مفهومی سیاستها

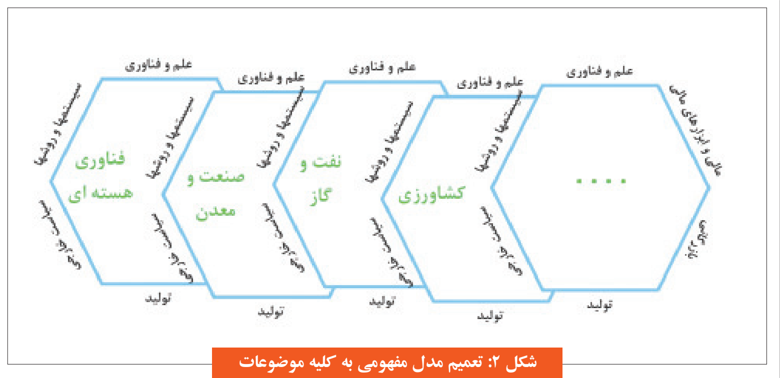
هنوز یک ماه از ابلاغ سیاستهای کلان اقتصاد مقاومتی نگذشته بود که رهبر معظم انقلاب، در یک حرکت بسیار زیبا، شعاری را برای سال ۹۳ مطرح نمودند که بیشترین ارتباط را با چگونگی اجرای این دکترین داشت. شعار "فرهنگ و اقتصاد با عزم ملی و مدیریت جهادی" دارای پیامی بسیار هوشمندانه از ارتباط سیاستهای اقتصاد مقاومتی و مقوله ها و روشهای اجرائی و چگونگی دستیابی به اهداف این سیاستها داشت. برای تعیین رابطه محورهای فوق و شعار سال ۹۳، یک مدل مفهومی به شرح و توضیحات زیر ارائه میشود. پارامترهای این مدل عبارتند از: هفت محور فوق، عزم ملی و مدیریت جهادی.
مدل اقتصاد مقاومتی دارای سه دایره متحد المرکز است. یک شش ضلعی نیز در مرکز آن قرار گرفته است (شکل ۱). هر دایره یک فضای تنفسی یا پوششی را نشان میدهد. دایره بزرگتر، یعنی پوشش فراگیرتر.

شکل ۱: مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی

همانگونه که در شکل نشان داده شده است، همه فعالیتها و تلاشها در فضا یا بستر فرهنگی انجام شده و سبک زندگی همه فعالیتها را پوشش میدهد. فرهنگ، فضائی است که در آن تنفس مینماییم. گفتمان ملی برای اقتصاد مقاومتی نیز با فرهنگ و سبک زندگی مردم آمیخته است. حماسه اقتصادی زمانی بروز و ظهور پیدا میکند که فرهنگ ملی و افکار عمومی در این مسیر راهنمایی شوند.
در داخل این فضای فرهنگی، با داشتن عزم و اراده ملی (دایره دوم) و سپس در بستر این عزم یا پشتیبانی مردمی، با مدیریت جهادی توسط مسئولین (دایره سوم)، کلیه فعالیت های مربوط به اقتصاد مقاومتی که بصورت یک شش ضلعی نشان داده شده است عملیاتی می گردد.
عزم ملی، نقش مردم و فعالان اقتصادی در تحقق اقتصاد مقاومتی بوده و مدیریت جهادی نقش نهادهای حاکمیتی است.
شش ضلعی، عبارتست از شش محور عملیاتی. این محورها کمک میکنند تا اقتصاد مقاومتی تبلور یابد.
شش ضلعی منتظم فوق، نه تنها برای کلیت اقتصاد مقاومتی قابل تطبیق است، بلکه برای هر سوژه و موضوعی میتواند قابل استفاده باشد. شکل ۲ مثالهائی از این موضوعات است.

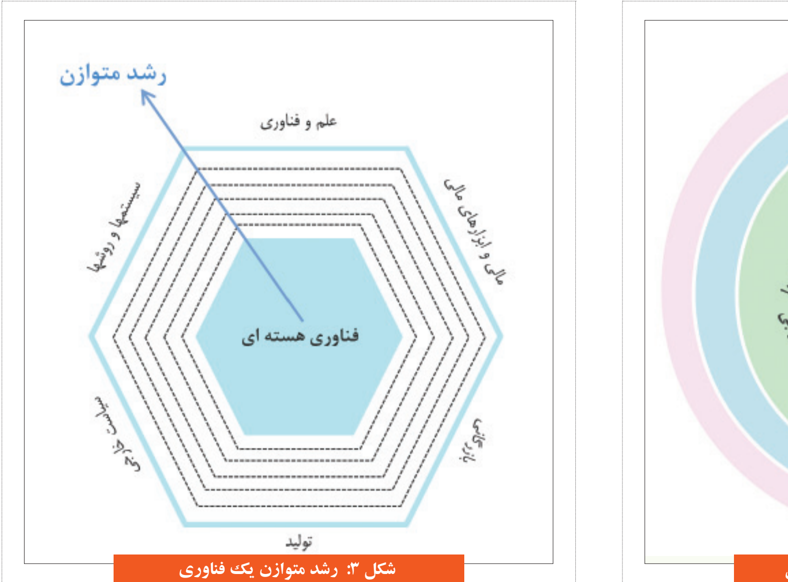
۴- تئوری پیوستگی و توازن در اقتصاد مقاومتی:

در مدل مفهومی ۹ عنوان مورد استفاده قرار گرفت که بصورت زیر نیز دسته بندی میشوند:



شکل ۲: تعمیم مدل مفهومی به کلیه موضوعات

فناوری نرم: شامل فرهنگ و گفتمان ملی، عزم ملی و مدیریت جهادی.
فناوری سخت اصلی: شامل علم وفناوری و تولید
فناوری سخت پشتیبان: شامل بازرگانی، مالی و ابزارهای مالی، سیاست خارجی و سیستمها و روشها
اگرچه مباحثه ای جدی در چگونگی دسته بندی فناوری ها در بین اساتید و دانشمندان حوزه مدیریت فناوری برای گروه بندی فناوری ها پیشنهاد شده است، اما دسته بندی خاص ما نشان میدهد که برای تحقق فناوری سخت اصلی (یعنی علم، فناوری و تولید) بعنوان قلب اقتصاد مقاومتی، بایستی از همه فناوری های نرم و فناوری های سخت پشتیبان استفاده نمود تا به اهداف مورد نظر رسید. بنابراین، مدل اصلی اقتصاد مقاومتی یک شش ضلعی منتظم است که بایستی شکل معقول و منظم خود را در اجرا حفظ کند. عدم حفظ تعادل این شش ضلعی منتظم، یعنی عدم اجرا شدن صحیح سیاستها.
به عبارت دیگر، برای حفظ شکل این شش ضلعی، بایستی دو نکته مورد توجه قرار گیرد:
الف- اصل پیوستگی:
همه موضوعات به یکدیگر وابسته هستند. اولاً نمی توان بدون عزم ملی و مدیریت جهادی به اهداف اقتصاد مقاومتی دست یافت. ثانیاً و مهم تر آنکه بدون انجام عملیات پشتیبانی سخت، هیچ نتیجه ای در تولید علم و فناوری و محصول نمی توان داشت. بدون یک سیاست خارجی صحیح، بدون پشتوانه مالی و بکارگیری ابزارهای مالی صحیح و بدون اعمال روشها و استفاده از سیستمهای درست و... نمی توان به مقصود رسید. حتی فناوری های سخت پشتیبان نیز از یکدیگر تأثیر گرفته و یک ماتریس پیوستگی را ایجاد مینمایند.



شکل ۳: رشد متوازن یک فناوری

ب- اصل توازن:
یک مثال ساده میتواند اصل توازن را تبیین نماید. مسالهٔ روز فناوری هسته ای را در نظر میگیریم. اگر همه محورهای پیوسته و عملیاتی شش گانه بصورت متوازن رشد و توسعه یابند، تعدادی شش ضلعی متحد المرکز بدست می آید (شکل ۳). یعنی شش ضلعی ما منتظم باقی میماند. حفظ توازن و تعادل شش ضلعی، به معنی رشد متوازن و هماهنگ نیازهای توسعه فناوری هسته ای میباشد. به عبارت دیگر، همه محورهای عملیاتی شش گانهٔ مربوط به فناوری هسته ای بگونه ای بایستی تنظیم شوند که خللی در این توسعه ایجاد نشود.
اما فرض کنیم که سیاست داخلی یا خارجی ما بگونه ای رفتار کند که همه اختیارات را از ما بگیرد، یا توافقاتی خارج از عرف اتفاق بیافتد، اتفاقی که خواهد افتاد آنست که تزریق مالی کم میشود، مسائل بازرگانی تعطیل میشود، نیروها ترخیص میشوند و علیرغم داشتن فناوری لازم و علیرغم داشتن سیستمها و روشهای کارآمد، تولید (مثلاً غنی سازی، انرژی، رادیو داروها و...) کاهش می یابد یا از بین میرود. آنگاه شکل توسعه و رشد آن مطابق شکل ۴ میگردد.

شکل ۴: رشد نا متوازن یک فناوری

نوشته حاضر بنا ندارد که همه محورها و بندهای سیاستهای ابلاغی را بررسی و تدقیق کند. این کار وظیفه مراکز مختلفی از جمله مجلس، دولت و سایر مراکز نظارتی (از جمله تیم پایش و نظارت مجمع تشخیص مصلحت و...) است. آنچه این مرقومه تلاش دارد ارائه کند تنها پیشنهاد گامهای اولیه برای شروع جدی اجرای اقتصاد مقاومتی است.
برای روشن شدن مدل یا شاخص پیشنهادی این نوشتار، لازم است از یکی از موضوعات ملموس مانند تولید علم و فناوری و تولید (یا فناوری های سخت اصلی) شروع نماییم.
بر اساس مدل و الگوی پیشنهاد شده در مورد محورهای علم، فناوری و تولید، این الگو به تمام محورهای هفت گانه عملیاتی تعمیم داده میشود.

۵-بررسی محورهای علم، فناوری و تولید

یکی از مهمترین موضوعات اقتصاد مقاومتی، تصمیم راجع به اولویت بندی موضوعات علمی، فناورانه، اقتصادی و صنعتی است. رتبه بندی موضوعات تکنولوژیک (فناوری) به ما نشان میدهد که در کدام موضوع، پژوهش و تحقیقات انجام شود. در کدام موضوع سرمایه گذاری شده و مشکلات روشی و سیستمی کدام مسایل و چگونه حل شود و... . لذا با این اولویت بندی، اولین گام مهم در اجرای اقتصاد مقاومتی برداشته میشود. قبل از ورود به بحث فناوری در اقتصاد مقاومتی و چگونگی دسته بندی و اولویت بندی آن (که عمده بحث بخش دوم از این سلسله مقالات است)، لازم است دو نکته مهم تذکر داده شود. نکته اول مربوط به جایگاه تولید علم و فناوری و نکته دوم مربوط به رویکرد برون زائی اقتصاد مقاومتی است.
نکته اول:
در ادبیات فلسفه علم این نکته بسیار مشهور است که تولید علم به معنای کسب دانایی است در حالیکه تولید فناوری یعنی کسب توانایی. علم معمولاً دردانشگاهها (و مراکز تحقیقاتی استراتژیک کشورها مانند صنایع نظامی، هسته ای و...) تولید میشود و سپس در مرحله بعد، تولید علم منجر به تولید فناوری شده و تولید فناوری، اقتصاد دانش بنیان را رقم می زند (شکل ۵). تولید فناوری هم میتواند در دانشگاه صورت بگیرد و هم در قلب صنعت. اگرچه امروز شکاف فی ما بین صنعت و دانشگاه در ایران مشهود بوده و در اقتصاد مقاومتی بایستی راه چاره ای برای آن اندیشید، اما بصورت کلی در دنیا از اصطلاح نیاز بازار (Market Push) یا هل دادن توسط بازار و کشیدن توسط علم (Science Pull) استفاده میشود. این یعنی تأثیر و تأثر متقابل علم و نیاز عملی.



شکل ۵: مراحل دستیابی به اقتصاد دانش بنیان

علم مورد توجه امروز، مرزهای دانش را درمی نوردد که لزوماً در همان زمان تولید علم وارد عرصه تولید نمیشود بلکه نیازمند فراهم شدن ابزار و لوازم مربوطه برای توسعه علم به حوزه فناوری میباشد. بنابراین پیشرفت علمی داخلی که لوازم فوق را ندارد اما بهرحال یک سرمایه ملی میباشد، میتواند بدون محافظت در اختیار رقبا و حتی دشمنان انقلاب اسلامی قرار گیرد.
از دیدگاهی رایج و مصطلح، مجموعه تولید علم و تولید فناوری را تولید دانش مینامند. اصطلاح معادل برای تولید علم و فناوری، تحقیق و توسعه (R&D) است. در این مرحله، علاوه بر تولید علم (به معنای علم خالص)، تولید نمونه های آزمایشگاهی، فناوری تولید محصول و پایلوت نیمه صنعتی بایستی ایجاد شود. تحقیق و توسعه، همان کسب دانشی است که با عملیاتی نمودن آن در اشل بزرگ و برای ایجاد یک تولید پیوسته، مرحله صنعتی آن فناوری شکل میگیرد (شکل ۶). بعنوان یک مثال، بدست آوردن علم و فناوری یاکسب دانش یا مرحله تحقیق و توسعه با تعریف فوق، از حقوق مسلم در موضوع فناوری هسته ای میباشد.



شکل ۶: تولید صنعتی

نکته دوم:
نکته دوم در این بخش در مورد رویکرد اقتصاد مقاومتی است:
مطابق سند چشم انداز، تعامل با اقتصاد دنیا غیر قابل چشم پوشی است. این تعامل میتواند به سه حالت اتفاق بیافتد:
- یا انفعالی است (ستاندن یا تقاضا)
- یا فعال تدافعی است
- یا فعال تهاجمی است (دادن یا عرضه)
نمونه اقتصاد انفعالی، تسلیم در برابر اقتصاد غرب و اجازه به در اختیار گرفتن بازارهای ماست. مثال واضح آن کشورهای عربی خلیج میباشند.
نمونه فعال تدافعی اینست که بازار داخل را در اختیار گرفته و رقبای تجاری ای که خواهان در اختیار داشتن بازارهای ایران می باشند را با عرضه محصولات، فناوری و خدمات بهتر و مرغوب تر از صنعت و اقتصاد کشور دور کنیم.
نمونه فعال تهاجمی در ایران، اقتصاد دانش بنیان است. اقتصاد دانش بنیان دارای ارزش افزوده بسیار بالائی بوده و با کسب اقتدار علمی و فناوری، بایستی بازار منطقه را به بازار هدف تبدیل نموده و رقبای تحریم کننده را از این بازارها با ظرفیتهای اسلامی (حلال) و ایرانی و با عرضهٔ محصولات، فناوری و خدمات با کیفیت برتر از گردونه رقابت بیرون نماییم. مثالی از تولید خودرو در چین برای برنامه ریزی از تبدیل اقتصاد فعال تدافعی به فعال تهاجمی به شرح زیر است: صنعت خودرو در چین از سال ۱۹۶۵ آغاز شد و اولین محصول تولید گردید. از سال ۱۹۷۰ تصمیم گرفتند با تشکیل شرکتهای مشترک با خارجی ها (Joint Venture)، و سرمایه گذاری ۴۹ درصدی توسط خارجی ها، به تولید خودرو بپردازند.
این موضوع تا سالهای ۱۹۹۰ ادامه داشت. در دهه آخر قرن بیستم به طراحی ملی خودرو پرداخته و مشوق های تولیدی زیادی توسط دولت داده شد. در سال ۲۰۰۵، تقریبا ۵۰درصد بازار چین دارای برند داخلی بود. برنامه چین برای دهه ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ عبارتست از ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات خودرو. امروز انواع خودروهای چینی در کف خیابانهای تهران جولان میدهند!

نقد

ختم یک وعده دیگر

نوبخت: دیگر اعتباری با عنوان سبد کالا نداریم

یکی از وعده‌های روحانی در تبلیغات انتخاباتی، اعطای یارانه کالایی در کنار یارانه نقدی بود. برای تحقق همین وعده هم بود که دولت در اواخر سال گذشته اولین مرحله توزیع سبد کالا را انجام داد که به علت سوءمدیریت، به افتضاحی تبدیل شد.
از زمان تصمیم دولت یازدهم برای توزیع سبد کالا، وعده‌هایی مکرری از سوی مسئولان ارشد دولتی برای ارائه چند مرحله سبد کالا داده شده است.
اولین بار حسن روحانی در گزارش تلویزیونی ۵ آذر سال گذشته خود وعده داد که تا پایان سال ۱۳۹۳ دو بسته کالایی به مردم داده خواهد شد. بسته اول سبد کالا در بهمن ماه توزیع شد و قرار بود که بسته دوم در اواخر اسفند توزیع شود؛ اما همان طور که ذکر کردیم افتضاحی که بر سر مرحله اول سبد کالا رخ داد، دولت را وا داشت تا از تمامی وعده‌های خود عقب‌نشینی کند. این در حالی است که برخی مسئولان دولتی اواخر سال گذشته وعده می‌دادند که در سال ۱۳۹۳ هر فصل یک مرحله سبد کالا توزیع خواهد شد. اما هفته گذشته محمدباقر نوبخت سخنگوی دولت و معاون روحانی اعلام کرد که دولت برای سبد کالا اعتباری در نظر نگرفته است؛ بنابراین تمامی آن وعده‌ها کنار گذاشته شده است.

***

دکتر حجت‌الله عبدالملکی

ارز ۲۰۰۰ تومانی را «دلالان» ۴۰۰۰ تومان کردند نه «تحریم»

دکتر حجت‌الله عبدالملکی درباره تحریم‌ها گفت: وجود تحریم‌ها مسیر پیشرفت را تا حدودی برای کشور دشوارتر کرده است. وقتی مشکلات اقتصادی که در دو سه سال اخیر داشتیم را بررسی می کنیم می‌بینیم که تحلیل‌های تکنیکی در بحث تحریم‌ها و خصومت‌های خارجی به طور مستقیم بیشتر از ده تا ۱۵ درصد در اقتصاد کشور اثر نداشته است.



عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام صادق (ع) در ادامه افزود: اما اتفاقاتی که در داخل کشور طی تحریم‌ها افتاده که می‌توان آن را به خصومت‌های داخلی تعبیر کرد باعث شده است تا ۸۰ تا ۹۰ درصد برای اقتصاد مشکل آفرین باشد. به این معنا دشمنی که می‌دانسته اثر مستقیم و جدی روی اقتصاد ما نمی تواند داشته باشد بر روی عکس العمل داخلی ایران در مواجه با تحریم‌ها حساب کرده است. این استاد اقتصاد یادآور شد: به عنوان مثال اینکه تحریم شبکه بانکی ایران به طور خودکار نرخ ارز را افزایش داد و به دو هزار تومان رساند اما فاصله میان دو هزار تومان تا چهار هزار تومان به وسیله عوامل داخلی انجام شده است. به این معنا که مصرف کننده‌ای که یک سفته‌بازی جدی را به بازار تزریق می کند و مصرف کننده که ارز احتیاج ندارد به امید افزایش قیمت ارز، دلار خریداری می کند و یا شبکه بانکی ایران که به قصد کسب سود خودش وارد بازار ارز می‌شود یک عملیات سوداگرانه را سازمان دهی می کند و این در واقع به افزایش قیمت ارز کمک می کند. وی تصریح کرد: و یا دشمن این طور حساب کرده که اگر کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را تحریم کند ورود کالای خارجی کم خواهد شد و قیمت کالاهای خارجی افزایش می‌یابد و ده درصد تورم اضافی به جامعه القا خواهد شد؛ اما در مقابل مصرف کننده داخلی و دولت با ناکارآمدی که از خودشان نشان می‌دهند این ده درصد تورم را به سی درصد می‌رسانند یعنی سه برابر می کنند.
دکتر عبدالملکی همچنین با اشاره به اثرات ناچیز مثبت تحریم افزود: اثرات مثبت تحریم در اقتصاد ایران اثرات ناچیزی است و آن چیزی که اقتصاد را به دردسر انداخت اثرات نا مستقیم بوده به این ترتیب که ناکارآمدی‌ها داخلی و رفتار نامناسب تولیدکننده و مصرف کننده و دولت باعث شد که اثرات تحریم تشدید شوند در حالیکه می‌توانست این اتفاق نیفتد.
این کارشناس اقتصادی با تأکید بر فقدان مدیریت قوی اقتصادی در دولت‌ها اظهار کرد: اگر یک مدیریت مناسب در بخش دولتی داشتیم و یک نظارت رفتار صحیح در بخش مردمی داشتیم اثرات تحریم‌ها علیه ایران بسیار ناچیز بود و تقریباً می‌شد گفت که اثربخش نبود. در صورتی که کشور ما با کمبود مدیریت قوی اقتصادی مواجه است.



اندیشه

شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳/ ۲۳ شعبان ۱۴۳۵/ شماره صدوپنجاه ویکم
21 June 2014 , Vol 4 , No 151

آیت الله رجبی، قائم مقام موسسه آموزشی – پژوهشی امام خمینی (ره) در گفتگوی تحلیلی با ۹دی؛

هیچ دولت مردی، حق تفکر سکولاریستی و لیبرالیستی ندارد



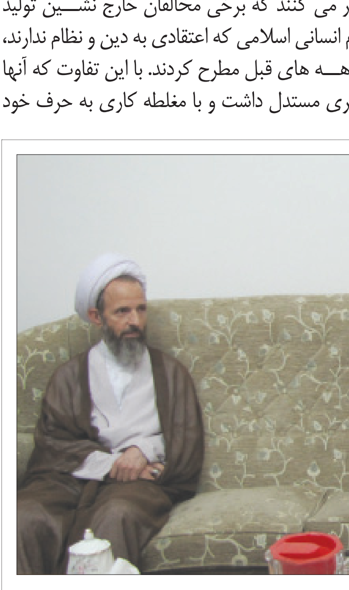
همینکه آیت الله محمود رجبی از شاگردان خاص آیت الله مصباح یزدی و دارای بیشترین قرابت اخلاقی و فکری با ایشان باشد، برای هفته نامه ۹دی کافی است تا به مصاحبه با ایشان بپردازد. فردی که سال های متمادی و با تلاشی مثال زدنی، خود را وقف مؤسسه آموزشی– پژوهشی امام خمینی (ره) و در واقع وقف ترویج علوم انسانی اسلامی در کشور و تربیت شاگردانی برجسته در این حوزه کرده است. آیت الله محمود رجبی در عین برجستگی فقهی، از دانشمندان برجسته علوم قرآنی کشور است و هنوز هم کتاب ارزشمند «روش شناسی تفسیر قرآن» ایشان بهترین کتاب در این زمینه است. آیت الله رجبی که عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز هست، در این مصاحبه علاوه بر بیان علل سخت افزاری و نرم افزاری روند کند تحقق علوم انسانی اسلامی در کشور، علت نگرانی های علما و مراجع از سیاست های فرهنگی دولت را نیز تبیین کردند.

◆ ۹دی: اولاً از جنابعالی بابت وقتی که به هفته نامه ۹دی اختصاص دادید تشکر می کنیم. اولین سؤال ما مربوط به تولید علم اسلامی در حوزه علوم انسانی است که متأسفانه در سال های پس از انقلاب نسبت به آن غفلت شد. سؤال مشخص ما از شما به عنوان کسی که سال ها در این حوزه به فعالیت پرداخته اید این است که برای تحقق کامل این هدف چه گام های عملیاتی باید برداشته شود؟ به عبارت دیگر بایسته های تولید علم در حوزه علوم انسانی اسلامی چیست؟

با سلام خدمت شما و همه خوانندگان هفته نامه ۹دی و تشکر از مسئولان و فعالان این نشریه وزین انقلابی و حساس نسبت به ارزش‌های دینی و نظام جمهوری اسلامی؛ در پاسخ به سؤال شما ابتدا باید یک تقسیم بندی از این مسئله داشته باشیم. بایسته های تولید علم در حوزه علوم انسانی اسلامی، به دو دسته تقسیم می شوند: نخست بایسته های سخت افزاری؛ به معنای الزامات و فعالیت های لازم برای تولید علم انسانی اسلامی. و دوم، بایسته های نرم افزاری؛ به معنای فعالیت های فکری و علمی ای که باید صورت بگیرد تا علوم انسانی در جامعه، متحول و متکامل شوند.

در قسمت اول مهمترین بایسته های تولید علوم انسانی اسلامی، ۳ چیز است:

اول، باور و عزم جدی که متأسفانه از آغاز انقلاب فرهنگی بلکه از آغاز پیروزی انقلاب، بجز تعداد معدودی از مسئولان، اکثریت قریب به اتفاق، به این مسئله باور نداشته و یا اگر باور داشتند، عزم جدی بر انجام آن نداشته اند. در ستاد انقلاب فرهنگی دوره اول، کسانی بودند که اعتقادی به علم انسانی اسلامی نداشتند و حتی تصور آن برایشان مشکل بود. آنها می گفتند علم باید راه خودش را بپیماید و دین راه خودش را. و حتی بعدها اعلام کردند که دخالت دادن دین در علم، سم مهلک است. این عده که وابستگی به نهضت آزادی داشتند، اصلاً به علم انسانی– اسلامی اعتقادی نداشتند. برخی دیگر از آنان که مخالف جدی این موضوع بودند، با اصل دین و نظام مشکل داشتند، ولی نفاق خود را پنهان می کردند و بعداً صریحاً دین را تیری به تاریکی دانستند. طبیعی است که با این اندیشه نادرست جایی برای طرح علم انسانی اسلامی نمی ماند.



متأسفانه متولیان مسئله بسیار مهم و استراتژیک تحول در علوم انسانی سه دسته بودند. عده ای که اعتقادی به دین وحیانی نداشتند و آن را پنهان می داشتند؛ دسته دوم کسانی که اگرچه اعتقاد به دین داشتند، ولی واقع نمایی و جامعیت دین را قبول نداشتند؛ و دسته سوم کسانی که این دو گروه را قبول نداشتند، ولی دخالت دین در علم را سودمند و به صلاح نمی دانستند. اندک افراد هم بودند که معتقد به اصل بازسازی یا تولید علم انسانی بودند ولی آن را مهم و ضروری نمی دانستند

بنابراین متأسفانه متولیان این مسئله بسیار مهم و استراتژیک سه دسته بودند. عده ای که اعتقادی به دین وحیانی نداشتند و این اعتقاد را پنهان می داشتند؛ دسته دوم کسانی که اگرچه اعتقاد به دین داشتند، ولی واقع نمایی و جامعیت دین را قبول نداشتند؛ و دسته سوم کسانی که این دو گروه را قبول نداشتند، ولی دخالت دین در علم را سودمند و به صلاح نمی دانستند. اندک افرادی هم بودند که معتقد به اصل بازسازی یا تولید علم انسانی بودند ولی آن را مهم و ضروری و اورژانسی نمی دانستند. به هرحال عزم جدی در مسئولان برای تحقق آن وجود نداشته است.

دومین بایسته سخت افزاری، نیروی با نشاط، توانمند، کارآمد و معتقد است. مسئله تولید علوم انسانی اسلامی، مسئله ای میان رشته ای است. از یک سو باید دیدگاه اسلام را بصورت اجتهادی استخراج نمود و از سوی دیگر باید به مسئله شناسی و موضوع شناسی و آگاهی از نظریات علمی موجود و نقاط قوت و ضعف و مبانی و زیرساخت های آن پرداخت؛ البته بعد نخست مسأله بسیار با اهمیت است. به همین دلیل حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) در جریان انقلاب فرهنگی خطاب به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی فرمودند دستتان را به سوی حوزه های علمیه به ویژه حوزه علمیه قم دراز کنید. در گذشته، نیروی کارآمد در حوزه علمیه که با هر دو حوزه در حد لازم آشنایی داشته باشد، بسیار محدود و معدود بود، اما بحمدالله امروزه وضع حوزه بسیار بهتر شده است؛ هرچند هنوز هم برای انجام چنین کار عظیم و مهم و ظریف و دقیق و سرنوشت سازی، به دهها بلکه صدها برابر نیروهای موجود دارای صلاحیت نیاز داریم، ولی متأسفانه این حقیقت مغفول مانده است. اولین سنگ بنای چنین نیروهایی را حضرت آیت الله علامه مصباح یزدی(مدظله العالی) نهادند و تاکنون مؤسسه ایشان در تربیت محققان با انگیزه و از عمق جان معتقد به تولید علوم انسانی و دارای صلاحیت های لازم حوزوی و دانشگاهی، حرف اول را می زند. البته مراکز دیگری هم از این مرکز و از ایشان الگو گرفته و اقدامات در خوری انجام داده اند که باید قدر نهاد.

◆ ۹دی: آیا نهادها یا مؤسساتی هم هستندکه در این زمینه دچار انحراف شده باشند؟

در این زمینه دو مسئله مطرح است نخست نهادها و افرادی که بیراهه رفته و حتی دچار آسیب شده‌اند و چون قبل از ورود به این علوم مبانی فکری صحیح را فرانگرفته بودند تحت تأثیر اندیشه‌های غربی و مبانی سکولار آن قرار گرفته‌اند کسانی در رشته حقوق، حدودیات اسلامی را زیر سؤال بردند و یا آن را ویژه زمان گذشته دانستند کسانی دچار نسبیت معرفتی در رشته‌های مختلف علوم انسانی شده زیرا نتوانستند در برابر شبهات مطرح در این علوم پاسخ لازم را براساس مبانی دینی عقلانی بدست آورند. اگر اینگونه افراد در رأس یک نهاد علمی قرار گیرند طبیعی است که آن نهاد را دچار انحراف کنند.

مسئله دوم، تولید علوم انسانی به دست افراد فاقد صلاحیت است که کارهای صوری، بی‌محتوا، غیرروش‌مند و سست‌بنیاد انجام داده‌اند. کم نیست کارهایی که توسط افرادی که فاقد یکی از دو صلاحیت یاد شده یا هر دو صلاحیت یاد شده انجام شده است و به جای آنکه قدمی در این راه برداشته شود، سوژه ای برای مخالفان علم دینی شده است. این نوع افراد و کارهای ضعیف، هم در داخل ایران و هم در دیگر کشورهای اسلامی و هم در خارج از قلمرو کشورهای اسلامی زیاد است. در این زمینه نیز مسئولان، بی نقش و بی قصور و تقصیر نیستند. واگذاری این نوع کارها به افراد فاقد صلاحیت، ضایع کردن کاری با این عظمت است. به همین دلیل هم پس از سی سال، هنوز مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) نسبت به خطرات علوم انسانی رایج هشدار می دهند و بر تولید علوم انسانی اسلامی تأکید می فرمایند. هم اکنون برخی مسئولان رده بالای دولتی نه باور به این مسئله دارند و نه کار را در مسیر درست آن قرار داده اند. البته این قصورها و تقصیرها، عذر حوزه علمیه نیست و حوزه باید با همکاری محققان و مراکز دارای صلاحیت و برنامه ریزی، تقسیم کار و هم افزایی نیروها و امکانات وظیفه خطیر خود را انجام دهد؛ ولی عملکرد درست مسئولان سرعت و نتیجه بخشی و ثمرات فعالیت های درست را چندین برابر می کند. امروز هم ما شاهد هستیم که مسئولان رده بالای دولتی همان سخنانی را به عینه تکرار می کنند که برخی مخالفان خارج نشین تولید علوم انسانی اسلامی که اعتقادی به دین و نظام ندارند، در دهه های قبل مطرح کردند. با این تفاوت که آنها ظاهری مستدل داشت و با مغلطه کاری به حرف خود ظاهری علمی می دادند، ولی سخنان این مسئولان فاقد این ویژگی است. و شاید حتی در آن حد آگاهانه هم نیست و نشانه عدم آگاهی از مسئله و عدم درک صحیح از هویت علم و ماهیت و مبانی علم غربی و ماهیت علم انسانی اسلامی است. بنده این سخن را از روی اشراف بر این مسئله و تحصیل و تحقیق و تدریس و تأمل و حدود ۳۰ سال خوشه‌چینی در این قلمرو، آن هم در چند رشته از علوم انسانی و مباحث مبنایی آنها می گویم.

◆ ۹دی: سومین مسئله ای که باید از جهت سخت افزاری رعایت شود چیست؟

سومین مسئله، طرح و برنامه جامعی است که مشتمل بر سیاست ها، خط مشی ها و فرآیندها باشد. باید فرآیند و مراحل و الزامات تحقق بخشیدن به این امر مهم بصورت شفاف و بر مبنای یک کار علمی و بصورت کارشناسانه تهیه شود.

تهیه طرح و برنامه برای این موضوع نیاز به یک کار جدی تحقیقاتی دارد که این طرح بر مبانی و مبادی تصوری و تصدیقی درست و دقیق استوار باشد. در این زمینه، مسائل و ابعاد مختلفی وجود دارد که نیازمند موضوع‌شناسی و تحقیق کارشناسانه، محققانه و مدقّانه توسط افراد دارای صلاحیت است.

◆ ۹دی: آیا در این زمینه کارهای قابل عرضه ای انجام گرفته است؟

در زمینه «مبانی» کارهای خوبی صورت گرفته است. به ویژه مباحث ارزشمند حضرت آیت الله مصباح و حضرت آیت الله جوادی آملی (مدظلهما العالی) و خمیرمایه هایی در آثار آیت الله شهید مطهری و آیت الله شهید محمدباقر صدر(قدس سرّهما) وجود دارد و بیانات مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) و حضرت امام(ره) نیز راهگشاست. اما جای کارهای متمرکز تخصصی و فنی بیشتر باقی است. و بحمدالله کارهایی در این زمینه در دست اقدام است.

◆ ۹دی: جناب استاد! مسائل مربوط به بخش سخت افزاری را خیلی خوب تبیین فرمودید؛ در زمینه نرم افزاری که شاید از بخش قبل هم مهمتر باشد، چه کارهایی باید انجام شود؟

در قسمت نرم افزاری، اولین قدم انجام تحقیقات جدی در زمینه مبانی علوم انسانی و تعیین و تبیین آنها از منظر اسلامی و براساس روش ها و مستندات و منابع عقلی و نقلی معتبر است. مبانی معرفت شناختی، روش شناختی، هستی شناختی، انسان شناختی و ارزش شناختی این علوم باید بصورت فنی، تخصصی و کارشناسانه و دقیق از منظر اسلامی استخراج، تبیین و ارائه شود و در کنار آن نقد مبانی و مبادی تصوری و تصدیقی علوم انسانی رایج هم بصورت مستدل و مستند ضرورت دارد.

این مسئله در سه سطح مطرح است. در سطح علم بطور مطلق، اعم از انسانی و غیر انسانی؛ در سطح علوم انسانی بطور کلی؛ و در سطح هریک از رشته های علوم انسانی و اقتضائات خاص آن.

پس از این مرحله وارد متن مسئله یعنی کار اجتهادی برای کشف و استنباط دیدگاه اسلام در مسائل علوم مختلف انسانی می شویم. اعم از علوم نظری و تولید کننده و علوم کاربردی و مصرف کننده.

البته این مرحله بسیار گسترده است و نیاز به کار دراز مدتی دارد که کار ایده پردازی، نظریه پردازی اسلامی، نقد نظریات رایج غربی و ایده پردازی های غربی باید صورت گیرد و استخراج راهبردهای نظری و راهکارهای عملی و نظام سازی و ارائه الگو در حوزه های بسیار گسترده و متنوع علوم انسانی، در مراحل بعد از آن قرار دارد.

◆ ۹دی: جنابعالی سال هاست که ملازم و همراه آیت الله مصباح بوده اید و به تلاش های ایشان در زمینه تولید علوم انسانی اسلامی اشراف کامل دارید. شاید کمتر اندیشمندانی در کشور باشند که به اندازه ایشان دغدغه این مسئله را داشته باشند و قبل از ایشان، شروع به اقدام عملی گسترده در این زمینه کرده باشند؛ که این مؤسسه هم محصول همان دغدغه ها و تلاش هاست. می خواهیم برای ما کمی از تلاش های استاد مصباح در این زمینه بفرمائید.

آیت الله مصباح (مدظله العالی) در قلمروها و ابعاد مختلف این مسئله در حوزه و دانشگاه فعالیتهای بدیع، آینده نگرانه، عالمانه و کارشناسانه دقیق و مبتنی بر مبانی متقن داشته اند.

ایشان در ایجاد این دغدغه و باور مبارک در حوزه نقش جدی داشتند و مکرر در بیانات خود بصورت مستقیم و غیر مستقیم از رسالت حوزه در این زمینه از قبل از انقلاب تاکنون سخن گفته اند و در قالب تعابیری که توجه حوزویان را به اهمیت ویژه و مخاطره آمیز بودن و مسئولیت حوزه در این زمینه در برابر خداوند و امام زمان (عج) و اسلام جلب کنند، هشدار دادند.

بخش دیگری از بیانات ایشان در این زمینه، هشدار نسبت به بی دغدغه بودن، عدم اعتقاد و حتی کارشکنی برخی مسئولان است. مشاجرات و منازعات ایشان با برخی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی که اکنون خارج نشین اند و همه مبانی اسلامی بلکه دینی را بطور کلی منکر شدند و زیر سؤال بردند و در چارچوب مبانی معرفتی سکولار تفسیر کردند، وحی را یک امر بشری خطاپذیر و متون دینی را متونی رمزآلود و فهم آن را سیال و دین را تیری به تاریکی دانستند، یکی از این موارد است.

نکته دیگر، تبیین مبانی این موضوع در قالب های مختلف، در مقاطع زمانی مختلف و با مخاطبان مختلف حوزوی و دانشگاهی است که می توان گفت بیش از هر متفکر دیگری با بیان و قلم به ارائه مستدل و مستند دیدگاههای ژرف و دقیق پرداخته اند.

در طراحی و برنامه ریزی هم می توان گفت اولین و تنها کسی هستند که طرح و برنامه مشخص و دقیق و عملیاتی ارائه داده اند و علاوه بر آن در اجرای این طرح ها هم اقدام جدی کرده اند.

ایشان اولین طرح بازسازی علوم انسانی را در سال ۶۰ تهیه و به تصویب جامعه مدرسین و ستاد انقلاب فرهنگی و تأیید حضرت امام(ره) رساند. در سال ۵۴، اولین برنامه آموزشی و سپس پژوهشی در علوم انسانی را تهیه و اجرا کردند. در سال ۵۹، اولین طرح کارگروه‌های پژوهش های اسلامی در قلمرو اقتصاد اسلامی و فلسفه سیاسی اسلام و روان شناسی را تهیه و به اجرا درآوردند. در سال ۶۱ اولین دوره آموزشی معارف اسلامی را برای اساتید دانشگاه به منظور تقارب و تضارب فکری میان اساتید حوزه و دانشگاه در رشته‌های مختلف علوم انسانی طراحی و اجرا کردند.

یکی دیگر از کارهای بسیار مهم ایشان، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز است که در این زمینه هم اولین و بی نظیر هستند. از راه اندازی بخش آموزش مؤسسه در راه حق، تا تهیه طرح بازسازی علوم انسانی و تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تا تأسیس مرکز پژوهشی باقرالعلوم و تا تأسیس مؤسسه آموزشی– پژوهشی امام خمینی(ره)، که هریک بدیع و کارآمد و نتیجه بخش و اثرگذار در سطح حوزه و دانشگاه بوده و اعجاب آفرین و مایه افتخار است و مشابهی برای آن در این حجم وجود ندارد.

بخش دیگر تلاش های ایشان، راهنمایی و مشورت دادن و ارائه طرح به مسئولان، مجموعه های علمی و اجرایی و مراکز مختلفی است که چنین دغدغه هایی داشته اند که همه آن مراکز و مسئولان را وامدار ایشان ساخته است.

نکته شایان توجه این است که ایشان در همه زمینه ها دارای خلاقیت و نو آوری و ابتکار هستند و در عین حال و با نهایت تواضع و اخلاص این فعالیتها را انجام داده و ضمن حساسیت نسبت به ارزش ها و مبانی اسلامی، روزآمدی و واقع گرایی و توجه به ارائه طرح های قابل اجرا و رعایت همه جوانب اجرایی و مدیریتی را مدّ نظر داشته و دارند.

نکته دیگر این است که ایشان از سال ۵۴ تا ۶۳ خود را وقف این مباحث و طراحی و مدیریت علمی و حتی اجرایی تولید علوم انسانی اسلامی کردند و در این راستا بر اصل تخصص و تعد تأکید داشتند و روش علمی و منش اخلاقی و معنوی ایشان اساتید حوزه و دانشگاه را شیفته خود ساخت.

◆ ۹دی: از همین جا به سراغ موضوع دیگری می رویم که مرتبط با بحث ما هم هست و آن مسئله وحدت حوزه و دانشگاه است. می خواهیم از شما بپرسیم که دقیقاً وحدت حوزه و دانشگاه یعنی چه؟ و اصلاً چه ضرورتی به طرح این بحث از طرف حضرت امام(ره) بود؟

در این مسئله نیز برداشتهای نادرست، ناقص و انحرافی کم نیست. از برداشت هایی که فکر می کنند وحدت حوزه و دانشگاه به معنای انتقال علوم هریک به دیگری است تا برداشت هایی که حضور و ارتباط صوری حوزویان و دانشگاهیان در زمان محدود و روز وحدت حوزه و دانشگاه را وحدت حوزه و دانشگاه می دانند. بحث در این زمینه هم گسترده است، ولی اجمالاً معنای وحدت حوزه و دانشگاه، وحدت هدف، استراتژی و خط مشی این دو قطب علمی در راستای نظام اسلامی است. دو قطبی که حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) به حق فرمود که سرنوشت مملکت به دست آن دوست. اگر چنین شد، دانشگاه و حوزه دغدغه نظام اسلامی را دارند. دغدغه دفاع از نظام، تبیین مبانی آن و تأمین نیازهای آن را دارند و این دغدغه و اشتراک در هدف، استراتژی و خط مشی، حساسیت نسبت به محتوای علوم دانشگاهی، ساختار و نظام دانشگاهی، سرنوشت و تربیت دانشجویان فارغ التحصیل آن در بعد تخصص و تعهد را به همراه دارد. اولویت ها را مشخص می کند، احساس مسئولیت حوزویان در همدلی، همکاری، هم افزایی امکانات و نیروها در برآوردن نیازهای فکری و اخلاقی دانشگاه در قلمروهای مختلف را در پی دارد و حوزه و دانشگاه را به یک نظام و مجموعه واحدی تبدیل می کند که هر بخش با فعالیت هماهنگ خود با بخش دیگر، اهداف نظام را محقق می سازند. نتیجه دیگر این پیوند قرابت فکری، خوش بینی و اعتماد به یکدیگر، احساس تعلق و باور به یکدیگر و پیمودن قله های رفیع علمی همراه با تعهد است و این همان چیزی است که در رژیم گذشته در جهت تضعیف و شکل نگرفتن آن و ضدیت با آن اقدام جدی می شد.

◆ ۹دی: شما در بیاناتتان خیلی به نقش حوزه برای تحول در علوم انسانی اشاره فرمودید. آیا حوزه ما با این سخت افزار و نرم افزار فعلی می تواند به این مسئولیت مهم بپردازد. آیا برای تحول در علوم انسانی نباید در حوزه های علمیه ما نیز تحول بوجود بیاید؟ و اصلاً تحول در حوزه علمیه چگونه باید انجام بگیرد؟

بحمدالله حوزه علمیه در مقایسه با قبل از انقلاب و حتی اوایل انقلاب در پرتو انقلاب اسلامی، رهنمودهای امام (رضوان الله تعالی علیه) و مراجع عظام (دام‌الله‌ظلهم) و بویژه بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) که بیشتر کاملترین و جامع ترین رهنمودها را مطرح و بر ضرورت تحول در عین حفظ سنتهای حسنه گذشته تأکید مکرر کردند، بسیار متحول شده است؛ بگونه ای که اگر کسی این دو مقطع حوزه را مقایسه کند، گویا حوزه دیگری خلق شده است و باید از همه کسانی که در این زمینه نقش داشته اند، تشکر و قدردانی کرد. ولی در عین حال تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله قابل توجهی وجود دارد و هنوز بخش مهمی از رهنمودهای حکیمانه، متقن، کارشناسانه و دقیق مقام معظم رهبری جامه عمل نپوشیده است. البته برخی از آنها هم زمان بر است و برنامه ای دراز مدت را می طلبد؛ کما اینکه از سوی شورای عالی و مرکز مدیریت مورد غفلت قرار نگرفته و کارهایی انجام شده است؛ ولی انتظار بیش از این است و کارهای انجام نشده زیاد است.

◆ ۹دی: اگر امکان دارد به برخی از این موارد بصورت مصداقی اشاره کنید.

نظام آموزشی، متون درسی، برنامه ریزی برای حفظ قوت علمی عمومی حوزه، طراحی برای کرسی های نظریه پردازی و نقد، ارتقای انجمن های علمی حوزه، متناسب سازی خروجی حوزه با نیازهای نظام و جهان اسلام و تهیه برنامه و الزامات برای دستیابی به چنین خروجی هایی، توانمند سازی و روز آمدی حوزه در قلمرو تولید علوم انسانی اسلامی، بهره گیری صحیح از روش های علمی و فناوری های نوین و آمایش سرزمینی و در یک کلمه تدوین بیانیه مأموریت و چشم انداز آینده حوزه و الزامات آن، الزاماتی است که به تلاش و بهره گیری از همه توان و امکانات حوزه و نهادهای پژوهشی و آموزشی موجود در حوزه نیازمنداست.



وقتی یک مسئول رده بالای دولت می گوید ما مأمور نیستیم مردم را به زور به بهشت ببریم جای نگرانی نیست؟ مگر در اسلام حدود و دیات از مسلمات فقهی نیست که به وسیله آن به زور جلوی برخی منکرات گرفته می شود و مردم را وادار به رعایت هنجارها و رفتن به بهشت می کند؟ این دولت، در زمینه مسائل فرهنگی، دچار همان خبطی شده است که دولت احمدی نژاد در سالهای آخر خود شد؛ منتها احمدی نژاد در پایان دولت خود و اینان در آغاز دولت.

ما در عرصه های مختلف نیازمند سیاستگذاری، تعیین خط مشی و تهیه برنامه های تحولی با حفظ اصالت های حوزه هستیم تا حوزه بتواند پاسخگوی نیازهای جهان اسلام، بلکه جهان بشریت باشد.

رویکرد حکومتی به فقه از طهارت و دیات و نیز به سایر علوم اسلامی و تربیت نیروهای مورد نیاز و پژوهش های ضروری برای نظام، امری جدی در تحول در حوزه است؛ علاوه بر آن، رویکرد بین المللی و توجه به نیازهای جهان بویژه جهان اسلام و آینده نگری و آینده پژوهشی در بیانیه مأموریت روحانیت، آشنایی حوزه با آنچه در جامعه علمی جهان می گذرد در قلمرو روشها، مبانی و مسائل متناظر با علوم حوزوی و ارتباط وثیق و مداوم با مجامع علمی جهان و حضور علمی مقتدرانه حوزه در مجامع علمی جهان اسلام و ادیان دیگر، نکته دیگری است که به جد باید مورد توجه سیاستگزاران و برنامه ریزان حوزه باشد که طبعاً الزامات متنوع خود را دارند.

نکته دیگر این است که این تحول ها باید بصورت اتحادی باشد و نه انضمامی؛ آنگونه که هم اکنون در برخی موارد در جریان است. یعنی حوزه همان جریان سنتی خود را می پیماید و در کنار آن بخشی و سازمانی و یا در موضوعی خاص این بایسته های تحول مورد توجه و اقدام قرار می گیرد؛ آن هم گاه توسط نهاد هایی که به هیچ وجه صلاحیت های لازم برای انجام چنین اموری را ندارند.

با حفظ اصالتها و سنت های حسنه قبلی و متکی به میراث علمی و روشی، خط مشی های صحیح گذشته، تحول باید کل حوزه را در برگیرد و این روح در کل کالبد حوزه دمیده شود. چنین تحولی به هیچ وجه به معنای از دست دادن اصالت های پیشین نیست؛ آنگونه که برخی چنین تصور می کنند و برخی انجام تحولی که ملازم با از دست دادن اصالت هاست را مد نظر دارند. بنده معتقدم جنبه ها و مؤلفه های بسیار ارزشمند و متقن به لحاظ مبانی و روشی در حوزه وجود داشته و دارد که برتر از آنچه در غیر حوزه در داخل و خارج و در جهان اسلام و غیر اسلام است می باشد. این موارد نه تنها نباید فدای تحول در حوزه شود، بلکه باید تقویت هم بشود و نگران تضعیف آنها باشیم؛ ولی تحول به صورت اتحادی قابل جمع با این اصالت ها است.

◆ ۹دی: به عنوان آخرین سؤال می خواستیم بپرسیم شما علت نگرانی های فرهنگی مقام معظم رهبری را چه می دانید؟ چرا علماء و مراجع مانند سال های ۸۴-۸۲، از سیاست هن ای فرهنگی دولت ناراضی و نگران هستند؟

پاسخ: پاسخ این سوال نیازمند فرصت بیشتر و تحلیل و واکاوی حرکتها و جریانات و شرایط یک ساله اخیر است. بنده فقط اشاره ای به برخی از موارد می کنم و از اینکه این موارد چه زمینه های فکری و چه پیامدهایی دارد و متکی به چه برنامه ریزی هایی است و نقش دشمنان نظام و بهره برداری های آنان از اینها چیست جریان‌های سیاسی در این زمینه چه نقشی را بازی می‌کنند و چه اهداف نادرستی را در نظر دارند می پردازم. این نگرانی هم خاص مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیست. مراجع عظام، جامعه مدرسین و خبرگان رهبری، همه اعلام نگرانی کردند.

وقتی برخی مسئولان رده بالای دولت از برداشتن فیلترینگ، افزایش پهنای باند، بی اشکال بودن آزادی ماهواره و عدم ضرورت ممیزی کتاب سخن می گویند، اندک آشنایی با این مقولات و اهدافی که دشمنان از این طریق دنبال می کنند و ضربه هایی که از همین مسیر به نظام ما زده اند، کافی است تا بدانیم این موارد به معنای زمینه سازی برای رخنه فرهنگی است؛ به معنای برداشتن موانع از پیش روی دشمن است؛ به معنای نشان دادن چراغ سبز به دشمن – ولو به صورت ناآگاهانه– است، که از این طریق راه برای شما باز می‌شود.

وقتی دولت به جای اینکه با تمام توان وارد عرصه تقویت و ترویج فرهنگ اسلام و انقلاب شود، اعلام می کند که از دولت توقع نداشته باشید؛ سازمانهای دیگر مسئولیت دارند؛ نظیر آنچه رئیس دولت سازندگی در دوران خود و دولت اصلاحات در دوران خود گفتند و عوارض و آسیب های آن سر به فلک کشید و سالها باید با آن مقابله کرد تا به حال اول برگردیم، تا جایی که دشمنان ما گفتند ما خیالمان از خطر انقلاب اسلامی برای ما راحت شد و دیدیم که وزیر ارشاد وقت پیشنهاد حذف واژه «اسلامی» را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داد و بعد هم خارج نشین و همنوا با دشمنان نظام شد.آیا نباید نگرانی فرهنگی داشت؟

وقتی یک مسئول رده بالای دولت می گوید ما مأمور نیستیم مردم را به زور به بهشت ببریم – هرچند ناخودآگاه معارف و احکام مسلم اسلامی را نادیده می گیرد– جای نگرانی نیست؟

آیا این تفکر در تعارض با مسئله امر به معروف و نهی از منکر – که همه فقهای اسلام مراحل آن را تا مرحله جنگ و جان دادن و جان گرفتن هم می دانند و امام حسین(ع) هدف نهضت خود و این همه مصیبت را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند– نیست؟

مگر در اسلام حدود و دیات از مسلمات فقهی نیست که به وسیله آن به زور جلوی برخی منکرات گرفته می شود و مردم را وادار به رعایت هنجارها و رفتن به بهشت می کند؟

وقتی یک مسئول چنین سخنی می گوید که چنین لوازمی دارد، جای نگرانی نیست؟ این فضا کار را به جایی می رساند که یک عمامه به سر در حوزه هم به دفاع از بهائیان مزدور می افتد! بهائیانی که اصل مکتب آنها ساخته استعمار برای ضربه زدن به اسلام است و سابقه آنها خیانت به ملت ما، قبل و بعد از انقلاب و خیانت به نظام و کمک رسانی به صهیونیست ها بوده است.

» ادامه در صفحه بعد

۹دی
هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی
اندیشه
شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳/ ۲۳ شعبان ۱۴۳۵/ شماره صدوپنجاه و یکم
21 June 2014 , Vol 4 , No 151

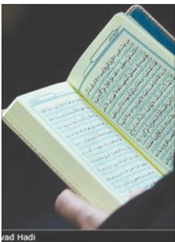
خبر اندیشه

دکتر رضا داوری اردکانی: فیلسوف به سیاست فکر می کند



دکتـر رضـا داوری اردکانـی در آئیـن رونمایـی از کتـاب «الموسـیقی الکبیـر» فارابـی بـا ترجمـه مرحـوم مهـدی برکشـلی کـه سـه شـنبه گذشـته برگـزار شـد گفـت: فارابـی مـرد بزرگـی بـود کـه بنـده بیـش از پنجـاه سـال پیـش مدعـی بـودم، او مؤسـس فلسـفه اسـلامی اسـت و تأکیـد ویـژه بـر سیاسـت داشـت. رئیـس فرهنگسـتان علـوم اظهـار داشـت در آثـار اخـلاف فارابـی سیاسـت کمرنـگ شـده و برخـی موافـق ایـن نیسـتند، ولـی مطالعـه مـن اینگونـه اسـت کـه سیاسـت در فلسـفه اسـلامی بـه بیـان آمـده اسـت.

فراخوان آثار برتر میان رشته‌ای قرآن کریم



سازمان فعالیتهای قرآنی دانشگاهیان کشور، فراخوان آثار برتر میان رشته ای قرآن کریم را اعلام کرده است. در این فراخوان از تمامی آثاری که در قالب کتاب، پایان نامه، رساله و نشریه در موضوعات: قرآن و سیاست، قرآن و حقوق، قرآن و اقتصاد، قرآن و مدیریت، قرآن و هنر، قرآن و علوم اجتماعی، قرآن و علوم تربیتی، قرآن و علوم طبیعی، تحول علوم اسلامی و همچنین تمامی آثاری که درباره علوم مختلف با محوریت دین مبین اسلام نوشته شده است، دعوت به عمل آمده است. علاقه مندان تا ۵ تیرماه فرصت دارند تا آثار خود را به دبیرخانه دریافت آثار به نشانی، تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵، ارسال نمایند.

جدیدترین شماره فصلنامه مدیریت در اسلام



جدیدترین شماره فصلنامه تخصصی «مدیریت در اسـلام» از سوی بنیاد فقهی مدیریت اسلامی منتشـر شـد. برخـی عناوین مقـالات ایـن شـماره از این قرارند: «برنامه‌ریزی»، «کنترل و نظارت»، «سازماندهی»، «دکترین، خط مشـی عمومـی، آینده‌پژوهی و اسـتراتژی در مدیریت اسـلامی»، «عزل و انفصال»، «اعتمادسـازی در سـازمان»، «تسـاهل و تسامح در سـازمان»، «فرهنگ امـر به معـروف و نهـی از منکـر در سـازمان»، «فرهنگ مطلوب سـازمانی»، «شیوه‌های تبدیل فرهنگ موجود به فرهنـگ مطلوب»، «اصـول و مبانی هماهنگی در مدیریت اسـلامی»

بایدها و نبایدهای اسلامی سازی علوم انسانی از دیدگاه علّامه مصباح (بخش پایانی)

نقد کنید آثار یکدیگر را، علم شکوفاتر می شود

حجت الاسلام علی مصباح*
محمدعلی محیطی اردکان*

مقدمه

در بخـش اول این مقاله که در شماره قبل به چاپ رسید، ضمن تعریف علوم انسانی اسلامی، ضعف های علوم انسـانی موجود و ۵ دلیل ضرورت اسلامی سازی علوم انسانی از دیدگاه آیت الله مصباح تبیین شد و در پایان ضعف هـا و موانع پژوهش در قلمرو علوم انسانی دینی بیان و راهکارهایی نیز ارائه شد. آنچه در پی می آید، بخش دوم و پایانی این مقاله است.



راهکارهای اسلامی سازی علوم انسانی

در این بخش می کوشـیم راهکارهای تحول در علوم انسـانی و تقویتِ علوم انسانی اسـلامی را از دیدگاه علّامه مصباح تبیین کنیم. به نظر می رسد مهم ترین راهکاری را که می توان از اندیشه های علّامه مصباح برداشـت کرد این اسـت که باید با اسـتفاده از منابع اختصاصی دین به ارزیابی علوم انسـانی رایج پرداخت و در مقام بررسـی مسائلِ علوم انسانی به مبانیِ اصیلِ دینی (به ویژه در بُعد ارزشِ ها) توجه ویژه کرد. با اینِ روش می توان علوم انسـانی را بر پایه ای اسـتوار و مبتنی بر آموزه های اسلامی بنا کرد. برای دستیابی به چنین هدفی باید به برخی نکات توجه کرد:

۱. آشنایی با علوم انسانی رایج در دنیا

هرچند در کشور ما پس از انقلاب، فعالیت های خوبی در زمینه علوم انسـانی انجام شـده است، ولی در این قلمـرو ضعف های جدی وجـود دارد که باید برطرف شوند. یکی از این ضعف ها عدم آشنایی کافی با نظریه های گوناگون در علوم انسـانی است که در دنیا رواج دارند. ابراهیم فیاض می گوید: «کسی را در ایران نمی شناسم که وبر، مارکس یا پوپر را فهمیده باشد. بیشتر این حرف ها شـعر و شعار اسـت...[زیرا] محال است کسـی چیزی را بفهمد و بعد نتواند درباره آن نوآوری کند.»(۴۵)

آشـنایی کافی با این دسته از علوم، گامی بزرگ برای فهم صحیح و پس از آن، ارزیابی و نقد آنها و یا استفاده از نظریه های صحیح است.(۴۶) حوزه و دانشگاه باید اجازه مطرح شدن مسائل مخالف تفکر اسلامی را نیز بدهند تا بتوانند زمینه را برای آشنایی، فهم، و سپس نقد آنها آماده سازند.(۴۷) البته این کار حساس را باید با در نظر گرفتن برخی شرایط انجام داد:

الف) دانش پژوهان مسلمان باید به لحاظ مبانی فکری اسـلامی به جایی رسیده باشـند که راه حق و باطل برایشان روشن باشـد. بنابراین نخست باید با اندیشه های اسلامی آشنایی کامل بیابند تا مبادا اندیشه های مخرب غربی بر ذهن آنها تأثیر بگذارد.(۴۸)

ب) باید با در مقابل هم قرار دادن و مقایسـه صحیح و منطقی اندیشـه های اسلامی و غربی، برتری مبانی فکری اسلامی روشن شود تا از این طریق، هم بطلان عقیده غیراسـلامی روشن شـود و هم اندیشه های اسلامی به اثبات برسند.(۴۹)

ج) باید مبدأ و مقصد هر علمی با تدوین فلسـفه شاخه های گوناگون علوم و با توجه به معیارهای اسـلامی ومحتوای کتاب وسنت روشن شوندوبه دانش پژوهان آموزش داده شوند.(۵۰)

۲. توجه به همه نظریه های موجود در علوم انسانی

شـنیدن همه نظرها و برگزیدن بهترین آنها شـیوه ای اسـت که رعایتش بنا به دسـتور قرآن کریم و بر اسـاس موازین عقلی لازم اسـت. خداوند سبحان در وصف خردمندان می فرماید: «الَّذِينَ يَسْـتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَـنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُـوا الأَلْبَابِ.» (زمر: ۱۸) هرکس می خواهد در علوم انسانی، پژوهشـی بی طرفانه و بدون هیچ وابستگی فکری داشـته باشد، باید از همه نظریه های مطرح در این علوم آگاهی داشـته باشد تا بتواند هنگام مقایسه، بهترین آنهـا را برگزیند و یا اگر می خواهد آنها را نقد کنـد، پس از فهم کامل همه نظریـه ها چنین کاری را انجام دهد. آگاهی جامـع از نظریات دین در زمینه علوم انسانی از این جهت اهمیت دارد که ممکن است دین، نظریه ای را مطرح کرده باشد که دیگران به آن نرسیده اند و یا ممکن است دین نظریه هایی را اعلام کند که علم پس از مدت ها بتواند در آینده اثبات کننده آنها باشـد. بنابراین محقق باید در مقام تحقیق، همه نظریه های مطرح و حتی احتمالی را در نظر بگیرد.

۳. تقویت دروس دینی

آشنایی با علوم انسانی رایج در صورتی می تواند برای ما سودمند باشـد که با اسـتفاده از آموزه های دینی صحیح و حق ارزیابی شـوند؛ اما این امر مهم با روش های تحقیق و مطالعـات دینی امروز به خوبی تحقق نمی یابد. بنابراین بایـد در دروس دینی و حوزوی به لحاظ روش تحقیق بـه گونه ای تغییر و تحول ایجاد شـود که در کوتاه ترین زمان ممکن به بهترین نتیجه برسیم.(۵۱)

۴. فهـم درسـت منابـع دینـی و عبرت گیـری از اقدام هـای صـورت گرفتـه در زمینـه علـم دینی در اسـلام وغرب(۵۲)

بایـد آیـات و روایـت هـا را درسـت بفهمیم تـا گرفتار التقـاط نشـویم. مشـکلی کـه در سـال هـای آغازیـن انقـلاب رواج داشـت ایـن بـود کـه برخـی، مطالبی را از فلسـفه هایی مانند فلسـفه مارکسیسم و ماتریالیسم مـی گرفتنـد و بـا ضمیمـه کـردن چنـد آیـه و روایت، آنهـا را بـه اصطلاح اسـلامی می کردند. چنین سـهل انـگاری هایـی موجـب بسـیاری از انحـراف ها شـد و ضربـه هایـی نیز بـه اسـلام و انقـلاب اسـلامی وارد کـرد. مشـکل کار آنهـا عدم فهـم درسـت منابع دینی بـود. بنابرایـن فهـم درسـت متن قـرآن هماننـد فهم درسـت دلالت روایـت های معصومان علیهم السـلام اهمیـت دارد؛ زیـرا فهـم منابع دینی به معنای کشـف حجتـی از حجـت های پروردگار اسـت. ایـن گونه می تـوان از شکسـت هـای دیـنِ درسـت فهـم نشـده یا تحریـف شـده در مقابـل علـم درس گرفـت.

همـان گونه کـه در اسـتنباط یک حکـم فرعی فقهی در سـند و متـن روایـت هـا دقـت بسـیار می شـود تا مبـادا حکمـی به اشـتباه به خداوند نسـبت داده شـود، باید همین دقت را در اسـتنباط علوم انسـانی اسـلامی از روایـت هـا بـه کار بسـت. آیـا مـی تـوان بـا روایت هایـی ضعیـف (بـه لحـاظ سـند یـا دلالـت) در مقابل نظریـه هایـی ایسـتاد کـه صدهـا سـال در دانشـگاه هـای غرب مطـرح بـوده اند؟ بـی تردید پاسـخ منفی اسـت و عـلاوه بـر این، هیـچ گاه چنیـن کاری کمک بـه علـوم انسـانی نیسـت.(۵۳) همـان گونـه کـه برای روایـت هـای زراره، ابوخالـد کابلـی، ابوهریره و... سـند و متـن روایـت را بررسـی مـی کنیـم، باید بـا مراجعه به نسـخه هـای مختلف و دیگـر راهکارهای بررسـی روایـت هـا، در آنهـا بـه انـدازه کافـی دقـت کنیـم و حکـم درسـت را از آنهـا بـه دسـت آوریم.

هرچند ما در شـرایطی از تاریخ معرفت شناسـی قرار داریم کـه هم در زمینه علوم نظـری و هم در زمینه علوم عملی مبانی محکمی داریم، باید در علوم عملی بیشتر کار کنیم تا مبانی معرفت شناختی در این علوم اسـتوارتر شوند و از این طریق راه برای پاسخ گویی به همه شبهات باز شود. تنها با پیمودن همین راه است که می توان از توهم بازگشت علوم عملی به امور اعتباری و قراردادی نجات یافت.(۵۴)

۵. توجه به افکار بزرگان(۵۵)

بسـیاری از علما در زمینه علوم دینی، به گونه شـبانه روزی پژوهش کرده اند و با دغدغه فهم و ترویج دین، به بررسی آیات و روایت ها مشغول بوده اند. بنابراین در مقام تحقیق باید از اندیشه های آن اندیشمندان نیز در راستای پیشرفت اهداف اسلامی استفاده کرد و نتیجه تحقیق های ایشـان را به مثابه مقدمه هایی سودمند برای نتیجه گیری های بیشتر و دقیق تر به کار گرفت. هرچند ممکن است چیزی به ذهن کسی برسد که در ذهن اندیشمندان پیشین نبوده است، همواره باید این احتمال داده شـود که این نظریه را دیگران نیز مطرح کـرده اند و یا در ذهن داشـته اند، ولی به خاطر وجود اشکال ها و یا ابهام هایی، کنار گذاشته شده است. دقت علمـا در آیات و روایت ها مثال زدنی اسـت. با توجه به وجود بطون، تأویـل ها و لایه های معنایی ظریف و گوناگون ممکن اسـت در چارچـوب معین (صراط مستقیم اسـلام) تفسـیرهای مختلف و درعین حال صحیح در جای خود از یک آیه یا روایت بشـود. گاهی نیز بعضی از لایه های معنایی یک واژه (مانند عبادت) به جایی می رسـد که برخی نمی توانند حقیقت آن را درک کنند. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که: «إن للقرآن ظهرا وبطنا ولبطنه بطن إلى سبعة أبطن»(۵۶)

۶. مبنا قرار دادن مباحث انسان شناسی در همه شاخه های علوم انسانی

یکی از ضعف های آموزش علوم انسـانی در دانشگاه های جهان این بوده اسـت که علوم انسانی به صورت اندام های مثله شـده درآمده اند و شاخه های مختلف این علـوم با هم پیوندی ژرف ندارند. به همین دلیل اسـت که برای نمونه کارشناس علم اقتصاد نیازی بـه علم اخلاق نمی بیند.(۵۷) آنچه می تواند این ضعـف را برطـرف کند، مطرح کردن مباحث انسـان شناسـی در همه شاخه های علوم انسـانی است. با این کار هدف علوم انسانی روشن می شـود و پـس از آن می توان انتظارهـای خـود را از علوم انسانی مشـخص کرد. برای نمونه تا ندانیم ماهیت انسـان چیست، نمی توانیم این مسئله را روشـن کنیم که آیا اقتصاد زیربناست یا روبنا و آیا مسائل دیگر زاییـده اقتصادند یا خیر. ویژگی این کار این اسـت که حتی در مکاتب غیراسلامی و یا ضداسلامی نیز کاربرد دارد و باید انجام شود.(۵۸)

برای نمونه می توان توجه به مباحث انسـان شناسی در رشـته مدیریت را به این دلیل ضرور دانسـت که با شـناخت ابعاد وجودی انسان، کیفیت انگیزش او، و ارزش های حاکم بر وجود او می توان انگیزه کار را در او تقویت کرد. مثلاً می توان این نکته را بررسید که با اجرای چه شیوه ای می شود در افراد نیرویی ایجاد کرد که مسـئولیت خود را به بهترین شکل ممکن و بدون نیاز به کنترل کننده خارجی انجام دهند، تا از این راه از هزینه ها کاسته شود و نیروها برای بخش های تولیدی و خدمات آزاد شوند.(۵۹)

مورن از جامعه شناسـان فرانسه نیز به تکه تکه بودن دانش کنونی اعتـراف می کند و با نگاهی کلی معتقد اسـت در صورتی می توان به پرسـش های بنیادی بشر پاسـخ داد که میان علوم دقیقه، زیستی و انسانی ارتباط برقرار شـود؛ وگرنه نمی تـوان انتظار بازتاب صحیح واقعیت را از علم داشـت و چه بسـا این گونه علوم، واقعیت را به صورت واژگون بازتاب دهند. مورن برای حل این مشکل، تقویت مطالعات میان رشته ای وفرارشته ای را پیشنهاد می کند.(۶۰)

۷. نظریه پردازی در زمینه علوم انسانی

تفکر التقاطی مشـکل هایی مانند ناسـازگاری علم و دیـن را به ارمغان می آورد و بـرای ایمن ماندن از چنین پیامدهای منفـی ای باید نظریه هایی جدید در علوم انسـانی مطرح کنیم که هم مبتنی بر تخصص مطرح شده باشـند و هم با آموزه های دینی ناسازگار نباشند؛ وگرنه یا باید آن دسته از نظریه هارا که با دین ناسازگارند کنار بگذاریم و یا باید دست از دین برداریم.(۶۱)

۸.گسترش و توسعه مناظره ها و میزگردهای علمی(۶۲)

شایسته است استادان و دانشـجویان علوم انسانی به صورت فردی یا جمعی با یکدیگر ارتباط علمی داشته باشند و حتی بـا یکدیگر مباحثـه، مناظره و تبادل علمی کننـد و چه خوب است پیش از انتشار آثار علمی، از دیدگاه های انتقادی یکدیگر نیز بهره مند شـوند. اسـتادان حوزه و دانشـگاه نـه تنها نباید نسـبت به ارزیابی انتقادی آثار خویش ناراضی و یـا حتی بی میل باشـند، باید این کار را در راستای پیشـرفت علمی خود و شکوفایی بیشتر علم بدانند و از آن اسـتقبال کنند؛ کاری که در سـال های اخیر و بـه ویژه در حوزه علمیه در حال اجراست و بارقـه های امید را در دل دانش پژوهان ایجاد کرده اسـت. این همکاری علمی می تواند خود را در پرسش و پاسخ های دقیق و واقع بینانه دانشجویان و اسـتادان، در کلاس و یا حتی بیرون از کلاس نشان دهد. برخی برای برآورده شـدن این کار بزرگ، روش هایی مانند کاستن شـمار دانشجویان در یک کلاس و بالا بردن کیفیت پرسـش ها و پاسخ ها با دعوت از استادان وظیفه شـناس دارای وقت کافی و توانمندی های بالای علمی و اخلاقی را پیشنهاد می کنند.(۶۳)

> **شایسته است استادان و دانشجویان علوم انسانی به صورت فردی یا جمعی با یکدیگر ارتباط علمی داشته باشند و حتی با یکدیگر مباحثه، مناظره و تبادل علمی کنند و چه خوب است پیش از انتشار آثار علمی، از دیدگاه های انتقادی یکدیگر نیز بهره مند شوند. استادان حوزه و دانشگاه نه تنها نباید نسبت به ارزیابی انتقادی آثار خویش ناراضی و یا حتی بی میل باشند، باید این کار را در راستای پیشرفت علمی خود و شکوفایی بیشتر علم بدانند و از آن استقبال کنند.**

۹. بازنگری در مواد درسـی حوزه ها و دایر شدن رشته های تخصصی

این بازنگری باید به گونه ای باشـد که نیازهای روز را برطرف کند.(۶۴)

۱۰. اولویت بندی علوم(۶۵)

علومی مانند معرفت شناسـی و انسان شناسی و دیگر بحث هایی را که زیرمجموعه فلسفه اند می توان خط مقدم بحث تحول دانسـت و بـا توجه به تأثیر عمیق مباحث بنیادی در علوم کاربردی، این علوم را باید پیش از روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و... بررسـی و متحول کرد. علّامه مصباح در این زمینه می گوید:

«تحول در علوم، بخصوص علوم انسـانی، ایجاب می کند که در مرحله اول حوزه معرفت شناسـی را تقویت کنیم؛ راه های صحیح کشـف واقعیت را اثبات کنیم و به این نتیجه برسیم که غیر از ادراکات حسی راه های دیگری نیز برای شناخت واقعیت وجود دارد که چه بسا اعتبارشـان خیلی بیش از ادراکات حسی باشد. بعد از حل مسائل معرفت شناسی باید وارد حوزه متافیزیک و هستی شناسـی شویم و اصولی عقلی را که در فلسفه اعتبار دارد و مورد احتیاج علوم است ـ مثل اصل علیت و مسائل مربوط به آن ـ تبیین و اثبات کنیم. در مرحله بعد باید وارد حوزه انسان شناسی شویم و حقیقت انسان را شناسـایی کنیم. این سه رشـته علمی به ترتیب بر تحقیق در علوم انسانی تقدم دارند.»(۶۶)

۱۱. تبیین ضرورت تحول در علوم انسانی

تبییـن اهمیت و ضرورت بحث هایی مانند اسـلامی سـازی علوم جهت تقویت انگیزه اسـتادان و دانش پژوهانـی که قصد دارند در این زمینه تحقیق کنند نیز از راهکارهای سودمند در راستای اسلامی سازی علوم انسـانی است. در این صورت اسـت که استاد نه فقط برای تربیت استادهایی ـ کارآمد یا ناکارآمد ـ مانند خود گام برمی دارد تا آنها نیز خود در فرایندی پایان ناپذیر به این کار مشغول شوند، بلکه برای تربیت محقق هایی اعلام آمادگی می کند که هر کدام به بررسـی و حل مشکلات علمی و یا عملی در جامعه بپردازند.(۶۷)

۱۲. جهت دار کردن پژوهش ها در راسـتای اسلامی سازی علوم(۶۸)

جهـت دار کـردن پژوهش های مراکز آموزشـی در راسـتای اسلامی سـازی علوم از طریق ارائه موضوع های مناسب به دانش پژوهان کارشناسی ارشد و دکترا بـرای نگارش مقاله ها و پایان نامه ها نیز می تواند در راستای تحول در علوم انسانی درخور توجه باشد.

شرایط اسلامی سازی علوم انسانی

در پایان شایسته است به برخی شرایط لازم و عام برای اسلامی سازی علوم انسـانی از دیدگاه علّامه مصباح اشاره کنیم. از دیدگاه ایشان، اموری را می توان به مثابه اجزای علت تامه رسـیدن به سـعادت از راه فراگیری علوم دینی برشمرد: (۶۹)

الف) استفاده از منبع و روش صحیح

اگر کسـی در مقام تحقیق در علوم اسلامی از منابع و شـیوه های ناصحیح استفاده کند، به نتیجه صحیح و موردنظر اسـلام نمی رسد و در این صورت نمی تواند به سـعادت دسـت یابد. برای نمونه در فلسفه باید به وجود خداوند برسـیم و برخی صفات او را اثبات کنیم، وگرنه علم ما مطابق واقع نخواهد بود. شاهد این سخن، کلام امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام است که فرمودند: «إِنَّ النَّاسَ آلُوا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى ثَلَاثَةٍ: آلُوا إِلَى عَالِمٍ عَلَى هُدًى مِنَ اللَّهِ قَدْ أَغْنَاهُ اللَّهُ بِمَـا عَلِمَ عَنْ عِلْمِ غَيْرِهِ، وَ جَاهِلٍ مُدَّعٍ لِلْعِلْمِ لَا عِلْمَ لَهُ مُعْجَبٍ بِمَا عِنْدَهُ قَدْ فَتَنَتْهُ الدُّنْيَا وَ فَتَنَ غَيْرَهُ، وَ مُتَعَلِّمٍ مِنْ عَالِمٍ عَلَى سَبِيلِ هُدًى مِنَ اللَّهِ وَ نَجَاةٍ، ثُمَّ هَلَكَ مَنِ ادَّعَى وَ خَابَ مَنِ افْتَرَى»(۷۰)

ب) تزکیه و خودسازی

آنچه موجب می شـود دانشـمند، علمی را که از منبع و روش صحیح به دسـت آورده اسـت بدون تحریف در اختیار دیگران قرار دهد، تزکیه و خودسـازی است. در نظـر گرفتن انگیزه های دنیوی، اعم از مقام، ثروت و... در انتقال علوم، از آسـیب های جدی ای هسـتند که انسـان را از رسیدن به سعادت بازمی دارند. خداوند سـبحان در قرآن کریم از دانشمندان بنی اسرائیل یاد می کند که عمدا دسـت به تحریف حقایق می زدند: «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَـذَا مِنْ عِندِ اللّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ.»(بقره: ۷۹)

ج) تلاش، اخلاص، و حاضر دانسـتن خـدا در همه عرصه ها

در اوضاع کنونی، نباید از هیچ گونه تلاشـی فروگذار کرد. اسلامی سازی علوم انسـانی همتی دوچندان و تلاشی بی وقفه از سوی اندیشمندانی متعهد و مخلص می طلبد. تقویت بینش توحیدی در این مسـیر بسیار راهگشاست. همان خداوندی که جوانان غیور و مخلص ایران اسـلامی را در هشت سـال دفاع مقدس یاری کرد، مددکار اندیشـمندان در فرایند اسـلامی سازی علوم خواهد بود؛ اما تلاش اخلاص و ایمان حقیقی به خداوند شرطی لازم است.(۷۱)

نتیجه گیری

علّامه مصباح معتقد است از آنجاکه علوم انسانی رایج با انسان سروکار دارند و بر مبانی اومانیستی و غیرصحیح بنا شده اند، آثار شوم خود را بر افکار و اعمال انسان ها به جای گذارده اند. برای رهایی از تهدیدها و خطرهای جدی این علـوم غیردینی و برای ایجاد تحول در این علوم، باید از سویی در مبانی آنها بر اساس آموزه های اسلامی بازنگری کرد و از سوی دیگر با بهره گیری از روش صحیح، احکام و ارزش های اسـلامی را در آنها مدنظر قرار داد. روشن است که چنین کاری با استفاده از روشِ درست تحقیق در زمینه علوم انسانی به انجام می رسِد. از این رو با توجه به ابعادِ غیرمادی انسان، باید روش های دیگری را نیز در کنار روش تجربی در نظر گرفت و بسته به نوعِ بحث، به پژوهش در علوم انسانی پرداخت. اینجاست که عقل و وحی جایگاه واقعی خود را در علـوم خواهند یافت و علـم از یک جانبه نگری رهایی می یابد.

بـه اعتقـاد علّامـه مصبـاح، در مسیر تحـول در علوم انسـانی موانع بسیاری از جمله عدم استفاده از روش متناسـب بـا موضـوع تحقیق، اسـتناد بـه روایت های ضعیـف یـا مشـکوک، سـازگار نبـودن رشـته هـای علمی در دانشـگاه هـا بـا اهـداف اسـلامی، علمـی کـردن دیـن، رواج اصطـلاح پوزیتیویسـتی علـم، و فقـر علمـی در زمینـه شـناخت دیـن (عـدم آشـنایی دانشـجویان و برخـی اسـتادان دانشـگاه بـا مبانـی اندیشـه هـای اسـلامی، اسـلامی نبودن برخـی مطالب مطـرح در کتـاب هـای درسـی، منتشـر شـدن نشـریه هـا بـا محتـوای غیراسـلامی در کشـور) وجـود دارند کـه بایـد برطـرف شـوند. وی آشـنایی دقیق بـا علوم انسـانی غربـی و توجـه بـه همـه نظریـه هـای مطرح در آن قلمـرو، تقویـت دروس دینـی و آگاهـی کامـل از مبانـی دینـی، فهم درسـت آیـات و روایـات، دمیدن روح دیـن در علـوم انسـانی بـا تحـول در مبانـی آنها، تشـکیل دادن کرسـی هـای نظریـه پـردازی و نقـد تخصصـی در زمینـه علوم انسـانی اسـلامی، بازنگری در کتـاب های درسـی حوزه و دانشـگاه، اولویت بندی علـوم، و تبییـن ضـرورت تحول در علوم انسانی را در راسـتای اسـلامی سـازی علوم انسانی پیشـنهاد می دهـد و معتقـد اسـت کـه در ایـن مسـیر نبایـد از هیچ تلاشـی فروگـذار کـرد. اسـلام، از آن جهـت که دینی کامـل و جامـع اسـت و برای همه عرصـه های زندگی (از جملـه عرصه های علوم انسـانی) برنامـه دارد، باید با نگرشـی ژرف بررسـی شـود تا از این طریق، اصول و مبانـی علـوم انسـانی گوناگـون اسـتخراج شـوند و تحولـی بـزرگ در عرصـه جهانـی علم رخ دهـد. این امـر مهـم از دیـدگاه علّامه مصبـاح عـلاوه بر تلاش و همتـی دوچنـدان، نیازمنـد اسـتفاده از منبـع و روش صحیـح، تزکیـه و خودسـازی، بصیـرت داشـتن، در نظـر گرفتـن اولویت هـای زمـان، اخـلاص، و حاضر دانسـتن خـدا در همـه عرصـه هاسـت.

تحقـق کامـل علوم انسـانی اسـلامی به زمان بسـیار طولانـی نیـاز دارد و نبایـد توقـع داشـته باشـیم که با برگـزاری چنـد همایـش، نـگارش چند کتـاب و پایان نامـه و دیگـر فعالیـت هایـی کـه البتـه سـودمندند، بسـیار زود بـه نتیجـه برسـیم. البته بـا توجـه بـه لزوم پویایـی این مسـیر، پیشـنهاد می شـود کسـانی که به گونـه ای در رونـد اسـلامی سـازی علوم مشـغول اند، راهکارهای پیشـنهادی مطرح شـده را بـا دقت اجرایی کننـد و صـرف نظـر از رویکردهایـی کـه در این بحث دارنـد، بـه پیشـنهادهای مطرح شـده در ایـن زمینه به دیـده مثبـت بنگرنـد و آنهـا را کوچـک نشـمارند؛ چه بسـا عمل به همین پیشـنهادها موجـب تحولی بزرگ در علوم انسـانی شـود.

* دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره
* دانش پژوه دکتری فلسـفه مؤسسـه آموزشـی و پژوهشی امام خمینی قدس سره

پی نوشت ها در دفتر نشریه موجود است

« ادامه از صفحه قبل

وقتی مسئول رده بالای دولتی، در مورد علوم انسانی که نوع غربی آن مبتنی بر مبانی سـکولار و احیاناً ضد دین است را اسلامی و غیر اسلامی نمی داند، در صورتی که مقام معظم رهبری این علوم را – به دلیل ترویج نسبیت گرایی معرفتی و مادی گرایی و...– نه تنها غیر مفید، بلکه مضر می دانند؛ آیا جای نگرانی نیست؟

وقتی مسئول رده بالای مملکتی تقسیم هنر به اسلامی و غیر اسلامی را بی وجه می داند و معتقد است هرچه به عنوان هنر مطرح است هنر است؛ و هنر، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و هر نوع هنری باید آزاد باشد؛ با اینکه می دانیم برخی از مصادیق هنر متعارف که کم هم نیستند در اسـلام حرام است و می دانیم که دشمنان در جنگ نرم از عنوان و مقوله هنر بیشترین سوء استفاده را کرده و می کنند، جای نگرانی نیست؟

وقتی تفکرات لیبرالیستی و سکولاریستی در سخنان و رفتار برخی مسئولین رده بالای دولتی مشاهده می شود، جای نگرانی نیست؟

وقتی در برابر اظهار نارضایتی مراجع، فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی، علماء و اساتید نسبت به اوضاع فرهنگی که با منطق و معیارهای اسلام و حضرت امام(ره) اوضاع فرهنگی را نابهنجار می دانند، اظهار نگرانی و نارضایتی می شود و مسئولان دولتی آن را توهم و معلول حب و بغض‌های شخصی و جناحی می دانند، جای نگرانی نیست؟

وقتـی بـا کسـی کـه اساسـی تریـن عنصـر و بنیـان فرهنـگ شـیعی و اهـل بیت (ع) یعنی غدیـر و ولایت را زیـر سـؤال می بـرد و رد می کند و بـه همه علمای شـیعه در طـول تاریخ اهانـت کـرده و آنـان را نـادان معرفـی مـی کند، برخـورد قانونـی آن هـم در حداقل صـورت مـی گیـرد ولـی مسـئولین رده اول دولـت بجـای تقدیـر از مجریـان قانـون (قـوه قضائیـه) لـب بـه گلایـه و اعتـراض مـی گشـایند؛ و یـا جریانی که حکـم قصـاص کـه از مسـلمات اسـلام اسـت را زیـر سـؤال مـی بـرد و مسـئله ای را تکرار می کنـد که در زمـان حضرت امـام(ره)، ایشـان در مورد آنـان و انکار حکـم قصـاص از سـوی آنـان فرمـود مرتد هسـتند و همسرانشـان بـه آنـان حـرام اسـت و اموالشـان بایـد مصـادره شـود، وقتی با چنیـن افرادی برخـورد قانونی حداقلـی مـی شـود ولـی مسـئولین رده اول دولتی باز هـم بـه مجریان قانـون اعتـراض و به‌نوعـی از مجرم حمایـت می کنند، آیـا جای نگرانی فرهنگی نیسـت؟

وقتی حقوق شـهروندی بگونه ای تنظیم می شود که دشـمنان این ملت و نظام و نوچه های استعمارگران و مدافعان صهیونیزم -یعنی بهائیان- شهروند و برخوردار از حقوق شهروندی می شوند، آیا جای نگرانی نیست؟

وقتی رئیس جمهور و وزرای ایشـان که مجری قانون هستند و قسم خورده اند که قانون را اجرا کنند در عمل، قانون فیلترینگ که مصوب نظام جمهوری اسلامی است را نادیده می گیرند و عضو فیس بوک می شوند و از آزادی ماهواره تلویحـاً یا تصریحاً دفاع می کنند، جای نگرانی نیست؟

وقتی برخی مشاوران رئیس جمهور که متأسفانه عمامه به سر هم هستند، هم صدا با دشمنان نظام از پایمال شدن حقوق اقلیت ها در سال های گذشته در نظام جمهوری اسلامی سـخن می گویند و به جای سخن از اسلام و انقلاب، سخن از شیر و خورشید شاهنشاهی و سلطنت و پادشـاهی و کورش می گویند، جای نگرانی فرهنگی نیست؟

وقتی برخی مسئولان دولتی از رهبری و نظام و موازین نظام سخن می گویند، ولی مواضع آنان بر خلاف مواضع رهبری و رفتارشان بر خلاف منویات و رهنمودهای ایشان در موارد متعددی است، آیا جای نگرانی نیست؟

بنـده از روی دلسوزی بـه این مسـئولان دولتی عرض مـی کنم کـه این دولت دچار همان خبطی شـده اسـت کـه دولـت احمدی نژاد در سالهای آخر خود شـد؛ منتها احمـدی نـژاد در پایـان دولـت خـود و اینـان در آغاز دولـت. امیـدوارم و از خـدا مـی خواهم کـه زودتر متوجه ایـن خبـط شـوند و جبران کننـد تا هم ملـت وهم نظام و هـم دولـت محترم از آسـیب هـای آن در امـان بماند.

۹دی: ممنون از وقتـی کـه در اختیـار مـا قـرار دادیـد.



هفته نامه خبری - تحلیلی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی



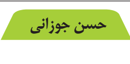
شنبه ۳۱ خرداد ۹۳ ■ ۲۳ شعبان ۱۴۳۵ ■ شماره صد و پنجاه و یکم ■ 21 June 2014 , Vol 4 , No۱۵۱ ■ ۱۶ صفحه ■ قیمت ۱۵۰۰ تومان

■ **صاحب امتیاز:** مؤسسه جریان شناسی تاریخ معاصر
■ **مدیر مسئول:** حمید رسایی
■ **سردبیر:** علیرضا معاف
■ **شـــورای سردبیری:** علی اصغر زارعی، قاسم روان بخش، محمدسعید ذاکری، حمید رسایی، علیرضا معاف
■ **با تشکر ویژه از:** آیت الله محمود رجبی، دکتر ناصر نعمتی
■ **دبیر تحریریه:** حسین نقی
■ **نویســـندگان:** دکتر شـــبیر فیروزیان، حســـین لطفی، جواد شـــادانلو، محمد صالح فرگاه، محمدرضا شهبازی، مسعود اکبری یگانه، علی رستگاری، امیرحسین ثابتی، مهدی خانعلی زاده

■ **تارنما:** www.۹day.ir
■ **رایانامه:** ۹day.ir@mihanmail.ir
■ **گرافیک و صفحه آرایی:** هفت آسمان
■ **نشانی:** تهران، خیابان ظهیرالاسلام، خیابان آزادیخواه، کوچه کاویانی، پلاک ۱۷، واحد۳
■ **تلفن و نمابر دفتر نشریه:** ۳۳۵۱۳۰۲۰
■ **امور مشترکین:** ۳۳۵۱۹۷۹۴
■ **شماره دریافت پیامک:** ۱۰۰۰۱۰۹
■ **چاپ:** جام‌جم
۹ دی مشتاقانه آماده دریافت نظرات و مقالات اساتید، صاحبنظران و نیروهای فکری رسانه‌ای جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است.

برگی دیگر از خاطرات هاشمی

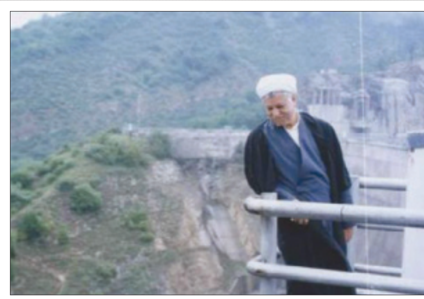
وقتی رفسنجانی در شایعه زلزله به سد لتیان پناه می برد



هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود در سال ۱۳۷۰ می نویسد: یکشنبه ۳۰ تیر ۱۳۷۰ - ۹ محرم ۱۴۱۲ (روز تاسوعا):

«یک نفر چینی پیش بینی کرده است که ساعت ۸ امروز زلزله‌ای به قدرت ۶/۸ ریشتر در تهران روی خواهد داد. آمدن ما به لتیان هم بی ارتباط با این نیست. گرچه خودم اصلا قبول ندارم فقط به خاطر بچه ها آمدم. با هلی کوپتر به سد لتیان آمدیم. هوای خوبی دارد. عصر همراه بچه ها خواستم اسکی روی آب یادبگیرم. کمی دنبال قایق کشیده شدم ؛ بدنم آمادگی برای چنین ورزشی ندارد. گرچه آسان است».

دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۷۰ - ۱۰ محرم ۱۴۱۲ (روز عاشورا):« امروز عاشورا است. تا ساعت هشت و نیم صبح خوابیدیم. روز را به «استراحت» و انجام کارهایی که با خودم به «لتیان» برده بودم ، گذراندم. نزدیک غروب به خانه برگشتم».



خلق و خوی اشرافیگری و حاکمیت تجمل گرایی را همه مردم در رفتارهای هاشمی رفسنجانی در طول سی و چند ساله اخیر لمس کرده اند. شاید هم یکی از عمده ترین دلایل «نه بزرگ» مردم به وی در سال ۸۴ و ۸۸ اثبات همین روحیه در وی و شناخت عمیق مردم از وی بود. وقتی خبری در رسانه ها می پیچد که ممکن است در تهران زلزله بیاید و رئیس جمهور که وظیفه اصلی اش حراست از مردم و اتخاذ تدابیر مناسب برای عدم رسیدن آسیب به آنان در مواضع مختلف است، به دنبال رهانیدن جان خود و خاندان اش از خطرات باشد، مشخص است که چه بلایی بر سر خلق الله می آید.

اما علاوه بر این چند نکته دیگر از چند خط خاطره نویسی رفسنجانی می توان برشمرد.

اولا : هاشمی رفسنجانی مدیری کاملا غیر همراه با مردم است. وقتی مردم مسلمان و مومن ایران اسلامی حتی ارمنی ها و زرتشتی های ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی در هیئات و مجالس سوگواری حسین بن علی(علیه السلام) به سر می برند و رئیس جمهور وقت(در سال ۷۰) به خوشگذرانی در منطقه تفریحی سد لتیان اوقات می گذراند این واقعیت به خوبی نمود می یابد. پر بیراه هم نیست که با چنین تربیتی در این خاندان، دختر این خانواده ۱۸ سال بعد دقیقا در چنین روزی به جای گذراندن وقت خود در محیطی تفریحی - همچون کیش یا سد لتیان- این بار ترجیح دهد همراه با بهایی ها ،جاسوسان ، اراذل و اوباش ، منافقین و سلطنت طلبان برای تحریک احساسات آنان وارد صحنه آشوب افکنی علیه هیئت های عزاداری شود.

ثانیا: وقتی برای سفر تفریحی و خوشگذرانی خانواده رئیس جمهور، هلیِ کوپتر اختصاصی با بودجه بیت المال در اختیار قرار می گیرد، احتمالا غُرق نمودن سواحل شمالی کشور یا کیش و جزایر خارجی برای این خاندان هم قابل فهم می شود. این در حالی است که روحیه رعایت رهبری انقلاب نسبت به اموال بیت المال ، ساده زیستی ایشان ، زندگی خانواده ایشان بر روی موکت ، رد کردن طرح ناطق نوری برای انتقال دفتر رهبری به شمال شهر و هزاران هزار نمونه دیگر علاوه بر تاکیدات ایشان به مسئولین در رعایت ساده زیستی و پرهیز از خوی اشرافی گری نشان می دهد که چه فاصله عمیقی میان تفکر انقلابی رهبری با تفکر رفسنجانی وجود دارد.

ثالثا: تفاوت رئیس جمهور با مردم عادی در دولت اسلامی آن است که رئیس دولت باید در صف مقدم فعالیت و تدبیر امور برای مردم باشد. به هنگام خطرات نیز رئیس دولت باید وسط صحنه حاضر بوده و از انتقال خطر به مردم جلوگیری نماید نه اینکه در زمان حادثه، جان خود و خانواده اش را عزیز تر از مردم دانسته و با هلی کوپتر اختصاصی به سد لتیان برود تا آسیبی به وی و خاندانش نرسد. این رویه البته در آقای رفسنجانی به عنوان یک خلق ثابت وجود دارد. چنانچه در ایام تبلیغات انتخاباتی سال ۸۴ ، پادوهای سیاسی وی برای توجیه فرتوتی و کم کاری اجرایی وی ادعا می کردند که رئیس جمهور نباید خودش بدود بلکه رئیس جمهور حتی باید استخر هم برود خوشگذرانی هم بکند اما همین که کارها را با سرپنجه تدبیر خود مدیریت کند کفایت می کند.

رابعا: هاشمی رفسنجانی و خانواده اش در طول هشت سال حاکمیت دولت احمدی نژاد ، وی را «خرافه گرا» ، «تحت تاثیر جادو و جنبل» «متوهم» و... لقب می دادند. صرفنظر از اینکه هر کدام از این عناوین در بُعد حقوقی اش حتی نسبت به یک فرد عادی جامعه نیز باید منجر به تعقیب کیفری شده و اگر به اثبات نرسد، حد شرعی باید بر اتهام زننده جاری شود، چرا آقای هاشمی رفسنجانیِ مخالف خرافه گرایی و خاندان فرهیخته وی با اندک شایعه ای از سویِ یک پیشگو و جادو گر چینی تحت تاثیر قرار گرفته و حاضر می شوند محل زندگی خود را تغییر داده و از ترس زلزله به نقطه ای امن و بی ساخت و ساز پناه ببرند؟ آیا این فرار هاشمی از تهران خرافه گرایی نبوده است؟

ادامه انتقادات علامه مصباح یزدی:

کسانی که تلاش می کردند لفظ «امام» خمینی را ترویج کنند، امروز عقب گرد کرده اند

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در دیدار با اعضای شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی که به مناسبت سالگرد شهدای مؤتلفه اسلامی صورت گرفت، با یادآوری هدف انقلاب اسلامی، اظهار داشت: هر چند لازمه تشکیل نظام اسلامی، تأمین مسائل اقتصادی جامعه است، اما باید توجه داشت که مهمترین معضل و مسأله در کشور ما، اقتصاد و مادیات نیست، بلکه همان هدفی است که به خاطر آن، انقلاب صورت گرفت.

عضو خبرگان رهبری افزود: اگر قرار بود مشکل اصلی ما، اقتصاد و مادیات باشد، که در این صورت اگر انقلاب نمی‌کردیم، بهتر بود، چرا که در آن زمان نه تحریمی دامن گیر ملت ایران بود و نه مشکل انرژی هسته‌ای داشتیم و الآن در وضعیت پیشرفته تری بودیم، چرا که از همان زمان قراردادهایی برای صنعت هسته‌ای منعقد شده و در حال اجرا بود. وی با اشاره به اینکه، انقلاب اسلامی، انقلابی با ماهیت فرهنگی بود و نه اقتصادی، اظهار داشت: فرهنگ همان باورها و ارزش‌هایی است که زیربنای رفتارهای آدمی است و هر آسیبی که تا کنون به ما رسیده، از همین ناحیه بوده است.



رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار داشت: تکیه کلام امام(ره)، از روز اول نهضت، اسلام بود و اگر زمانی هم بر می‌آشفت، به خاطر این بود که برای اسلام احساس خطر می‌کرد و این نگاه تا آخرین لحظات عمر امام(ره) ادامه داشت، اما برخی مسئولین کم‌کم اسلام را فراموش کردند، به نحوی که وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، قید اسلامی را قیدی تشریفاتی تلقی کرده بود و بزرگترین دستاورد فرهنگی وزارت متبوع خود را آزادی می‌دانست که متأسفانه نمونه‌ای از چنین سخنانی را در وزیر فعلی و همکارانشان نیز شاهد هستیم.

عضو خبرگان رهبری با اشاره به این‌که این عده باور ندارند که اسلام عامل سعادت دنیا و آخرت است و محتوای اسلام، فرهنگی است، اظهار داشت: برخی از افراد همواره شعار داده و دائم از لفظ «مقام معظم رهبری» دم می‌زنند، اما در عمق دل، اصلا ولایت‌فقیه را قبول ندارند، بلکه عمیقا باور دارند تنها راه نجات بشریت، ایدئولوژی لیبرال و دموکراسی لیبرال است، هر چند در این قالب، دین هم محدود به نماز، روزه، سینه زنی و روضه‌خوانی می‌تواند، وجود داشته باشد.

این استاد اخلاق حوزه علمیه افزود: این که شخصی بگوید عده‌ای دین را نمی‌شناسند و متوهم هستند، در همین مسأله ریشه دارد. چون این عده، دین خود را با الهام از فرهنگ غربی تفسیر می‌کنند و شناخت آنها نسبت به دین، به گونه‌ای نیست که امام(ره) آن را معرفی کرد. بله، ما دینی را که آن‌ها می‌گویند، نمی‌شناسیم، ما دینی را می‌شناسیم که امام(ره) به ما یاد داده است و برای آن انقلاب شده و خون‌های زیادی به خاطر آن فدا شده است. رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) با اشاره به گذشت بیش از ۳۵ سال از انقلاب اسلامی بر لزوم آسیب شناسی فرهنگی در این زمینه تأکید و خاطر نشان کرد: بسیاری از کسانی که در طول نهضت، منبرها رفته و سخنرانی‌ها کردند، قلم زده و مقاله‌ها نوشتند، زندان رفته و شکنجه‌ها شدند، عقب گرد کرده اند! حتی به یاد دارم اولین کسانی را که سعی می کردند در سخنرانی هایشان در مسجد اعظم قم یا تهران، حتی با استدلال به آیات قرآن، عنوان امام را برای امام خمینی(ره) ترویج کنند و امروز برخی از آنها برگشته‌اند.

علامه مصباح یزدی در ادامه افزود: بعد از گذشت ۳۵ سال از انقلاب اسلامی، عده‌ای فرهنگ را همان ساز و تنبور می‌دانند و پیشرفت در هنر را ساخت فیلم‌هایی می‌دانند که بتوانند در جشنواره‌های غربی پذیرفته شوند، ولو این‌که فیلمسازان آن و محتوای فیلم ها، ضد اسلام و انقلاب اسلامی باشد.

ایشان با اشاره به این‌که با چند منبر رفتن و سخنرانی نمی‌توان فکر چنین افرادی را عوض کرد، افزود: اگر قرار بود با سخنرانی و نوشتن مقاله، تفکرشان عوض شود، بهترین نمونه، سخنرانی‌های موجود امام(ره) و صحیفه امام است، که نه تنها بر آن‌ها اثر نمی‌گذارد، بلکه سعی دارند تا ریشه تفکرات امام را بزنند. همان گونه که به صورت تلویحی و با گفتن این‌که برخی مسائل که در اول انقلاب صورت گرفت، درست نبود و یا انقلابی بودن به معنای بالا رفتن از دیوار نیست، برخی تصمیمات و مواضع امام(ره) را اشتباه می‌دانند و مثلا تسخیر لانه جاسوسی را کاری بسیار اشتباه می‌دانستند و مواضع امام(ره) در این قضیه را زیر سئوال می‌برند. وی ادامه داد: وقتی افرادی مبانی دینی خود را سال‌ها در حوزه‌های علمیه شناخته‌اند، و با چند سال حضور در آمریکا یا انگلیس، این چنین تغییر کرده‌اند، چگونه می‌توان انتظار داشت که با چند سخنرانی تفکرشان عوض شود؟ البته آن‌ها دشمن قسم خورده اسلام نیستند، اما فکرشان عوض شده و اتفاقا دشمن هم وقتی زمینه را مساعد دیده، روی فکر آن‌ها کار کرده است، لذا دین را به گونه‌ای تفسیر می کنند که در راستای تفکرشان است.

کاری را که خاتمی نتوانست، نکنید

زیر لحاف اعتدال چه می گذرد

جواد کریمی قدوسی

جواد کریمی قدوسی نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی در صحن علنی خطاب به رئیس جمهور اظهار داشت: آقای روحانی از شما می‌خواهیم به موضع خودتان عمل کنید، دولت را دولت حاشیه‌سازی نکنید، در مجلس و خارج از آن هیچ کس قصد حاشیه‌سازی ندارد. وی افزود: جناب آقای روحانی به بعضی از مواضع شما در نشست سالن وزارت کشور و نشست مطبوعاتی روز گذشته، ملت و نخبگان نقدهای دلسوزانه دارند، خوب است دقت بفرمایید و اطلاح کنید، در نشست خبری شما بیشتر حضور رسانه‌های دولتی پررنگ بود و رسانه‌های منتقد شما حضور نداشتند، می‌خواستند بیایند، اما به آنها گفته شد که جا نداریم که نوعی اعتراض به رفتار سیاسی و اجتماعی شما بوده است. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس خاطرنشان کرد: تکذیب، تخریب و تهدید که در تاریخ عملکرد ریاست جمهوری‌های گذشته کم سابقه بوده است، عصبانی شدن، پرداختن به حاشیه‌ها، پای نهادهای ملی را به میان کشیدن و الفاظ فاقد محتوای فرهنگی که با آنها منتقدان شما توسط خودتان یا رسانه‌های حامیتان مورد تهاجم قرار گرفته است، الفاظی از قبیل افراطی‌ها، بی‌شناسنامه‌ها، شهروندان درجه دو، دلواپس‌ها، بیسوادها، اصل حجری‌ها، از جای خاص تغذیه شونده ها، اقلیت ها، به پشت سر نگاه کن‌ها، دین‌نشناس‌ها، آخرت‌نشناس‌ها و زمین‌خورده‌ها، آیا اینها از سر انصاف است؟

وی تصریح کرد: آقای روحانی بودجه رسانه‌های دولتی را که جمع می‌کنیم بالغ بر صدها میلیارد تومان است، بودجه رسانه‌های حامی شما هم بالغ بر همین رقم است، این بماند و اضافه شود به حمایت از رسانه‌های خارجی، کجای این رویه مظلوم نمایی دارد و چند رسانه و روزنامه منتقد خود را تخریب می‌کنید و یا آنها را تهدید به دادگاه می‌کنید. کریمی قدوسی ادامه داد: آقای روحانی واقعیت امر این است که شما از جمع کثیری که آنها را اقلیت می‌دانید واهمه دارید، از منطق آنها می‌ترسید، قدرت پاسخگوی به مواضع منطقی و خردمندانه و دلسوزانه و انقلابی آنها را ندارید، بنابراین با فرار به جلو دست به تخریب و تکذیب و تهدید آنها زده‌اید.

نماینده مشهد اضافه کرد: آقای روحانی در یک سال گذشته ۱۹ لایحه به مجلس فرستادید، شما قول دادید که در ۱۰۰ روز اول اقدامات اساسی برای رفع مشکلات را انجام دهید، در یک سال گذشته حتی یک لایحه برای حمایت از اقتصاد مقاومتی به مجلس نداده‌اید، فقط دو لایحه شامل بودجه ۹۳ و اصلاح بودجه ۹۲ در این بودجه بوده است، می‌گویید پایه پولی را افزایش نداده‌اید، چرا از مردم پنهان می کنید؟ ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار از صندوق ذخیره توسعه گرفته‌اید، در حالی که درآمد وصول نشده بوده و آن را به تبدیل به ریال کردید و عملا پایه پولی را افزایش دادید و با این توجیه کارگاه بزرگ مسکن را به رکود کشاندید.

وی بیان کرد: جناب آقای روحانی برخورد دوگانه شما اینجا معنا پیدا می‌کند که در دیدار با پرسنل وزارت اطلاعات می‌گویید در یک کشور یک پرچم است، یک رهبر است، بعضی دیگر از افراطیون واقعی دم از ارزش‌ها و اطاعت از ولایت می‌زنند، ولی در عمل ژست اپوزیسیون می‌گیرید، ملت عزیز می‌داند که اگر در اداره کشور در مواضعی و مقاطعی و موضوعاتی مشکل دارند و گرفتاریشان رفع نشده ریشه در ولایت گریزی بعضی از مقامات و خواص دارد.

عضو کمیسیون امنیت ملی افزود: آقای روحانی می‌گویی انتظار یک بینش و روش است، آیا بنا ندارید بر اساس رساله دکترای خود در دانشگاه گلاسکوی انگلیس که در موضوع تعطیلی احکام شریعت اسلامی ارائه دادید و اطلاعات مهمی را از حوزه فقه و فقاهت در اختیار انگلیسی‌ها قرار دادید، با شعار اعتدال، فرقه‌گرایی جدیدی پایه‌گذاری کنید، یک بار و برای همیشه بگویید زیر لحاف اعتدال چه می‌گذرد؟

وی خاطرنشان کرد: آقای روحانی فتنه طرح براندازی بوده، کودتای سیاسی بود، یک اختلافات شخصی نبود که شما می‌خواهید مسئله آن را پاک کنید و انتصابات دولت خود را که عمدتا از اصحاب فتنه می باشند توجیه کنید، از عجب است که اسم این اقدامات را اعتدال می‌گذارند، افراطیون را به مسند قدرت بر می‌گردانند، طلبکار ملت هم هستند، می‌گویند به پشت سر خودتان نگاه نکنید، عده‌ای کارشان این است که به پشت سرشان نگاه کنند، می‌ترسند به زمین بخورند.

کریمی قدوسی ادامه داد: آقای روحانی چرا برخورد دوگانه؟ چرا خودتان دائم به دولت پشت سر نگاه می‌کنید و عدم تحرک و تصمیم‌سازی و ریسک‌پذیری که لازمه هر دولت است با سیاه‌نمایی گذشته به فراموشی می‌سپارید؟

وی افزود: آقای روحانی تاریخ یعنی عبرت، یعنی نگاه به پشت سر، یعنی درس‌گیری از گذشته برای آینده، چرا می‌خواهید عدم تحرک خود و دولت خود را که نتوانسته‌اید تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کنید و لازمه را برای خروج از اقتصاد از رکود داشته باشید به پای نهادهای عمومی می گذارید؟ چرا تهدید می‌کنید که در آینده حرف‌هایی می‌زنم، از مواضع شما بر می‌آید که در آینده نزدیک می‌خواهید به نهادهای مقدس حماسه‌ساز و مدافعان راستین این ملت حمله کنید، کارهایی که آقای هاشمی و خاتمی نتوانستند انجام دهند شما می‌خواهید انجام دهید؟بدانید که اگر آن روز برسد، شما یکسره تمام مشروعیت خودتان را از دست خواهید داد.

نمی شود نشست و تماشا کرد



و بی گمان اگر داعش بیاید و در سامرا
جولان دهد
بعضی وزیرهای علوم
در بعضی نقاط جهان
بی خیال داعش و کربلا
در کار مهره چینی خود هستند
منظور من شاید وزیر علومی باشد در
بورکینوفاسو
و بی گمان اگر داعش بیاید و در نجف
جولان دهد
بعضی وزیرهای خارجه بعضی نقاط جهان
همچنان لبخند می زنند و
از هفت روز هفته شان شش روز را با پنج
بعلاوه یک سپری می کنند
منظورم وزیر خارجه جایی ست مثل گینه
بیسلو
و بی گمان اگر داعش بیاید و در کربلا
جولان دهد
بعضی پریزیدنت های بعضی کشورها
دنبال صحبت تلفنی با خادم الحرمین
شریفین‌اند
تا بلند بگویند تقبل الله یا شیخ
و از کنار ماجرای سامرا یک جور بگذرند
منظورم رییس جمهور سابق چچنستان است
اصلا به شعر چه
بگذار سیاست بر میز مذاکرات همچنان
لبخندبزند
تا از خنده روده بر بشود
بگذار دیرالزور را به زور بگیرند
ما تلافی اش را در دانشگاه های مان در
می آوریم
تا جبهه اصلاحات برنده شود فردا
تا اصحاب فتنه برگردند
و داعش ایرانی شکل بگیرد
نمی شود نشست و تماشا کرد داعش را
و داعش های وطنی را
که اوضاع جهان را مساعد می بینند
هشت روزش را
با پول های آزاد شده ما
پپسی می خورند.

نمی شود نشست و تماشا کرد
که جای یاوری قدس
حالا
مسلمانان چچن و هشتاد جای دیگر
سر محافظان حرم را می برند
در سوریه
در سامرا
نمی شود نشست و تماشا کرد
که هر روز سرها بر نیزه می شود
و شیخ آل سعود
برای رفع ضعف قوه بائش هر روز
سوسمارهای داعش را روانه بیابان می کند
نمی شود نشست و تماشا کرد
که دیپلماسی ما دهانش تا بناگوش باز است
و معلوم نیست به کی لبخند می زند
اصلا گور پدر پنج بعلاوه شش
می خواهم سر به تنش نباشد
شش بعلاوه ی هفت
تمام اینها دروغ است
و حقیقت همین کربلاست
همین حسین شهید است
همین امام غائب ماست
که دنبال رد پایش
اصحاب دجال
به سامرا رسیده اند

طالبان و داعش دروغ اند
تمام شان از شکمبه شاه عربستان بیرون
زده اند
تمام شان از آروغ شاه نفت اند
باید شلیک کرد
با گلوله
با شعر
با فریاد
با اعزام بچه های بسیجی
و شام داعش را سیاه کرد
باید داعش را تجزیه کرد
و چهار حرفش را شکافت و بیرون ریخت
حرف نخست داعش
ترکیب دزدی است و دنائت با دیپلماسی
غربی
و دومین حرفش محصول مشترک
دوقلوهای به هم پیوسته امریکا و اسرائیل
است
و حرف بعدی آن
عربستان است با شاه بی خردش
که شوت است و شراب وسوسه های شیطان
را نوشیده است
نمی شود نشست و تماشا کرد
فردا دوباره جام جهانی است
و فرصت دوباره شیطان هاست
که حمله کنند با داعش هاشان
با توپ های واقعی و داورهای دیپلمات شان
که حمله کنند با فوروارد طالبان و با هافبک
های سپاه ابرهه و مربیان اسرائیلی
و پول شاه خرفت عربستان
که بگذرند از دروازه کربلا و سامرا
نمی شود نشست و تماشا کرد
حالا این خط و این نشان
نمی شود نشست و تماشا کرد
تدبیر را و امید را
که مدتی ست
فقط می خندد و لام تا کام
حرفی نمی زند.

علیرضا قزوه

روحانی مچکریم!

◆ قابل توجه مدافعان آزادی شبکه های مجازی دشمن: سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا رسما از پیوستن این سازمان به شبکه های اجتماعی "توئیتر" و "فیس بوک" خبر داد/ سازمان سیا: هدف از این اقدام، تلاش برای انتقال بهتر پیام ها و مشارکت مستقیم با مردم است/ **روحانی مچکریم**

◆ تاکید اصلاح طلبان بر سهم خواهی از روحانی/ محمدعلی ابطحی: کسانی که بر سر کناره‌گیری عارف از انتخابات تلاش کردند می توانستند قبل از توافق شرایط ائتلاف را ببندند/ اگر در روند توافق بر سمت معاون اولی و برخی وزارتخانه ها توافق می کردند بهتر بود/ **روحانی مچکریم**

◆ سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: مذاکرات با ایران محرمانه باقی میماند اما به نظر نمی رسد سازنده بوده باشد/بیشتر تحریمها بدون تغییر باقیمانده حتی تحریم های بیشتری وضع کرده ایم/ **روحانی مچکریم**

◆ آملی لاریجانی در همایش دکترین مهدویت: اینکه می گویند نباید با زور افراد را به بهشت ببریم ناشی از تفکر لیبرالی و مدرنیته است/ **روحانی مچکریم**

◆ قابل توجه مدافعان آزادی شبکه های مجازی دشمن: فیسبوک صفحه "کمپین آزادی های همیشگی "که در برابر کمپین آزادی یواشکی و برای معرفی پیشرفت زنان محجبه ایرانی ایجاد شده بود، را حذف کرد/ **روحانی مچکریم**

◆ اعضای کنگره در نامه ای به اوباما: تحریم های ایران تنها بخاطر برنامه هسته‌ای وضع نشده که با توافق هسته ای، لغو شود/ تحریم ها بخاطر موشک های بالستیک، برنامه سلاحهای نامتعارف و حمایت از تروریسم وضع شده اند/ **روحانی مچکریم**

◆ رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا: بازرسی ها از تاسیسات هسته ای ایران باید۲۰ سال ادامه یابد/ توافق با ایران باید شامل نابودی هزاران سانتریفیوژ، حذف اورانیوم های غنی شده و تعطیلی رآکتور اراک باشد/ **روحانی مچکریم**

◆ سعید حجاریان: داستان انتخاب روحانی هم مانند احمدی نژاد شد و می توان گفت پیش بینی ناپذیر بود/ روحانی فاقد مکانیزمی برای پاسخگویی و ارتباطات اجتماعی است، ناهماهنگی در ستاد او زیاد است/ **روحانی مچکریم**

◆ علی رغم اطلاع دولت از مواضع مراجع تقلید، مولاوردی، معاون رییس جمهور در امور زنان، در فیسبوک: مراتب اعتراض و ناامیدی نسل جوان از ممنوعیت ورود زنان به سالن مسابقات والیبال را به هیئت دولت اعلام کردم/ **روحانی مچکریم**

◆ احمد شیرزاد: رحمانی فضلی راننده قدری برای لوکوموتیو وزارت کشور نیست/ اگر شخص لاریجانی وزیر کشور بود وضع ما از این بهتر بود/ **روحانی مچکریم**

این ترویج خرافه گرایی نیست؟ حسن روحانی: مهدی جان؛ از خرداد پارسال ملت ما خرافه ها را زدود/ (به دلیل رأی آوری خودش) ملت ما در برابر خرافه گرایان از امام عصر عذر خواهی کرد/ **روحانی مچکریم**

◆ عضو کمیسیون انرژی: بنزین وارداتی بدون شناسنامه وکیفیت است/ دستور ابتکار برای واردات بنزین عجیب است/ عده ای قصد تخطئه خودکفایی را دارند/ **روحانی مچکریم**

◆ برخی سوابق رئیس جدید دانشگاه بوعلی همدان: اعطای مجوز برگزاری "رفراندوم نمادین قانون اساسی" دردانشگاه و به تشنج کشیده شدن و تعطیلی دانشگاه/ ناامنی در دانشگاه و حمله با قمه به یک دانشجوی دختر درکلاس درس/ برگزاری اردوهای مختلط و جنجالی دفترتحکیم درکیش/ **روحانی مچکریم**

◆ در مجلس طی یک سال ۳۴۲۶ تذکر و ۶۳۸سئوال از دولت یازدهم/ رئیس جمهور و وزیر راه بیشترین تذکرو سئوال و وزیردفاع کمترین تذکرو سئوال را گرفته اند/ حضور مسئولان اجرایی درصحن علنی کاهش یافته/ **روحانی مچکریم**

◆ لیلاز:حتما اشتباهات بزرگی در دوران هاشمی صورت گرفته/جریان چپ غیراز انتقاد کار دیگری نمی کرد/ **روحانی مچکریم**

◆ آیت الله مکارم شیرازی: حتی اگر در اقلیت هم قرار بگیریم، حرف خود را می زنیم وکاری نداریم که برخی می گویند نباید درباره حجاب و ماهواره صحبت کنیم/ ماهواره خانواده ها را متلاشی کرده، مبلغان باید اینها را بگویند/ **روحانی مچکریم**

◆ هاشمی رفسنجانی:عقل سلیم به فکر فیلترینگ نیست/ برخی قدرت را حق مادر زادی خود می دانند/ زن ایرانی را نمی توان با سخنانی که ناشی از جهالت است، خانه نشین کرد/ بستن دریچه های ارتباطات نتیجه معکوس می دهد/ **روحانی مچکریم**

◆ وزیر ارشاد درخصوص بازگشایی انجمن منحله روزنامه نگاران: دولت مشکلی با بازگشایی آن ندارد/ هیئت نظارت بر مطبوعات تا الان جنبه چماق داشته وبیشتر دنبال لغو پروانه و توقیف و تذکر بوده / **روحانی مچکریم**